



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

نشریه آینده پژوهانه

Tehran Chamber  
of Commerce, Industries  
Mines and Agriculture

Ayandeenegar

شماره بیست و سوم

آذر و دی ۱۳۹۲ • ۷۶ صفحه

ISSN: 2322-3316

# آینده نگر

## جهان تو در تو و اقتصاد پیچیده

چشم انداز اقتصاد جهان در ۲۰۱۴

به روایت مجمع جهانی اقتصاد داووس

بررسی روندهای:

تعمیق شکاف نابرابری در آمدی

بیکاری ساختاری پایدار

از بین رفتن اعتماد به سیاست های اقتصادی

بسط طبقه متوسط در آسیا

اهمیت فزاینده کلان شهرها

### معمای بودجه در ایران

پرونده ای به مناسبت تقدیم لایحه بودجه ۹۳

با آثاری از:

عوض محمد پارسا | ابراهیم بهادرانی | اسماعیل جلیلی

محمد رضا بهرامن | محمد حسین برخوردار | مرسل صدیق

غلامرضا تاجگردون | جعفر قادری | محمد رضا پورا ابراهیمی

### ترک خوردن تحریم ها پس از ژنو

با آثاری از:

سید غلامحسین حسن تاش | سید مهدی حسینی | رضا پدیدار

محمد رضا نجفی منش | محمد کشتی آرای | فریال مستوفی

به همراه میزگردی با حضور:

موسی غنی نژاد | مسعود خوانساری | سید حمید حسینی

WORLD  
ECONOMIC  
FORUM



### بازگشت ثبات و آغاز بازسازی

میزگرد آینده نگر برای بررسی ابعاد اقتصادی گزارش صدروزه

با حضور محمد رضا صالحی | محمد رضا نجفی منش | فاطمه دانشور

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

www.tccim.ir



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی  
نشریه آینده پژوهانه

آینده نگار



شماره بیست و سوم  
آذر و دی ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
مدیر مسئول: عبدالله کاشانی موحد

اعضای شورای سیاست گذاری: محمدرضا بهرامن، احمد ترک نژاد، سید محمود حسینی  
محمود دودانگه، علی اکبر صابری، امیر مانیان، موسی غنی نژاد، محمدصادق مفتاح  
علیرضا میرمحمد صادقی، حسین نقره کار شیرازی

با نظارت: دکتر سید محمود حسینی  
رئیس مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

امور اجرایی: سارا محمدی  
آتلیه طراحی: امیرمحمد لاجورد، رضا دولت زاده  
نظارت فنی چاپ: حسن آقایی زاده  
لیتوگرافی: نقش سبز  
چاپ و صحافی: پروین

نشانی: خیابان خالداسلامبولی، شماره ۸۲  
تلفن: ۸۸۷۲۶۷۵۲ نمابر: ۲-۸۸۷۲۰۴۶۱  
نشانی الکترونیک: [researchcenter@tccim.ir](mailto:researchcenter@tccim.ir)

مقالات مندرج در آینده نگار الزاما مطابق دیدگاه نشریه نیست  
و بازتاب دهنده نظر نویسندگان آنها است.

Ayandegar  
Tehran Chamber  
of Commerce, Industries  
and Agriculture  
No.23 January 2014



**نگران ابزارهای لازم  
برای تحقق بودجه هشتم  
گفت و گویا  
ابراهیم بهادرانی  
۲۴**



**ترک خوردن تحریم‌ها مهمترین دستاورد زانو بود  
تأثیر توافق زانو بر اقتصاد ایران در میزگرد  
آینده‌نگر با حضور موسی غنی‌نژاد، مسعود  
خوانساری و سیدحمید حسینی  
۳۶**



**بازگشت ثبات و آغاز بازسازی  
توافق زانو و تأثیرش بر اقتصاد در میزگرد  
آینده‌نگر با حضور محمدرضا صالحی، محمدرضا  
نجفی‌منش و فاطمه دانشور  
۱۲**

**تفرقه در یورو  
به کجای می‌رسد؟  
مارسل فرانتزسر و هانس  
ورتر سین در میزگرد  
لتیپیگل  
۴۸**



**چشم‌انداز اقتصاد جهان  
در ۲۰۱۴  
به روایت مجمع  
جهانی اقتصاد داووس  
۵۱**

**اولین خمس درآمد را در  
۹ سالگی دادم  
علی محمدرجالی  
بنیانگذار گروه تولیدی  
صنعتی ظرف مصور  
۶۶**



**دیپلماسی و اقتصاد**

- ۳۶ ترک خوردن تحریم‌ها مهمترین دستاورد زانو بود / میزگرد آینده‌نگر با حضور موسی غنی‌نژاد، مسعود خوانساری و سیدحمید حسینی
- ۴۱ نفت پس از زانو / سید غلامحسین حسن‌ناش
- ۴۲ روزنه در دیوار تحریم‌ها / سیدمهدی حسینی
- ۴۲ دیپلماسی انرژی و انرژی دیپلماسی / رضا پدیدار
- ۴۴ گام‌هایی به سوی توسعه / محمدرضا نجفی‌منش
- ۴۴ نگاه صنعتی جایگزین سوداگری / محمد کشتی‌آرای
- ۴۵ تغییر از فضای روانی تافضای واقعی / فریال مستوفی

**دهکده جهانی**

- ۴۶ در اضطرابِ حساب‌های دارایی / نظرسنجی بلومبرگ از اقتصاد جهان
- ۴۸ تفرقه در یورو به کجای می‌رسد؟
- ۵۰ آیا کار بیشتر منجر به اقتصاد سالم‌تر می‌شود؟

**گزارش راهبردی**

- ۵۱ چشم‌انداز اقتصاد جهان در ۲۰۱۴ به روایت مجمع جهانی اقتصاد داووس
- ۵۲ آینده دنیای پیچیده / کلاوس شوآب
- ۵۳ پیش‌بینی از چهار گوشه جهان / مارتینا گمور
- ۵۳ آینده چراغ راه آینده / درو گیلپین فاوست
- ۵۴ تعمیق شکاف نابرابری در آمدی
- ۵۶ بیکاری ساختاری پایدار
- ۵۸ از بین رفتن اعتماد به سیاست‌های اقتصادی
- ۶۰ بسط طبقه متوسط در آسیا
- ۶۲ اهمیت فزاینده کلان‌شهرها

**آینده‌پژوهی**

- ۶۴ آینده‌شناسی و روندهای آینده / فاضل لاریجانی
- ۶۶ **تجربه کار آفرین**  
اولین خمس درآمد را در ۹ سالگی دادم / گفت‌وگو با علی محمد رجالی بنیانگذار گروه تولیدی صنعتی ظرف مصور

**راهنمای مدیران**

- ۶۹ ۵۰ نیکوکار برتر
- ۷۳ توصیه‌هایی که سرسری نیستند / اریک پالی
- ۷۳ شبیه‌سازی در کنار مصاحبه / اندی دان
- ۷۴ ثروتمندترین‌های آفریقا

**دیباچه**

- ۴ بی‌توجهی رفتاری ما و اثر پروانه‌ای

**یادداشت‌ها**

- ۵ نقشه‌راه نجات‌دهنده دولت است / علی نقیب
- ۶ به چه سادگی، رشته‌ها پنبه می‌شوند / توفیق مجدپور
- ۷ در ضرورت روایت برنامه‌ها / مجیدرضا حریری
- ۸ بیمه به جای یارانه‌ها / محمدجعفر صادقی پناه
- ۸ در ضرورت معاونت کار آفرینی / سیده فاطمه مقیمی
- ۹ اجتناب از برخورد جزیره‌ای / فرامرز خیبری
- ۱۰ همدلی راه حل مشکلات / محمدطیبیان

**گفتگوی خبری**

- ۱۲ بازگشت ثبات و آغاز بازسازی / میزگرد آینده‌نگر برای بررسی ابعاد اقتصادی گزارش صد روزه با حضور محمدرضا صالحی، محمدرضا نجفی‌منش و فاطمه دانشور

**یادداشت‌های خارجی**

- ۱۶ تریلیونر شدن آیا ممکن است؟ / الیوت هین
- ۱۸ بد و خوب ماندلا / جان کسیدی
- ۱۹ سناریویی برای سرمایه‌داری اخلاقی / پیتر سینگر

**پرونده ویژه: بودجه ۱۳۹۳ در مجلس**

- ۲۰ معمای بودجه در ایران
- ۲۳ نگاه درآمدی به نفت / عوض محمد پارسا
- ۲۴ نگران ابزارهای لازم برای تحقق بودجه هشتم / گفت‌وگو با ابراهیم بهادرانی
- ۲۸ بودجه انبساطی و حساب مالیاتی / هادی بهروز زنوز
- ۲۹ در ستایش واقع‌بینی دولت / اسماعیل جلیلی
- ۳۰ سند جهش بزرگ به پیش / محمدرضا بهرامن
- ۳۰ سیاست‌های انقباضی / محمد حسین بر خوردار
- ۳۲ مطالبات بخش خصوصی در خلاء / مرسل صدیق
- ۳۳ تکلیف یارانه روشن نیست / غلامرضا تاجگردون
- ۳۴ بودجه ۹۳ جسور نیست / جعفر قادری
- ۳۴ کیفیت فدای سرعت / محمدرضا پور ابراهیمی

# بی‌توجهی رفتاری ما و اثر پروانه‌ای

ضرورت توجه ما به آن‌هاست. جامعه ما کجاست؟ در منطقه پرتنش خاورمیانه که سایه جنگ در چند دهه گذشته هیچ‌گاه از روی سرش برداشته نشده است و طی دهه گذشته، شاهد چهار جنگ مهم با هزاران میلیارد دلار خسارت و میلیون‌ها نفر کشته و زخمی بوده، از لیبی و تونس گرفته تا مصر و یمن و سوریه و عراق و افغانستان و پاکستان و نیز سرزمین‌های اشغالی، شاهد این درگیری‌ها فزاینده بوده‌ایم و از همه بدتر آن که این منطقه به مهم‌ترین و شاید تنها منبع فعالیت‌های تروریستی در جهان تبدیل شده، جنایاتی که در آن در حال رخ دادن است در گذشته کم‌سابقه اگر نگوییم بی‌سابقه بوده است و نمونه آن جنایات سلفی‌ها در سوریه است که تخم کین و نفرت را می‌پراکنند. نکته مهم‌تر برای ایران تبدیل شدن تدریجی این درگیری‌ها به اختلافات و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی است. در مورد بیکاری همین بس گفته شود که در میان بسیاری از کارشناسان اقتصادی و اجتماعی ایران این اتفاق نظر وجود دارد که مهم‌ترین معضل فعلی ما، حتی مهم‌تر از تورم؛ بیکاری است و از همه بدتر این که دست ما برای حل این مشکل چندان باز نیست، زیرا اقتصاد کشور در شرایط رکود تورمی قرار دارد که در تاریخ شش دهه اخیر کشور بی‌سابقه است. رشد منفی اقتصاد در دو سال گذشته و کاهش شدید درآمدهای نفتی همراه با تورم بالای ۳۵ درصد؛ در کنار ضرباتی که سایر وجوه نظام اقتصادی ما متحمل شده، از جمله افزایش رتبه فساد و کاهش رتبه شاخص‌های کسب و کار، نشان می‌دهد که از این حیث نیز باید به هوش باشیم. شکاف‌های درآمدی در ایران به دلیل پرداخت یارانه‌های نقدی تا حدی بهبود یافت، ولی از آنجا که این کار همراه با رشد اقتصادی نبوده، اثرات مثبت آن از طریق تورم شدید در حال خنثی شدن است و تداوم این وضع ممکن است در آینده نه چندان دور موجب تعمیق این شکاف حتی نسبت به گذشته شود و از رقم ۴۰ درصد هم بیشتر گردد. در خصوص اهمیت کلان‌شهرها اشاره به این نکته کافی است که معضلی به نام زندگی در تهران به مرحله‌ای رسیده که طرح انتقال پایتخت در مجلس مطرح شده است. طرحی که به جای حل مسأله، درصدد دور زدن آن یا پاک کردن صورت مسأله است. و بالاخره تغییرات زیست محیطی و بحران آب شاید خطراتش حداقل در میان و بلند مدت کمتر از سایر موارد نباشد، زیرا بیکاری و شکاف درآمدی را می‌توان با اتخاذ تصمیماتی حل کرد، ولی تغییرات آب و هوایی و تأمین آب به این سادگی نیست، اگر نگوییم که در برخی موارد غیرقابل حل است. همین حالا زنگ خطر بحران آب در خوزستان

وضعیتی کنونی منطقه خاورمیانه و حتی کل جهان بی‌ارتباط با نظریه آشوب (chaos) نیست. نظریه مشهوری که بر اساس آن ممکن است در یک سوی دنیا پروانه‌ای به پرواز درآید و اثرات آن چنان عظیم و پیش‌بینی نشده باشد که در آن سوی جهان توفانی بر پا کند. بطور طبیعی باورپذیری این گزاره سخت است و به احتمال فراوان هم دقیق یا حداقل به این صورت موجود قابل سنجش و پیش‌بینی نباشد، ولی دو ویژگی در پشت این نظریه خوابیده که شایان توجه است؛ اول پیوستگی و تاثیرگذاری متغیرها و عوامل در هر سطحی به یکدیگر است و دیگر این که تغییرات به ظاهر کوچک هم می‌تواند منشأ تحولات و تغییرات بزرگی شود، و غفلت از این دو نکته می‌تواند ما را دچار خسارت‌های ناخواسته‌ای کند. نظریه آشوب برای نوعی از سیستم‌های دینامیکی و پویا طرح می‌شود که هدف آن بحث درباره جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در این پدیده‌های پویا است. در این نوع سیستم‌ها اگر مانند یک موجود زنده عمل نکنیم و قدرت سازگاری و انطباق‌پذیری لازم را از خود نشان ندهیم، دیر یا زود از میان خواهیم رفت. این مقدمه کوتاه گفته شد تا به گزارش مجمع جهانی اقتصاد از سال ۲۰۱۴ و رفتار خودمان در ایران اشاره کنیم.

مجمع جهانی اقتصاد (داووس) اخیراً مطالعه‌ای را درباره چشم‌انداز برنامه جهانی ۲۰۱۴ به انجام رسانده است (خلاصه‌ای از این گزارش در این شماره آینده‌نگر تقدیم شده) که به جای نگرش‌های بلند مدت، بر مسائل کوتاه و یا میان مدت تمرکز کرده است. مسائلی که بسیار ملموس‌تر و عینی‌تر هستند. ولی نکته مهم این پژوهش آن است که مورد اتفاق‌ترین گزاره آن، تداوم تنش‌های اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و تأثیرپذیری محیط داخلی و پیرامونی از این تنش‌ها است.

برخی از مهم‌ترین مسائلی که در مطالعه مذکور مورد اشاره قرار گرفته است و به نحوی مرتبط با آینده و سرنوشت کشور ما نیز می‌شود عبارت‌اند از: تنش‌های سیاسی اجتماعی در منطقه، بیکاری ساختاری و پایدار، تشدید شکاف نابرابری‌های درآمدی، تغییرات زیست‌محیطی و آب و هوایی و اهمیت فزاینده کلان‌شهرها. وضعیت ایران در همه این موارد به خوبی گویای اهمیت و



بسیاری از کارشناسان اقتصادی و اجتماعی ایران معتقدند که مهم‌ترین معضل فعلی ما، حتی مهم‌تر از تورم؛ بیکاری است و که دست ما برای حل این مشکل چندان باز نیست، زیرا اقتصاد کشور در شرایط رکود تورمی قرار دارد.

# نقشه راه نجات‌دهنده دولت است

گزارش به مردم: فرصتی برای  
پایان دادن به آلودگی فضای کسبوکار



■ علی نقیب  
عضو هیات  
نمایندگان اتاق  
تهران

گزارش صد روزه آقای روحانی ریاست محترم جمهور اگرچه به واشکافی علت و علل وضعیت نابه‌سامان اقتصاد در کشور پرداخت و شاید موجبات دل‌نگرانی بیشتر عامه مردم از چگونگی رهایی از این وضعیت را به همراه داشت و راه دشوار عبور از این مرحله نشان داد، اما واقعیت این است که شناخت واقعیت‌ها همراه با داشتن برنامه و نقشه‌راه صحیح می‌تواند امیدواری به عبور از این وضعیت را در پی داشته باشد. در سال‌های گذشته فعالان اقتصادی با معضلات شدید اقتصادی از جمله عدم ثبات قیمت ارز و مواد اولیه، عدم همکاری بانک‌ها در ارائه تسهیلات و یا خدمات بانکی و دخالت‌های غیر کارشناسی دولت در امر تولید و توزیع و عدم ثبات بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی دولت روبه‌رو بوده‌اند، که این امر به همراه مشکلاتی چون رانت‌های اطلاعاتی و آلودگی‌های فضای کسبوکار موجب کند شدن فعالیت‌های اقتصادی و در برخی موارد مختل شدن آن شده است.

بدون تردید برآمدن دولت تدبیر و امید، فعالان اقتصادی را به عبور از این وضعیت و ایجاد ثبات اقتصادی قوانین و بهبود مقررات فضای کسبوکار امیدوار کرده است. خروج از رکود تورمی و بالا رفتن قدرت خرید مردم در گرو تولید ثروت ملی و توزیع عادلانه آن است و تولید ثروت نیز جز با رشد تولید ملی و رشد اقتصادی حاصل نخواهد شد. کارگروه اقتصادی دولت تدبیر و امید باید ابتدا نقشه‌راه را ترسیم کند تا به همراه آن مسیر خروج از معضلات و رسیدن به یک وضعیت ثبات اقتصادی را همراه داشته و آرامش فکری برای فعالان اقتصادی به وجود آید.

به دولت یازدهم پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های ثبات و آرامش را در اقتصاد به وجود آورد تا امکان سرمایه‌گذاری و تولید به وجود آید. ثبات سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در همه زمینه‌ها از جمله قوانین، بخشنامه‌های دولت، نرخ ارز و دیگر موارد می‌تواند در این میان کارساز باشد. از سوی دیگر تکیه بر اصول عرضه و تقاضا در بازار و رقابتی بودن تولیدات در کنار پرهیز از تصدی‌گری دولت در اقتصاد و اجرایی کردن اصل ۴۴ در شرایط کنونی کشور راهگشا است. همچنین دولت باید تلاش کند تا ضمن کوچک شدن دستگاه‌های دولتی در راستای هرچه کمتر شدن بروکراسی حاکم بر ادارات اقدام کند. تعیین اولویت‌های نسبی اقتصادی کشور و جهت دادن فعالان اقتصادی به سمت آن از طریق تشویق و حمایت‌های لازم نیز از دیگر پیشنهادها برای دولت جهت هدمند کردن فعالیت‌های اقتصادی است.

به هر شکل دولت واقعیت‌های تلخی را در گزارش صد روزه خود برای مردم روایت کرده که تا پیش از این اطلاعات جزئی آن تنها در اختیار اهل صنعت و تولید بود. حالا دیگر نه تنها صنعت‌گران در جریان واقعیت‌های اقتصادی جامعه قرار دارند که مردم نیز پی به مسائل و حاشیه‌ها برده‌اند. در میان گذاشتن مسائل اقتصادی به زبان ساده به مردم، امکان اعتمادسازی جامعه به دولت و همراهی‌های بعدی را به وجود می‌آورد.

و نیز کاهش سطح آب‌های زیرزمینی کشور و تهران، به‌علاوه سایر آلودگی‌های زیست محیطی به صدا درآمده است.

۳

در چنین شرایطی ممکن است که هر اتفاق کوچکی در یکی از بخش‌های پیش‌گفته عوارض بزرگی را در کل جامعه ایران ایجاد کند، زیرا سایر بخش‌ها توانایی و پایداری لازم برای جذب و هضم اثرات تخریبی پیش‌بینی نشده را ندارند. در این میان، مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ به یکی از مهم‌ترین بسترهای رفتاری ایرانیان برای برون‌شدن نسبی از این وضعیت آشوب‌ناک تبدیل شده است، این مذاکرات در حالی رخ می‌دهد که به طرز قابل توجهی کشورهای طرف گفتگوی ایران نیز برای رسیدن به یک توافق مطلوب، در وضعیت الزام‌آوری قرار دارند، هر چند بخشی از کشورهای منطقه مثل اسرائیل و به ویژه عربستان منافع خود را در همراهی با این مذاکرات تعریف نمی‌کنند و می‌کوشند که با سنگ‌اندازی مانع از به ثمر رسیدن آن شوند ولی آنچه که در نهایت تعیین‌کننده سرنوشت این مذاکرات است، نه مخالفت‌های این دو کشور یا کشورهای دیگر، بلکه اتحاد و همدلی همه نیروهای داخلی با تمرکز کردن بر مسائل اصلی پیش‌گفته و کوشش برای عبور از این وضعیت غیرقابل پیش‌بینی است که تعیین‌کننده نهایی موفقیت این مذاکرات است.

۴

به جز حمایت از تیم مذاکره‌کننده ایران با گروه ۱+۵، یکی از اولین مواردی که این اتحاد و همدلی را به محک آزمون می‌گذارد، بحث لایحه بودجه سال آینده کشور است که از سوی دولت برای بررسی به مجلس تقدیم شده است. بدون تردید این لایحه و ارقام مندرج در آن واجد اشکالاتی هستند، دلیل آن نیز بسته بودن دست دولت در تدوین لایحه بودجه‌ای است که انتظارات همه را برآورده کند. وضعیت تورم سال گذشته و سال جاری در کنار کاهش شدید درآمدهای نفتی و نیز رشد منفی اقتصاد، جملگی موجب گردیده که انعطاف‌پذیری متغیرهای مالی و اقتصادی موجود، از میان برود، ضمن آن که دولت نتوانسته یا نخواسته که برنامه خود را در باره دوم هدفمندی یارانه‌ها همراه بودجه ارائه نماید و به طور طبیعی ادامه این طرح به صورت موجود امکان‌پذیر نیست و انجام مرحله دوم آن نیز کل ساختار بودجه‌ای را دستخوش تغییر می‌کند. علی‌رغم این مشکلات، وجود جهت‌گیری‌های مثبت در لایحه بودجه آن را از بودجه سال‌های اخیر متمایز می‌کند و این انتظار و امید را ایجاد می‌کند که در سال آینده شاهد توقف رشد منفی اقتصاد باشیم و حتی با رشد ۳ درصدی نیز مواجه شویم. حمایت همه نیروها و نهادهای مرتبط با اقتصاد و سیاست از دولت، ضمن بیان نظرات اصلاحی، نه تنها می‌تواند ریل قطار اقتصادی را عوض کرده و در مسیر رشد قرار دهد، بلکه نگاه کشورهای مذاکره‌کننده با ایران را نیز تغییر می‌دهد و حس احترام به حقوق مردم ایران را در آن‌ها زنده خواهد کرد و در این صورت می‌توان اطمینان یافت که کشورهای مخالف ایران نیز در نحوه تعامل خود تجدید نظر خواهند کرد. و تنها در این صورت می‌توانیم شاهد فصل نوینی از پیشرفت ایران در منطقه باشیم و از اثرات ویرانگر پروانه‌های این منطقه آشوب‌ناک در امان باشیم.

دولت واقعیت‌های  
تلخی را در گزارش  
صد روزه خود  
برای مردم روایت  
کرده و حالا دیگر  
نه تنها صنعت‌گران  
در جریان  
واقعیت‌های  
اقتصادی جامعه  
قرار دارند که مردم  
نیز پی به مسائل و  
حاشیه‌ها برده‌اند.

آینده

شماره بیست و سوم / آذر و دی ۹۲

# به چه سادگی، رشته‌ها پنبه می‌شوند

درباره نوع نگاه و اولویت‌های کارگزاران دولتی اقتصاد نسبت به «بخش خصوصی»  
و نتیجه آن در رتبه جهانی کسب‌وکار ایران



■ توفیق مجدپور  
عضو هیات  
نمایندگان اتاق  
تهران



به یک بررسی  
و آسیب‌شناسی  
جدی و  
کارشناسی  
نیازمندیم تا تکلیف  
شرکت‌های دولتی  
شبه خصوصی  
یا شرکت‌های  
خصوصی شبه  
دولتی را روشن  
کنیم



به راستی چه اندازه کارگزاران دولتی در حوزه اقتصاد کشور، نسبت به عملیاتی ساختن اصل ۴۴ و توسعه دامنه حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی و برون‌سپاری فعالیت‌های غیرحاکمیتی در بخش تولید و خدمات، به بخش خصوصی، جدیت و اهتمام دارند؟ و چنانچه، مغایر با تمام حمایت‌های گفتاری و نوشتاری و رسانه‌ای در حمایت از فعالیت بخش خصوصی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، واقعیتی آشکار و نقض آن گفتارها دیده شود، آیا اقدامی در

جهت محو و حذف آن می‌توان انتظار داشت؟ در آخرین و جدیدترین گزارش بانک جهانی، از فضای کسب‌وکار جهان، در میان ۱۸۹ کشور، رتبه کشور ما ۱۵۲ شده است. در گزارش پیشین، رتبه ۱۴۴ را بین ۱۸۵ کشور داشته‌ایم. آیا مرجعی در کشور وجود دارد که به این موضوع توجه کند و در صدد شناخت چرایی و علت آن باشد؟ آیا این مرجع، تلاش خواهد داشت تا سهم خطای برنامه‌ها و اقدام‌های کارگزاران دولتی اقتصاد ما را هم، در کنار

خطاهای احتمالی بانک جهانی در تعیین رتبه ما، مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار دهد؟ و آیا می‌توان انتظار داشت که روزی برسد تا پرونده این یک بام و چند هوا در نگاه مسئولان نسبت به فعالان اقتصادی بخش خصوصی کشور و شرکت‌های خصوصی وابسته به دولت یا همان شرکت‌های «خصولتی» بسته شود؟ و مسئولان از منظر غیرجانچی در ترجیح قایل نشدن بین شرکت‌های دولتی و شرکت‌های هم‌مانند در بخش خصوصی به این دو ساختار بنگرند؟

مطابق گزارش جدید بانک جهانی سنگاپور برای هشتمین سال متوالی بهترین رتبه را داشته و مالزی برای نخستین بار به عرصه ده کشور برتر، راه جسته است و متاسفانه ما، با ۷ رتبه کاهش از ۱۴۴ به ۱۵۲ رسیده‌ایم. مقایسه اولیه و بسیار ساده، گویای سنگینی خاصی است که بر دوش ما قرار گرفته است. آیا واقعاً اقتصاد ما در این سطح است که با ماداگاسکار و مالی و توگو، در یک ردیف بنشیند و با آن‌ها همسایه شود!

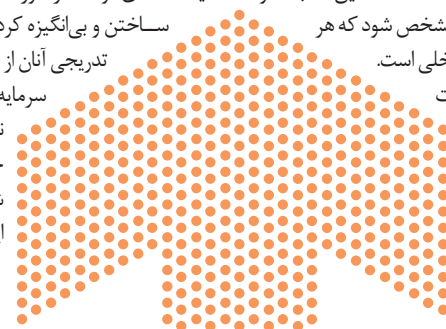
طبعاً، «قصدهی» به جایی نیست و صرفاً «قصده‌تذکری» به خود ماست. تذکر از این زاویه که آیا این کشورها و کشورهای دیگری چون عراق و الجزایر و سودان که همسایه ما در این رتبه‌های پایین هستند، از حیث شاخص‌های بنیادی اقتصادی، هم‌چون درآمدهای ارزی، زیرساخت‌های اقتصادی، سرمایه‌های صنعتی، سرمایه‌های انسانی تحصیل کرده اعم از زن و مرد، موقعیت جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی در بازارهای منطقه‌ای و ثبات سیاسی، تنوع آب و هوایی و زیرساخت‌های اولیه کشاورزی (زمین و آب)، تنوع در تولید محصولات کشاورزی، باغداری و خشکبار، منابع تولید انرژی، منابع کانی، میادین گسترده نفتی و گازی، مسیرهای دریایی و توانمندی‌های ترانزیت جاده‌ای و ریلی، صنایع دستی (فرش و...)، تولید مصالح ساختمانی، کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی، تولید محصولات پتروشیمی و ... با ما در یک کلاس قرار می‌گیرند که در رتبه‌های پایین، با آن‌ها، هم‌کلاس شده و در رتبه پایینی نشسته‌ایم؟ کشور کره جنوبی در مسیر راهبردهای توسعه‌ای، پنج، شش سالی دیرتر از ما شروع به اقدام کرده است اما اکنون و در کنار گرجستان و نروژ، پس از مالزی، در رتبه هفتم ایستاده است. این کشور و با دو سال تاخیر زمانی با کشور ما در ورود به صنعت خودرو، قادر شده است تا پراید خود را جانشین پیکان ما سازد و با تولیدات پیشرفته و مدرن خود، بازارهای مصرف جهانی را در طیف کاملی از تنوع، تامین نماید. ساده‌ترین خواست فعالان صنعت ملی ما همواره آن بوده است تا روزی شاهد ترجیح خودرو اقتصادی تولید داخل بر هر خودرو هم‌کلاس خارجی خود باشد که متاسفانه و در جانشین‌سازی با پیکان هم، موفق به تحقق این آرزو نمی‌شود. شاخص‌های مرتبط با سنجش سهولت در کسب‌وکار، هیچ ارتباطی منطقی و عملیاتی با متغیرهای بیرونی ندارند و عملاً محصول عملکرد خود ما هستند. برای شناخت بیش‌تر این موضوع، کافی است تا مصادیق سنجه‌ها و شاخص‌های ارزیابی را مرور داشته باشیم تا به خوبی مشخص شود که هر معیاری از این سنجش، معیاری به طور جامع و کامل داخلی است.

برای نمونه شاخص شروع کسب‌وکار نمایانگر تعداد دفعات مراجعه یک متقاضی، مدت زمان، هزینه و حداقل آورده برای ثبت یک فعالیت اقتصادی است. رتبه ایران در این شاخص ۱۰۷ است. در شاخص «اخذ مجوز برای ساخت»، نیز ما در رده ۱۶۹ قرار داریم

که سنجه‌های آن عبارتند از تعداد دفعات مراجعه متقاضی برای اخذ مجوز ساخت یک تولید و یا شروع یک فعالیت تجاری و خدماتی. دقیقاً و به همین گونه، سایر شاخص‌های ده‌گانه نیز به شرایط داخلی کشورها بازمی‌گردد و به طور اساسی هیچ ربطی به مسایل بیرونی و فشارهای قدرتهای خارجی ندارد.

حال مساله اصلی آن است که چرا با این همه بوق و کرنا در حمایت از فعالان بخش خصوصی اقتصادی و چرا با این همه ید و بیضای سازمان‌ها و تشکیلات ایجاد شده برای حرکت ماشین بخش خصوصی، به کوچ‌های بن‌بست رسیده‌ایم؟ چرا نتیجه طرح‌ها و برنامه‌ها طی دهه گذشته، کسب رتبه ۱۵۲ بوده و به همین سادگی، تمام رشته‌ها، پنبه شده است؟ به هر تقدیر در رتبه‌بندی اخیر، سنگاپور در جایگاه نخست قرار دارد و پس از آن، به ترتیب، کشورهای هنگ‌کنگ، نیوزلند، ایالات متحده آمریکا و دانمارک قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، کره جنوبی، گرجستان و نروژ در جایگاه هفتم و هشتم و نهم ایستاده‌اند. بریتانیا نیز با اندکی فاصله با نروژ در جایگاه دهم است. آنچه با قطعیت می‌توان گفت این است که ما به یک بررسی و آسیب‌شناسی جدی و کارشناسی نیازمندیم. آن نوع از بررسی کارشناسانه که به جای «علول‌ها»، علت‌ها را در هدف کارشناسی خود بگیرد. ضرورت دارد تا تکلیف شرکت‌های دولتی شبه خصوصی یا شرکت‌های خصوصی شبه دولتی را روشن کنیم؛ ما به واقع این نوع از شرکت‌ها، با ماهیتی دولتی اما با رویه‌های خصوصی تاسیس شده‌اند تا از قواعد دست‌وپاگیر دولتی رهایی یابند. ماهیت دوگانه آن‌ها با کفه‌ای سنگین‌تر، به نفع نهادهای دولتی و در تضاد با علت وجودی بخش خصوصی است، چه آن که در عمل، اتفاقی مغایر با اصول تأیید شده در بازار آزاد صورت می‌گیرد. اصولی به مانند: دسترسی یکسان فعالان به داده‌های اقتصادی و حذف رانت اطلاعات؛ حذف حمایت‌های جانبدارانه و ترجیحی از شرکت‌های دولتی شبه خصوصی در برابر شرکت‌های خصوصی به ویژه در حوزه فعالیت‌های همانند که هم شرکت‌های دولتی و هم شرکت‌های خصوصی، فعالان اقتصادی آن را تشکیل می‌دهند؛ اجازه گردش آزاد اطلاعات در چرخه بازار فعالیت‌های حرفه‌ای؛ حمایت از اصل رقابت کامل میان تمامی فعالان؛ و عدم مداخله دولت در فرایندهای مرتبط با فعالیت.

در مغایرت آشکار با قواعد فوق و اثبات وجود حمایت‌های جانبدارانه می‌توان به سیاست‌های دوگانه در حوزه حمل و نقل دریایی اشاره کرد که حاصلش جز محدود ساختن و بی‌انگیزه کردن فعالان بازار خصوصی حمل و نقل دریایی و حذف تدریجی آنان از این بازار نبوده است. هدف از سیاست دولت‌ها در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، تلاش در جهت کاهش قیمت نهایی کالاهایی است که به دست مردم می‌رسد. حال اگر، حمایت‌های یک جانبه نهادهای دولتی از شرکت‌های دولتی باعث حذف رقابت و انحصارگرایی این نوع از شرکت‌ها شود، نقض غرض شده و عملاً



# در ضرورت روایت برنامه‌ها

## دولت باید در برنامه‌های تلویزیونی بیشتر از هدف‌ها و برنامه‌های پیش‌رو بگوید



■ مجیدرضا حریری

رئیس کمیسیون  
تجارت اتاق تهران



دولت در پایبندی  
به برخی میراث  
به جای مانده از  
دولت پیشین باید  
شفاف‌سازی کرده  
و مشخص کند  
که آیا بنا دارد بر  
همان مسیر برود  
یا تغییر مسیر  
دهد.

گزارش صد روزه دولت یازدهم به‌رغم ادعای برخی، واجد سیاه‌نمایی نبود و خوانشی ساده از وضعیت خزانه و اقتصادی بود که دولت آقای روحانی آن را از محمود احمدی‌نژاد تحویل گرفته است. این گزارش فی‌نفسه واجد اطلاعات خوبی برای مردم بود و توانست شرایط واقعی وضعیت منابع مالی در اختیار دولت را ترسیم کند. لازم بود تا رئیس‌جمهور در تلویزیون حاضر شود و جزء به جزء از میراثی بگوید که حاصل سکوت و عدم نظارت همه‌جانبه در دولت‌های نهم و دهم بوده است. چه بخواهیم و چه نخواهیم واقعیت این است که اکنون از خزانه خالی گرفته تا انواع مشکلات اقتصادی، پیش‌روی تیم اقتصادی دولت قرار دارد و آنها هم راهی ندارند جز اینکه برای حل آن چاره‌ای بیندیشند. اما فارغ از اولین گزارش صد روزه، بهتر است که دولت شیوه گزارش‌دهی به مردم را تغییر داده و زین پس وارد فاز روایت برنامه‌ها شود. بدون شک این مسئله که اطلاعات و داده‌های اقتصادی از تریبون صداوسیما به گوش همگان برسد، سطح اعتماد جامعه به دولت را بالا خواهد برد اما نکته این است که نباید این شکل از ارایه گزارش برای دولت به یک سنت تبدیل شود.

به‌شخصه مخالف گزارش‌دهی‌های کوتاه‌مدت هستم و این شیوه از اطلاع‌رسانی را چندان راهگشا برای دولت و مردم نمی‌دانم. دولت باید قادر باشد این گزارش‌ها را از طریق رسانه‌های مختلف به اطلاع شهروندان رسانده و در برنامه‌های تلویزیونی بیشتر از هدف‌ها و برنامه‌های پیش‌رو بگوید. مشخصاً اینکه مردم دقیقاً می‌خواهند بدانند دولت برای رفع برخی معضلات اقتصادی از بیکاری گرفته تا فقر دامن‌گیر چه برنامه‌هایی در ذهن دارد. از سوی دیگر دولت در پایبندی به برخی میراث به جای مانده از دولت محمود احمدی‌نژاد باید شفاف‌سازی کرده و مشخص کند که آیا بنا دارد بر همان مسیر برود یا تغییر مسیر دهد. برای نمونه در اجرای فاز دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها موانع بیشماری پیش‌روی دولت قرار دارد و بهتر است که دولت در مورد جزئیات این مسائل با مردم سخن بگوید.

سیاست‌گذاری‌هایی که وزارت صنعت، معدن و تجارت در ۱۰۰ روز نخست دولت یازدهم اتخاذ کرده، واجد اقدامات مثبتی بوده که از سوی نهادهای تخصصی اقتصادی چون اتاق‌های بازرگانی حمایت می‌شود. اینکه مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت در مدت ۱۰۰ روز نخست فعالیت دولت یازدهم، آزادسازی اولویت‌بندی کالاها را در دستور کار فوری قرار داده، جای تقدیر دارد. اولویت‌بندی برخی از کالاها که در دولت قبل صورت گرفته بود، نشان‌گر این مسئله بود که مسئولان وقت به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کردند به طوری که چای جزو کالاهای مشمول اولویت ۱۰ نبود اما کالایی مانند قهوه را در این فهرست جای داده بودند. با وجود تهدید وزیر صنعت به استیضاح از سوی برخی از نمایندگان، قضاوت بخش خصوصی درباره تصمیم‌های ایشان تا به اینجای کار مثبت بوده است. به ویژه اینکه در حذف ایران‌کد و طرح شبنم، تصمیم آقای نعمت‌زاده بر کاهش موانع پیش‌روی بخش خصوصی بوده چراکه سیاست‌های غلطی مانند طرح شبنم باعث کاهش رشد اقتصادی شده است تا جایی که از جمله دلایل رشد منفی ۵٫۸ درصد در سال گذشته همین اجرای طرح شبنم بوده است. از طرف دیگر در حال حاضر شاهد افزایش نرخ بیکاری در کشور هستیم که دو برابر میانگین جهانی است و از طرفی نیز شاخص فلاکت از سال ۸۴ تا سال ۹۲ به دو برابر افزایش یافته است. سیاست‌های نادرست و فرمایشی دولت قبل برای بخش خصوصی موجب شد تا صنعت و تولید تا حدودی از رونق افتاده و به تبع آن فضای کسب‌وکار و اشتغال آسیب جدی ببیند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در بخش اقتصاد نیازمند نگاهی به دور از سخت‌گیری‌ها و مبتنی بر مشورت با کارشناسان و اهل فن است. دولت یازدهم تا به اینجای کار تاحدودی مشورت با کارشناسان را پیشه خود ساخته و امید است که به مرور، رویکرد جدی‌تری نسبت به همکاری با بخش صنعت در دولت یازدهم شکل گیرد.

به جای تعیین نرخ‌های رقابتی در حمل و نقل، نرخ‌های دستوری جانشین آن خواهد شد. نرخ‌ها که سبب می‌شود تا کالای نهایی، گران‌تر به دست مصرف‌کننده برسد. متأسفانه و در حوزه حمل و نقل دریایی، عملاً چنین موضوعی اتفاق افتاده آنچنانکه: در پی مراجعه به سازمان توسعه تجارت به منظور ثبت سفارش کالا، این سازمان واردکنندگان کالا را برای حمل بار خود به شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی هدایت می‌کند. با مراجعه فرد به شرکت کشتیرانی جمهوری و یا شرکت‌های تابعه، از صاحبان کالا یا صاحبان پروفورم، می‌خواهند تا تعهدنامه‌ای را امضاء کنند با محتوایی دال بر این معنا که اگر، حمل کالای سفارش شده را به کشتیرانی جمهوری اسلامی و یا احدی از شرکت‌های تابعه واگذار نکنند، مسوولیت هرگونه عواقب ناشی از عدم واگذاری حمل کالای مورد سفارش به کشتیرانی جمهوری اسلامی را خواهند پذیرفت. علاوه بر این، در این تعهدنامه آمده است که کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مجاز خواهد بود ضمن گزارش و پیگیری حقوقی موضوع عدم واگذاری حمل کالای سفارش شده به شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی به مراجع ذیربط، عملاً از صدور مجوز ثبت سفارش نیز در موارد آتی جلوگیری کند. مفاد فوق، مندرجاتی تعجب‌برانگیز از یک سو و تاسف‌آور از سوی دیگر است. تعجب‌برانگیز از این بابت که مرجع و منشأ قانونی یا حقوقی چنین الزامی کجاست که این چنین حکمی را صادر می‌کند، و تاسف‌آور از این منظر که این چنین راهبردی، مغایر با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و دور از برنامه چشم‌انداز بیست ساله کشور به نظر می‌رسد.

اقتصاد بازار آزاد یک سیستم اقتصادی است و در این سیستم فعالیت‌های اقتصادی با مکانیزم بازارهای آزاد هدایت می‌شود. یعنی به جای بازارهای برنامه‌ها که در آنها هدایت بازار توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد، در اقتصاد بازار آزاد، هیچ هماهنگ‌کننده‌ای به صورت متمرکز، عملیات را هدایت نمی‌کند بلکه این هدایت از طریق خودسازماندهی بر تعامل عرضه و تقاضا و قیمت‌ها حاکم می‌شود. در غیاب قوانین بازار آزاد، متأسفانه در پی شکل‌گیری چنین فرایندهایی، شاهد نتایج نامطلوبی خواهیم بود همچون: افزایش قیمت حمل بار که منجر به افزایش قیمت نهایی کالا می‌شود؛ افزایش قیمت نهایی کالا که سبب می‌شود تا خریداران نهایی کالا و یا همان مصرف‌کنندگان اصلی، هزینه بیشتری بپردازند؛ و در نهایت این که: پرداخت هزینه‌های بیشتر، جامعه را آرام آرام با خطر فقر پنهان و آشکار مواجه می‌سازند.

وقتی بخش خصوصی هم نوع با فعالیت شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران نتواند در یک فضای برابر با شرکت‌های بهره‌مند از رانت اطلاعات، رانت انحصارگری و رانت حمایتی به رقابت بپردازد، آرام آرام از شبکه حرفه‌ای حذف می‌شود و به کنار می‌رود. فرایندی که در نهایت منجر به شکل‌گیری انحصارات رانتی می‌شود. این همه در حالی است که اگر شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، یک شرکت خصوصی است، ضرورت دارد تا شائبه هر نوع حمایتی از آن از بین برود. مشابه اقدامی چون اقدام سازمان توسعه تجارت، عملاً باید اجازه دهند تا این شرکت نیز در یک فضای رقابتی، توانمندی خود را در عرصه کار حرفه‌ای نشان دهد. اقدامی این چنین سبب می‌شود تا هزینه حمل و نقل در یک فضای رقابتی تعیین شود و نفع و سود حاصله، نصیب مصرف‌کننده نهایی و جامعه شود. مزید بر آن، سبب می‌شود تا بازار کسب‌وکار در یک فضای رقابتی، رونق فعالیت خود را در تلاش‌های مدیریتی‌اش جست‌وجو کند و سطح تعادل قیمت از طریق فضای رقابتی به دست آید و نه با تعیین نرخ‌های دستوری.

تصور کنید که یک تولیدکننده کالا و خدمات در حوزه بخش خصوصی، با سختی و مشقت که در ایجاد کسب‌وکار وجود دارد، موفق شود کسب‌وکاری را راه‌اندازی کند. چگونه می‌تواند امیدوار به ماندن و پایداری حرفه‌اش باشد وقتی که هر آن امکان دارد تا در پرتو حمایت‌های رانتی از شرکت دولتی رقیبش، مجبور به ترک کسب‌وکار خود بشود؟ با این چنین الزام‌ها و تعیین تکلیف‌هایی، همواره شاهد حضور کارگزاران اقتصادی دولت در زیربخش‌های تصدی‌گری خواهیم بود. حضوری که مانع کاهش سطح تصدی‌گری دولت خواهد بود. حرکت در مسیر خلاف فرایندهای طبیعی حوزه اقتصاد و فضای کسب‌وکار، دارای اثرات تدریجی و آرامی است که آسیب‌های آن را در محصول نهایی، مصرف‌کننده نهایی، قیمت نهایی کالا و خدمات، بازده‌ها و ارزش‌های نهایی و خلاصه در رتبه‌های رونق یا رکود می‌توان جست‌وجو کرد. این اثرات، ناشی از بیماری‌های اینچنینی هستند که اقتصاد و فضای کسب‌وکار را در تولید کالا و خدمات، در خفا آسیب می‌رسانند.

# بیمه همگانی به جای یارانه‌ها

جهت‌گیری و عملکرد دولت یازدهم در صد روز دوم چه می‌تواند باشد؟



■ محمدجعفر صادقی‌پناه  
مدیرعامل شرکت کنسرسیومی معدن‌کاری خصوصی و عضو هیات‌مدیره خانه معدن ایران

دولت یازدهم سکان هدایت کشور را در شرایط بحرانی در دست گرفت و آگاهانه با شعار اعتدال و امید، مسئولیت سنگینی را عهده‌دار شد. در مدتی که از آغاز به کار دولت گذشته است جهت‌گیری‌های مناسب و کارهای مثبتی انجام شده و در برخی موارد هم هنوز اقدام مشهودی صورت نگرفته است. اما نکته مهم این است که جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های مناسب و منطقی اعلام شده چگونه از سوی دولت دنبال خواهد شد تا به نتیجه مطلوب برسد. تغییرات مثبت و مهمی که تاکنون صورت گرفته، به ایجاد امید و نشاط در جامعه منجر شده و ارائه دیدگاه‌ها و برنامه‌های منطقی و منطبق با خواست عمومی مردم را به دنبال داشته است. در حال حاضر ایجاد خوش‌بینی در داخل و همچنین اقدام برای بهبود رابطه با دنیای خارج و تغییر نگرش جهان به ایران، به یک باور و هدف عمومی در میان اهالی صنعت درآمده که حفظ این باور عمومی امری دشوار و البته ارزنده است. احیای اخلاقی از الزامات بنیادی و سخت‌ترین و پیچیده‌ترین برنامه‌های دولت است. هر چند دولت در این مسیر شعار داده اما تاکنون هیچ اقدام مشهودی در این رابطه صورت نگرفته است. علاوه بر آن، حذف بوروکراسی، کاهش تصدی‌گری دولتی و هدفمند کردن واقعی و بهینه بارانها نیز همچنان در قالب شعار باقی مانده است. گذشته از مقدمه فوق، تحلیل عملکرد دولت از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... در حوصله این نوشتار نیست و در این مجال تنها از دیدگاه اقتصادی و به صورت مختصر برخی موارد مهم طرح و بررسی می‌شود. در حال حاضر کشور برای توسعه و رسیدن

به درجه‌های بالاتر توسعه‌یافتگی نیاز به هدف‌گیری و برنامه‌ریزی کلان دارد که سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از این جمله است. با وجود اینکه کشور ایران از وسعت مناسب، منابع طبیعی گوناگون و موقعیت سوق‌الجیشی خاص برخوردار بوده و همیشه نیروی انسانی هوشمند آن توانایی بالقوه برای کشور به شمار می‌آمده، اما متأسفانه تا به امروز برای استفاده بهینه از این نعمت خدادادی اقدام مناسب صورت نگرفته است. از جمله اقدامات زیربنایی برای توسعه اقتصادی فعال کردن منابع درآمدی است. در این نوشتار قرار است به مواردی از این اقدامات زیربنایی که دولت در آنها جهت‌گیری کرده، اشاره شود. دومین اقدام زیربنایی هم «کنترل مصارف» است که راه‌کارهای فرهنگی در این مسیر می‌تواند راه‌حل اصلی باشد.

## احیای سازمان بر نامه و بودجه

برنامه‌ریزی ملی برای کل کشور لازمه اقدامات زیربنایی است و برای این منظور می‌بایست سازمان برنامه و بودجه احیاء شود. باید از کارشناسان مجرب و خارج از تیم دولت پیشین در سازمان برنامه و بودجه استفاده شود. نخستین وظیفه و برنامه دولت، شناسایی پتانسیل‌های موجود در سراسر کشور یا همان آمایش سرزمین است. لازم است علاوه بر منابع نفت و گاز، نسبت به شناسایی منابع کمتر شناخته شده، مانند ذخایر و منابع مواد معدنی، منابع آبی و زمین‌های قابل کشت و همچنین مناسب برای کشت اقدام شود. بدون شک برای شناسایی تمامی پتانسیل‌های بالقوه به زیرساخت‌های ضروری نیاز است که باید در

برنامه‌ریزی توسط سازمان مذکور و دولت لحاظ شود و اجرای برنامه‌ها به بخش خصوصی واگذار شود. سازمان برنامه و بودجه نباید درگیر کارهای تصدی‌گری شود، بلکه پیشنهاد می‌شود سازمان برنامه از همان ابتدا اموری مانند تشخیص صلاحیت و رتبه‌بندی و ارزشیابی شرکت‌ها و موسسات خدماتی را برون‌سپاری کرده و به تشکلهای صنفی و تخصصی بسپارد. نباید اشتباهاتی که در گذشته انجام شده، تکرار شود.

## حفظ محیط زیست و توسعه پایدار

باید حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و میراث فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مدنظر قرار گیرد ولی نباید به جای حل مسأله، صورت مسأله پاک شود؛ مسأله‌ای که در حال حاضر در بسیاری از موارد به صورت افراطی صورت می‌گیرد و در موارد دیگری اصلاً رعایت نمی‌شود. حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به هیچ وجه نباید مانع و مزاحمی برای شناسایی پتانسیل‌ها و منابع و ذخایر خدادادی در کشور قلمداد شود. باید در سراسر کشور امکان شناخت ذخایر و منابع فراهم بوده و برداشت و استفاده از این منابع خدادادی و درآمدزا باعث افزایش تولید و اشتغال و توسعه عمران و آبادانی در سراسر کشور خواهد شد. لازم است تا تمام ضوابط و معیارهای زیست محیطی در اجرای چنین طرح‌های توسعه‌ای لحاظ شده و خسارت‌های حداقلی به طبیعت وارد شود. در مقابل اقدامات جایگزین و احیاء پس از برداشت صورت گیرد.

## افزایش تولید و رفع موانع تولید

مهم‌ترین رکن توسعه اقتصاد، تولید بیشتر است و



# در ضرورت معاونت کار آفرینی

سیاست‌هایی که اقتصاد را به مسیر درست خود هدایت خواهد کرد



■ سیده فاطمه مرقمیه عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

رشد اقتصادی یک کشور در گرو وجود منابع مناسب برای فعالیت‌های تولیدی و صنعتی است. با وجود وضعیت نه‌چندان مساعد اقتصادی کشور ایران، دولت یازدهم می‌تواند از منابع انسانی و نیروی فعال در کشور بهره‌مند شود تا موجبات رشد اقتصادی خود را فراهم کند. جامعه ایران هم مانند بسیاری از کشورها با تجربه روابط در هم تنیده سیاست و اقتصاد مواجه است و به همین دلیل برداشتن گام‌های مثبت اقتصادی بدون اتخاذ سیاستی پویا در داخل و دیپلماسی‌ای فعال در عرصه بین‌الملل امکان‌پذیر نیست. مبتنی بر این تجربه آنچه این روزها از سوی دولت یازدهم در دستور کار قرار گرفته شده، حل برخی مسائل بین‌المللی و تعدیل سیاست‌هایی است که در سال‌های گذشته به اقتصاد و سیاست ما لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است.

بنابراین قضاوت درباره برنامه‌های اقتصادی دولت آقای روحانی را نمی‌توان به همان گزارش صد روزه خلاصه کرد بلکه باید روح برنامه‌ریزی‌های این دولت را مورد واکاوی قرار داد. دولت یازدهم میراث نامبارکی از دولت‌های پیش به یادگار گرفت و تصحیح

این میراث انرژی فراوانی از مسئولان دولتی خواهد گرفت. حسن روحانی و کابینه‌اش به این سادگی‌ها قادر نخواهند بود با آثار و تبعات مفاسد اقتصادی رایج در کشور، پول‌های از دست رفته و کارخانه‌های رو به ورشکستگی مواجه شده و آن را مدیریت کنند. بیکاری‌های فراگیر به دنبال عدم شد تولید و تعدیل نیروی انسانی در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها از دیگر مسائلی است که دولت یازدهم در ابعاد اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه است.

قضاوت درباره عملکرد دولت یازدهم تا به اینجای کار به جز قضاوتی وجدانی و منصفانه راه به جایی نخواهد برد، چراکه این دولت، دولت پر از عیب و ایرادی را به ارث برده که با انبوهی از مشکلات دست به گریبان است.

تاکنون مشخص شده است که مشاوران و تیم اقتصادی دولت از ظرفیت خوبی برخوردار هستند و این امیدواری وجود دارد که آنها بتوانند دولت را در مسیر دشوار پیش‌رو حمایت کرده و به سمت اجرایی کردن برنامه‌ها سوق دهند. برخی نشانه‌های



هدف‌گیری برای تولید بیشتر، تصمیمی درست و اصولی است که دولت یازدهم هم آنها را در دستور کار قرار داده، اما باید تمام جوانب امر در نظر گرفته شود. برای تولید تنها باید روی بخش خصوصی تاکید شود و فضا برای فعالیت بخش خصوصی فراهم شود؛ هم برای بخش خصوصی داخلی و هم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی. از سوی دیگر پیشنهاد می‌شود که دولت بهبود فضای کسب‌وکار را در دستور کار خود قرار دهد. همچنین تامین امنیت سرمایه‌گذاری مورد تاکید است، چنانچه نخستین و مهمترین شرط توسعه اقتصادی ایجاد فضای مناسب سرمایه‌گذاری است. هم برای سرمایه‌گذاری داخلی و مهم‌تر از آن برای سرمایه‌گذار خارجی. نیازمند تغییر دیدگاه و رویکرد هستیم و باید بتوانیم سرمایه‌گذاری خارجی را با تمام توان و اعتقاد و عزم پیش ببریم. توجه به ایجاد اشتغال و رفع بیکاری از دیگر نکاتی است که باید از سوی دولت مورد تاکید قرار بگیرد. بزرگترین معضل اقتصادی حال حاضر جامعه ما بیکاری است که روزبه‌روز هم رو به افزایش است. البته راه‌حل اساسی هم همان توجه به سرمایه‌گذاری و تولید و ایجاد فضای لازم و انگیزه جذاب برای سرمایه‌گذاری است. آزاد کردن تدریجی قیمت‌ها هم می‌تواند در قالب یک سازوکار مدیریت شده اتفاق بیفتد، چنانچه برای پیوستن به WTO و نیز رشد و بالا رفتن کیفیت تولید و پایین آمدن قیمت تمام شده و امکان بر خور داری از شرایط رقابت در جهان امروز، نباید هیچ کنترل و عوارضی روی قیمت‌ها باشد. از سوی دیگر درست نیست که دولت روی تولیدکننده اعمال فشار کند، مگر در موارد خاص. بنابراین به تدریج قیمت‌ها در همه موارد باید آزاد شده و به بازار سپرده شود. موارد دیگری نیز در این زمینه قابل توجه است که از جمله آن می‌توان به ایجاد تسهیلات کم بهره در کنار سرمایه‌گذاری و برای سرمایه‌گذار، حذف بروکراسی اداری، کاهش تصدی‌گری دولتی تا حذف کامل آن، توجه به تشکلهای و همفکری و تعامل با

بخش خصوصی و اصلاح قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اشاره کرد. بدیهی است برای قانونی کردن تمامی اقدامات و عناوین ذکر شده، نیاز به اصلاح قوانین و مقررات است. پیشنهادهایی که جهت اجرایی شدن موارد گفته شده ارائه می‌شود نیز این قرار است: نخست اینکه دولت باید کوچک شود و بودجه جاری به حداقل ممکن تقلیل یابد تا برای پروژه‌های عمرانی - که الزاماً می‌بایست با سرمایه‌گذاری حاکمیتی صورت گیرد - بودجه لازم در نظر گرفته شود. چشم‌انداز ایده‌آل این است که «دولت چابک» و کوچک، سیاست‌گذاری نکند. این امر هم تنها به کمک بدنه فعلی دولت امکان‌پذیر است.

دوم اینکه کارمند دولتی نمی‌تواند غیر از وضع موجود و چیزی که سال‌ها به آن عادت و فکر کرده به چیز دیگری ببندیشد. بنابراین تهیه پیشنهادی اصلاحیه‌ها در مورد قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها باید به تشکلهای بخش خصوصی سپرده شود. این تشکلهای به‌طور رایگان و با انجام کار کارشناسی بهترین اصلاحیه‌ها را تنظیم خواهند کرد.

سوم اینکه دولت در عمل باید از تشکلهای استفاده کند. نه تنها در رابطه با اصلاح قوانین و مقررات بلکه برای تصمیم‌سازی در سیاست‌گذاری‌ها، تشکلهای صنفی و تخصصی و اتحادیه‌های صنفی و عوامل کسب‌وکار در بخش خصوصی، تنها مجاری‌ای هستند که می‌توانند سیاست‌ها و قوانین مربوط به رونق فضای کسب‌وکار را پیشنهاد کنند. تجربه نشان داده که تشکلهای وابسته به دولت و نیمه دولتی به هیچ‌وجه موفق نبوده و لازم است دولت این نوع تشکلهای را از خود جدا کند و اجازه دهد به صورت تشکل مردم نهاد (NGO) به فعالیت خود ادامه دهند.

چهارم اینکه پیشنهاد می‌شود سیاست‌ها و تصمیمات مهم قبل از تصویب و ابلاغ از مردم و تشکلهای پنهان نگه داشته نشود. در مرحله تصمیم‌گیری مسائل شفاف

و آشکار با مردم در میان گذاشته شود و دولت اجازه دهد هر تصمیم یا قانون یا بخشنامه قبل از قطعی شدن توسط کارشناسان و تشکلهای تخصصی و مردم نقد شود و عوارض آن بیان شده تا پس از ابلاغ، قادر به پشبرد امور و حل مشکلات باشد.

### احیای اخلاق

احیای اخلاق از ضروریات اولیه و ریشه‌ای است که دولت جدید آن را مطرح کرده است. احیای اخلاق از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین برنامه‌های دولت است و این امر تنها و تنها با همکاری و همفکری و تعامل با تشکلهای مردم نهاد و اتحادیه‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و رسانه‌ها اجرایی خواهد شد. برخی تشکلهای در داخل خود کمیته‌ها و شوراهای اخلاق حرفه‌ای دارند و آنها نیز به دنبال برگرداندن اخلاق به جامعه‌اند. رسانه‌ها در این مسیر بهترین ابزار برای کاهش فساد، مسئولیت‌پذیری و رشد اخلاق در جامعه به شمار می‌آیند.

### انتقال یارانه نقدی به طرح بیمه همگانی

در مورد هدفمند کردن یارانه‌ها هم پیشنهاد می‌شود تا دولت در این رابطه تعمق بیشتری به خرج دهد و یارانه‌ها را به بیمه همگانی و عمومی منتقل کند. بر این اساس تمامی آحاد مردم تحت بیمه درمان، بیکاری و بازنشستگی قرار گیرند و به مرور با درآمدهای بیشتر، از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی سهم فرانشیز بیمه‌شدگان از خدمات دارو و درمان کاهش داده شده و سهم بیمه کارفرمایی کمتر خواهد شد. از این محل به تولیدکنندگان و اشتغال کمک فراوانی شده و درعین حال هم مستمری بازنشستگان هماهنگ خواهد بود. به این ترتیب اقشار آسیب‌پذیر جامعه که کارگران کم درآمد، بیکاران و برخی مستمری‌بگیران با دریافتی پایین، جزء آنها هستند از خدمات درمان و داروی ارزان‌تر و بیمه بیکاری و افزایش حقوق‌های پایین بازنشستگی استفاده می‌کنند.

مثبت تیم اقتصادی دولت نیز در ارائه به موقع بودجه ۹۳ و کاهش نرخ تورم سرسام آور و کاهش رکود رو به مزایای دیده می‌شود.

با اینهمه اما سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در اختیار ایران بیش از این‌ها می‌ارزد و امید این است که کشور ایران در ابعاد اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک در سال‌های حضور حسن روحانی در مقام ریاست‌جمهوری به نقش اصلی خود در منطقه دست یابد. مهمترین مسأله‌ای که دولت یازدهم باید آن را در حوزه اشتغال مدنظر قرار دهد، توجه به کارآفرینی و حل مشکل بیکاری رو به افزایش در بخش‌های مختلف است. این اقدام می‌تواند با ایده‌های جدید و آینده‌نگرانه به تولید راهکارهایی تازه برای کسب‌وکار منجر شود. اگرچه حرکت در این مسیر و گام نهادن در راه ایجاد اشتغال از طریق کارآفرینی ممکن است فرآیندی زمان‌بر باشد اما نمی‌توان از این راهکار موثر به دلیل زمان‌بر بودن آن چشم‌پوشی کرد. مکانیزم‌هایی برای شروع کار وجود دارد که می‌توان آنها را اتخاذ کرد. می‌توان از افرادی که در حوزه‌های کارآفرینی دارای تجربه هستند مشاوره گرفت. یک مکانیزم آن است که دولت جدید معاونتی با عنوان معاونت کارآفرینی ایجاد کند تا جایگاهی برای ارائه مشاوره در این زمینه جدید باشد. این معاونت می‌تواند مباحث مربوط به کارآفرینی را سامان دهد و زمینه توجه به این مسأله را در کشور ایجاد کند. باید در شرایطی که کشور بیش از هر زمانی با مشکل بیکاری مواجه است و نیاز به اشتغال آفرینی دارد از راه‌های نوین و ابتکاری برای رسیدن به این هدف باید استفاده کنیم.

موضوع دیگر توجه دولتمردان به حوزه تولید برای ایجاد اشتغال است. این حوزه، حوزه‌ای گسترده است که با مدنظر قرار دادن برخی موارد در آن می‌توان هم تولید ملی را توسعه داد و هم گامی در راستای ایجاد اشتغال برداشت. با توجه به این بخش است که می‌توان کیفیت تولیدات داخل را بالا برد تا جایی که مصرف‌کننده داخلی به سمت محصولات تولید داخل متمایل شود. برای چنین کاری نیازی به ممنوعیت واردات نیست. می‌توان کالای تولید داخل را به نحوی ساخت که هم کالای تولید داخل مدنظر قرار بگیرد و هم رقابت‌پذیری تولیدات را در بازار بین‌المللی توسعه داد. از رهگذر توجه به تولید و تقویت آن است که می‌توان مشکل اشتغال را به نحو دیگری حل کرد.

به هر شکل اقتصاد ایران تا رسیدن به وضعیت استانداردهای منطقه‌ای راه زیادی پیش‌رو دارد. رانت‌خواری و فساد اقتصادی یکی از مباحثی است که نه تنها دولت را تضعیف کرده که منجر به وجود بسیاری زمینه‌ها برای رشد اقتصاد زیرزمینی شده است. لذا دستور دولت برای برخورد دستگاه‌های مرتبط با ویژه‌خواری و مبارزه با مفاسد اقتصادی و رانت‌خواری گام موثر و تعیین‌کننده‌ای در این زمینه به شمار می‌آید. بنابراین دولت یازدهم مسیر پر پیچ و خمی در پیش رو دارد. با این حال با روی کار آمدن این دولت موجی از امید در جامعه به وجود آمده و همین مسأله می‌تواند در اقتصاد و سیاست راهگشا باشد، جامعه بی امید، جامعه بی فساد است و جامعه امیدوار می‌تواند از هفت خوان رستم بگذرد.



# اجتناب از برخورد جزیره‌ای

چند توصیه اقتصادی - فرهنگی به ساکناناران اقتصادی دولت



■ فرامرز خیبری  
دبیر انجمن  
قطعه‌سازان



دولت به ناچار  
رویگرد خارجی  
را در پیش خواهد  
گرفت که هر چند  
در کوتاه‌مدت  
جواب می‌دهد  
لیکن در دراز مدت  
مغایر منافع ملی  
است. بنابراین  
دولت راهی به  
جز حمایت از  
بخش خصوصی  
واقعی که به  
اعتلای جامعه در  
تمامی شئون  
می‌اندیشد، ندارد.

قول و وعده آقای رئیس‌جمهور حسن روحانی مبنی بر ارائه گزارش‌های ۱۰۰ روزه از عملکرد دولت و مجموعه تحت فرمان خود و عمل به آن وعده جای تحسین و تقدیر دارد. سنت گزارش صد روزه، از عرصه سیاست آمریکا به برخی کشورها راه یافته است. روسای جمهور آمریکا از آن جهت اقدام به ارائه گزارش‌های صد روزه به مردم می‌کنند که با تعویض روسای جمهور از احزاب مختلف (دمکرات یا جمهوری خواه) اساس و پایه کار دولت و سیاست‌های عمومی توسط هر دولتی بدون توجه به علائق حزبی ادامه دارد و در واقع هدف دولت جدید ارائه گزارش آنچه که تحویل گرفته و آنچه که طی این مدت جهت اصلاح و بهبود روند امور انجام داده و یا در دست اقدام است، می‌باشد. اما آقای رئیس‌جمهور حسن روحانی در ارائه اولین گزارش صد روزه خود تلاش کرد تا کژی‌های متنوع، متعدد، عمیق و گسترده به جای مانده از دولت قبل را در معرض دید قرار ندهد. آنهایی که اندکی با اطلاعات و آمار و ارقام سروکار دارند می‌دانند که شرایط کنونی کشور شاید در طول دوران معاصر ما وجود نداشته است. امروز جامعه ما با مشکلات عدیده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبروست. راه برون رفت از این مشکلات، راه بسیار دشواری است. فشارهای خارجی بویژه در حوزه اقتصادی کماکان باقی است که البته خوشبختانه در این حوزه عقل، تدبیر و منطق در حفظ و رعایت مصالح و منافع ملی حاکم است.

در یکی از سفرهای «ماهاتیرمحمد» به کشور آلمان به همراه یک هیات ۸۰ نفره از بخش خصوصی کشور مالزی، ماهاتیر محمد به هیات بخش خصوصی گفت چنانچه در هنگام مذاکره با شرکت‌های آلمانی جانی لازم دیدید که می‌تواند به موافقت طرف مقابل کمک کند، آهسته در گوش آلمانی‌ها بگوئید ماهاتیر شریک من است. البته که ماهاتیر شریک هیچیک از آن ۸۰ نفر نبود و نشد. این یعنی حفظ و رعایت منافع و مصالح ملی و بزرگ کردن دیگران. یعنی بزرگ کردن خود به عنوان نماد ملی مالزی و دیدید و دیدیم که مالزی طی ۲۰ سال از کجا به کجا رسید و نمونه یک کشور اسلامی تمام عیار شد.

اواسط سال گذشته در نشست دوستانه با بعضی از دست‌اندرکاران دولت‌های آقایان هاشمی و خاتمی عرض کردم معتقدم هر دولتی در دوره آتی زمام امور را به دست بگیرد ناچار است که

نقصان‌های اقتصادی سال‌های گذشته را که با وجود درآمد هنگفت همچنان روی زمین معطل مانده با رویکردی واقع‌بینانه جبران کند. در این راستا چنین دولتی می‌بایست همه هم‌وغم خود را مصروف سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی کند؛ آنچه وظیفه ذاتی هر دولتی است تا بسترهای لازم را برای تحقق اهداف کلان خود فراهم آورد. بنابراین بدون شک نقش‌آفرینی بخش خصوصی در این ارتباط می‌تواند تکمیل‌کننده و تمام‌کننده کار باشد و در صورت عدم آمادگی لازم بخش خصوصی داخلی، دولت به ناچار رویکرد خارجی را در پیش خواهد گرفت که هر چند در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد لیکن در دراز مدت مغایر منافع ملی است. در صورت اتخاذ چنین رویکردی توسط هر دولتی این بخش خصوصی داخلی است که متهم و محکوم است و باید جوابگوی تاریخ باشد. بنابراین دولت راهی به جز حمایت از بخش خصوصی واقعی که به اعتلای جامعه در تمامی شئون می‌اندیشد، ندارد. نکته دوم که در این سال‌ها مغفول مانده، تفکر «اختراع چرخ» است که این تفکر و اندیشه‌هزینه‌های سنگین و جبران‌ناپذیری در این سال‌ها به وجود آورده است.

نسل ما هنوز شعارگونه‌های «خودکفائی» را از یاد نبرده‌اند. آنچه که نسل ما در اوائل انقلاب می‌اندیشید، تعامل با دنیا به منظور کسب پیشرفت‌های علمی و فنی و به کار بستن آنها جهت ایجاد یک زیربنای مستحکم که بتوان «برج بلند مرتبه ایران» را با داشتن همه پیشرفت‌ها در تمامی زمینه‌ها ساخت. کشور چین تنها راه پیشرفت خود را در همین مسیر یافت و امروز چین در صحنه جهانی «قدرت چانه‌زنی سیاسی» خود را مدیون همین استراتژی می‌داند. بدیهی است بومی‌سازی و تطبیق پیشرفت‌های علمی و فنی دنیا با نیازهای فرهنگی اجتماعی جامعه از ضروریات و الزامات هر برنامه موفق خواهد بود. در شرایط کنونی راهی به جز انسجام، یکپارچگی، همگرایی و یگانگی، مانند آنچه که در طول هشت سال دفاع مقدس روی داد نداریم و مسئولان می‌بایستی بخل را کنار گذاشته و از هر ایرانی میهن دوست و مومنی که به اعتلای میهن عزیز اعتقاد و ایمان دارد جهت کمک و همفکری و یا پذیرش مسئولیت دعوت به عمل آورد.

هنوز به یاد داریم که هنری کسینجر در آبان ماه سال ۱۳۵۹ در روزنامه «واشنگتن پست» بعد از شروع جنگ عراق بر علیه ایران نوشت: «نگذارید

ایران بازنده شود و نگذارید عراق برنده، اگر دیدید ایران بازنده می‌شود حتی اگر لازم شد از زیر میز به ایران اسلحه برسانید.» کسینجر در آن یادداشت در مورد امکان بلعیدن ایران توسط شوروی سابق می‌نویسد: «ایران دارای دو عنصر بسیار قوی است که بزرگترین سد دفاعی بر علیه شوروی است و این دو عنصر یعنی «مذهب شیعه و دیگری ناسیونالیسم ایرانی» است. اگر ایران به رفاه اقتصادی برسد و همچون کره جنوبی مسیر توسعه را طی کند با داشتن منابع ارزشمند زیرزمینی، نیروی انسانی تحصیل کرده، می‌تواند ابر قدرت منطقه باشد که شوروی مجبور است با ایران کنار بیاید.» (نقل به مضمون)

هدف از اشاره به این مطلب تاریخی آن است که به یاد بیاوریم اگر جامعه ایرانی از یک رفاه نسبی برخوردار باشد که متأسفانه فعلاً نیست، در کنار ارزش‌های دینی-ملی که باید در جامعه حاکم باشد، هیچ قدرتی چشم طمع به این آب و خاک و فرهنگ و دین و مذهب نخواهد داشت. براساس برآوردهای اعلام شده، حجم سرمایه ایرانیان خارج از کشور بالغ بر ۱۲۰۰ میلیارد دلار است و کافی است فقط ۱۰ درصد این مبلغ را برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف جذب و جلب کنیم

البته تا مادامی که کسب و داشتن ثروت از راه حلال و کار و تلاش یک «ارزش» انگاشته نشود و تا زمانی که کار در جامعه به عنوان یک ارزش مادی و معنوی شناخته و پذیرفته نشود، این امر مهم، میسر و مقدور نخواهد شد. باید بپذیریم که جامعه ایران، جامعه‌ای اهل «کار» و «تلاش» نیست. متأسفانه طی هشت سال گذشته سیاست‌های غلط در حوزه اجرایی به این امر تا عمق جامعه دامن زده و در کنار همه تغییرات و تحولاتی که باید در زمینه فرهنگی-اجتماعی به وقوع بپیوندد، تغیر این نگاه انصافاً به یک انقلاب فرهنگی نیاز دارد.

در پایان به دولت عزیز که همگی در حال حاضر محکوم به امید داشتن به عملکرد و اقدامات او هستیم با نگاهی آینده‌نگرانه توصیه می‌شود که ما تکنسین می‌خواهیم و نه ثورسین. ما استراتژی نمی‌خواهیم بلکه استراتژیست می‌خواهیم. بپذیریم که هیچ پدیده‌ای نیست که پایه علمی نداشته باشد، پس به علم و عالمان علمی ارج بنهیم و مشکلات و مسائل کشور را نه براساس احساس و ذوق زدگی بلکه براساس عقل و منطق و دور از هر گونه شائبه «نگاه جزیره‌ای» حل و فصل کنیم.

## همدلی؛ راه حل مشکلات



محمد طبیبیان  
استاد اقتصاد

شاید تفاوتی که بین اقتصاددانان با بسیاری از سایر شهروندان وجود دارد برداشتی است که از ابعاد مشکلات کشور دارند. تقریباً تمام اقتصاددانانی که با شروع کار دولت جدید مطالبی در نشریات نوشته‌اند به این نکته توجه کرده‌اند که مشکلات کشور از لحاظ ابعاد اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی، دیپلماسی خارجی و روابط سیاسی داخلی عمیق‌تر و وسیع‌تر از آنچه‌ای است که در ظاهر مشخص می‌شود. به همین دلیل نیز در کوتاه مدت کار معجزه‌آسایی را نمی‌توان و نباید انتظار داشت. بیشتر بایستی به جهت‌گیری حرکت‌ها و منطقی بودن آنها توجه کرد و نه به توقع دست‌آوردهای آرمایی. از ابتدای شروع کار دولت مشخص بود که دولت جدید هر چه و روزنه‌ای را که برای رسیدگی باز کند با انبوهی از مشکلات و گرفتاری برخورد می‌کند که حتی حفظ روحیه مدیران ارشد برای ادامه کار را بسیار مشکل خواهد ساخت. برای مثال به مسائل مطرح شده در مورد سیستم بانکی، بودجه، یارانه‌ها، مشکلات شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی و صنایع، پرونده‌های فساد اداری، مشکلات فروش نفت و دریافت درآمدهای آن، بازرگانی خارجی، رانت‌خواران سازمان‌یافته و پر قدرت، تورم و تنگنای روزافزون معیشت، بیکاری گسترده، نظام درمان و آموزش... به هر کدام از این حیطه‌ها و وسایر موارد که نظر کنیم متوجه می‌شویم که فعالیت‌هایی با ابعاد و گستردگی بسیار در پیش روی دولت است. در عین حال که واقع‌بین بودن، ما را متقاعد می‌کند که نمی‌توان انتظار معجزه‌ای را داشت. این تعارض بین ابعاد مشکلات و نیاز فوری جامعه به امعان نظر و طراحی برنامه‌های گسترده یک چالش اساسی بر سر راه دولت خواهد بود.

اینجانب در نوشته‌های دیگر به این نکته اشاره کرده‌ام که بازسازی سازمان برنامه (در جهت ایجاد یک تشکیلات کارشناسی، علمی و مدیریتی زنده و نسبتاً کوچک و برخوردار از مدیریت پر تحرک و دارای بینش و آینده‌نگری و دوری‌گزیدن از سیاست بازی) برای موفقیت تنظیم و اجرای برنامه‌های دولت بسیار ضروری است و برای موفقیت دولت از اولویت برخوردار است. بدون این کار دولت بخت چندانی برای ایجاد حرکت‌های گسترده برای رفع مشکلات کشور نخواهد داشت.

آنچه در ماه‌های اخیر نمایان شده مشکل تنزل ناشی از کیفیت نیروی انسانی در بخش دولتی، در وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و دانشگاه‌ها است که نتیجه بیرون راندن نیروهای مجرب کشور و جایگزین کردن با نیروهایی است که برخی از آنها بر اساس روابط گروهی و خطی و سیاسی خاص جایابی شده‌اند. یک اقدام خطیر که در مقابل دولت قرار دارد همین بازسازی علمی دانشگاه‌های کشور، رفع آسیب‌های وارده در این چند سال، و افزایش کیفیت در کل نظام آموزش کشور است.

با توجه به جمیع شرایط به نظر می‌رسد که حمایت منطقی فکری و اجرایی از دولت برای کمک به رفع مشکلات کشور ضروری است. ادامه حمایت گروه‌های سیاسی و همچنین قشر تحصیل کرده، و پرهیز این گروه‌ها از انزوا و ناامیدی در این راستا اجتناب‌ناپذیر است. دولت نیز شایسته است از تلاش برای بسیج نیروهای کشور و جلب همکاری گسترده در مسیر حل مشکلات موجود، و حفظ گفت‌وگو صریح و مستمر جهت طرح واقعیت‌ها، برنامه‌ها و مشکلات با همه مردم و خصوصاً پایگاه اجتماعی خود دریغ نرزد. این امر برای حفظ آگاهی جامعه و تداوم همدلی و هم‌جهتی با دولت می‌تواند بسیار بارز باشد.

## با همایش‌های غیر واقعی چه کنیم؟

### گزارشی از نشست کمیسیون فضای کسب‌وکار، کارآفرینی و مقررات اتاق تهران

دهمین نشست کمیسیون فضای کسب‌وکار، کارآفرینی و مقررات به موضوعی اختصاص یافت که چند وقتی است فعالان بخش خصوصی واقعی را نگران کرده است. برگزاری همایش‌ها و سمینارهایی که در آن از افراد و شرکت‌هایی به عنوان فعال اقتصادی برتر یا کارآفرین تقدیر می‌شود بدون این که متر و معیار مشخصی و استاندارد برای این کار در نظر گرفته شود. برگزاری همایش‌هایی که با گرفتن هزینه از بنگاه‌داران و فعالان بخش خصوصی به آنها لوح تقدیر و جایزه و عنوانی می‌دهند و همچنین بررسی ماده هفت قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار موضوع جلسه نشست اخیر کمیسیون فضای کسب‌وکار، کارآفرینی و مقررات اتاق تهران بود و کارآفرینان در این نشست به هم‌اندیشی و تبادل نظر در این خصوص پرداختند. به رغم آنکه احمد پورفلاح در این نشست اشاره کرد که «قبلاً کمیته‌ای با نام برند در سازمان توسعه تجارت فعالیت داشت که بر روند برگزاری همایش‌های تقدیر از کارآفرینان نظارت داشت» جمشید عدالتیان تصریح کرد: «نباید کار پیگیری این مساله تبدیل شود به سد و مانعی برای برگزاری همایش‌ها. در هیچ جای دنیا با برگزاری سمینار یا جایزه دادن در سمینار مخالفت نمی‌شود و ما نباید به دنبال این باشیم که روند کار را سخت‌تر کنیم نه اینکه مانع از برگزاری همایش‌ها شویم. به ویژه اگر از دولت بخواهیم وارد شود و دخالت کند نتیجه کار بدتر خواهد شد.» از حاضران دیگر در این نشست احمد ترک‌نژاد بود که گفت: «هر اتفاقی در جامعه بیانگر وجود تقاضا است و برای برگزاری چنین همایش‌هایی درخواست و تقاضا وجود دارد که افراد و شرکت‌هایی در پی پاسخ دادن به این تقاضا برمی‌آیند.» در ادامه بخش‌های دیگری از دغدغه‌ها و نکات مطرح شده در این نشست را می‌خوانید:

احمد پورفلاح، رئیس کمیسیون فضای کسب‌وکار، کارآفرینی و مقررات اتاق تهران: نمایندگان تشکل‌ها ضروری است که پیشنهادات خود را برای تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده هفت قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار مطرح کنند. مطابق این قانون، مراجعه نمایندگان دولت و سازمان‌های دولتی به واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی باید ساماندهی شود. در حال حاضر نمایندگان مختلفی چون ممیزان دارایی، حساب‌رسان تامین اجتماعی، نماینده محیط زیست، وزارت کار، وزارت بهداشت، شهرداری، استاندارد و چندین سازمان و نهاد دولتی دیگر به خاطر امور مختلف به بنگاه‌های تولید مراجعه می‌کنند و هر کدام برای امور جاری خود طلب مدارک و مستندات متفاوتی از اداره‌کنندگان بنگاه دارند.

احمد ترک‌نژاد: برخی سازمان‌هایی بی‌ارتباط به بخش خصوصی در امور بنگاه‌ها دخالت می‌کنند و این در حالی است که دولت و سازمان‌های متبوعه‌اش هم باید حتی‌الامکان اطلاعات خود را از طریق مکاتبات و ارتباطات مجازی کسب کنند و مراجعات تنها در موارد الزامی صورت بگیرد. هم‌چنین سازمان‌های دولتی باید نمایندگان خود را با معرفی‌نامه رسمی و اطلاع قبلی به بنگاه‌ها بفرستند و موضوع مراجعه نیز مشخص و به اطلاع صاحب بنگاه رسیده باشد.

سیدحامد واحدی، عضو کمیسیون فضای کسب‌وکار: باید سیستمی طراحی شود که به صورت آنلاین اطلاعات و مدارک مورد نیاز سازمان‌های دولتی را در اختیار آنها قرار دهد. اگر سیستم هوشمندی وجود داشته باشد که میزان مصرف برق، آب و گاز را اندازه‌گیری کرده و به صورت آنلاین و لحظه به لحظه ارسال کند به این ترتیب سازمان‌های مذکور از ارسال نماینده برای ثبت این مصارف بی‌نیاز می‌شوند. این سیستم را می‌توان حتی برای منازل هم نصب کرد تا از مراجعات نمایندگان این سازمان‌ها به درب منازل افراد هم کاسته شود.

جمشید عدالتیان: در مراجعات، نمایندگان سازمان‌های دولتی به خوبی واقف نیستند چه اطلاعاتی مورد نیاز آنهاست و به چه اطلاعاتی نیاز ندارند. همچنین این سازمان‌ها اغلب حرمت اطلاعات را نگه نمی‌دارند و از آن حفاظت نمی‌کنند. برای راه‌اندازی «پنجره واحد اطلاعاتی» ابتدا باید هر سازمانی اطلاعات مورد نیاز خود را مشخص کند تا بتوان چنین ساختاری را تعریف کرد که هر سازمان به چه اطلاعاتی دسترسی داشته باشد بعد بنگاه‌ها اطلاعات خود را در این پنجره قرار دهد.



اگر سیستم  
هوشمندی وجود  
داشته باشد که  
میزان مصرف  
برق، آب و گاز  
را اندازه‌گیری  
کرده و به صورت  
آنلاین و لحظه  
به لحظه ارسال  
کند به این ترتیب  
سازمان‌های  
مذکور از ارسال  
نماینده برای ثبت  
این مصارف بی‌نیاز  
می‌شوند.



## بازگشت به ثبات و آغاز بازسازی

میزگرد آینده‌نگر برای بررسی ابعاد اقتصادی گزارش دهی صد روزه دولت

با حضور سه عضو هیات نمایندگان اتاق تهران: محمدرضا صالحی، محمدرضا نجفی‌منش و فاطمه دانشور

وارد شوند و در عین حال حافظه هوشمند مردم ایران را به آنها یاد آور می‌شود. نگاه هر سه عضو هیات ریسه اتاق تهران به برنامه‌های دولت روحانی خوش بینانه است، گویی هر سه نفر به خوبی نسبت به وضعیت اقتصادی این روزهای ایران و میراث به جای مانده از دولت‌های نهم و دهم اشراف داشته و به همین خاطر دامنه بحث کمتر به سمت نقد دولت یازدهم پیش می‌رود. شرکت کنندگان مدام میراث به یادگار مانده برای دولت یازدهم را متذکر می‌شوند، میراثی که به گفته آنان چندان هم بی‌شبهت با دولتی نیست که هاشمی رفسنجانی پس از جنگ ایران و عراق تحویل گرفته بود. ابعاد ویرانی اقتصادی را همه جانبه می‌دانند و تاکید دارند که دولت یازدهم برای گذر از این مسیر به همدلی یکی دو ساله نخست همه نهادها و شخصیت‌های نیازمند است. از نکات مهمی که فاطمه دانشور و محمدرضا صالحی به آن اشاره دارند روند خروج سرمایه‌داران به دنبال متغیر بودن مصوبه‌های اقتصادی از کشور بود که پس از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید رو به کاهش گذاشته است.

آمنه شیرافکن: بررسی گزارش و عملکرد صد روز نخست دولت آقای روحانی در میزگرد آینده‌نگر محوری برای خوانش صحیح سیاست‌های اقتصادی دولت و نقد برخی زوایای آن است. سه عضو هیات ریسه اتاق تهران در میزگرد آینده‌نگر هر کدام از زاویه دید خود نسبت به تحلیل این برنامه صد روزه اقدام کرده‌اند. «حمیدرضا صالحی» دبیر سندیکای صنعت برق است و به «دیونی» اشاره دارد که به دلیل بی‌توجهی دولت‌های نهم و دهم، بر دوش دولت یازدهم افتاده است. آن هم دولتی که یکی از بالاترین درآمدهای اقتصادی را در جمهوری اسلامی ایران داشته و بالاترین رقم‌های مالی فساد و اختلاس نیز در همین دوره به ثبت رسیده است. «محمدرضا نجفی‌منش» عضو هیات مدیره انجمن قطعه‌سازان بر اساس دغدغه‌های «خودرویی‌اش» به نقد و بررسی برنامه صد روزه دولت می‌پردازد. «فاطمه دانشور» که این روزها به جمع اعضای شورای شهر تهران نیز پیوسته از زنان فعال در حوزه صادرات است که بیشتر بر موانع پیش روی دولت روحانی تاکید دارد و به بهانه‌گیران توصیه می‌کند با دولت جدید از در همدلی



## بحث را با این پرسش آغاز می‌کنم که شما چه نمره‌ای به کارنامه سه ماهه اول دولت آقای روحانی از نقطه نظر عملکرد و برنامه‌های اقتصادی می‌دهید؟

محمدرضا نجفی‌منش: برای پاسخ به سؤال شما نخست به یک مقدمه اشاره می‌کنم که خیلی هم با این بحث غیرمرتبط نیست. گزارش صد روزه حسن روحانی هر چه بوده و قضاوت ما هر چه باشد، گزارشی بود که ریشه در میراث به جای مانده از دولت‌های پیش دارد و بررسی کابینه یازدهم و برنامه‌های اقتصادی دولت تا اطلاع ثانوی نمی‌تواند بدون ارجاع به این میراث انجام شود. مردم، صنعت‌گران، تولیدکننده‌ها و تمام قشرهای مختلف از وضعیت نابه‌سامان دولت ناامید شده بودند و انتخابات اخیر خوشبختانه توانست روزه‌های هرچند کوچک پیش‌روی آنها باز کند. اما از این مقدمه که بگذریم، در ارزیابی برنامه صد روزه حسن روحانی بیش از همه تشکیل کارگروه‌های تخصصی در رشته‌های مختلف برای من حائز اهمیت بود و دعوت از کارشناسان و اهل فن که به سنتی فراموش شده تبدیل شده بود که سرانجام احیا شده است. یکی از کمیته‌های تخصصی به سرپرستی مهندس نعمت‌زاده شکل گرفت و بیش از ۱۵ نفر از کارشناسان خبره در این کمیته کارشان را با ارزیابی وضعیت صنعت و ارایه چشم‌انداز آن آغاز کردند. طبق آن ۲۸ محور برنامه‌ریزی شد که از جمله آن می‌توان به ارتقای روابط بین‌المللی، بهبود وضعیت کسب‌وکار و رفع موانع تولید اشاره کرد. خوشبختانه در دل همان کارگروه مشورتی، «شورای سیاست‌گذاری صنعت خودرو» شکل گرفت و مهندس نعمت‌زاده نیز در اغلب جلس‌های این شورا حضور دارند. برگزاری نخستین کنفرانس بین‌المللی خودرو و حضور ۱۲۴ شرکت خارجی و ۲۰۰ نماینده داخلی از جمله دستاوردهای این شورا بود. بنابراین ارزیابی من از چهارماه آغاز به کار دولت این است که با وجود تهدیدهای پیش‌رو، دولت گام‌های مثبتی برداشته و تنها نسبت به سنگ‌اندازی و اظهار نظرهای غیر کارشناسی در این حوزه هشدار می‌دهم.

## لطفا کمی مصداقی‌تر درباره این گام‌های برداشته شده مثبتی که می‌گویید تاکنون در عملکرد دولت دیده شده صحبت کنید؟

نجفی‌منش: اگرچه هنوز راه پر پیچ‌وخمی پیش روی دولت است اما برخی تصمیم‌های دولت توانسته بخشی از مشکلات اهل صنعت را - به طور موقت - برطرف کند. در بخش صنعت حذف برخی موانع اداری پیش روی صنعت‌گران از جمله «ایران‌کد» و «شینم» با استقبال بخش خصوصی و موضع‌گیری سیاسی برخی حول همین موضوع همراه شد. متأسفانه عده‌ای بدون ارایه دلیل و منطق هنوز به دنبال پیاده‌سازی مدل اقتصاد بسته و کنترل شده از سوی دولت هستند. مدلی که هیچ

جای دنیا جواب نداده و گاهی مصداق‌های عینی آن تنها در کشور ما دیده می‌شود. مطمئن باشید که این شیوه‌های مدیریتی در ایران نیز جواب نخواهد داد و بخش خصوصی برای بالندگی هرچه بیشتر نیازمند آزادسازی مسیر است. در سال‌های گذشته شاهد برخی بخشنامه‌ها بودیم که ذات آن بر توقف تولید همراه بود. مانند محدودیت‌هایی که برای دریافت وام و تسهیلات پیش روی صنعتگر قرار داده شد و اتفاقاً هم از سوی معاون اول رییس‌جمهوری وقت - دولت دهم - صادر شده بود. متأسفانه رشد منفی ۵٫۸ درصدی سال ۹۱ ریشه در سیاست‌های نادرست اقتصادی دولت‌های نهم و دهم دارد. چنانچه شاهد بودیم حجم نقدینگی مورد نیاز واحدهای تولیدی به دلیل کاهش ارزش ریال، سه برابر افزایش پیدا کرد. به این ترتیب نیاز به نقدینگی در واحدهای تولیدی سه برابر شده است.

**فاطمه دانشور:** به نظر من هم دولت در اجرای برخی تصمیم‌ها و اتخاذ سیاست‌هایی که آثار کوتاه و میان مدت داشته کارنامه قابل دفاعی دارد. به عنوان مثال کنترل شدید رشد نقدینگی در ماه‌های اخیر، آثار زیان‌بار رشد این عامل را در افزایش تورم به طرز محسوسی کاهش داده است. به گونه‌ای که شاهد کند شدن نرخ رشد تورم در ماه‌های اخیر بودیم. در مسائلی چون معوقه‌های بانکی، بدهی دولت به پیمانکاران عمرانی و خدماتی، پرداخت تسهیلات برای سرمایه در گردش و اصلاح تولید تصمیم‌های خوبی گرفته شده اما بدون شک اجرای این تصمیم‌ها نیازمند زمان بیشتر و فراهم آمدن مقدمات و لوازم است. مثل بحث گشایش ال‌سی یا ابلاغ لغو پیمان ارزی. اما در عین حال عدم تغییر آیین‌نامه‌ها، مقررات و دستورالعمل‌ها به صورت ضربتی و غیر کارشناسی از جمله گام‌های مثبت دولت به شمار می‌آید. دولت حتی در مواردی مانند «ترخ سود سپرده»‌های بانکی، ایجاد تغییر در آن را به زمانی دیگر موکول کرده تا از هر گونه بروز تنش در صنعت جلوگیری شود.

**حمیدرضا صالحی:** من هم برای نقد و بررسی صد روزگی دولت و ارزیابی برنامه‌های اقتصادی چند ماه اخیر بنا دارم تا بر شرایط ویژه زمانی و مکانی دولت یازدهم و آنچه که این دولت از گذشته به ارث برده متمرکز شوم. حضور دولت روحانی به موقع جلوی خروج سرمایه و منابع انسانی از کشور را گرفت. **دانشور:** اتفاقاً در صنعت معدن نیز گروهی به همین نتیجه رسیده بودند و داشتند سرمایه‌شان را از کشور خارج می‌کردند. سرمایه‌دار از اینکه سیاست‌گذاری‌ها هر لحظه تغییر کند، متضرر می‌شود و در این شرایط قادر به برنامه‌ریزی نیست. **صالحی:** متأسفانه در ابعاد اقتصادی میراثی به دولت روحانی رسیده که جز هزینه‌های مالی و برنامه ضعیف اقتصادی چیز دیگری به همراه ندارد و اهالی اقتصاد دردهای مزمن دولت را به خوبی می‌دانند. دردهایی که تنها با همراهی همه

نهادهای، شخصیت‌ها و سازمان‌ها حل و فصل خواهد شد. مسکن مهر انبوهی از تعهدات مالی پیش‌روی دولت قرار داد و ۴۱ هزار میلیارد تومان هزینه روی دست دولت گذاشت. متأسفانه چشم‌انداز برنامه ۱۴۰۴ گذر از اقتصاد نفتی و رسیدن به یک اقتصاد غیرنفتی بود که تا برنامه سوم توسعه خوب پیش رفت و در دو برنامه اخیر به فراموشی سپرده شد. براساس چشم‌انداز ترسیم شده، بنا بود که ایران در افق ۱۴۰۴ قدرت اقتصادی اول منطقه باشد اما حالا در بسیاری از حوزه‌ها از کشورهای کوچک منطقه نیز عقب مانده‌تر است. چنانچه از سطح اشتغال ۶۸۰ هزار نفری برنامه توسعه و رشد اقتصادی ۶ درصد، امروز به رشد اقتصادی منفی ۵٫۸ درصد رسیده ایم. از سوی دیگر تورم یازده درصدی برنامه توسعه، به تورم بیش از ۴۰ درصدی ختم شده است. متأسفانه با روی کار آمدن دولت نهم، عمل بر مبنای برنامه چهارم توسعه متوقف شد و بودجه به برنامه‌های چند صفحه‌ای که در جیب هم جا می‌شود، تقلیل یافت. احمدی‌نژاد در قدرت توانست قطار توسعه کشور را از ریل خارج کند. میراث محمود احمدی‌نژاد و کابینه‌اش برای دولت یازدهم، رکود تورمی، خزانه خالی، نظام بانکی نامطمئن و بسیاری کمبودهای مالی در بخش‌های مختلف دولت است به شکلی که دولت در همان ابتدا برای پرداخت حقوق کارمندان هم با مشکل مواجه بود و به جای ۷۵۰۰ میلیارد تومان تنها ۲۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار داشت. به همین خاطر تاکید دارم که در نقد صد روزه ما داریم دولتی را نقد می‌کنیم که جسمی رو به موت تحویل گرفته و حالا به آن شوک الکتریکی وصل کرده و تلاش دارد تا این جسم فعلاً نفس بکشد. بنابراین با در نظر گرفتن چنین شرایطی دولت یازدهم در ارایه گزارش صد روزه توانسته رشد منفی ۵٫۸ درصد را به رشد منفی ۵٫۲ درصد برساند و وعده داده که در سال ۹۳ رشد اقتصادی را از منفی به صفر نزدیک کند. به همین خاطر ارزیابی کلی من این است که دولت واقع‌بینانه و گام‌به‌گام با مسائل پیش‌رو مواجه شده و مهم‌تر از همه از مدیران انسانی توانمند بهره‌مند شده است. دولت یازدهم تا به اینجای کار در امور اقتصادی نمره قبولی گرفته، اما باید بگویم که ارزیابی ما از قبولی مانند روی نمودار بردن نمره دانشجو است. شاید اگر مکان و زمان تاریخی خاص امروز در نظر گرفته نشود، همه متعجب بمانند که چطور خروجی این همه مدیر طراز اول این بوده، اما توجه به میراث نامبارک دولت پیشین قضاوت ما را در این مسیر هموارتر می‌سازد.

**دانشور:** تصمیم‌های خلق الساعه، یک شبه و غیر کارشناسی دولت‌های گذشته فضای کسب‌وکار را ملتهب کرده، به شکلی که می‌توان گفت با حضور دولت تدبیر و امید آرامش حداقلی در فضای کسب‌وکار به وجود آمده است. به هر حال ارزیابی اقتصادی دولت - همانطور که دیگر دوستان اشاره



### نجفی‌منش:

دولت روحانی  
برای موفقیت  
نیازمند همراهی  
حداکثری بخش  
خصوصی است و  
بخش خصوصی  
در هشت سال  
گذشته به شدت  
تضعیف شده،  
به همین خاطر،  
گام‌های نخست  
دولت باید بر  
محور احیای  
ماهیت وجودی  
بخش خصوصی  
متمرکز شود.





### فاطمه دانشور:

دولت با وجود همه دست‌اندا‌زهای پیش‌رو، به قدرت مشورت با اهل فن پی برده و اگر بتواند بخش خصوصی را تقویت کرده و با خود همراه کند، افق امیدوارکننده‌ای پیش روی ما خواهد بود.

کردند- بدون در نظر گرفتن شاخص‌های ناگوار به ارث رسیده برای دولت بی‌انصافی است. منظورم از این شاخص‌ها کسری بودجه سراسری و نرخ بیکاری و صنعت رو به ورشکستگی است. این روزها با هر مقام مسئولی که در کشور صحبت می‌کنیم، از خزانه خالی و افزایش بی‌رویه نیروهای انسانی تحمیل شده با سطح دانش اندک فغان می‌کند. یکی از اقدامات خوب رییس بانک مرکزی ایجاد ثبات در نرخ ارز بود. خوشبختانه رییس بانک مرکزی به موقع جلوی نوسان شدید نرخ ارز را گرفت تا فضای کسب‌وکار متعادل شود. به همین خاطر ارزیابی من این است که دولت به طور کلی موفق عمل کرده‌است، اما بی‌اخلاقی در فضای کار یکی از معضلات اصلی است که دولت روحانی باید برای برطرف کردن آن اقدام کند. حضرت علی(ع) می‌فرمایند که مردمان شبیه حاکمان می‌شوند و متأسفانه تنها میراث شوم دولت‌های نهم و دهم برای مردمان بی‌اخلاقی مبسوطی است که این روزها در اغلب دستگاه‌ها و نهادها رگه‌هایی از آن به چشم می‌خورد. آیین‌نامه حقوق شهروندی به نظر من گام مثبتی برای مقابله با بی‌اخلاقی‌های اقتصادی و مالی باقی مانده از دوران پیش است. ارزیابی اساسی من درباره برنامه صد روزه معطوف به یک ویژگی در دولت یازدهم می‌شود و آن هم شفاف بودن است که انتظار داریم همین روند ادامه یافته و همه مسائل اقتصادی با مردم در میان نهاده شود. از سوی دیگر شفاف‌سازی ارقام و آمارها برای تولیدکننده، صنعت‌گر و صادرکننده امکان برنامه‌ریزی و ترسیم چشم‌انداز به وجود می‌آورد؛ آنچه در دوره‌های پیش وجود نداشت و رفته‌رفته به خروج سرمایه‌ها از بازار منجر می‌شد.

**صالحی:** اتفاقاً همین شاخص شفاف‌سازی را در متن لایحه بودجه پیشنهادی ۹۳ هم می‌بینم. دولت به دلیل کمبود منابع مالی جلوی یکسری پروژه‌های عمرانی را گرفته تا پروژه‌های نزدیک به بهره‌برداری به نتیجه برسد. نکته مثبت این تصمیم این است که افراد وضعیت را می‌فهمند و می‌دانند که باید میان پروژه‌ها دست به‌گزینش زده و برای اولویت‌ها تأمین اعتبار شود. همین که دولت متمم بودجه به مجلس ارایه کرد، نشان از آن داشت که می‌خواهد بودجه ۹۳ را تا سرحد امکان واقعی کند. تجربه نشان داده که پیش از این از ۴۳ هزار میلیارد تومان بودجه پیش‌بینی شده برای بخش خصوصی تنها ۷ هزار میلیارد تومان آن - یعنی کمتر از بیست درصد - محقق شده و همین مساله دولت را به سمت اختصاص اعتبار به پروژه‌های در اولویت سوق داده است. البته دولت می‌تواند در این بخش به توان بخش خصوصی و امکان مشارکت و «همکاری» شرکت‌های داخلی و خارجی برای فاینانس پروژه‌های عمرانی داخلی توجه کند. فکر می‌کنم تأکید دولت به فاینانس در بودجه ۹۳ می‌تواند زمینه مناسبی جهت این همکاری‌ها به

وجود آورد.

**II نگاه شما به برنامه‌های اقتصادی ارایه شده از سوی دولت روحانی، نگاه مثبت و تا حدودی خوش‌بینانه است، فکر می‌کنید دولت روحانی برای عبور از مشکلات پیش‌رو با چه موانعی روبه‌رو است و راهکار پیشنهادی شما برای گذر از این وضعیت چیست؟**

**نجفی‌منش:** متأسفانه در حوزه مدیریت اقتصادی در این سال‌ها بیش از آنکه از تحریم‌های خارجی رنج ببریم، از وضعیت «تحریم‌های تحمیلی داخلی» رنج بردیم. آنقدر که روی تحریم‌های خارجی مانور می‌دهند، درباره تحریم‌های داخلی سکوت شده است. تحریم داخلی مجموعه تصمیم‌های نادرستی است که جز سنگ‌اندازی پیش روی تولیدکننده نفع دیگری ندارد. البته دولت یازدهم تلاش دارد رفته رفته برخی از مواد نظام پروکراتیک پیشین را حذف کند اما هنوز در بسیاری موارد شاهد اجرا شدن بخشنامه‌های دست‌وپاگیر هستیم. بنابراین یکی از موانع جدی پیش‌رو به باور من یادگاری‌های نه چندان موثر به جای مانده از دولت‌های پیش است که بدون رویکرد اقتصادی و اغلب از نگاه بالا به پایین تدوین شده است. دولت روحانی برای موفقیت نیازمند همراهی حداکثری بخش خصوصی است و بخش خصوصی در هشت سال گذشته به شدت تضعیف شده، به همین خاطر، گام‌های نخست دولت باید بر محور احیای ماهیت وجودی بخش خصوصی متمرکز شود. از سوی دیگر همین روزها گروهی با ادبیات گله‌آمیز از بازگشت پژو به ایران می‌گویند و یکی از بندهای استیضاح مهندس نعمت‌زاده - در مجلس نهم - با تأکید بر همین مساله رقم خورده است. اما تحلیل من این است که اظهار نظر در این زمینه مربوط به شرکت‌های تجاری و دو کارخانه داخلی و خارجی می‌شود و بنا نیست که در این زمینه همه اظهار نظر کنند. بدون تردید تمامی شرکای تجاری با بهبود وضعیت اقتصادی تمایل دارند به کشور بازگردند، در حوزه اقتصادی شرکت‌ها به سود و زیان‌شان توجه می‌کنند و رفتارهایی از این دست تحلیل منطقی دارد.

**صالحی:** نمونه‌اش همین طلبی است که صنعت برق از دولت‌های نهم و دهم داشت. دولت‌های اصول‌گرای نهم و دهم با وجود انباشت سرمایه‌های کلان نتوانستند طلب بخش خصوصی را بپردازند و نتیجه آن بخش خصوصی لاغر و رو به زوال امروز است. این نکته را هم نباید فراموش کرد که وقتی صحبت از بی‌اخلاقی و بی‌اعتمادی می‌شود، این شاخص‌ها تنها در مسائل اقتصادی بروز نمی‌کند بلکه انواع آسیب‌های اجتماعی به دنبال بروز مسائلی از این دست در جامعه به وجود می‌آید. بنابراین وقتی دولتی فرمان را به سمت دیگری هدایت کرده و قطار را از ریل توسعه خارج کرده، امروز نه تنها در برابر رانت‌خواری و فساد اقتصادی موجود مدیون

است که باید نسبت به انواع آسیب‌های اجتماعی از طلاق گرفته تا اعتیاد و حتی همین آلودگی هوای کشنده تهران هم ادای دین کند. گاهی نباید همه چیز را در اقتصاد و اعداد و ارقام خلاصه کنیم، وقتی پای مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی در میان است، احساس مسئولیت در برابر تک‌تک شهروندان ترویج می‌شود، آن وقت چطور دولتی که در راس امور بوده؛ فضایی از بی‌اعتمادی و بی‌اخلاقی به وجود آورده که از سویی شاهد کوچ نخبگان و منابع انسانی بالقوه به کشورهای غربی و آمریکا هستیم و از سوی دیگر با انواع «خاصه بخشی» و «ویژه‌خواری» آقایان در پرونده‌های اقتصادی مواجه می‌شویم.

**III حالا اگر بخواهیم کمی راهبردی وضعیت امروز اقتصاد ایران را بررسی کنیم، پیشنهادهای آینده‌نگرانه شما برای اثربخش شدن تصمیم‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران چیست؟**

**نجفی‌منش:** برای مثال صنعت خودرو نه تنها در ترکیه که در آمریکا و برخی کشورهای غربی با بحران مالی مواجه شد اما دولت‌ها به دلیل پایه‌ای بودن صنعت خودرو و حجم بالای اشتغال‌زایی در این صنعت به کمک بخش خصوصی آمدند و حتی در مورد ترکیه، دولت با وجود کاهش ۴۰ درصدی تولید کارخانه‌های تولید خودرو در این کشور، کمک مالی کرد تا کارخانه‌ها نیروی انسانی خود را تعدیل یا اخراج نکنند. دلیل این امر اتفاقاً به مدیریت کاهش آسیب‌های اجتماعی به دنبال ایجاد بحران اقتصادی و بیکاری‌های گسترده مربوط می‌شود. یعنی اتفاقاً راهبرد عبور از بحران که از سوی دولت ترکیه در سال‌های افول اقتصادی این کشور - سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ - اتخاذ شد، به نوعی آینده‌نگری برای عدم مواجهه با بحران‌های اجتماعی بود و در عین حال حمایت از بخش خصوصی که به خاطر بحران اقتصادی آن سال‌ها وضعیت شکننده‌ای پیدا کرده بود. بنابراین از دولت یازدهم انتظار می‌رود که مدیریت واردات خودرو استاندارد شده و در عین حال همراهی لازم با بخش تولید خودروی داخلی صورت گیرد. همین بازگشت امید به صنعت، میلیارد‌ها تومان ارزش معنوی دارد و دولت باید قدر این سرمایه‌های معنوی را بداند. اما یک نکته دیگر هم اضافه کنم که در حال حاضر قدرت تصمیم‌گیری و ریسک سرمایه‌گذاری در ایران بالا رفته است. افشای پشت پرده پرونده مالی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی خیلی از سرمایه‌داران را ناامید و بی‌اعتماد کرد. به همین خاطر بخشی از نیروی دولت باید بر حذف تمامی زمینه‌های فساد متمرکز شده و در عین حال زمینه برای بازگشت قدرت تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت به وجود آید. پر رنگ شدن نقش دستگاه‌های نظارتی از سازمان بازرسی کل

کشور گرفته تا دیگر سازمان‌های نظارتی در این مسیر تعیین کننده است. اما راهکار پیشنهادی من این است که به ویژه در صنعت اشتغال‌زایی چون خودرو، دولت بخشنامه‌ها و دشواری ارایه تسهیلات بانکی را از پیش روی بخش خصوصی بردارد و با برخی حمایت‌های مالی صنعت خوروسازی را از این مخمصه خارج کند.

**صالحی:** ما به یک تغییر پارادایم در نگاه به سرمایه‌دار نیازمندیم. هنوز خیلی‌ها نگاه مثبتی به سرمایه‌دار ندارند. در جلسه‌های مختلفی که برای وصول به‌هکاری بخش صنعت برق با مسئولان داشتیم، این موضوع بیش از هر زمان دیگری برایم مسجل شد که نگاه به سرمایه‌دار هنوز نگاهی پراپراد و معیوب است. شاید باور نکنید اما از زبان شخصیت‌ها طراز اول در دولت دهم شنیدم که می‌گفتند، «این‌ها - سرمایه‌داران - ۳۰ سال خورده‌اند و برده‌اند و خون مردم را توی شیشه کرده‌اند. حالا باید کمی هم سختی بکشند.» این حرف‌ها در پاسخ سؤال و پیگیری‌ها برای پرداخت مطالبات میلیاردی به زمین مانده صنعت برق مطرح می‌شد. حالا همان رویکرد ضد سرمایه‌دار، افرادی را به چرخه اقتصادی زیرزمینی کشور وارد کرده که برای توصیف آن تنها می‌شود از واژه نوکیسه استفاده کرد. نوکیسه‌های اقتصادی که هیچ خروجی در تولید و صنعت کشور نداشته و بیشتر زمینه پولشویی را به وجود آورده و از رانت‌های قوی هم بهره‌مند بوده‌اند.

**دانشور:** اتفاقاً آقای صالحی باید در نگاه مسئولان به سرمایه‌دار و رانت‌خوار تفکیک شود و رسیدن به این تفکیک جز از مسیر دسترسی به اطلاعات پنهانی و افشای اسامی «سرمایه‌دار نماها» ممکن نخواهد شد. اینکه آقای ایکس یک شبه ره صدساله طی کرده و به پول‌های کلان رسیده، منافعی سرمایه‌داری است. سرمایه‌دار در گام نخست نوعی مسئولیت اجتماعی احساس می‌کند و نه تن به پولشویی می‌دهد و نه از پله‌های رانت و رشوه و اقتصاد زیرمینی بالا می‌رود. بنابراین تغییر پارادایم موردنظر شما باید با علم به تفکیک این دو حوزه از سوی مسئولان صورت گیرد. رسیدن به اطلاعات درست در این بخش نیز به جراحی جسورانه دولت و افشای اسامی برخی اشخاص و سازمان‌ها نیاز دارد. از یاد نبریم که «ثروت» ضد ارزش نیست بلکه «ثروت‌های رانتی» ضد ارزش هستند.

**II** در روند بررسی کارنامه اقتصادی دولت در چند ماه اخیر، ناگزیر هستیم به تفاهم‌نامه ژنو و تاثیر آن بر آینده اقتصاد ایران هم بپردازیم، به نظر شما ترمیم رابطه ایران و غرب و گام‌های عملیاتی در آن چه راه‌ورودی برای اقتصاد ما به همراه داشته است؟

**صالحی:** واقعیت این است که امروز غرب و آمریکا به همکاری با ایران به دلیل ظرفیت‌های ایران در منطقه خاورمیانه علاقه‌مند هستند. ظرفیت‌هایی که باید از سوی نیروهای داخلی نیز غنیمت

شمرده شده و خودآگاهی لازم برای شناسایی این پتانسیل‌ها شکل گیرد. ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه، کشورهای غربی را ناگزیر به رابطه با ایران کرده و در صورت راهبردهای دیپلماتیک موثر و گذر از سد تحریم‌ها، ایران می‌تواند به قطب اقتصادی در منطقه تبدیل شود. چراکه یکی از دلایل اصلی روی آوردن همکاری کشورهای غربی و آمریکا با ایران، نبود رویکردهای دگماتیک - مشابه با منطقه - در ایران است. از طرف دیگر همانطور که مهندس نجفی‌منش هم به درستی اشاره کردند، این روزها بیش از تحریم خارجی، ما از تحریم‌های نانوشته داخلی آسیب می‌بینیم. خیلی‌ها حرف‌های عجیب و غریب و غیرواقعی درباره اقتصاد ایران می‌زنند اما باید نگاه‌مان را واقعی و منطقی کرده و از پتانسیل‌های انسانی و امکانی خود بهره‌مند شویم. وقتی برخی از اقتصاد بزرگ ایران حرف می‌زنند، تعجب می‌کنم، چرا که حجم سرمایه برخی بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی چندبرابر ایران است. نباید دچار توهم شویم. دولت آقای روحانی باید کیک بزرگی درست کند که همگان در ساخت آن سهیم باشند. کشور باید با تکیه بر منطق اشتغال‌زایی، کارآفرینی، تولید و احترام به نیروی انسانی به سمت توسعه برود.

**نجفی‌منش:** مسأله صنعت خودرو این روزها با پدیده آلودگی هوا در هم تنیده شده و خروج از این بحران به جز حل مناقشه‌های بین‌المللی، کاهش و برداشته شدن گام‌به‌گام تحریم‌ها، حذف تحریم واردات بنزین، حضور در عرصه‌های بین‌المللی و مجوز ورود به شرکای تجاری خارجی امکان‌پذیر نیست

**دانشور:** باید این واقعیت را پذیرفت که پالایشگاه‌های ما هنوز تا تولید بنزین استاندارد فاصله زیادی دارند و تا به آن روز ما باید به واردات بنزین استاندارد رو بیاوریم. خوشبختانه گام‌های اقتصادی دولت یازدهم در این چند ماه به سمت رفع تحریم‌ها بوده و در صورت تحقق این امر، بخشی از مسائل جنبی و نامرتب به حیطه اقتصاد هم رفع خواهد شد. یک نکته دیگر هم درباره صنعت معدن است که دولت گفته باید جلوی خام‌فروشی گرفته شود، اما سازوکار مناسب برای فعال ساختن صنعت‌گران در این بخش هنوز دیده نشده، بنابراین درخواست از دولت این است که برای برنامه‌ریزی در این بخش حتماً از نظر کارشناسان و اهل فن بهره‌مند شود.

**نجفی‌منش:** در مورد تحریم‌های داخلی که به آن اشاره شد، پیشنهاد این است که مانند ژنو در قالب تفاهم‌نامه یا سازوکارهای مبنایی، راهبردی برای خروج از این شکل جدید تحریم‌ها اتخاذ شود. چراکه متأسفانه به دلیل غلبه فضای رانتی در این سال‌ها اقتصاد ایران از بسیاری کشورهای منطقه عقب افتاده است. سازمان بازرسی باید امنیت سرمایه‌گذاری را تامین کرده و سیاست‌گذاران ما

نیز باید با بهره‌مندی از تجربه جهانی نسبت به ارایه الگوهای موفق بهبود فضای کسب‌وکار اقدام کنند. حرفم برای افرادی که دوست دارند پیش روی برنامه‌های دولت سنگ اندازی کنند نیز یک بیت شعر است که می‌گوید: «ما را به خیر تو امید نیست، شر مرسان»

**صالحی:** مرور برنامه‌های اقتصادی دولت در حوزه بانکی نشان می‌دهد که در همین چند ماه دولت توانسته نقدینگی و نرخ ارز را مدیریت کند. همچنین مصوبه ۳۵ بندی در حوزه نظام بانکی نشان می‌دهد که دولت با برنامه جدی و تیزبینی پیش آمده و از مشورت تیم اقتصادی قدرتمندی یاری گرفته است. به هر حال وزرای عملیاتی کابینه یازدهم از جمله آقایان آخوندی، زنگنه و نعمت‌زاده سال‌ها کسب علم و تجربه کرده‌اند. از این‌ها گذشته به خوبی «اقتصاد آزاد» را می‌فهمند. در بخش برق، دولت تدبیر و امید هنوز نیامده با معضل خاموشی‌ها مواجه است. پیشنهاد ما این است که دولت به صورت شفاف به مردم جزئیات را بگوید که بدهی‌های میلیاردی امروز و توقف اجرای برخی پروژه‌ها ریشه در ندانم‌کاری‌های قبلی داشته است. در حال حاضر برای سال آینده به ۶۸۰۰ مگاوات برق نیازمندیم که پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۸۰۰ مگاوات آن تامین شود. بخش خصوصی صنعت برق می‌تواند وضعیت عینی و عملیاتی صنعت برق و مخاطره‌های پیش رو را برای دولت آقای روحانی ترسیم کند. گام‌های دولت در این مسیر باید با تکیه بر مشورت بخش خصوصی باشد.

**II** و در نهایت جمع‌بندی شما از آینده وضعیت اقتصادی در دولت روحانی و کابینه یازدهم چیست؟

**نجفی‌منش:** شاید تاکنون هیچ دولتی به اندازه دولت آقای هاشمی رفسنجانی با این همه مخاطره مواجه نبوده است. بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نیاز به بازسازی عمده دارد و برنامه‌ریزی‌های غیرعلمی، سازمان‌ها و نهادها را فرساینده کرده است. دولت روحانی باید در تدوین برنامه‌ها جسورانه پیش رود و تصمیم‌های ضروری را اتخاذ کند. گاهی رودربایستی‌های سیاسی به برخی دشواری‌های مضاعف منجر می‌شود.

**صالحی:** دولت هیچ راهی ندارد جز آنکه همه تصمیم‌ها و برنامه‌هایش را مدام به اطلاع مردم برساند. مردم به خوبی می‌دانند که این دولت چه شرایطی را تحویل گرفته و هر چند عده‌ای بخواهند به دولت یازدهم انگ سیاه‌نمایی بزنند، خودشان در بطن ماجرا می‌دانند که هشت سال گذشته چه آسیبی بر پیکره اقتصادی کشور وارد آمده است. **دانشور:** به آینده اقتصادی دولت یازدهم خوش‌بین هستم. دولت با وجود همه دست‌انداخت‌های پیش رو، به قدرت مشورت با اهل فن پی برده و اگر بتواند بخش خصوصی را تقویت کرده و با خود همراه کند، افاق امیدوارکننده‌ای پیش روی ما خواهد بود.



### صالحی:

دولت آقای روحانی باید کیک بزرگی درست کند که همگان در ساخت آن سهیم باشند. کشور باید با تکیه بر منطق اشتغال‌زایی، کارآفرینی، تولید و احترام به نیروی انسانی به سمت توسعه برود.



## تریلیون شدن آیا ممکن است؟

اگر این سناریو تحقق یابد  
راکفلر آینده از چین بر خواهد خواست

■ الیوت هین / تحلیل‌گر اقتصادی اسلیت / ترجمه: بابک واحدی

نه آکسفورد، هیچ‌یک کلمه تریلیون را به رسمیت نشناخته‌اند. چطور می‌شود کسی چیزی شود که هنوز وجود ندارد؟

خیزش راکفلر به جایگاه ابرثروتمندان جهان از محل منبعی آشنا امکان‌پذیر شد: نفت. در سال ۱۸۷۰ او شرکت استاندارد اویل را تأسیس کرد؛ تا پایان آن دهه، شرکت استاندارد اویل پالایش ۹۰ درصد از نفت آمریکا را برعهده داشت. زمان‌بندی صعود راکفلر در نردبان ثروت بی‌نقص بود: ایالات متحده پس از جنگ به سمت غرب پیش‌روی می‌کرد و نفت داشت به پول جهانی صنعتی شدن تبدیل می‌شد. مسیر رسیدن راکفلر به ثروت ده رقمی فقط مدیون شمش اقتصاد و کسب‌وکار او نبود؛ او از انحصار هم بهره بسیار برد. وقتی دادگاه عالی در سال ۱۹۱۱ حکم به انحلال استاندارد اویل داد، این شرکت اسلاف نفتی را به غول‌های صنعت مدرن تبدیل کرده بود: کانوکو، آموکو، چوران، اکسون، و موبیل.

هم‌زمان، در اروپا، خانواده راتشیلد زیرساخت‌های بانک‌داری مدرن را ساخته بودند. بزرگ این خاندان، مایر امشل راتشیلد، خانواده را در مسیر پیشگامی

پیشنهادهای چند میلیون دلاری گوگل و فیس‌بوک را رد کنند. رسیدن به ثروت ده رقمی هم، دیگر به‌اندازه سابق هیجان‌انگیز نیست.

وقتی یک قرن پیش جان دی. راکفلر از کارمندی با حقوق روزانه ۵۰ سنت در یک شرکت تولیدی به نخستین میلیاردر جهان تبدیل شد، ثروتی که او جمع کرده بود بیل‌گیس را به سکنه می‌انداخت. در سال ۱۹۱۸، درآمد پیش از کسر مالیات راکفلر رقم حیرت‌آور ۳۳ میلیون دلار بود، یا به دلار امروز کمی بیش‌تر از ۵۵۰ میلیون دلار. صورت‌حساب مالیاتی وارن بافت در سال ۲۰۱۰ پیش این رقم ناچیز دیده می‌شود؛ کم‌تر از ۷ میلیون دلار بابت ۴۰ میلیون دلار درآمد پیش از کسر مالیات. در آن زمان، ثروت راکفلر به تنهایی ۱.۵۳ درصد از کل اقتصاد آمریکا بود، چیزی نزدیک به ۳۵۰ میلیارد دلار امروز.

اما راکفلر هم حتی تا نیمه راه رسیدن به مرحله بعدی را نپیموده بود: یک تریلیون دلار. از آن زمان تا کنون هیچ‌کس حتی به این مرحله نزدیک هم نشده است. بگذارید واضح‌تر بگویم که چه قدر این مفهوم ثروت شخصی بیگانه و غیرقابل‌درک است: تا کنون هیچ‌کدام از لغت‌نامه‌های مشهور جهان، نه وبستر و

انباره ثروت جهان بیش از هر زمان دیگری در تاریخ است. گزارش سال ۲۰۱۳ بنیاد کردیت سوئیس، ثروت جهانی را ۲۴۱ هزار میلیارد دلار، یا ۶۸ درصد بیش‌تر از یک دهه پیش، ارزیابی کرده است. البته نه این معنا که این ثروت عادلانه‌تر توزیع شده است؛ ۱۰ درصد از جمعیت جهان ۸۶ درصد از پول جهان را در اختیار دارند. طبق این گزارش ثروت در جهان آن قدر سریع و پرشتاب ایجاد و انبار می‌شود که تنها دو نسل دیگر کافی است که ۱ میلیارد میلیونر در جهان داشته باشیم. این یعنی که از هر ۵ بزرگ‌سال جهان یک نفرشان می‌تواند به‌زودی خودش را میلیونر بخواند.

حتی میلیاردرها هم دیگر گونه‌های نادر گذشته نیستند. براساس گزارش‌های فوربس، امروزه ۱۴۲۶ نفر از آن‌ها در جهان وجود دارند، و بیش از ۲۰۰ نفرشان فقط در سال گذشته به اعداد ۱۰ رقمی رسیده‌اند. بیست و پنج سال پیش که فوربس کار تهیه و انتشار فهرست میلیاردرهای خود را آغاز کرد، فقط ۱۴۰ میلیاردر در جهان وجود داشتند. حتی همین چند سال پیش سخت می‌شد باور کرد که امثال اوان اشیپگل، بنیان‌گذار ۲۳ ساله اسنپ‌چت،







مالیه مدرن قرار داد؛ با ایفای نقش بانک مرکزی کل قاره، امضای قراردادهایی که به تأمین مالی بنای زیرساخت‌های صنعتی شدن اروپا کمک کرد، و تبدیل کردن خانواده‌اش به ثروتمندترین خانواده‌ای که دنیا به خود دیده است.

ایا می‌توان خیزش و پیشرفتِ راکفلر و خاندان راتشیلد را برای خلقِ یک تریلیون تکرار کرد؟ نخست، باید حقیقتاً بخواهید که چنین ثروتی جمع کنید. راکفلر انگیزه‌اش برای ثروت‌اندوزی را نجوایی الهی می‌دانست که از او می‌خواست بیش‌تر و بیش‌تر پول درآورد، و نیز این که آن را ببخشد. او گفته بود: «معتقدم قدرت پول درآوردن موهبتی از جانب خداوند است. این وظیفه من است که پول درآورم و پول بیش‌تر و از این پول برای بهبودِ زندگی هم‌وطنانم استفاده کنم.»

راکفلر با آن ثروت افسانه‌ای غیرقابل تصورش پیشگام مسیری متناقض دیگری هم شد: هنر بخشیدنِ ثروت. او تا پایان عمرش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار از ثروت خود را بخشید. در بخش آموزش سرمایه‌گذاری زیادی کرد و از ثروت او بود که دانشگاه شیکاگو زاده شد و سرمایه‌های او

به تحقیقات پزشکی برای یافتن درمان بیماری‌ها و تأسیس و فعالیتِ دانشکده‌های پزشکی برای آموزش و تربیت پزشکان هم جان داد. راکفلر درست مثل تلاشش در کسب‌وکار درآمدزایش، در جهت دست‌یابی به «بهینگی بخشش» هم تلاش سخت و خستگی‌ناپذیری کرد، تا برای «مسأله بخشش بدون گداپروری در میان کسانی که پول را دریافت می‌کنند» راه‌حلی بیابد. این غریزه‌ای است که دو نفر از ثروتمندترین مردان دنیای امروز هم دارند؛ بیل گیتس و وارن بافت. اعانه‌های این دو به بنیاد گیتس پایگاه مالی‌ای ۴۰ میلیارد دلاری برای این بنیاد ساخته است. و این طور نیست که بخواهند فقط پول خودشان را ببخشند؛ آن‌ها از میلیاردرهای دیگر هم می‌خواهند که سهم بیش‌تر ثروت‌شان را به فعالیت‌های انسان‌دوستانه اختصاص دهند. این امر گیتس، بافت و بسیاری از دیگر ثروتمندان را که می‌خواهند راه آن‌ها را بروند از رسیدن به مقام تریلیون دور می‌سازد.

راکفلر استاندارد اوایل را در روزهای نخستین کسب‌وکار تجارت نفت بنیان گذاشت و بی‌وقفه تلاش کرد تا رقبا را ببلعد تا انحصاری ایجاد کند. چمبره او بر بازار آن‌قدر سفت و سخت بود که راه به جنبش مبارزه با تراست داد، که اخلاف او را از رسیدن به سلطه‌ای این‌چنینی باز می‌دارد. استیلای نفتی راکفلر که رنگ باخت، تولید جهانی رونق گرفت؛ در یک دنیای صنعتی که دیوانه‌وار توسعه می‌یافت، ذخایر نفت اهمیت استراتژیکی پیدا کرد. این یعنی کشورهایی که بر ذخایر نفت نشسته‌اند اجازه دزدیدن آن را نخواهند داد. اما آیا ماده معدنی جدیدی می‌تواند به زایش راکفلری جدید بیانجامد؟ قطعاً شدنی است. با رشد انفجاری فن‌آوری موبایل از تلفن‌های همراه تا لپ‌تاپ‌ها تا خودروهایی هیبرید، نیاز سیری‌ناپذیر برای باتری‌ها فلزات نادر زیر زمین را به کالاهایی ارزشمند تبدیل کرده است. اما آن‌ها هم در چارچوب مرزهای ملی کشورها قرار گرفته‌اند. در واقع، ۹۷ درصد از فلزات کم‌یاب جهان در چین پیدا می‌شوند، که به آن کشور انحصاری شبیه به راکفلر می‌دهد که اجازه نخواهد داد آسان از چنگش درآورند.

یک قرن پیش از این، ثروتمندترین مردان جهان بر موجی از صنعتی‌سازی در ایالات متحد سواری گرفتند که در عصر طلایی بالا گرفت. انفجار فن‌آوری اطلاعات و حمل‌ونقل اقتصاد آمریکا را به بازار ملی‌ای واقعی بدل ساخت. این دوره‌ای بود که طبقه متوسط آمریکا را ساخت، و نیز پایه‌های

ثروت‌اندوزی خارق‌العاده صاحبان صنعت آمریکا را بنا نهاد. امروزه، فرایندی مشابه در سطح جهانی در جریان است. خطوط ارتباط و حمل‌ونقل جهانی حالا از مرزها فراتر رفته‌اند و رشد طبقه متوسطی جهانی را به ارمغان آورده‌اند. برنامه‌نویسان در هند حالا بخشی از بازار کار شرکت‌های آمریکایی هستند، که به نوبه خود از آن‌ها مصرف‌کنندگان جدید می‌سازد. این به معنی آن نیست که توزیع ثروت برابرتر شده است، اما ثروت بیش‌تر در بخش‌های بیش‌تری از جهان می‌تواند راه را برای زایش نخستین تریلیونر جهان هموار سازد.

دو صنعتی که بهترین موقعیت و فرصت را برای رساندن میلیاردری به مرحله بعد دارند فن‌آوری و عمده‌فروشی هستند، هر دو به یک دلیل: هر دو از بازار کاری جهانی برای تولید محصولات سودآور بهره می‌گیرند، محصولاتی آن‌قدر ارزان که کارگران خیلی زود به مصرف‌کنندگان کالایی که خود می‌سازند تبدیل می‌شوند. البته، صنعت فن‌آوری بر اساس زیرساخت اینترنت تکیه کرده است تا سریع‌تر از هر زمان دیگری در تاریخ میلیاردر بسازد. در اکتبر ۲۰۱۰، شبکه به اشتراک گذاشتن عکس، اینستاگرام، زاده شد؛ در کم‌تر از دو سال و استخدام فقط ۱۳ کارمند، فیس‌بوک آن را به قیمت یک میلیارد دلار خرید. نگاهی به فهرست ثروتمندترین‌های جهان فوربس نشان می‌دهد که خیزش فن‌آوری و ارتباطات رادیویی تأثیر بسیار زیادی در ظهور ثروتمندان جدید داشته است: کارلوس اسلیم مکزیک، که در مقام نخست فهرست‌های ثروتمندترین‌های جهان با گیتس رقابتی نزدیک دارد، عمده ثروت خود را در صنعت ارتباطات از راه دور گرد آورده است.

زیر این غول‌های فن‌آوری آمانسیو اورتگا، بنیان‌گذار زارا، ایستاده است؛ و پس از آن خاندان والتون و فروشگاه‌های زنجیره‌ای وال‌مارت‌شان که همه‌جا دیده می‌شود؛ و بعد خانواده مارس، خاندان مشهور دنیای شکلات و شیرینی؛ پس از آن‌ها هم استفان پرسون، رئیس ایچ‌اند‌ام، و بعد جف بزوس، از آمازون. ظهور این ثروتمندان و خانواده‌ها از داستان گیتس، اسلیم و هم‌تایان آن‌ها عجیب‌ترو حیرت‌انگیزتر شده است؛ و شاید از واضح‌ترین مسیر مطمئن رسیدن به ثروت ۱۰ رقمی پرده برمی‌دارد. این غول‌ها، از جهات مختلف، بهترین موقعیت را در یافتن و به کار گرفتن نیروی کار در هر کجا که باشد دارند. این قضیه به آن‌ها کمک می‌کند محصولات خود را به قیمت‌هایی بفروشند که دنیای ثروت‌مندتر سریع‌تر می‌تواند از پس خریدشان برآید. برای تحقق این امر، آن‌ها به ادامه رشد بازارهای نوظهور نیاز می‌کنند بلکه مصرف‌کنندگان نویی هم می‌سازند. اگر چنین شود، کردیت سوئیس پیش‌بینی می‌کند که تا دو نسل آینده (یعنی حدود ۶۰ سال بعد) ۱۱ تریلیونر در میان ما زندگی خواهند کرد.

## دو صنعتی که

- بهترین موقعیت
- و فرصت را برای
- رساندن میلیاردری
- به مرحله بعد
- دارند فن‌آوری
- و عمده‌فروشی
- هستند، هر دو به
- یک دلیل: هر دو
- از بازار کاری
- جهانی برای
- تولید محصولات
- سودآور بهره
- می‌گیرند،
- محصولاتی آن‌قدر
- ارزان که کارگران
- خیلی زود به
- مصرف‌کنندگان
- کالایی که خود
- می‌سازند تبدیل
- می‌شوند.



■ جان کسیدی  
تحلیل‌گر ارشد  
اقتصادی نیویورکر



اقتصاد آفریقای  
جنوبی از عواقب  
و نتیجه بحران  
مالی جهان  
ضربه خورده  
است؛ بحرانی که  
جریان‌ات سرمایه  
بین‌المللی را  
به شدت کاهش  
داده، و موجی از  
اعتصاب‌ها در  
طلب‌دستمزدهای  
بالا تر را به راه  
انداخته است.

# بد و خوب ماندلا

## میراث مختلط اقتصادی مبارز ضد آپارتاید

تکریم و تجلیل نلسون ماندلا بی‌وقفه، زیاده‌از‌حد، و این‌جا در ایالات متحد، بیش از اندازه طعنه‌آمیز بود. او که مدت‌ها از سوی سازمان‌های جاسوسی امریکا شخصیتی فتنه‌گر، و حتی تهدیدی تروریستی، به حساب می‌آمد یک‌باره به مبارز نستوه تاریخ آزادی‌خواهی، وارث جورج واشنگتن، آبراهام لینکلن، و مارتین لوتر کینگ، تغییر چهره داد.

سخنرانی اواما در مراسم یادبود ماندلا از آن نطق‌های تأثیرگذار بود، و ماندلا به‌حق شایسته این تمجیدهاست. او با مذاکره انتقال مسالمت‌آمیز به دموکراسی را محقق ساخت، گذاری که کم‌تر کسی آن را امکان‌پذیر می‌دانست، و شکیبایی و وقار او تا همیشه در یادها خواهد ماند. اما میراث او مختلط‌تر و چندوجهی‌تر از آنی است که بعضی از این ستایش‌ها می‌گویند. آفریقای جنوبی، تقریباً بیست سال پس از آن که او رئیس‌جمهور شد، نمونه کامل حکومتی تک‌حزبی است، گرفتار سطوح بالایی از نابرابری، فساد، و جرم و جنایت. در داخل کشور، از جبهه چپ، برخی می‌گویند که ماندلا، در مسیر رسیدن به توافقی سیاسی با رژیم آپارتاید، امتیازات زیادی به طبقه ممتاز سفیدپوست داده است، که در نهایت یک نظام اقتصادی به‌شدت نابرابر و غیرمنصف را در جای خود نگه داشته که اکثر مردمان بومی را از تقسیم ثروت بی‌حد معدنی آفریقای جنوبی کنار می‌گذارد. از سوی میانه‌روهای خیال‌پرداز و هم‌زده هم‌شکایت‌هایی به گوش می‌رسد که می‌گویند رهبر بزرگ، پس از آن‌که در سال ۱۹۹۴ رئیس‌جمهور شد، علاقه چندانی به مدیریت و اداره کشور نشان نداد، و بدین ترتیب به همکاران خود در کنگره ملی آفریقا اجازه داد که غنایم را میان خود تقسیم کنند و به تاراج ببرند. و از سوی جبهه راست انتقاد می‌شود که ماندلا و اخلاف او هرگز درکی واقعی و درست از اقتصاد یا از قدرت بازار نداشتند. این انتقادها را نباید زیاد جدی گرفت. طبق معیارهای بسیاری از کشورهای آفریقایی ره‌اشده از بند استعمار، آفریقای جنوبی چندان روزگار بدی را نگذرانده است. صندوق بین‌المللی پول، در گزارشی که اخیراً منتشر کرده، اشاره می‌کند که رشد تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۱۹۹۴ تا کنون ۳٫۳ درصد در سال بوده است، و درآمد سرانه تعدیل شده

به تورم آن هم ۴۰ درصد افزایش یافته است. بیش از نیمی از مردم این کشور نوعی کمک اجتماعی دریافت می‌کنند، و نرخ فقر ده درصد کاهش یافته. اما در همان گزارش صندوق بین‌المللی پول از برخی مشکلات هم که کشور را در گرداب خود فرو برده‌اند پرده برداشته شده است.

آفریقای جنوبی هنوز یکی از نابرابرترین اقتصادهای جهان را دارد. ده درصد بالایی هرم درآمدی جمعیت این کشور حدود شصت درصد از کل درآمد کشور را به جیب می‌زنند. افزون‌براین، بعضی گزارش‌ها هم در این‌که آیا فقر حقیقتاً، آن‌طور که صندوق بین‌المللی پول می‌گوید، کاهش یافته شک آورده‌اند. پیمایش تازه آفریوارومتر، یک پروژه تحقیقاتی مستقل، پی برده که در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲، این نرخ افزایش یافته است. بی‌شک، بعضی سیاه‌پوستان یا دیگر مردمان غیرسفیدپوست در رژیم پس از آپارتاید زندگی خوبی برای خود ساخته‌اند. سطح تفکیک و تبعیض اسکاتی هنوز خیلی بالا است. تفکیک نژادی دیگر از سوی قانون اجباری نیست، اما شکاف اقتصادی پررنگ به این معناست که لازم نیست قانون اجباری تفکیک ایجاد کند. بسیاری از غیرسفیدپوست‌ها استطاعت نقل مکان به نواحی سفیدپوست‌نشین را ندارند. بسیاری از آن‌ها هنوز فاقد تحصیلات ابتدایی هستند. و خیلی‌هایشان هنوز در شهرها و روستاهای کوچکی زندگی می‌کنند که گرفتار جرم و جنایت و دیگر معضلات اجتماعی هستند.

اگر بتوان چنین گفت، ماندلا تا چه حد مسئول این وضعیت است؛ مورخان و مفسران چپ‌گرای آفریقای جنوبی به بازنگری در فرایند گذاری نشسته‌اند که در فاصله دهه ۱۹۸۰، آن‌زمان که ماندلا مذاکره با مقامات سفیدپوست را از سلولش در زندان آغاز کرد، و رسیدنش به قدرت در سال ۱۹۹۴، رخ داد. کنگره ملی آفریقا در منشور آزادی خود که قدمتش به سال ۱۹۵۵ برمی‌گردد خود را به مالکیت عمومی منابع طبیعی و بازتوزیع زمین‌های سفیدپوستان متعهد و ملزم کرده است. اما در بازگشت به وعده انتخابات آزاد، این خواسته‌ها آرام و بی‌سروردا کنار گذاشته شدند. یکی از منتقدان فرایند گذار سمی تریلانکه است، مورخ کهنه‌کار اقتصاد که می‌گوید ماندلا و دیگر مذاکره‌کنندگان کنگره ملی آفریقا معامله‌ها و توافقی‌هایی بستند که شرکت‌های معدنی بزرگ سفیدپوستان را، که بر اقتصاد آفریقای جنوبی سلطه دارند، تقویت کرد؛ شرکت‌هایی که تریلانکه آن‌ها را «مجموعه معدن»

انرژی» می‌خواند. به‌ادعای او این معامله‌ها به این طریق دولت نوزاد بعد از آپارتاید را از منابعی محروم ساخت که برای ریشه‌کن کردن فقر و نابرابری ضروری بودند. تریلانکه می‌نویسد: «سازش طبقه ممتاز - یا دسیسه طبقه ممتاز - که پیش از سال ۱۹۹۴ میان بخش شرکتی و هسته رهبری کنگره ملی آفریقا رخ داد شرکت‌ها و مردمان سفیدپوست را از نقشی که در استثمار و محروم گذاشتن سیاه‌پوستان داشتند تبرئه کرد. این اقدام هم‌چنین سفیدپوستان را قادر ساخت که تقریباً تمام ثروت انباشته‌شان را دست‌نخورده به آفریقای جنوبی بیاورند.»

این ادعاها فرض را بر این می‌گذارند که دولت کنگره ملی آفریقا می‌توانست شرکت‌های صنعت معدن و انرژی را ملی سازد، یا بخش عمده‌ای از سهام‌شان را در اختیار بگیرد، بی‌آن‌که مقدمات جنگی داخلی را فراهم سازد، اتفاقی که محال بود بیافتد. همچنین فرض این منتقدان بر این است که دولت جدید می‌توانست در اداره کارآمد این شرکت‌ها موفق باشد، که در دیگر کشورهای آفریقا ثابت شده است این‌طور نخواهد بود. بااین‌حال، بعضی از همکاران سابق ماندلا در کنگره ملی آفریقا حالا بر این باور هستند که حزب، در معامله با دولت اف. دبلیو. دی کلارک، آن‌طور که باید بر آن‌ها فشار نیلورد.

البته که، انتقاد از چیزی که در دورنماست کاری آسان است. دولت جدید اقتصادی را تحویل گرفت که از ضربه شدید تحریم‌های بین‌المللی و کمپینی بین‌المللی از عدم سرمایه‌گذاری در هم شکسته بود. ماندلا و مشاوران اقتصادی‌اش، با پا گذاشتن در مسیری میانه‌رو و گام‌به‌گام، تضمین کردند که آفریقای چندنژادی و دموکراتیک کمک‌های حیاتی اقتصادی را از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، و نیز کشورهایی چون بریتانیا و ایالات متحد، دریافت کند. (این کشور اکنون در جایگاه نوزدهمین دریافت‌کننده بزرگ کمک‌های اقتصادی امریکا است، و سالانه هفتصد و پنجاه میلیون دلار از امریکا کمک دریافت می‌کند.) دولت جدید با دست‌نخورده گذاشتن بیش‌تر بخش‌های ساختار اقتصاد موجود، هم‌چنین قادر بود بر درآمدهای مالیاتی که با برخی ثابت در حال رشد بودند تکیه کند، درآمدهایی که سرمایه ساخت‌خانه‌ها، مدارس، شبکه‌های برق و آب را تأمین کرد؛ که بسیاری از آن‌ها در نواحی غیرسفیدپوستان هستند. رشد پایدار به توسعه کلی برنامه‌های رفاه هم انجامید.

بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی که در سال‌های آخر رژیم آپارتاید کشور را ترک کرده بودند بازگشتند، و با خود سرمایه‌ای به کشور آوردند. در طول سالیان، مقدار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آفریقای جنوبی افزایش چشم‌گیری داشت، به‌ویژه از سوی



# سناریوی برای سرمایه‌داری اخلاقی

## نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: کمپینی جهانی که به دنبال دفاع از حقوق فقرا در برابر برندهاست



پیتیر سینگر  
فیلسوف اخلاق  
استرالیایی و  
صاحب نظریه در  
اخلاق فقر

شکر شیرین است، اما اخلاق تولید آن اصلاً شیرین نیست. جای تعجب نیست که وقتی منافع فقرا با ثروت‌مندان و قدرتمندان تلاقی می‌کند، این فقرا هستند که بازی را می‌بازند. گزارش بنیاد آکسفام اینترنشنال مثال‌های متعددی از تولیدکنندگانی می‌آورد که زمین‌های مردم را بدون اخذ اجازه از کسانی که روی آن زمین‌ها زندگی می‌کنند تصاحب می‌کنند، و کشاورزان را به کارگران بدون زمین تبدیل می‌کنند. یکی از مثال‌های آکسفام این است: در شمال شرق برزیل، گروهی از خانوارهای ماهی‌گیر از سال ۱۹۱۴ بدین سو در جزیره‌هایی در مدخل رودخانه سیرینیهام زندگی می‌کرده‌اند. در سال ۱۹۹۸، کارخانه شکر اوسینا تراپیکه از دولت خواست که این زمین را به آن‌ها بدهد. این جزیره‌نشینان می‌گویند کارخانه پس از درخواستی که به دولت داده، شروع به تخریب خانه‌ها و زمین‌های کوچک کشاورزی‌شان کرده، و کسانی را که حاضر به ترک جزیره نبودند به اعمال خشونت‌های بیش‌تر تهدید نموده است. اگر بدانید که هم کوکاکولا و هم پیپسی از شکر اوسینا تراپیکه در محصولات خود استفاده می‌کنند، آیا بدین ترتیب آن‌ها هم در ظلم تراپیکه، شریک جرم هستند؟

در دهه ۱۹۹۰، شرکت نایک سعی کرد از زیر بار مسئولیت استفاده از کودکان زیر سن قانونی و دیگر برخوردهای غیرانسانی با کارگران در کارخانه‌هایی که کفش‌های ورزشی‌اش را تولید می‌کردند، شانه خالی کند. این رویکرد چندان به مذاق مصرف‌کنندگان و مشتریان نایک خوش نیامد، و سرآخر نایک تصمیم گرفت کار درست را بکند و درباره تولیدکنندگان شفافیت داشته باشد.

به همین ترتیب، اگرچه واکنش اولیه مک‌دونالد به برخی انتقادات، شکایت از فعالان اجتماعی‌ای بود که این اتهامات را مطرح کرده بودند اما نتیجه کار، طولانی‌ترین محاکمه پرونده افترا در تاریخ قانون بریتانیا بود، و فاجعه‌ای برای این غول تجاری. پس از آن که قاضی حکم داد که بعضی ادعاهای فعالان صحت دارند، مک‌دونالد به نیرویی ضروری برای بهبود شیوه رفتار با حیوانات در تولید مواد غذایی در ایالات متحد تبدیل شده است.

در یکی از موارد تازه‌تر، فرو ریختن ساختمان کارخانه تولید پوشاک رانا پلازا در بنگلادش در اوایل سال جاری، که جان بیش از ۱۰۰۰ نفر را گرفت، هم چالش مشابهی را پیش روی صنعت پوشاک گذاشت. شرکت اسوشیتد بریتیش فودز، که هم تولیدکننده بزرگ شکر است و هم ساحل شبکه عمده‌فروشی پوشاک، همراه با ۸۰ برند پوشاک دیگر، با امضای یک قرارداد الزام‌آور حقوقی در مورد امنیت ساختمان که با حمایت اتحادیه‌های تجاری و دولت بنگلادش روبه‌رو شد، مسئولیت تهیه‌کننده‌های خود را برعهده گرفت.

آنچه در مورد صنعت پوشاک صادق است باید برای صنعت غذا هم صدق کند؛ و نه فقط در مورد شکر، بلکه در تمام تولیدات غذایی. آکسفام از ده برند بزرگ غذایی جهان می‌خواهد که با قبول مسئولیت نقض حقوق مالکیت زمین از سوی تهیه‌کننده‌های‌شان پیشگام این تحول شوند. از شرکت‌های جهانی و بین‌المللی می‌خواهد از تهیه‌کننده‌هایی که زمین‌های تولیدکنندگان کوچک محصولات غذایی را بدون اجازه روشن، از قبل اعلام شده و آگاهانه آن‌ها غصب می‌کنند، چیزی نخرند. در مواردی هم که زمین‌ها پیش از این بدون اجازه‌ای این چنین غصب شده‌اند، و تصاحب زمین محل مناقشه است، آکسفام از این شرکت‌ها می‌خواهد که بر روال قانونی حل اختلاف اصرار کنند.

این برنامه در قالب کمپین «پشت پرده برندها»، ده شرکت برتر را بر مبنای مسائلی چون تأثیرشان بر کارگران، آب، زمین، زنان، و تغییرات آب‌وهوایی رتبه‌بندی می‌کند. در مسائل مربوط به زمین، آکسفام امتیاز شرکت پیپسی و ای‌بی‌اف را یا «ضعیف» یا «بسیار ضعیف» دانسته است. نکته به سبب قواعد و اصولی که برای تهیه‌کنندگان خود در نظر گرفته، امتیاز بهتری دارد؛ قواعدی لازم‌الاجرا برای تهیه‌کنندگان منابع شکر، سویا، روغن زیتون و دیگر مواد غذایی در نظر گرفته شده، که آن‌ها را ملزم می‌سازد پیش از تصاحب هر زمین، اجازه آگاهانه بومی‌ها را بگیرند.

نستله، اولین در میان این ده شرکت برتر بود که این اصول را به طور کامل به کار بست. در روز ۷ نوامبر، کوکاکولا هم به کمپین آکسفام پاسخ داد و اعلام کرد که به هیچ وجه دیگر اجازه غصب زمین از سوی تهیه‌کنندگان و بطری‌کنندگان‌اش را نخواهد داد. کوکاکولا به انتشار اطلاعات شرکت‌هایی که شکر، سویا، و روغن زیتون‌شان را تأمین می‌کنند متعهد شد که ارزیابی‌های مربوط به معیارهای اجتماعی، محیط‌زیست، و حقوق بشر را در مورد آن‌ها انجام دهد؛ این شرکت همچنین در مناقشه خانوادگی ماهی‌گیر مدخل رودخانه سیرینیهام، که شرکت اوسینا تراپیکه درگیر آن است، هم وارد خواهد شد.

مبارزه آکسفام معیارها را برای صنعت غذای جهان ارتقاء می‌دهد. اگر پیپسی و ای‌بی‌اف از ما می‌خواهند به چشم تولیدکنندگانی اخلاق مدار به آن‌ها نگاه کنیم، باید در مسیری که نستله و حالا کوکاکولا رفته‌اند گام بگذارند، و مسئولیت اقدامات تهیه‌کنندگان‌شان در برخورد با برخی از فقیرترین و بی‌دفاع‌ترین مردمان جهان را برعهده بگیرند.

بریتانیا و کشورهای دیگر اروپا، اما همچنین از سوی کشورهای آسیایی چون چین و مالزی. سطح علاقه‌مندی خارجی به افریقای جنوبی هم همین‌طور بود، تا به آن حد که در سال ۲۰۱۰، چهار قدرت نوظهور جهان، یعنی برزیل، روسیه، هند و چین، از این کشور دعوت کردند به بلوک کشورهای «بریکس» بپیوندند. در سال ۲۰۱۱ حتی پرزیدنت زوما به چین رفت تا در نخستین اجلاس «بریکس» شرکت کند.

با این وجود، از آن زمان تاکنون اقتصاد افریقای جنوبی از عواقب و نتیجه بحران مالی جهان ضربه خورده است؛ بحرانی که جریان‌ات سرمایه بین‌المللی را به شدت کاهش داده، و موجی از اعتصاب‌ها در طلب دستمزدهای بالاتر را به راه انداخته است، که نشانه‌ای است از خشم گسترده از این که رشد به صورت نابرابر تقسیم و توزیع شده است. سال گذشته، شاخه جوانان کنگره ملی افریقا کمپینی را برای ملی کردن معادن و بانک‌ها راه انداخت؛ همان سیاستی که ماندلا در سال ۱۹۹۴ ردش کرده بود. دولت رئیس‌جمهور زوما این خواسته‌ها را رد کرد، و بر حمایت خود از معامله بنیادینی که ماندلا با منافع اقتصادی سفیدپوستان کرده بود تأکید کرد، اما تنش‌ها همچنان شدید هستند. ارزش راند، واحد پول افریقای جنوبی، سقوط کرده است و سرمایه‌گذاران خارجی مشوش هستند.

هم‌زمان، بسیاری از مردمان افریقای جنوبی بر این اعتقاد هستند که دولتی ناکارآمد و محفلی که به فکر منافع خود بوده، کشور را عقب نگه داشته است. برای درک گستردگی این باور میان مردم، به هو کردن رئیس‌جمهور زوما در مراسم یادبود ماندلا نگاه کنید، یا به انتقاد تند و آتشینی که همان روز در روزنامه ایوبینگ استاندارد لندن منتشر شد. انتقادی از سوی آر. دبلیو. جانسون، مورخ و ژورنالیست اهل افریقای جنوبی که اندکی پس از رئیس‌جمهور شدن ماندلا تدریس در آکسفورد را رها کرد و به کشورش برگشت:

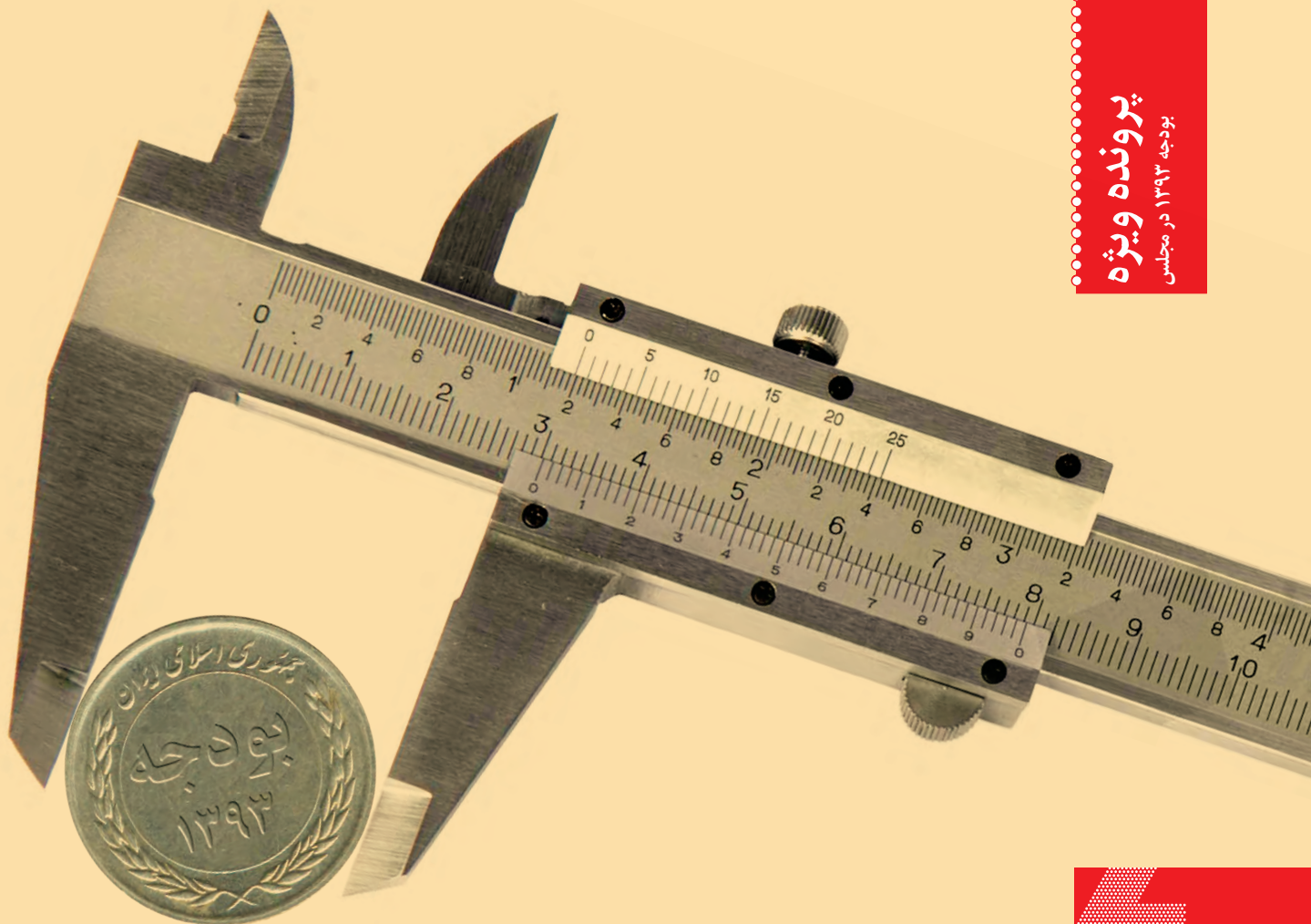
«کشور تحت زمامداری کنگره ملی افریقا به شدت گرفتار فساد شده است. از هر چه که بگذریم، کاخ زوما در انکادلا گویای این است که رئیس‌جمهور چه کار می‌کند. کارمندان دولت، آموزگاران، و پلیس به شدت فاسد هستند. شورش‌های جوامع مختلف در اعتراض به خدمات ضعیف و ناکافی دولتی هر دو روز یک‌بار در جایی از کشور رخ می‌دهند. ماندلا شاید در آسمان‌ها به کنگره ملی افریقا بپیوندد؛ اما حزبی که این پایین است قطعاً جایش در جهنم است.»

بار دیگر، این پرسشی بی‌پاسخ است که چه قدر از مسئولیت‌ها بر گردن ماندلا است. ماندلا که تا آخرین لحظه به کنگره ملی افریقا وفادار ماند و از هرگونه انتقاد عمومی خودداری کرد.

شاید، آن‌طور که بیل کلر در یادداشت طولانی و شیوایش برای درگذشت ماندلا در تایمز نوشته است، خواسته بی‌جایی باشد که بخواهیم ماندلا، که با گذار کشور به دموکراسی معجزه کرد، معجزه‌های دیگر در قالب حکومت خوب و پیشرفت برابر و مشترک نشان‌مان می‌داد.

اگر پیپسی و ای‌بی‌اف از ما می‌خواهند به چشم تولیدکنندگانی اخلاق مدار به آن‌ها نگاه کنیم، باید در مسیری که نستله و حالا کوکاکولا رفته‌اند گام بگذارند، و مسئولیت اقدامات تهیه‌کنندگان‌شان در برخورد با برخی از فقیرترین و بی‌دفاع‌ترین مردمان جهان را برعهده بگیرند.





۲۳ **اشتباه همیشگی: نگاه در آمدی به نفت**  
عوض محمد پارسا

۲۴ **نگران ابزارهای لازم برای تحقق بودجه هشتم**  
گفت‌وگو با ابراهیم بهادرانی

۲۸ **بودجه انبساطی و حساب مالیاتی**  
هادی بهروز زنوز

۲۹ **در ستایش واقع بینی دولت**  
اسماعیل جلیلی

۳۰ **سند جهش بزرگ به پیش**  
محمد رضا بهرامن

۳۰ **سیاست‌های انقباضی دولت**  
محمد حسین برخوردار

۳۲ **مطالبات بخش خصوصی در خلاء**  
مرسل صدیق

۳۳ **تکلیف یارانه‌ها روشن نیست**  
غلامرضا تاج‌گردون

۳۴ **بودجه ۹۳ جسور نیست**  
جعفر قادری

۳۴ **کیفیت فدای سرعت**  
محمد رضا پور ابراهیمی

# معمای بودجه در ایران

پرونده‌ای به مناسبت  
بودجه ۱۳۹۳  
که دولت تحویل مجلس داد

لایحه بودجه سالانه یکی از مهم‌ترین لوایح و قوانینی است که هر حکومتی برای دخل و خرج سالانه خود تهیه می‌کند، و به تصویب مجالس قانون‌گذاری می‌رساند. ولی به نظر می‌رسد وضعیت این لایحه در ایران به گونه‌ای است که چندان با مفهوم مرسوم آن مطابقت ندارد، چرا که ارائه و تصویب سند بودجه به برنامه‌های آیینی و فارغ از محتوای واقعی سیاست‌گذاری تبدیل شده و تمامی کوشش بر این است که مثل اسناد حسابرسی شرکت‌ها، نوعی توازن صوری، و نه حتی واقعی، میان هزینه‌ها و درآمدها ایجاد شود، ولی این که در طول سال و در عمل چه اتفاقی خواهد افتاد نه برای نویسندگان و نه برای تصویب‌کنندگان لایحه، چندان اهمیت حیاتی ندارد، چرا که می‌دانیم در همه سال‌های گذشته، میان ارقام بودجه با آنچه که در عمل رخ می‌دهد، تفاوت فاحشی وجود داشته است. ولی هیچ کس هم به این موضوع نمی‌پردازد که چرا این همه تفاوت در بودجه‌های سالانه با ارقام محقق شده به وجود می‌آید، تا حداقل در سال‌های بعد مانع از تکرار این وضع شوند. این عدم تحقق ناشی از دو علت است: الف: فقدان قدرت پیش‌بینی درست رویدادهای مربوط به درآمدها و هزینه‌های کشور. برای نمونه پیش‌بینی می‌شود که بودجه عمرانی هزینه شده در سال جاری (۱۳۹۲) حدود ۱۵ درصد ارقام مصوب لایحه بودجه باشد و این حد را برآورد غلط (حدود ۷ برابر خطا) در بودجه نویسی باور نکردنی است. ب: علت دوم که به احتمال فراوان معقول‌تر به نظر می‌رسد این است که همه طرف‌های ذیربط در بودجه می‌دانند که بیشتر برآوردها واقعی نیست. برخی از آن‌ها کمتر از واقعیت است (مثل هزینه‌های جاری) و برخی دیگر بیشتر از واقعیتی است که در عمل رخ خواهد داد (مثل بودجه‌های عمرانی و درآمدها و مالیات‌های مستقیم و...). با این حال، لوایح پیشنهادی بودجه را با مقداری کم و زیاد کردن ارقام آن تصویب می‌کنند و جالب این که در بسیاری از موارد، این وضعیت (غیر واقعی بودن ارقام بودجه) از هنگام بررسی و تصویب بودجه از سوی مجلس تشدید هم می‌شود، زیرا ساختار سیاسی مجلس ایران به گونه‌ای است که هر نماینده برای جذب بیشتر بودجه جهت منطقه خود، (حتی اگر این بودجه‌ها صوری باشد) هر نوع کوششی می‌کند و سرجمع این کوشش‌ها به افزایش بیشتر هزینه‌ها

می‌انجامد و در نتیجه برای موازنه هزینه و درآمد، به افزایش بیشتر درآمدها بر روی کاغذ منجر می‌شود. واقعیت این است که نظام بودجه‌ریزی ایرانی، زیرمجموعه‌ای از نظام اقتصادی و تصمیم‌گیری کشور است و از یک منطبق کلان سیاست توسعه‌ای تبعیت نمی‌کند. در ۸ سال گذشته نیز این وضعیت به دلایل زیر بدتر هم شده است:

### مسئله تحریم‌ها

تحریم‌ها به عنوان یک متغیر مؤثر و برونزا بر درآمدهای نفتی و نیز هزینه‌های مبادله، چنان ابعادی پیدا کرده است که هر گونه انعطاف‌پذیری سایر متغیرها در تنظیم یک بودجه عملی و تأثیرگذار بر بهبود امور جامعه را از میان برده است، به عبارت دیگر دست سیاست‌گذاران برای بازی با متغیرهای بودجه‌ای به دلیل تحریم‌ها بسته است.

### حجم و غیر شفاف شدن ۸ ساله

تردیدی نیست که در ۸ سال گذشته چند اتفاق در نظام برنامه و بودجه‌ریزی و نیز مصرف منابع بودجه‌ای در ایران رخ داده، که اثرات بلند مدتی از خود برجای گذاشته‌اند. بدون تردید برای جبران این کاستی‌ها باید سال‌های سال کوشید. از یک سو افزایش منابع مالی ناشی از درآمدهای سرسام‌آور ارزی، موجب شده نظام اداری بیش از پیش به صرف منابع مالی بدون حساب و کتاب، عادت کند. از سوی دیگر کاهش نظارت‌های مرسوم بر عملکرد بودجه‌های دولت و مخالفت مجریان با ضوابط و مقررات، تحت عنوان امور دست و پاگیر، موجب گردید که این فرهنگ خود را در تصویب بودجه هم بازتولید کرده و با افزایش اعتبارات متفرقه، کل نظام بودجه‌ریزی کشور را از شفافیت دور کرد.

### غیبت سازمان برنامه

با انحلال سازمان برنامه در دولت قبلی، نهاد اصلی برنامه‌ریزی و نظارتی بر مصارف به ویژه بودجه‌های عمرانی از میان رفت و خیلی ضعیف شد و تا وقتی که این نهاد به جایگاه بایسته و شایسته خود برسد، سال‌های زیادی طول خواهد کشید. و یکی از دلایل مهم ناکارآمدی و غیربهبود بودن بودجه‌های عمرانی که به رشد اقتصادی منجر نگردید همین عامل بود.

### طرح‌های عمرانی فراوان

یکی از بدترین عوارض دو نقیصه قبلی، وجود طرح‌های عمرانی فراوان در کشور است که بالغ بر ۲۸۰۰ طرح نیمه تمام می‌شود که تاکنون ۱۰۰ هزار میلیارد اعتبار صرف اجرای آن‌ها شده است و برآورد می‌شود که برای تکمیل آن‌ها حداقل ۴۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار لازم دارند (بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار). این وضعیت از عوامل اصلی رشد کم و منفی اقتصادی کشور در این سال‌ها بود که سرمایه‌گذاری‌ها به تولید و رشد اقتصادی منجر نمی‌شد. بنابراین دولت جدید اگر تمام توان خود را صرف کند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن است تا چهار سال دیگر بتواند بخشی از این طرح‌ها را تکمیل کند، بدون آن که هیچ طرح جدیدی را آغاز کند. ولی مشکل این طرح‌ها فراتر از این مسئله است که تکمیل شود یا نشود، زیرا بخش مهمی از آن‌ها فاقد کارایی و سودآوری اقتصادی هستند و در صورت تکمیل هم قادر به برگشت سرمایه نیستند. ضمن آن که طولانی شدن آن‌ها موجب افزایش زیاد در هزینه‌های تکمیل آن‌ها می‌شود، هم‌چنان که اثرات روانی منفی بر کسانی دارد که چشم‌انتظار تکمیل این طرح‌ها بوده‌اند.

### بزرگی دولت و غیر منعطف بودن بودجه جاری

این مشکل چنان لنگری را بر کشتی بودجه‌ای کشور انداخته که با توجه به درآمدهای محدود کنونی دولت، انتظار نمی‌رود که قدرت مانور کافی برای انجام اصلاحات ضروری در بودجه وجود داشته باشد.

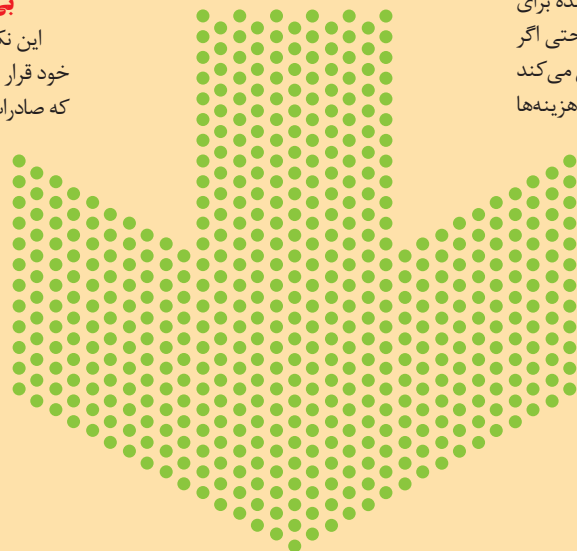
### شرایط رکود تورمی

رشد منفی تولید و تورم بالای ۳۰ درصد، شرایط منحصر به فردی است که دست سیاست‌گذاران را برای تنظیم بودجه مناسب باز نمی‌گذارد. زیرا اگر اقتصادی با یکی از دو وضعیت رکود یا تورم مواجه باشد، راه‌های شناخته‌شده‌ای برای برون‌رفت از این وضعیت وجود دارد که می‌توان این راه‌ها را در بودجه اعمال کرد ولی وضعیت رکود تورمی به گونه‌ای است که اگر یک طرف ماجرا، مثلاً تورم را بخواهند اصلاح کنند، طرف دیگر دچار مشکل می‌شود، و اگر طرف دیگر ماجرا، یعنی رشد اقتصادی را بخواهند درمان کنند تورم بدتر می‌شود.

### بی‌ثباتی و ناامنی در بخش درآمدها

این نکته همه متغیرهای دیگر را تحت تأثیر خود قرار داده است. در حال حاضر برآورد شده که صادرات نفت در سال آینده بالغ بر یک میلیون

تحریم‌ها به  
عنوان یک متغیر  
مؤثر و برونزا بر  
درآمدهای نفتی  
و نیز هزینه‌های  
مبادله، چنان  
ابعادی پیدا کرده  
است که هر گونه  
انعطاف‌پذیری  
سایر متغیرها در  
تنظیم یک بودجه  
عملی و تأثیرگذار  
بر بهبود امور  
جامعه را از میان  
برده است.





مسکوت ماندن قیمت حامل های انرژی موجب می شود بخش خصوصی و ناظران اقتصادی قادر به پیش بینی دقیقی از وضع اقتصادی در سال آینده نباشند و در نتیجه ریسک سرمایه گذاری و برنامه ریزی بالاتر رود و این به نفع اقتصاد کشور نیست

بشکه در روز باشد، در حالی که می دانیم در گذشته این رقم برابر با ۲,۳ میلیون بشکه در روز بوده است. اگر این مشکل را در کنار مشکلات نقل و انتقال دریافت های ارزی حاصل از فروش نفت و افزایش هزینه های معاملاتی در نظر بگیریم، متوجه ابعاد ماجرا خواهیم شد.

### یارانه ها و مسکن مهر

همه این مشکلات یک طرف، ایجاد هزینه های جدید و فراتر از توان اقتصادی کشور، طرف دیگر. دو هزینه عمده پرداخت یارانه ها و مسکن مهر، در کنار هزینه های مربوط به طرح های عمرانی، چنان فشاری را بر بودجه وارد می کند که اندک انعطاف پذیری محتمل آن را هم از بین می برد. پرداخت یارانه ها امری قطعی به نظر می رسد و شرایط مسکن مهر نیز علی رغم انتقادات زیادی که به اصل این طرح وارد بوده، به گونه ای است که نیمه کاره گذاشتن آن نه تنها موجب رکود بیشتر در بخش مسکن خواهد شد، بلکه سرمایه های موجود نیز با اتلاف بیشتری مواجه می شوند و مردم و طبقات کم درآمد جامعه را نیز دچار مشکل سیاسی خواهد کرد.

با توجه به جمیع ملاحظات فوق می توان نگاهی مختصر و گذرا به بودجه فعلی داشت.

به نظر نمی رسد که برآوردهای بودجه درباره درآمدها و هزینه ها، مطابق واقع باشد، مگر آن که اتفاق مهمی در روابط خارجی و بحث تحریم ها به وجود آید. حتی اگر شانس برای تحقق درآمدهای نفتی قائل شویم، گمان نمی رود که درآمدهای مالیاتی لایحه پیشنهادی، عملی شود. زیرا با وجود نرخ منفی رشد اقتصادی در دو سال گذشته و کاهش تولیدات بسیاری از صنایع مهم کشور، مثل پتروشیمی ۱۲ درصد، خودرو ۳۱ درصد و ... چگونه می توان انتظار داشت که درآمدهای مالیاتی بیشتر شود؟ به ویژه آن که به دلیل محدودیت درآمدهای دولتی، بخش خدمات نیز دچار رکود خواهد شد، زیرا بزرگ ترین متقاضی خدمات این بخش که دولت باشد، فقیرتر شده است. ظاهراً دولت گمان می کند که قانون جدید مالیات های مستقیم تصویب و اجرا خواهد شد، ولی از یک سو انتظار نمی رود که مجلس بتواند این قانون را تا پایان سال تصویب کند، و از سوی دیگر حتی اگر تصویب هم بشود، ایجاد بسترهای سخت افزاری و نرم افزاری و نیز تهیه آیین نامه ها و مقررات و سازماندهی اجزای آن نیازمند زمان است و احتمال نمی رود که دولت در سال آینده از این راه درآمدی اندکی بیش از روال گذشته کسب کند.

عجیب ترین برآورد دولت در افزایش ۶۸ درصدی مالیات بر درآمدهای دستمزدهای بخش عمومی است. در حالی که دولت حقوق و دستمزد را فقط ۱۷ درصد افزایش خواهد داد و هم زمان پایه مالیاتی را هم بیشتر کرده، معلوم نیست چگونه می تواند ۶۸ درصد درآمد بیش از این نوع مالیات کسب کند!

مشابه این مشکل در مالیات های غیرمستقیم به ویژه در بخش سود و عوارض گمرکی هم دیده می شود. در مجموع افزایش ۵۰ درصدی مالیات نسبت به عملکرد سال ۹۲، با محقق نمی شود و یا اگر بخواهد بشود، فشارهای زیادی را بر مالیات دهندگان وارد می کند که این نیز عوارض خاص خود را دارد و با سیاست های دیگری که به منظور رونق اقتصادی باید اتخاذ شود انطباق ندارد.

در بخش هزینه ها، قضیه تا حدی روشن تر است، زیرا بخش مهمی از هزینه ها که همان حقوق و دستمزد است به نسبت ثابت و تغییرناپذیر است. بنابراین مستقل از این که درآمدها چه قدر باشد، این هزینه های باید محقق شود و اگر درآمدها کم باشد، به ناچار از سایر ردیف ها کارسازی خواهد شد.

فارغ از کلیتی که به همه بودجه های ایران وارد است و فارغ از وضعیت خاصی که اقتصاد کشور با آن درگیر است و اثرات این وضع بر بودجه چاره ناپذیر است، بودجه پیشنهادی دولت واجد نکات بسیار مثبتی است که آن را از بودجه ۸ سال گذشته متمایز می کند.

اولین وجه تمایز آن باورپذیر بودنش نسبت به بودجه سال ۹۲ است.

وجه تمایز مهم دیگر آن بهبود نسبی در شفافیت بودجه، به ویژه در ردیف های هزینه ای است. این ویژگی از طریق کم شدن ردیف های اعتبار متفرقه و عدم درج ارقام بودجه ای در احکام و تبصره ها دیده می شود. این کار را می توان قدمی چشم گیر در مبارزه با بخشی از فساد اداری نسبتاً گسترده موجود دانست.

اقدام دولت برای کاهش تصدی گری دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی تحت شیوه خرید خدمت، گام مهم دیگری است که دولت در لایحه بودجه برداشته است.

اقدام مهم دیگر دولت دسته بندی طرح های عمرانی است که از حیث متغیرهای گوناگون دسته بندی شده اند تا بودجه عمرانی خود را به کارترین شیوه به ۲۸۰۰ طرح موجود تخصیص دهد. در نتیجه ۲۴۰ طرح (۹ درصد کل طرح های موجود) را برگزیده اند تا مبلغ کمتر از ۲۰ هزار میلیارد تومان بودجه موجود در بخش عمرانی را صرف تکمیل و راه اندازی و بهره برداری از این ۲۴۰ طرح نمایند و از اتلاف منابع در سایر طرح ها جلوگیری نمایند.

نکته ای که بی مناسبت نیست در این جا مورد توجه قرار بگیرد، کل هزینه های عمرانی در سال جاری (۱۳۹۲) کشور است که حداکثر ممکن است به ۷۵ هزار میلیارد تومان برسد و اگر این رقم با آنچه که در پیل و تونل صدر تهران هزینه شده مقایسه کنیم، شاید فقط ۳ یا ۴ برابر آن باشد. با این تفاوت که مبلغ مذکور در بودجه کشور در طرح هایی استفاده شده که عموماً و یا تا آینده ای

نامشخص به بهره برداری نمی رسند. هم چنین به جز اشکالات کلی که در این بودجه و بودجه های سنواری گذشته مشاهده شده است، بودجه حاضر را می توان از حیث وجود برخی دیگر از اشکالات، متمایز از بودجه های قبلی دانست.

اولین نکته مسکوت گذاشتن نحوه اجرای فاز دوم هدفمند یارانه ها است که آن را به لایحه جداگانه ای احاله خواهد داد که در این صورت ممکن است کل ساختار بودجه بر لایحه مذکور دگرگون شود. شاید هم بتوان کل موضوع یارانه ها را مستقل از بودجه تعریف و عملیاتی کرد و این به نفع اقتصاد نیز می تواند باشد.

در همین رابطه مسکوت ماندن قیمت حامل های انرژی نیز اهمیت خود را دارد که موجب می شود بخش خصوصی و ناظران اقتصادی قادر به پیش بینی دقیقی از وضع اقتصادی در سال آینده نباشند و در نتیجه ریسک سرمایه گذاری و برنامه ریزی بالاتر رود و این به نفع اقتصاد کشور نیست.

مطابق برنامه پنجم، عمده منابع صندوق توسعه ملی باید در خدمت بخش غیردولتی باشد ولی ظاهراً لایحه به گونه ای است که دست دولت را برای استفاده از منابع این صندوق باز گذاشته است.

اگر چه به دلیل کاهش درآمدهای ارزی ناشی از کم شدن فروش نفت و میعانات نفتی، سهم نفت در اقتصاد کمتر شده است، ولی به دلیل تعدیل قیمت ارز و رسیدن دلار به حدود ۲۵۰۰ تومان، سهم درآمدهای نفتی در بودجه هم چنان بالا است و تا ۴۰ درصد بودجه وابسته به نفت است. شاید این وضع گریزناپذیر باشد ولی مهم این است که آیا در صورت افزایش صادرات نفتی و تحقق درآمدهای بیشتر از نفت و عدم تحقق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها (که معمولاً محقق نمی شوند) آیا در پایان سال ۹۳ وابستگی بودجه محقق شده کشور به همان میزان ۴۰ درصد در لایحه است یا افزایش چشم گیری خواهد داشت؟

شاید بتوان گفت که دست دولت برای تنظیم بودجه ای بهتر باز نیست و علی رغم تمامی انتقادات موجود؛ متغیرهای درآمدی و هزینه ای فاقد انعطاف پذیری و حتی پیش بینی پذیری هستند، ضمن آن که ناکارآمدی دستگاه های اجرایی و تجربه ۸ سال گذشته آن ها، شرایط را مناسب برای تدوین و تصویب یک بودجه خوب نمی کند و بعید است که بتوان تغییرات اساسی در بودجه ایجاد کرد که بهره وری هر ریال آن را کارآمدتر از وضع کنونی بودجه کند. شاید درست تر این باشد که بگوییم مسائلی خارج از نظام بودجه ای و اقتصادی کشور وجود دارند که اصلاح و بهبود آن ها تأثیراتی به مراتب بزرگ تر بر اقتصاد کشور دارند.

بخشی از اطلاعات موجود این مقاله از گزارش مرکز پژوهش های مجلس درباره بودجه ۹۲ استفاده شده است.



# اشتباه همیشگی: نگاه در آمدی به نفت

در لایحه بودجه برای جبران خسارت نوسان یکباره ارز تمهیدی اندیشیده نشده است



■ عوض محمد پارسا  
نایب رئیس اتحادیه  
صادرکنندگان در  
حوزه انرژی

ببرد که منافع آن به نفع همه مردم کشورمان شود. چنین جهت‌گیری کلی باید آثارش در برنامه پنج ساله و نهایتاً اثرش در بودجه سالیانه قابل لمس باشد. متأسفانه در اثر عدم اجرای برنامه چهارم و پنجم به علت عدم تعدیل نرخ ارز سالیانه معادل تورم داخلی منتهای تورم خارجی، بنگاه‌هایی که از وام صندوق ذخیره ارزی و یاریفاینانس‌ها و فاینانس‌های داخلی و خارجی استفاده کرده‌اند و بدهی‌های ارزی دارند یکباره با دو برابر یا دوونیم برابر شدن نرخ ارز بدهی‌شان دو تا دوونیم برابر شده است و این در حالی است که اکثریت این بنگاه‌ها که بنگاه‌های خدمات فنی و مهندسی و تولیدی بوده‌اند متقابلاً از دولت طلبکار بوده‌اند و در مقابل عدم دریافت طلب از دولت خسارت دیرکرد دریافت نمی‌کنند. متقابلاً چون به بانک‌ها بدهکاری ارزی و ریالی دارند باید هم اثر جهش ناگهانی ارز را جبران کنند و هم هزینه مالی و خسارات دیرکرد را به بانک‌ها پرداخت کنند که عمدتاً نمی‌توانند و ورشکسته یا نیمه تعطیل خواهند شد. در این لایحه هیچ‌گونه تمهیدی برای جبران خسارت نوسان یکباره ارز و خسارت دیرکرد و جرمه‌های که دولت باید بپردازد اندیشیده نشده است و زیان آن در جامعه به صورت عدم امنیت در محیط کسب‌وکار و در نتیجه عدم اشتغال‌زایی جدید و عدم رشد ارزش افزوده در داخل کشور خواهد شد. دولت و مجلس توأماً باید به این مسئله مهم توجه کنند و امنیت سرمایه‌گذاری را به محیط کسب‌وکار کشور برگردانند.

فارغ از این انتقادات اما تبصره‌های بسیار خوبی در لایحه بودجه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی روی رشد بهره‌وری آمده است که لازم است مجلس و دولت به افزایش سرمایه‌گذاری ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات هم توجه داشته باشند و شرایط ایجاد بیمه‌هایی را در کشور فراهم سازند که این بیمه‌ها شرکت‌های مدیریت پروژه را پوشش ریسک دهند تا بانک‌ها و یا بازار سرمایه بتواند بیش از پیش در خدمت چنین شرکت‌هایی قرار گیرند تا رونق سرمایه‌گذاری عملاً منجر به رشد تولید و خدمات شود و نهایتاً با رشد تدریجی رشد اقتصادی، موجبات اشتغال ۳/۵ میلیون بیکار فعلی و ۵ میلیون نفری که ظرف ۴ سال آتی وارد بازار کار می‌شوند را فراهم سازند.

سمت تک‌نرخ شدن بیشتر می‌رفتیم و نهایتاً وقتی قیمت ارز واقعی شود می‌توان به سمت واقعی کردن قیمت حامل‌های انرژی پیش رفت. مضافاً از محل واقعی‌تر کردن قیمت ارز درآمد دولت از محل سهمیه شرکت نفت بیشتر می‌شود.

نکته دیگر این است که دولت دهم و یازدهم در سال جاری مصوبه مجلس را در مورد حامل‌های انرژی افزایش ندادند در حالی که منطقاً باید هر سال معادل تورم قیمت حامل‌های انرژی تعدیل شوند تا هر سال فاصله بین قیمت‌های دریافتی از مردم و بنگاه‌ها و قیمت‌های واقعی بیشتر نشود و هر ساله دولت یارانه بیشتری را به مردم و بنگاه‌ها ندهد و دچار کسری بودجه بیشتر نشود. بنابراین انتظار این است که تا مرحله فاز دوم هدفمندی و برای سال بعد حداقل معادل تورم سال جاری و سال گذشته به قیمت‌های حامل‌های انرژی اضافه شود. فاز دوم هدفمندی چنانچه یکباره و یا به تدریج اجرا شود و اگر ما نفت و انرژی را به عنوان سرمایه‌مدنظر قرار دهیم درآمد‌های مالیات عملکرد و مالیات ارزش افزوده آن می‌تواند بخش عمده‌ای از بودجه دولت را تأمین کند و دولت را برای بی‌نیاز شدن از درآمد‌های نفتی کمک کند.

مسئله مهمتری که در بودجه باید مورد توجه قرار گیرد و تا اندازه‌ای به آن توجه شده است اصل شفاف‌سازی سهام بنگاه‌های عمومی است که اگر بالاتر از حد مجاز باشد باید به بخش خصوصی واگذار شود. بهتر بود دولت در جهت افزایش بهره‌وری سقف مجاز سهام بنگاه‌های عمومی وابسته به بیمه‌های اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی و غیره را سالیانه ۵ درصد کاهش می‌داد که به تدریج در یک برنامه ۴ ساله سهام حداکثر ۴۰ درصد بنگاه‌های عمومی تبدیل به بیست درصد شود و مدیریت چنین بنگاه‌هایی به تدریج به دست بخش خصوصی واقعی برسد که بتواند هم بهره‌وری را بالا ببرد و هم مالیات بیشتری به دولت پرداخت کند و هم بنگاه‌های عمومی بجای اینکه مثلاً سیصد بنگاه ۴۰ درصد سهام داشته باشند در هزار بنگاه سهم داشته باشند ولی حد نصاب سهم آنها بیست درصد باشد. نتیجه اینکه بنگاه‌هایی مثل بیمه اجتماعی که تمام مردم ایران در آن ذینفع هستند می‌تواند داریی خود را در هزاران بنگاه که دارای سود بالاتر هستند،

بودجه سال ۹۳ به‌رغم آنچه در سال‌های قبل اتفاق می‌افتاد، به موقع تحویل مجلس محترم شد و این امکان برای کمیسیون‌های مجلس فراهم شد تا به کمک مشاورین مختلف از بخش خصوصی و کمیسیون‌های همنام در اتاق و خصوصاً اقتصاددان‌ها و مرکز پژوهش‌های مجلس، بندبند آن را تجزیه و تحلیل کنند. به نظر می‌رسد نمایندگان محترم باید دیدگاه‌های کلی وزارت اقتصاد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک مرکزی را که مبتنی بر مبارزه با رکود تورمی است به عنوان دیدگاه کلان و ملی مدنظر قرار دهند و از خواسته‌های محلی خود که همواره رقابت و مبارزه برای کسب بودجه بیشتر برای هر استان است دست بکشند. به عنوان یک فعال اقتصادی از اینکه در سرفصل درآمدها، ۶۳ سال است که دولت درآمدهای شرکت نفت را به عنوان سرمایه نگاه نمی‌کند و نگاه در آمدی به آن دارد، رنج می‌برم. تا سال ۱۳۲۷ به درآمدهای نفتی به عنوان سرمایه نگاه می‌شده است و متأسفانه این نگاه تبدیل به یک نگاه در آمدی شده است. دولت می‌تواند از شرکت نفت بهره‌مالکانه بگیرد و آن را به صندوق توسعه ملی انتقال دهد و از طرف دیگر مالیات ارزش افزوده و مالیات عملکرد بگیرد و آن را به درآمدهای مالیاتی ببرد. اگر نگاه برنامه‌ریزی کلان کشور، نگاهی استراتژیک نباشد و اهداف برنامه بیست ساله را مدنظر قرار ندهد، برنامه پنج ساله درست تنظیم نمی‌شود و در نتیجه برنامه‌های سالیانه هم جهت‌گیری درست نخواهد داشت. در برنامه بیست ساله مقرر بود که به تدریج وابستگی به درآمد نفتی کاهش یابد و درآمد دولت متکی به صادرات غیرنفتی شود. همچنین آزادسازی اقتصادی صورت پذیرد، قیمت‌های حامل‌های انرژی واقعی شود، خصوصی‌سازی واقعی صورت پذیرد و نهایتاً بهره‌وری بنگاهی و بهره‌وری ملی بالا رود تا حدی که ۲/۵ درصد از رشد اقتصادی از محل بهره‌وری باشد. اولین نقد به دولت محترم این است که ارز مبادلاتی را که از سال ۱۳۹۰ معادل حدود ۲۵۰۰ تومان بوده است، دولت قبلی دو سال ثابت نگه داشت و دولت فعلی هم فقط چند درصد بالا برده به جای اینکه طبق سند برنامه پنجم آن را معادل تورم داخلی منتهای تورم خارجی افزایش دهد. به این ترتیب هم قیمت ارز واقعی‌تر می‌شود و هم به



# نگران ابزارهای لازم برای تحقق بودجه هستم

بودجه ۹۳ در گفت‌وگو با  
ابراهیم بهادرانی  
دبیر کل اتاق بازرگانی و  
صنایع و معادن تهران

تهران همچنین بر ضرورت اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تاکید می‌کند و معتقد است که اگر این قانون به دلیل نحوه عملکرد دولت قبل قابلیت اجرا ندارد دولت باید اصلاحیه آن را به مجلس بفرستد و تکلیفش را روشن کند. متن پیش رو حاصل گفت‌وگوی آینده‌نگر با معاون سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است.

ابراهیم بهادرانی دبیر کل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران رویکرد بودجه سال ۹۳ را مثبت ارزیابی می‌کند و اعداد و ارقام آن را نیز واقع‌بینانه می‌بیند. مهمترین ابراز نگرانی وی در این خصوص در مورد ابزارهای لازم برای اجرایی کردن اهداف تعیین شده در بودجه‌ای است که توسط دولت یازدهم چندی پیش به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. دبیر کل اتاق

است. در همان سال ۳۰/۵ درصد تورم داشتیم این در حالی است که در سال جاری تاکنون حدود ۳۶ درصد تورم داریم. این دو تورم را اگر به عملکرد بودجه در سال ۹۱ اضافه کنیم خواهیم دید که این رقم چقدر خواهد شد. اگر ضرب‌ها را به ۱۰۷ هزار میلیارد تومان اضافه کنیم ۱۹۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد که به بودجه ارائه شده (۱۹۴ هزار میلیارد تومان) نزدیک است پس این رقم که در بودجه ۹۳ پیش بینی شده واقعی است. بعد باید ببینیم رویکرد بودجه چیست؛ سال ۹۱، معادل ۹۰ هزار میلیارد تومان هزینه جاری داشتیم که اگر این دو تورم به آن اضافه شود باید امسال ۱۶۰ هزار میلیارد تومان بودجه جاری داشته باشیم در حالیکه هزینه‌های جاری را معادل ۱۴۴ هزار میلیارد تومان پیشنهاد داده‌اند یعنی معادل ۱۱ درصد در بودجه سال ۹۳ کاهش داده‌اند. (یعنی انقباضی دیده شده است) بودجه عمرانی در آن سال ۱۷ هزار میلیارد تومان عملکرد داشت که اگر تورم دو سال را به آن اضافه کنیم بودجه عمرانی سال ۹۳ معادل ۳۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد که در بودجه امسال ۴۳ هزار میلیارد تومان یعنی ۲۶ درصد بیشتر تعیین شده است. حال به تک‌تک منابع درآمدی بپردازیم؛

نظر گرفته شده است. یا اینکه رشد نقدینگی که باعث رشد تورم می‌شود بین ۱۸ تا ۲۰ درصد در نظر گرفته شده است باعث کاهش تورم می‌شود و رشد صادرات غیرنفتی که الان جنبه نزولی دارد ۱۰ تا ۱۲ درصد پیش‌بینی رشد کرده‌اند، این رویکردها همگی مثبت است. برای اینکه ببینم بودجه واقع‌بینانه است یا نه باید ابتدا ببینم این اعداد ارائه شده واقع‌بینانه است؟ که به نظرم به واقعیت نزدیک است.

**II در کل رویکرد بودجه را از نظر جهت‌گیری و واقع‌بینانه بودن تا به اینجا مثبت ارزیابی می‌کنید؟**

بله. اما مواردی که من را نگران کرده این است که مطمئن نیستم ابزارهای لازم برای رسیدن به این اهداف در نظر گرفته شده باشد؛ یعنی هدف و ارقام خوب تنظیم شده اما اینکه چه ابزاری تعیین شده مهم است. اجازه بدهید روی اعداد و ارقام تکیه کنم. ببینید بودجه عمومی ۱۹۴ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. کاری که بنده انجام داده‌ام این است که بررسی کرده‌ام و متوجه شدم در سال ۹۱ معادل ۱۰۷ هزار میلیارد تومان بودجه محقق شد ضمن اینکه این رقم در واقع مربوط به توان ما در شرایط تحریم بوده

**II با شناختی که از وضعیت اقتصادی کشور دارید و مباحث و مسائلی که کشور به لحاظ اقتصادی به آن مبتلاست، بودجه سال جدید را چقدر با وضعیت اقتصادی کشور متناسب می‌دانید؟**

با نگاهی که من به بودجه داشتم نکات مثبت زیادی را در آن دیدم که از آن جمله می‌توان به بخشنامه بودجه دولت اشاره کرد که یک سری اهداف را برای بودجه در نظر گرفته‌اند. به باور من اگر این موارد به نتیجه برسد برای اقتصاد کشور مفید خواهد بود. مثلاً رشد اقتصادی مثبتی که برای سال ۹۳ در نظر گرفته شده است. در سال ۹۱ رشد اقتصاد ما ۵/۸ منفی بوده و امسال هم فکر می‌کنم باید حدود صفر یا یک مقدار منفی باشد. وقتی این میزان به سمت مثبت بودن پیش‌بینی شود یا اینکه بتوانند تورم را کاهش دهند خوب است. چون قرار است در سال آینده تورم ۳۶ درصدی تا ۲۵ درصد کاهش پیدا کند که یک رویکرد مثبت است. یا با توجه به تعداد ورودی جوانان ما به بازار کار، (بخصوص فارغ‌التحصیلان) اگر بتوانند همین نرخ را ثابت نگه دارند که بین ۱۲/۲ تا ۱۲/۴ باشد، مشخص است رویکرد مثبتی برای این کار در





در بودجه سال ۹۲ فروش شرکت را ۳۷ هزار میلیارد تومان و فروش طرح‌ها را ۵ هزار میلیارد تومان (جمعا ۴۲ هزار میلیارد تومان) دیده بودند. بعد از اصلاحیه بودجه سال ۹۲ مبلغ فروش شرکت‌ها را به ۲۸ هزار میلیارد تومان کاهش دادند، در سال ۹۳، ۱۸ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. ما فکر می‌کردیم در سال ۹۲ با توجه به سابقه فروش شرکت‌ها نمی‌توانیم به این رقم برسیم. اتفاقاً یکی از بحث‌های بنده در هیات نمایندگان اتاق تهران این بود که این ۲۸ هزار میلیارد تومان محقق نخواهد شد چنانچه می‌دانیم هنوز هم نشده است. اما در بندی ذکر شده که هر آنچه که دولت تصمیم دارد واگذار کند باید در سال ۹۳ واگذار کند که به نظر ما این بند این رقم ۱۸ هزار میلیارد تومان که تعیین شده تا اندازه‌ای رقمی واقعی است.

### وضعیت درآمد حاصل از فروش نفت در بودجه و درآمد مالیاتی چگونه است؟

از نظر رقم ابتدا نفت، بعد مالیات و بعد هم فروش شرکت‌ها در اولویت هستند. الان ۷۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان برای نفت تعیین شده، قیمت ارز هم ۲۶۵۰ تومان تعیین شده که یکی از نکات مثبت بودجه است. با توجه به هزینه ارز تخصیصی مبادلاتی تقریباً نزدیک به ۲۹۰۰ تومان (نرخ بازار) است، منتها چون باید کاری کنند که جهت ارز در بازار، کاهشی باشد این رقم را نزدیک به بازار در نظر گرفته‌اند. یعنی اولاً ۱۲۲۶ تومان را حذف کرده‌اند و به سمت تک نرخی شدن رفته‌اند که این کار بسیار درست و مثبتی است و بعد به تناسب با بازار جهت کاهشی بودن نرخ را در نظر گرفته‌اند. سال گذشته یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه صادرات نفت و معادل ۲۰۰ هزار بشکه میعانات تعیین شده بود و سال جدید هم همین میزان صادرات نفت خام در نظر گرفته شده پس نشان می‌دهد توافق ژنو بر این اساس است که تحریم جدیدی بر ایران اعمال نشود. از طرف دیگر صادرات میعانات را که بر اساس توافق ژنو قرار شد صادراتش نسبتاً آزاد باشد از ۲۰۰ هزار بشکه، به ۳۰۰ هزار بشکه افزایش داده‌اند. این کارها براساس واقعیات موجود است. نفت هم ۱۰۳ دلار تعیین شده که براساس پیش‌بینی‌های بازار، درست است مگر اینکه شرایط بازار، غیرقابل پیش‌بینی شود. در مجموع اگر شرایط به طرف مثبت پیش برود بودجه نفتی قابل تحقق است. البته توجه داشته باشید که تمام درآمد حاصل از فروش نفت وارد بودجه نمی‌شود. طبق قانون بودجه باید ۲۹ درصد به صندوق توسعه ملی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ۱۴/۵ درصد هم به سهم شرکت نفت تخصیص یابد پس حدود ۵۶/۵ درصد از صادرات نفت براساس نرخ هر دلار ۲۶۵۰ ریال محاسبه می‌شود که در حدود ۷۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. البته این بودجه برای بلندمدت صحیح نیست. چون ما نباید وابسته به صادرات نفت باشیم. تراز عملیاتی در این بودجه ۵۰ هزار میلیارد تومان منفی است یعنی باید بتوانیم منهای فروش دارایی بودجه را تعیین کنیم

چون این امر محقق نشده این منفی بودن ادامه دارد اما شرایط موجود ما هم خاص است.

به بحث مالیاتی می‌رسیم که ۶۶ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. اگر بخواهیم براساس معیاری بسنجیم درآمد مالیاتی ما در سال ۹۱ حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این رقم را از سال ۸۰ تا ۹۱ بررسی کردیم که بینم چند درصد تولید ناخالص داخلی مالیات گرفته‌ایم. به طور میانگین ما ۶/۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی را مالیات گرفته‌ایم. اول این را عرض کنم درست است که ما سال ۹۱ رشد تولید ناخالص داخلی منفی داشتیم و سال ۹۲ هم تا حدی این روند ادامه دارد اما به این معنی نیست که تولید ناخالص داخلی اسمی ما بالا نرفته باشد. تولید ناخالص داخلی ما در ۳ سال گذشته به صورت میانگین ۲۵ درصد رشد کرده که من برای سال آینده در حدود ۲۵ درصد در نظر گرفته‌ام. اگر ما هر سال ۲۵ درصد رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت اسمی داشته باشیم و ۶/۴ درصد آن را مالیات در نظر بگیریم همین رقم در بودجه تعیین خواهد شد. بنابراین خیلی رقم عجیبی نیست اگر چه خیلی‌ها امیدی به تحقق آن ندارند. اگر نگاهی به تولید داشته باشیم و آن را رشد دهیم قطعاً امکان‌پذیر خواهد بود. و از ظرفیت‌های خالی بخش تولید استفاده کنیم. این مطلب نشان می‌دهد که اگر نگاه مثبتی به تولید شود مالیات قابل حصول است به خصوص اینکه ما مالیات بر ارزش افزوده می‌گیریم که هر سال به آن اضافه می‌شود. ضمن اینکه براساس واقعیات موجود و هدف در نظر گرفته شده برای رشد تولید ناخالص داخلی، واردات هم افزایش پیدا خواهد کرد که بخش عمده آن مربوط به کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه است که بایستی خط تولید را تغذیه کند بنابراین واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، هم تولید را افزایش می‌دهد، هم درآمد دولت را افزایش می‌دهد. بنابراین اگر به تولید بها داده شود درآمد مالیاتی قابل تحقق است.

### به افزایش واردات اشاره کردید. برخی از کارشناسان نسبت به افزایش واردات ابراز نگرانی کرده‌اند. آیا شما هم فکر می‌کنید رویکرد دولت به این بخش می‌تواند به واردات بی‌رویه منجر شود و اقتصاد را در این بخش بیشتر دچار آسیب کند؟

اگر واردات را تجزیه و تحلیل کنیم بخشی از آن را ناگزیر هستیم انجام دهیم. مثلاً واردات روغن خام که در داخل کشور ۱۰-۵ درصد نیازمان را تامین می‌کنیم و یا مقدار زیادی محصولات کشاورزی دیگر نیاز داریم که ناگزیر هستیم وارد کنیم. اگر امسال از ذخایرمان استفاده کرده باشیم برای سال بعد قطعاً به مشکل برمی‌خوریم. اما اگر در جایی ظرفیت تولید داریم و ابزار تولید را فراهم نمی‌کنیم و به سمت واردات می‌رویم آنجاست که نگران کننده است.

### شما در مورد اینکه ابزارهای لازم جهت تحقق اهداف بودجه پیش‌بینی شده باشد ابراز نگرانی کردید. آیا پیش‌بینی و مشخص کردن

ابزارها برای تحقق رویکرد بودجه باید در بودجه اشاره شود که الان نشده است؟ به نظر شما راهکار تحقق رویکرد بودجه چه ابزارهایی است؟

بودجه را باید یک برنامه یکساله ببینیم و باید برای محقق کردن اهداف آن هم فکری بکنیم. وقتی اهداف تعیین می‌کنیم باید ابزارهایش را در نظر بگیریم. مثلاً در گزارش‌های صندوق جهانی پول، رتبه فضای کسب‌وکار ما نسبت به سال گذشته عقب‌تر رفته یعنی از ۱۴۴، الان به ۱۵۲ رسیده‌ایم. مثلاً باید به بانک‌ها بگوییم این سختگیری‌ها را مقداری تسهیل کنند و همچنین وظایف واسطه‌گری مالی خود را که سال‌هاست فراموش کرده‌اند دوباره از سر بگیرند و به سرمایه‌گذاری خودشان پایان دهند. واقعیت این است که اگر جلوی این موارد گرفته شود و اجازه دهیم بخش خصوصی کار خودش را بکند و بانک هم کار واسطه‌گری مالی‌اش را انجام دهد باعث می‌شود انحرافی که به وجود آمده به مسیر خودش برگردد. به نظر من اتفاقاً جای چنین مواردی در بودجه است و سال‌های قبل هم در بودجه‌های مختلف گنجانده‌ایم. درست است که هر مورد قوانین جامعی وجود دارد اما ما با شرایط موجود در اقتصاد کشورمان نمی‌توانیم صبر کنیم و برای هر مورد لایح و قوانین خاص خود را تعیین کنیم. مواردی که به اقتصاد لطمه زده و بودجه‌های ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد باید در بودجه آورده شود و اینجاست که به نظر من کمبود وجود دارد. مثلاً در نظر گرفته شده که سرمایه‌گذاری منفی در سال قبل را به سمت مثبت شدن پیش ببریم که این خوب است و قطعاً در بخشنامه بودجه ابلاغی آقای رئیس‌جمهور هم آمده است. بعد گفته شده که باید ۳۵ میلیارد دلار از خارج کشور فاینانس بگیریم که به نظر من به این راحتی این میزان را به ما فاینانس نمی‌دهند. در این صورت این هدف سرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود. باید ببینیم سال قبل این میزان چقدر بوده و امسال چقدر می‌توانیم با توجه به شرایط آن را رشد دهیم. اگر میزان تعیین شده (۳۵ میلیارد دلار) محقق نشود سرمایه‌گذاری‌ها به نتیجه نرسد و از طرف دیگر تولید هم محقق نشده و اهداف بودجه محقق نمی‌شود.

### با توجه به اینکه ما الان در وضعیت اقتصادی رکود تورمی هستیم و می‌دانیم که سیاست‌های حل هر کدام از این بحران‌ها بعضاً در تعارض با دیگری قرار دارد، فکر می‌کنید رویکرد کلی بودجه به چه سمت‌وسویی است؟ کاهش تورم یا افزایش رونق اقتصادی؟

رویکرد بودجه را در جهت کاهش تورم می‌بینم. دو سرفصل در بودجه تعیین شده که به نظر من برای فضای کسب‌وکار هم باید این کار انجام می‌شد. گفته شده دارایی‌های بانک مرکزی نباید افزایش پیدا کند، معنی این حرف این است که ارزهایی که دولت می‌خواهد بفروشد باید به گونه‌ای باشد که دارایی‌های بانک مرکزی را افزایش ندهد. یعنی در بازار به فروش برسد و پایه پولی را نباید افزایش دهد. وقتی پایه پولی

برای اینکه ببینم بودجه واقع بینانه است یا نه باید ابتدا ببینیم اعداد ارائه شده واقع بینانه است؟ نگرانی این است که مطمئن نیستیم ابزارهای لازم برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده باشد؛ یعنی هدف و ارقام خوب تنظیم شده اما اینکه چه ابزاری تعیین شده مهم است.



در بودجه ابزار کافی برای اینکه بدهی پیمانکاران بخش خصوصی پرداخت شود لحاظ نشده، اگر می‌خواهیم دولت را کوچک کنیم باید بخش خصوصی را توسعه دهیم و بخش خصوصی باید بتواند سرپا باشد. اما بخش خصوصی که به بانک‌ها بدهکار و از دولت طلبکار است به مشکل برمی‌خورد.

افزایش داده می‌شود با توجه به سرعت گردش پول، نقدینگی پنج برابر بیشتر می‌شود. وقتی دارایی‌ها ثابت بماند پایه پولی افزایش پیدا نمی‌کند و تورم کم می‌شود. مورد دیگر اینکه قرار شده نقدینگی ما بیشتر از ۱۸ تا ۲۰ درصد رشد نکند که با توجه به گذشته ما که تا ۴۰ درصد هم رشد داشتیم سیاست پولی خوبی است. عرض بنده این است که جهت‌گیری بخشنامه نشان می‌دهد که این موارد در نظر گرفته شده است. اگر از من بپرسند چطور رکود را برطرف می‌کنید می‌گویم رکود هیچ راهی در کوتاه‌مدت ندارد جز اینکه از ظرفیت‌های موجود استفاده بهینه انجام شود. یعنی اگر سرمایه‌گذاری‌های که در گذشته انجام شده است مثلاً ۲۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت بکار بیندازیم. سرمایه‌گذاری انجام شده و نیروی کار و مواد اولیه هم موجود است اما امکان تولید بوجود نمی‌آید. یکی از دلایل این کار این است که سرمایه در گردش برای ظرفیت کامل تهیه نمی‌شود. بنابراین برای از بین بردن رکود باید از ظرفیت‌هایی که در گذشته ایجاد شده بهینه و کامل استفاده شود، و برای اینکه از ظرفیت‌ها بهتر استفاده شود باید ابزارهای مالی و پولی به کمک بخش تولید بیایند. در شرایط کنونی ابزارهای مالی ما بسیار کم است و ابزارهای پولی هم به درستی به کمک تولید نمی‌آید. به عنوان مثال براساس مصوبه شورای پول بایستی که ۳۶ تا ۳۷ درصد اعتبارات به بخش تولید داده شود. گفته می‌شود که سال گذشته این میزان حدود ۲۵ تا ۲۷ درصد تخصیص داده شده است. من خودم که در سال‌های گذشته عضو شورای عالی بانک‌ها بوده‌ام، می‌دانم که بانک‌ها گاهی اوقات چون نمی‌توانند اعتبارات را تفکیک کنند اعتبارات بیشتر کارهای بازرگانی را هم به نام تولید ثبت می‌نمایند در آمار فوق‌قسمتی که خودشان قبول دارند که به بخش تولید داده شده و ممکن است در آن بازرگانی یا خدمات هم باشد ۱۰ درصد کمتر از مصوبه تخصیص داده شده است. با این وضعیت چطور می‌خواهیم رکود را کم کنیم. مثل این است که شما یک خانه خرید به‌اشدید و در آخر پولی برای تکمیل این خانه نداشتید، در نتیجه سرمایه چند صد میلیونی شما به خاطر نبود مبلغ کمی معلق بماند. به نظر من این مورد باید در دولت پرننگ‌تر می‌شد چون دولت براساس رویکردی که دارد به دنبال از بین بردن رکود و ایجاد رونق است. این رونق جز اینکه بانک‌ها و بازارهای مالی ما به بخش تولید توجه بیشتری داشته باشند و فضای کسب‌وکار مناسب شود که بتوانیم از داخل و خارج برای سرمایه‌در گردش نقدینگی دریافت کنیم امکان‌پذیر نیست. مثالی برای شما می‌گویم. در سال‌های قبل خریدها را بصورت یوزانس انجام می‌دادیم. یعنی مثلاً شما می‌خواستید برای کارخانه‌تان چیزی بخرید از طرف خارجی درخواست می‌کردید که کالای موردنیازتان را شش ماهه یا یکساله به شما بفروشد. شما ۱۰ درصد به بانک برای گشایش اعتبار می‌دادید و گشایش اعتبار انجام میشد طرف خارجی از اعتبار خودش در بانک خودش استفاده می‌کرد و به

مانسبه می‌فروخت. ما کالا را می‌گرفتیم و بعد از تولید و فروش، پول را پرداخت می‌کردیم. یعنی نقدینگی از خارج تامین می‌شد. الان به جای ۱۰ درصد بانک به شما می‌گوید باید ۱۳۰ درصد پول بدهید (یعنی از ۱۰۰ درصد هم بیشتر) جلوتر هم باید پول بدهید. یک تا دو ماه طول می‌کشد که مواد اولیه کارخانه تولید شود و مدتی نیز طول می‌کشد که به سبب بروکراسی ایجاد شده LC ابلاغ شود و پول هم در بانک حبس شده و حداقل یک ماه هم طول می‌کشد که کالای تولید شده از مبدا حمل و ترخیص شده و به کارخانه وارد شود، در نتیجه برای کالایی که با پول طرف خارجی به دست ما می‌رسید چند ماه جلوتر باید ۳۰ درصد بیشتر از کل پولش را بدهیم تا به کارخانه برسد یعنی باید با نرخ کارمزد بیشتری از بانک‌های داخلی وام بگیریم، که این امکان برای همه تولیدکنندگان وجود ندارد. این موارد باعث ایجاد رکود می‌شود. هدف دولت ایجاد اشتغال و از بین بردن تورم و رکود است و باید اول از ظرفیت‌های خالی استفاده کند. بانک‌ها نباید خودشان را به جای تولیدکننده یا واردکننده بگذارند و خودشان شرکت‌های سرمایه‌گذاری کرده و درآمد داشته باشند. بانک‌ها باید واسطه‌گری مالی کنند و شرایط خارج را هم به‌گونه‌ای پیش ببرند که بتوانیم از امکانات گذشته استفاده کنیم.

### چه مواردی در فضای کسب‌وکار در بودجه مدنظر تان بود؟

ممکن است جای این موارد در بودجه نباشد اما ما الان در مورد بودجه‌های صحبت می‌کنیم که می‌خواهیم رونق ایجاد کنیم. می‌توانیم بگوییم در بودجه این قوانین را پیش‌بینی کنیم تا قوانین به تصویب برسند یا بگوییم اینها الزامات برای رسیدن به این اهداف است. عرض من این نیست که همه قوانین در داخل بودجه خلاصه شود اما موردی که کشور به عنوان هدف بودجه قبول می‌کند باید ابزار آن به موازات دیده شود. والا هرچقدر تأخیر بیفتد به هدف بودجه نمی‌رسیم.

### تیم اقتصادی آقای روحانی از سال‌ها قبل به مباحث فضای کسب‌وکار توجه داشتند و بعید است که به این موارد توجه نکرده باشند. به نظر تان به این مسائل در آئینده نزدیک توجه می‌شود؟

به نظر من فضای کسب‌وکار از نان شب برایمان واجب‌تر است. تا اجازه ندهیم فعالان اقتصادی بالاترین بهره‌وری برای کشور کار کنند! هیچ کاری جایگزین آن نخواهد شد. از دید من هر جا دولت و مجلس صلاح بدانند و فضا را قابل رقابت با سایر کشورها کنند عین ثواب است که قوانین مربوطه را بگنجاند.

### به نظر تان در بودجه ۹۳ به مساله کوچک‌سازی دولت چقدر توجه شده است؟

واگذاری شرکت‌ها پرننگ دیده شده که خوب است از طرف دیگر بودجه شرکت‌ها تا اندازه‌ای انقباضی دیده شده یعنی حدود ۹ درصد رشد داشته است. این موارد

نشان می‌دهد در جهت کوچک شدن بخش دولتی است و به نظرم مثبت بوده است. یا مثلاً در جاهای دیگر برای سازمان‌های توسعه‌ای تا ۴۹ درصد اجازه سرمایه‌گذاری داده شده که این هم مثبت است که بخش دولتی مدیریت را به عهده نگیرد که بخش خصوصی شریک سازمان‌های توسعه‌ای دولت دچار مشکل شوند. اما همین‌جا هم نواقصی وجود دارد. مثلاً در بودجه ابزار کافی برای اینکه بدهی پیمانکاران بخش خصوصی پرداخت شود لحاظ نشده است. بالاخره اگر می‌خواهیم دولت را کوچک کنیم باید بخش خصوصی را توسعه دهیم و بخش خصوصی باید بتواند سرپا باشد. در حالیکه بخش خصوصی که به بانک‌ها بدهکار و از دولت طلبکار است به مشکل برمی‌خورد.

### اما آقای روحانی اعلام کردند که حل این مورد در اولویت خواهد بود.

اما ابزارها به اندازه لازم برای پرداخت این بدهی‌ها دیده نشده. مثلاً گفته می‌شود که طرح واگذار شود یا اوراق مشارکت و خزانه اسلامی منتشر شود اما این ارقام با میزان بدهی دولت به بخش خصوصی تناسب ندارد و به نظرم بودجه عمرانی که تعیین شده در حدی نیست که بتوان از طریق آن بدهی‌ها را پرداخت کرد.

### با توجه به اینکه این حجم بدهی مربوط به دولت قبل است و بخش خصوصی هم محق است، آیا واقعا شرایط به گونه‌ای هست که دولت بتواند این بدهی‌ها را پرداخت کند یا بخش خصوصی ممکن است به خاطر رویکردی که وجود دارد با دولت جدید مدارا کند و این مشکل به این صورت حل شود؟

به هر حال دولت متعهد است و ربطی ندارد که این تعهد توسط کدام دولت ایجاد شده است. وزارتخانه و شرکت‌ها پروژه عمرانی تعریف کرده و از بخش خصوصی خواسته‌اند و بخش خصوصی هم اموال و دارایی‌های خودش را در این راه صرف کرده است و مقروض هم شده است. اما سؤال این است این منصفانه است که شما از بانک وام بگیرید و در جایی کار کنید و قرار باشد آخر سال این مبلغ را پرداخت کنید و این کار را انجام ندهید و شما را منع کنند که از جایی حق گرفتن وام نداشتید باشد و مدام میزان بدهی شما زیاد شود و از سمت دولت هم کارمزد دریافت نکنید. عرض من این است که دولت باید فکر بیشتری در این مورد می‌کرد. دولت باید راهکارهای دیگری هم برای این موارد بیندیشد. به هر حال پیشنهادهایی هست که در مجلس ارائه خواهیم داد. کشور ما امکاناتی دارد که می‌توان در این راه صرف کند. مثالی عرض می‌کنم. فرض کنید در بودجه اصلاحی بودجه ۹۲ گفتند ۶ درصد از صندوق توسعه ملی در بانک گذاشته شود تا ۱۳ هزار میلیارد تومان وام گرفته شود و به طرح‌ها اختصاص داده شود. آیا نمی‌توانستند وامی بگیرند و به بدهکاران پرداخت شود؟ به هر حال کشور امکاناتی دارد و خود پیمانکاران حاضر به همکاری با دولت هستند

**II** یکی از مهم‌ترین مسائل بودجه بحث هدفمندی یارانه‌ها است که برای دولت معضلی شده است. آقای ترکان هم اعلام کرده که این کار طرحی شکست خورده است. دولت اجرای قانون را سرلوحه خودش قرار داده اما عمل به این قانون چقدر می‌تواند واقع‌بینانه و اجرایی باشد؟ الان با توجه به اینکه سال چهارم اجرای هدفمندی یارانه‌ها را می‌گذرانیم و اداره امور در نیمی از همین امسال در دست دولت قبلی بوده و قیمت بنزین هم بعد از چهار سال همان ۴۰۰ و ۷۰۰ تومان مانده است. در شرایط فعلی بخش وسیعی از هدفمندی یارانه‌ها که معطل مانده بود و بخشی هم که اجرا شده به عقیده کارشناسان اقتصادی واژگونه اجرایی شد. حالا دولت جدید چقدر می‌تواند براساس قانون هدفمندی یارانه‌ها این طرح را جلو ببرد؟

اولا که هدفمندی یارانه‌ها باید به دو قسمت تقسیم شود. قسمتی که تا به حال انجام شده و قسمتی که مرحله دوم است. قسمتی که تا به حال انجام شده در هر دو دولت ناقص انجام شده است. مثلا در قانون بودجه سال ۹۲ قرار بود قیمت انرژی ۳۸ درصد رشد داشته باشد. در حال حاضر سالیانه حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان برای هدفمندی یارانه‌ها پرداخت می‌شود. دولت قبلی بودجه را دیر تقدیم کرد و بعد از تصویب بودجه سه ماهی هم که عهده‌دار اداره کشور بود ۳۸ درصد رشد داده نشد. دولت بعدی هم در ۶ ماهه دوم همین کار را ادامه داده یعنی حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان منابع موردنظر حاصل نشد. مشخص است اگر این روند ادامه داشته باشد درآمدی معادل حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان و هزینه معادل ۴۲ هزار میلیارد تومان داریم.

**II** به لحاظ اقتصادی درست است اما فرمایش شما یک جنبه سیاسی هم دارد. دولت قبل این کار را نکرده و قانون را نادیده گرفته و دولت جدید هم اگر می‌خواست این کار را انجام دهد شوکی به مردم وارد می‌شد و به بدنه اجتماعی دولت لطمه وارد می‌شد. به نظر تان افزایش قیمت با توجه به این موارد عملی بود؟

در اقتصاد موردی به نام هزینه فرصت داریم. به عنوان مثال اگر ۱۲ هزار میلیارد تومان انرژی را گران کنیم بهتر است تا ۱۲ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی قرض بگیریم. قرض گرفته شده اثرش روی تورم چون پنج برابر (معادل سرعت گردش نقدینگی) نقدینگی را افزایش می‌دهد مخرب‌تر است. زمانی است که دولت پول دارد و این ۱۲ هزار میلیارد تومان را از خودش پرداخت می‌کند تا به مردم فشار نیاید شاید کار درستی باشد اما وقتی دولت با کسری بودجه مواجه است و باید این کسری را قرض بگیرد، به نظرم عدم اجرای قانون در این مورد از نظر اقتصادی کار درستی نیست در رابطه با هدفمندی یارانه‌ها باید خسارت را در نظر بگیریم. درست است که دولت به تازگی روی کار آمده اما قانون در اختیار دولت نیست

که بخواهد جلوی او را بگیرد.

**II** قانون این بوده که شیب تدریجی داشته باشد و ...

قانون بودجه سال قبل را اگر نگاه کنید قانونی بوده که دولت قبلی اجرا نکرده اما دولت جدید قانونمدار است و نشانه آن آماده کردن به موقع بودجه است. اگر قانونمدار است باید به مجلس طرحی جایگزین معرفی کند و اعلام کند قانون تصویب شده را به دلایل ذکر شده نمی‌تواند اجرا کند.

**II** اما با فضای حاکم بر مجلس این گفته قبول نیست...

اما این قانون است. کسی حق ندارد بگوید تفسیر من این است و قانون را اجرا نمی‌کنم. اگر من استنباط می‌کنم که این قانون به ضرر کشور است، کسی دیگر که وظیفه‌اش قانونگذاری است نظر عکس دارد.

**II** بحث ضرر و زیان نیست. اگر این اتفاق در اتاق تهران می‌افتاد واکنش شما نسبت به قوانین غلط داخل اتاق چگونه بود؟

بحث ما در مورد هدفمندی یارانه‌ها و قانونی که اجرا نشود چه اثری دارد، است. به عنوان یک کارشناس عرض می‌کنم اینکه کسری بودجه داشته باشیم و آن را با عدم تخصیص بودجه‌های عمرانی یا استقراض از بانک مرکزی تامین کنیم و به همین علت انرژی را ارزان در اختیار مردم قرار دهیم کار درستی انجام نمی‌دهیم. در مورد مثالی که درباره اتاق تهران گفتید اگر هیات رئیسه یا هیات نمایندگان موردی را تصویب کرده من اجرا خواهم کرد اگر هم امکان اجرا نداشته باشم اصلاحیه ارائه خواهم داد و دلایل عدم اجرا را ذکر خواهم کرد و می‌خواهم اجازه دهند آن را اصلاح کنیم اینکه ما با همراهی شهود یا نه بحث خودشان است. مورد بعدی از دید من پول نقد به مردم دادن به معنی تزریق نقدینگی به جامعه‌ای است که دچار رکود است که باعث ایجاد تورم می‌شود. گفته آقای ترکان درست است. ما قصد داشتیم افراد مستمند از یارانه‌ها برخوردار شوند اما با این تزریق نقدینگی تورم بیشتر شده و تورمی که شتاب بالای ۴۰ و ۳۶ درصد دارد جزو تورم‌های کم‌سابقه در دنیا است. مورد بعدی این است که قرار بود این هدفمندی به کمک نیازمندان بیاید اما بیش از ۷۶ میلیون نفر از این مورد برخوردار شده‌اند. اگر می‌خواهیم از ضعف حمایت کنیم باید کسانی را که مثلا تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد هستند و بقیه افراد مستضعف را شناسایی کنیم نه اینکه با تقسیم پول باعث افزایش تورم شویم و فقرا را فقیرتر کنیم.

**II** اما می‌دانیم که در این خصوص دولت در عمل انجام شده قرار گرفته است.

بله اما کاری است که بنایش گذاشته شده و به نظرم باید ادامه داده شود تا ارزش این پول از نظر تورمی به‌گونه‌ای باشد که در بودجه خیلی اثرگذار نباشد. اثر ۴۲ هزار میلیارد تومان را با ۱۷ هزار میلیارد تومان در سال ۹۱ که برای پروژه عمرانی برای کل کشور عملکرد داشته مقایسه کنید. یا اینکه

۱۰۷ هزار میلیارد تومان بودجه کل بوده که این ۴۲ هزار میلیارد تومان در مقایسه با بودجه آن سال رقم هنگفتی است. مطلب دیگر که باید در کنار بودجه دیده شود مسکن مهر است که بودجه زیادی نیاز دارد. گرفتاری دولت قبلی این بود که اینها را از دخل و خرج مملکت جدا کرد. هر کدام از این موارد برای خودشان قاعده‌مندی دارند. اگر اینها در یک راستا قرار نگیرند اهداف اقتصادی مملکت را دچار مشکل می‌کنند. نکته دیگری که در پایان می‌خواهم به آن اشاره ای داشته باشم اینکه بودجه باید ملهم از یک برنامه پنج‌ساله باشد. الان دولت با رویکردهای جدیدی که بیشتر

هم تلطیف روابط خارجی، هماهنگی مسائل داخلی، قانونمدار بودن و کمک به رشد سرمایه‌گذاری است باید قوانین را هماهنگ با این اهداف پیشنهاد نماید تا به تصویب مجلس برسد. بنابراین باید روی قوانینی که ممکن است در راستای چارچوب کار دولت نباشد مروری انجام شود و مواردی که باعث رشد سرمایه‌گذاری کارآفرینان و بخش خصوصی می‌شود (چون ثابت شده که دولت کارفرمای خوبی نیست) در اولویت قرار گیرد همچنین فضای سیاسی را به کمک فضای اقتصادی بیابارد به این خاطر که الان عمده مشکل ما تورم، بیکاری، رشد اقتصادی منفی و رشد سرمایه‌گذاری منفی است. باید فضای سیاسی در این جهت تلطیف شود یعنی مانند خیلی از کشورهای دیگر از سرمایه کشورهای خارجی استفاده شود و همینطور از سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج از کشور بهره ببریم. باید کاری کنیم که کفه ترازو به نفع سرمایه‌گذاران در داخل ایران باشد نه اینکه افراد سرمایه‌شان را در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کنند. اینها الفبای کار است برای اینکه بتوانیم از این شرایط نجات پیدا کنیم، در غیر این صورت با یک لایحه بودجه و مسائلی نظیر این نمی‌توانیم به هدف برسیم. باید مشخص کنیم نسبت به کشورهای سرمایه‌پذیر چه مشکلاتی داریم و راه‌حلی در نظر بگیریم و آن را در چارچوب قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام به صورت هدف ملی دربرگیریم و قوانین را اصلاح کنیم. در این صورت راه را برای کسانی که کننده کار هستند باز کرده‌ایم. نکته بعدی این است که به تراز عملیاتی منفی و وابستگی به نفت ایراد گرفته می‌شود. کلید حل این معما در بزرگ شدن اقتصاد ماست این معنی که در هر زمینه بجای تعداد معدودی شرکت، چندین شرکت با تولید رقابتی داشته باشیم و از این طریق تولید ملی را بالا ببریم به این ترتیب مالیاتی که به دولت پرداخت می‌شود هم بیشتر خواهد شد بنابراین باید کاری کنیم اقتصاد ما از ظرفیت‌های موجود با حداکثر کارایی به نحو احسن استفاده کند و ظرفیت‌های اقتصادی‌مان را گسترش دهیم. در این صورت وابستگی‌مان به فروش دارایی و فروش نفت کمتر شده و مالیات هم به جای اینکه کمتر از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی باشد مثل کشورهای پیشرفته بین ۱۵ تا ۳۰ درصد آن خواهد رسید که امیدواریم این مطلب در آینده اتفاق بیفتد.



اینکه کسری بودجه داشته باشیم و آن را با عدم تخصیص بودجه‌های عمرانی یا استقراض از بانک مرکزی تامین کنیم و به همین علت انرژی را ارزان در اختیار مردم قرار دهیم کار درستی انجام نمی‌دهیم.



# بودجه انبساطی و حساب مالیاتی

هادی بهروز زنوز میهمان اتاق تهران بود تا درباره محاسن و معایب لایحه بودجه ۱۳۹۳ سخن بگوید

غلطی است که تا آنها رفع نشود حرکت رو به جلو به سختی انجام می‌گیرد. از این رو، او اصلاح ساختار اقتصاد ایران را تنها راه نجات خواند که به زعم وی یکی از بهره‌مندی‌های آن، تدوین بودجه‌ای کارآمد خواهد بود. در ادامه بخش‌هایی از سخنان دکتر زنوز در این دیدار را مرور می‌کنیم:

میلیارد دلار را به طرح‌های عمرانی تخصیص دهد. این فعالیت فرابودجه‌ای محسوب می‌شود و قانونی نیست. می‌توان نتیجه گرفت که بودجه دولت در سال ۱۳۹۳ کاملاً انبساطی خواهد بود.

کل عایدات کشور از محل صادرات نفت و میعانات گازی در سال ۱۳۹۳ از قرار هر بشکه نفت ۱۰۰ دلار، معادل ۵۲ میلیارد دلار برآورد شده است که این رقم خوش‌بینانه است. برای این منظور لازم است روزانه ۱،۴ میلیون بشکه نفت خام و میعانات نفتی صادر شود. با توجه به عملکرد سال ۱۳۹۲، چنین به نظر می‌رسد که دولت نسبت به برداشته شدن حداقل بخشی از تحریم‌های نفتی خوشبین است. همچنین دولت فرض کرده است که کل عایدات حاصل از صادرات نفت و میعانات نفتی بدون مانع در اختیار آن قرار خواهد گرفت. تحقق این فرض در گرو برداشته شدن تحریم‌های تجاری و بانکی است. بنابراین احتمال بروز کسری بودجه از محل درآمد‌های نفتی وجود دارد. ۶ مطابق بودجه ۹۳ همچنین رشد درآمدهای مالیاتی با فرض ۲۵ درصد تورم و ۳ درصد رشد GDP، به میزان ۳۷ درصد، در غیاب افزایش نرخ مالیات‌ها به معنای افزایش تلاش مالیاتی است، از این رو دولت در نظر دارد با مکانیزه کردن سیستم اطلاعات مالیاتی و بهبود کارایی تشخیص و وصول به این مقصود دست یابد.

بررسی کنند. در این نشست، دکتر زنوز با بیان اینکه از بودجه باید توقعاتی داشت که در حد همان بودجه است. تصریح کرد که با توجه به شرایط بد اقتصادی سال‌های اخیر و ناکامی‌های دولت گذشته، انتظار معجزه از نخستین بودجه دولت یازدهم نباید داشت. به گفته وی، اقتصاد ایران گرفتار ساختارهای

شرایطی رییس‌جمهور در بخشنامه بودجه سال ۹۳، اهداف کلی بودجه را تحقق رشد اقتصادی مثبت و کنترل تورم و کاهش بیکاری با اتکا به فرصت‌ها و نقاط قوت کلیدی پیش رو از جمله حضور فعال تر بخش غیردولتی در سایه ایجاد ثبات کلان اقتصادی و انضباط مالی همراه با بهبود شاخص‌های اجتماعی و علمی، عنوان کرده است. برخی اهداف پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال ۹۳ کشور نیز رشد اقتصادی ۳ درصدی، رشد سرمایه‌گذاری ۱۰،۷ تا ۱۰،۹ درصدی، نرخ تورم ۲۱ تا ۲۴ درصدی، رشد نقدینگی ۱۸ تا ۲۰ درصدی، رشد صادرات غیرنفتی ۱۰ تا ۱۲ درصدی است.

تقدیم لایحه در موعد قانونی، خلاصه بودن احکام تبصره‌های بودجه، رعایت شفافیت، واقع‌بینی در برآورد منابع و مصارف بودجه و اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی در بودجه از مهم‌ترین ویژگی‌های لایحه است. عدم رعایت جامعیت بودجه، انبساطی بودن آن، برآورد خوشبینانه درآمدها، وابستگی به مسیر گذشته و تناقض جزیی ارقام جداول خلاصه و تفصیلی بودجه نیز از معایب لایحه بودجه است.

در لایحه بودجه اعتبارات مربوط به هدفمند کردن یارانه‌ها و اجرای مرحله دوم آن در نظر گرفته نشده است. دوم آن که دولت در نظر دارد از طریق دریافت اعتبارات در قالب فاینانس مبلغی در حدود ۳۵

در حالی که مراحل بررسی بودجه سال ۹۳ در مجلس به روزهای آخر خود نزدیک می‌شود. نگاهداران بخش خصوصی در کمیسیون صنعت و معدن میزبان دکتر هادی بهروز زنوز استاد سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی شدند تا لایحه بودجه ۹۳ را از منظر یک کارشناس اقتصاد

در غیاب احزاب ملی و تفوق منافع محلی بر منافع ملی، بودجه دولت به طور دقیق در مسیر اقتصاد کشور در مجلس تنظیم نمی‌شود. ضعف شفافیت و پاسخگویی دولت و مجلس در قبال مردم و نهادهای مدنی از دیگر عوامل اثرگذار بر بودجه دولت است و در صورتی که احزاب ملی وجود داشته باشند که بخواهند منافع ملی را اولویت قرار دهند، رفتار دولت‌ها نیز قطعاً متفاوت خواهد بود.

در تنظیم بودجه سالانه وابستگی به مسیر گذشته نقش پررنگی دارد به طوری که دولت یازدهم وارث تصمیمات و رفتارهای دولت قبلی است و وجود ۲۹۰۴ طرح عمرانی نیمه تمام که تکمیل آنها به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد، محصول تسلیم دولت قبل در برابر فشارهای سیاسی است. بدهی ۶۶ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی، بدهی سنگین دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی و بانک‌ها و انتشار اوراق بدهی توسط دولت و شرکت‌های دولتی، بخشی از اتفاقاتی است که در دوره گذشته رخ داد و آثار و نتایج آن امروز در اقتصاد کشور نمایان شده است. در نظام بودجه‌ریزی کشور طی دولت‌های نهم و دهم اتفاقات عجیبی رخ داد از جمله: کاهش تعداد دستگاه‌ها بر خلاف قوانین موجود، افزایش اعتبارات ردیف‌های متفرقه، تأخیر در ارائه بودجه به مجلس، تخلفات بی‌سابقه در اجرای بودجه. مبتنی بر چنین



# در ستایش واقع‌بینی دولت

## بررسی نقاط قوت و ضعف لایحه پیشنهادی برای بودجه ۹۳



■ اسماعیل جلیلی  
نایب‌رئیس  
کمیسیون تولید  
ملی مجلس

اسناد ماده ۱۲ قانون هدفمندی، دولت مکلف است درآمدها و مصارف هدفمندی را در بودجه سنواری پیش‌بینی کند. دولت هم این عدد را در بودجه گذاشته اما درباره اینکه درآمد به چه شکل، از چه محلی و به چه میزان کسب شود و نحوه توزیع آن چگونه باشد، اشاره دقیقی صورت نگرفته است. در ردیف‌ها ۳۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان برای این کار پیش‌بینی شده و مابقی از محل یارانه نان و برق در نظر گرفته شده که اگر این ملاک عمل باشد یعنی در سال ۹۳ هم چنان رویکرد دولت در پرداخت یارانه‌ها مشابه سال ۹۲ خواهد بود. البته افزایش حامل‌های انرژی و اخذ عوارض در برنامه‌های پیشنهادی دولت لحاظ شده اما هنوز جامع نیست و باید دید نتیجه کار کارشناسی دولت در کمیته‌های مربوطه برای هدفمندی چه می‌شود. حذف یارانه دهک‌های پردرآمد به عنوان یکی از راهکارها تا چندی قبل در دستور کار دولت بود اما پیشنهاد آینده‌نگران این است که دولت برای جلوگیری از هرگونه تنش یا هزینه‌های اجتماعی از اجرائی کردن این طرح بپرهیزد.

### ۶

#### زمان طلایی دولت از دست نرود

در حال حاضر دولت زمان طلایی در اختیار دارد که بتواند برنامه‌های خود را اجرا کند و گام‌های عملی دولت برای برنامه‌های اقتصادی را باید بر همین مبنا شاهد باشیم. لایحه بودجه یک پیش‌بینی است و روی پیش‌بینی نمی‌شود تحلیل داد بلکه باید عملکردها را تحلیل کرد. هر چه دولت دقیق‌تر به مصوبات بودجه عمل کند خطای پیش‌بینی هم کمتر خواهد بود. پارامترهایی که دولت در بودجه ۹۳ معرفی کرده از جمله کاهش سقف تورم به ۲۵ درصد و افزایش رشد اقتصادی از ۸/۵- به ۸-/۰- نویدبخش رویکرد روبه رشد است اما درعین حال افزایش نقدینگی در بودجه دولت مشهود است و از سویی شرایط بین‌المللی ثبات نسبی‌ای که انتظار داشتیم را به دنبال نداشته و تردیدهایی ایجاد کرده است. اما در بخش درآمدهای نفتی به دولت به گونه‌ای عمل کرده که تحقق درآمدها در حوزه نقدی خیلی دچار مشکل نیست. البته دولت در بخش‌هایی از سیاست بودجه‌ای خود زیاده از حد به اخذ مالیات از مردم خوش بین شده و رقم ۶۶ هزار میلیارد تومانی پیش‌بینی کرده که تحقق آن تلاش و برنامه ریزی فراوانی طلب می‌کند. در همین زمینه پیشنهاد می‌شود که دولت به توسعه صادرات غیرنفتی روی آورده و از محل آن منابع مالیاتی را تامین کند. یکی از نقدهای اساسی به شاخص دریافت مالیات از سوی دولت این است که به رسم همیشه بزرگ‌ترهای اقتصادی فرار مالیاتی می‌کنند و تامین این منبع درآمدی به دوش پایین دستی‌ها می‌افتد.

### ۲

#### مدیریت هزینه‌های جاری لحاظ نشده است

انتظار بود دولت در هزینه‌های جاری مدیریت می‌کرد و افزایش‌ها را در قالب افزایش نسبت به سال گذشته نمی‌دید. به هر حال دولت باید کاهش هزینه‌های خود را هم در دستور قرار دهد. همواره تفاوت بین تورم و وضع موجود با افزایش اعتبارات تحقق پیدا نمی‌کند بلکه گاهی هم با کاهش هزینه‌ها می‌توان این کار را انجام داد؛ یعنی هزینه‌های غیرضرور را حذف کرد و مابه‌التفاوت آن را جبران کرد.

### ۳

#### گزینه اخذ درآمد از مالیات سست است

متأسفانه دولت در حوزه پرداخت مالیات یا درآمدهای غیرنفتی تمرکز خود را بر افزایش درآمد و عوارض‌ها گذاشته در حالی که چشم‌انداز در بخش درآمدهای غیرنفتی باید به سمت تولید بیشتر و صادرات برود که از محل این صادرات این امکان فراهم شود که منابعی را به کشور وارد کنیم و درآمدهایمان را افزایش دهیم تا دولت بتواند بتواند خود را با تحرک بیشتر در حوزه اقتصادی بالا ببرد. این امر با افزایش نرخ مالیاتی و عوارض آن که فشار مضاعفی به مردم وارد می‌کند حاصل نمی‌شود.

### ۴

#### کاهش اعتبار استانی ابهام دارد

کاهش اعتبارات عمرانی استان‌ها چه در سطح تملک دارایی ملی و چه استانی از جمله نقدهای اساسی مجلسی‌ها به بودجه ۹۳ دولت یازدهم است. این کاهش اعتبارات باعث اعتراض بسیاری در مجلس شده و مبتنی بر اینکه شدت این کاهش در هر استان چقدر بوده، میزان اعتراض‌ها هم متفاوت بوده است. کاهش ۳۴ درصدی اعتبارات طرح‌های عمرانی استانی در لایحه بودجه سال ۹۳ در چشم‌انداز توسعه مناطق پیرامونی برای دولت در دسترس‌ساز خواهد شد، چنانچه بر اساس جدول بودجه‌ای اعتبارات عمرانی از ۸ هزار و ۳۰۰ میلیارد در سال ۹۲ به پنج هزار و ۵۰۰ میلیارد در سال ۹۳ رسیده است. نکته سوال برانگیز دیگر اینکه اگر بنا بر این بوده که کاهش بودجه‌ای صورت گیرد؛ چرا ارقام کاهش از استانی به استان دیگر متفاوت است؟ دولت باید به همان میزانی که در طرح‌های تملک دارایی، کاهش اعتبار داده در بخش جاری هم ملاحظه می‌کرد و در بدنه دولت هم به لحاظ بودجه‌ای سخت‌گیری می‌کرد تا سیاست‌ها صرفاً به تملک دارایی‌ها متمرکز نشود.

### ۵

#### دغدغه تامین منابع مالی یارانه‌ها وجود دارد

یکی دیگر از نکات چالش برانگیز بودجه ۹۳ مجرای پرداخت هدفمندی یارانه‌ها است. حسب

تشکیل کابینه تدبیر و امید، اعتماد اجتماعی از دست رفته را به همه بخش‌های جامعه ایران بازگردانده است. در بخش صنعت کشور نیز همچون دیگر حوزه‌ها، اعتماد از دست رفته بازگشته و امید به بهبود شرایط برای دستیابی به وضعیت مناسب در مجامع اقتصادی به چشم می‌خورد. به هر شکل به دلیل برخی مشکلات ناشی از تحریم‌ها و سوءمدیریت در دولت‌های نهم و دهم، چرخه اقتصادی کشور در بخش‌های مختلف با بحران ناشی از نقدینگی، تورم و نوسانات نرخ ارز مواجه بوده که تدبیر جدی می‌طلبد. اما در نخستین لایحه بودجه‌ای که دولت یازدهم به موقع آن را به مجلس نهم تحویل داده، بندها و مواردی حائز اهمیت وجود دارد که تلاش می‌شود در این نوشتار به آنها اشاره شود.

### ۱

#### بودجه واقع‌بینانه است

نقدهای زیادی به لایحه بودجه ۹۳ وارد است اما در مجموع و در مقایسه با روند بودجه‌نویسی پیشین، بودجه سال ۹۳ واقع‌بینانه‌تر از بودجه‌های گذشته نوشته شده است. در سال‌های ۹۱ و ۹۲ انحراف و خطای پیش‌بینی بودجه بیش از ۴۰ درصد بود اما در شرایط جدید و با توجه به اعداد و ارقام مطرح شده به نظر می‌رسد بودجه سال ۹۳ به نسبت بودجه‌های گذشته واقع‌بینانه‌تر است. لایحه بودجه سال ۹۳ نسبت به لوایح قبلی انضباط بیشتری دارد و اصول بودجه‌نویسی تا حدود زیادی در آن رعایت شده است. با این وجود دولت در مواردی قانون‌گذاری کرده که اگر وارد نمی‌شد، شرایط بهتر بود. بنابراین یکی از نقدهای اصلی به بودجه ۹۳ این است که دولت باید مطلع باشد که همیشه بنا نیست در بودجه سالیانه قانون دائمی تصویب کند یا اصلاح قوانین دائمی را در بودجه مطرح کند. از دیگر نکاتی که می‌توان در تایید انضباط بودجه سال ۹۳ به آن اشاره داشت می‌توان به تقدیم بودجه در موعد مقرر اشاره کرد. همچنین گزارش دولت در مورد عملکرد سال گذشته و سال جاری برنامه پنجم هم از دیگر مزیت‌ها بود. شفافیتی که در بحث درآمدی و مصارف وجود دارد نسبت به دوره‌های قبل بیشتر است و نقض قوانین در آن کمتر به چشم می‌خورد. جمع بندی‌ام این است که با در نظر گرفتن شرایط کشور، تلاش‌های معاونت برنامه‌ریزی و جلسه‌های مشترک برگزار شده، به نظر می‌رسد بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۹۳ یک بودجه واقع‌بینانه باشد. چنانچه بودجه عمومی که برای سال ۹۳ پیش‌بینی شده ۱۹۰ هزار میلیارد تومان است و این رقم نسبت به سال گذشته ۱۸ درصد کمتر است و نشان می‌دهد که در بحث درآمدها با توجه به محدودیت‌های موجود واقع‌بینانه عمل شده است.



#### حذف یارانه

#### دهک‌های

#### پردرآمد به عنوان

#### یکی از راهکارها

#### تا چندی قبل در

#### دستور کار دولت

#### بود اما پیشنهاد

#### آینده‌نگران این

#### است که دولت

#### برای جلوگیری

#### از هرگونه تنش

#### یا هزینه‌های

#### اجتماعی از

#### اجرائی کردن این

#### طرح بپرهیزد.



## سند جهش بزرگ به پیش

دولت در لایحه بودجه سال آینده برای بهبود فضای کسب و کار مصمم است



■ محمد رضا بهرام  
عضو هیات  
نمایندگان اتاق  
تهران

لایحه بودجه سال ۹۳ می‌تواند آغاز جهش بزرگ اقتصاد ایران و جهت‌گیری درون‌گرا در تنظیم بودجه باشد. پرواضح است که از آغاز سال جاری تاکنون، تولیدکنندگان با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده‌اند چراکه نرخ رشد اقتصادی کشور برای اولین بار منفی شده و این مغایر با برنامه‌های توسعه ۵ ساله کشور است که در آن رشد ۸ درصدی پیش‌بینی شده بود. ساختار بودجه هر دولتی نمایانگر طرز تلقی اهداف آن دولت در مورد مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

تعریف و اهمیت بودجه از منظر برنامه‌ریزی از این منظر است که بودجه سند برنامه یک ساله دولت است که باید در چارچوب اهداف و سیاست‌های برنامه پنج ساله آن تنظیم شود. برنامه‌های سالانه، نوعی ادامه اجرا و عملیات همان اسناد بالادستی در قالب قوانین و برنامه‌های موجود است. از منظر

اقتصادی، بودجه سند سیاست‌های مالی دولت برای یک دوره یک ساله است و لذا، تاثیر سیاست‌های مالی بر تقاضای کل، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم و توزیع درآمدها در آن دیده می‌شود. از نگاه سیاسی، بودجه بازتاب بر آیند جهت‌گیری گروه‌های ذی‌نفع در تجهیز و تخصیص منابع است. این گروه‌ها شامل بخش خصوصی، جوامع محلی و نهادهایی شامل احزاب، موسسات فرهنگی و گروه‌های غیر خصوصی شامل مدیران شرکت‌های دولتی، وزرا و برورکرات‌ها و غیره است که به نمایندگی از گروه‌های ذی‌نفع عمل می‌کنند.

بایستی پذیرفت که دولت یازدهم وارث تصمیمات و رفتارهای دولت‌های قبلی است و شرایط فعلی وضعیتی استثنایی است که ممکن است باعث شود مسایل پیش‌بینی نشده ضروری‌تری دیده شوند و این از اختیارات دولت است که در لایحه بودجه اولویت‌ها را به‌گونه‌ای قرار

دهد که با شرایط فعلی اقتصاد سازگار باشد. تشدید تحریم‌های نفتی، بانکی و تجاری، و یا بدهی ۶۶ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی طی سالیان گذشته ناشی از تصمیمات عجولانه دولت‌های قبلی بوده است. به دلیل همه دلایل فوق بودجه سال ۹۳ کشور که اولین بودجه ارائه شده توسط دولت یازدهم به مجلس شورای اسلامی است اهمیت بسزایی در جهت‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌های دولت دارد، به شرط آنکه پیش‌نیازهای آن یعنی رفع تحریم‌ها و برنامه‌ریزی دقیق دولت جهت اصلاح وضعیت اقتصاد کشور فراهم شود. جناب آقای روحانی نیز در بیان اهداف کلی بودجه ۹۳ در مجلس شورای اسلامی اعلام کرده‌اند: «با توجه به شرایط اقتصاد ایران و محیط پیرامونی آن، هدف کلی بودجه سال ۹۳ در دولت تدبیر و امید تحقق رشد اقتصادی مثبت و کنترل تورم و کاهش بیکاری با اتکا به فرصت‌ها و نقاط



## سیاست‌های انقباضی دولت

لایحه بودجه ۹۳ در بند محدودیت‌های ساختاری محصور مانده است



■ محمد حسین برزورگار  
عضو هیات  
نمایندگان اتاق  
تهران

همه فعالان اقتصادی که نیم‌نگاهی هم به لایحه بودجه کل کشور دارند گواهی می‌دهند که دولت یازدهم در شرایط دشواری اداره اقتصاد کشور را در اختیار گرفته است. اقتصادی که دچار رکود تورمی همراه با سونامی نقدینگی شده و تلاطم امواج نوسانات روزانه قیمت ارز را به تازگی از سر گذرانده، حجم مضاعف بدهی‌های دولت، چگونگی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، تعدد پروژه‌های عمرانی نیمه تمام، غبار آلود بودن درآمدهای نفتی، محدودیت در تراکنش‌های مالی بین‌المللی و چگونگی انتقال پول نفت از کشورهای خارجی هر یک به تنهایی می‌تواند برای تنظیم و تحقق بودجه چالش برانگیز باشند. این در حالی است که دولت تنها در یک قلم از پرداخت‌ها باید هر ماه ۳۵۰۰ میلیارد تومان یاران نقدی بپردازد. و در کنار این موضوعات نباید از فرایند زمان‌بر و حساس دستیابی دولت و مجلس به نگاه مشترک پیرامون لایحه بودجه سال آینده نیز به سادگی گذشت.

برآورد فروش ۱،۵ میلیون بشکه نفت و میعانات و هم‌چنین پیش‌بینی قیمت صد دلاری نفت در منطقی به نظر می‌رسد. (هرچند اندکی خلاف احتیاط است چراکه بازار جهانی و عرضه و تقاضای نفت، خارج از اختیار ما است) اما فروش ۱،۵ میلیون بشکه‌ای نفت در شرایطی که فروش نفت و میعانات آن اکنون در حد یک میلیون بشکه است تنها به شرط استمرار مذاکرات و توافقات انجام شده و رفع تحریم‌ها امکان‌پذیر است. درآمدهای مالیاتی اگر در گذشته سهم قابل توجهی در بودجه می‌داشتند، اکنون نیز دولت می‌توانست بر این درآمدها اتکا کند. اما در

شرایطی که برخی بنگاه‌های اقتصادی وارد فاز تعدیل نیرو و کاهش درآمد شده‌اند و خطر ورشکستگی را در نزدیکی خود احساس می‌کنند، دل بستن به افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق افزایش نرخ مالیات، مطمئناً در تضاد با سیاست دولت در مقابله با رکود اقتصادی و اشتغال‌زایی گسترده است و چندان امیدبخش نخواهد بود مگر اینکه سازوکار مناسبی برای شناسایی بخش‌های همیشه فراری از مالیات و دریافت مالیات از آنها پیش‌بینی شود. اخذ مالیات از بخش‌هایی که تاکنون مالیات نمی‌دادند، در صورت وقوع، پسندیده است اما آن‌گونه که کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند در طول یک سال نمی‌توان به این مهم دست یافت.

تجربه دولت‌های گذشته حاکی از آن است که دست بالا گرفتن درآمدهای بودجه و عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده، معمولاً دولت‌ها را با کسری مواجه کرده و دولت‌ها در نهایت با استفاده از سایر ابزارهای پیش‌بینی شده نظیر استقراض از بانک مرکزی، این خلأ را پر می‌کنند. این روال نادرست موجب شده که عملاً سال به سال علاوه بر اینکه وابستگی بودجه‌های سالیانه به نفت افزایش می‌یابد، پایه پولی کشور نیز تضعیف و تورم افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر معمولاً بخشی از درآمد دولت در بودجه، از محل اخذ تعرفه واردات کالا دیده می‌شود. پس به عنوان مثال خودروهایی گران قیمت، از آن جا که نرخ تعرفه گمرکی بالایی دارند، می‌توانند درآمد بیشتری عاید دولت کنند. برای سال جاری هم پیش‌بینی شده که واردات خودرو به میزان ۲ میلیارد دلار برسد و برای سال آینده نیز این گونه پیش‌بینی شده که البته جای تأمل دارد.

قوت کلیدی پیش رو از جمله حضور فعال تر بخش غیردولتی در سایه ایجاد ثبات کلان اقتصادی و انضباط مالی همراه با بهبود شاخص‌های اجتماعی و علمی تعیین می‌شود. «این بدان معناست که دولت در بودجه پیشنهادی مصمم است فضای کسب و کار داخلی و خارج را بهبود بخشد تا فرصت‌های بیشتر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور، در سال ۹۳ تحقق یابد. ایران با ظرفیت بزرگ و باثبات اقتصادی می‌تواند در منطقه مورد توجه سرمایه‌گذاران و بازار مصرف در داخل و منطقه قرار گیرد زیرا، اکنون در میان تمامی کشورهای منطقه، به دلیل داشتن ظرفیت‌های متعدد در بخش نفت، گاز و سایر مواد معدنی بیشترین شانس را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد. لذا برای پیشرفت در حوزه دیپلماسی تجاری باید فعال شود و فضای کسب و کار در سطح ملی به سرعت بهبود یابد.

تقدیم بودجه سال ۹۳ توسط دولت در زمان تعیین شده در قانون به مجلس شورای اسلامی نشانگر اهمیت دادن دولت به برنامه‌های پیشنهادی خود در بودجه بوده است. لایحه بودجه با توجه به خلاصه بودن احکام و تبصره‌های بودجه (اجتناب از قانون نویسی به همراه تقدیم بودجه) و رعایت شفافیت به دلیل سازگاری احکام تبصره‌ها و جداول بودجه و کاهش اعتبار ردیف‌های متفرقه و واقع‌بینی در برآورد منابع و مصارف بودجه و همچنین

اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی دارای محاسن خاص خود بوده و مواردی چون موکول کردن اعتبارات هدفمند کردن یارانه به لایحه مستقل و استفاده از فاینانس خارجی برای اجرای طرح‌های عمرانی بدون درج اعتبارات در محل آن و با توجه به عوامل بازدارنده در شرایط موجود تحریم‌ها جهت استفاده از فاینانس خارجی نشانگر عدم رعایت جامعیت بودجه پیشنهادی است.

چنانچه دولت بحث اشتغال را از طریق سرمایه‌گذاری مولد در صنایع و خدمات دنبال کند و کسری بودجه پنهان شود، شوک اجرای مرحله دوم هدفمند کردن یارانه‌ها و افزایش حجم بودجه متوازن بیش از نرخ تورم، و عایدات حاصل از نفت و گاز و مالیات با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های انجام شده در جهت درآمدهای حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی به میزان ۵۲ میلیارد دلار و فرض تورم ۲۵ درصدی و رشد ۳ درصدی در GDP و ارزش‌گذاری هر دلار کالاهای وارداتی در حدود ۲۶۵۰ تومان، احتمالاً به بروز کسری بودجه منجر خواهد شد. اما صرف‌نظر از موارد فوق، از ابتدای آغاز به کار دولت یازدهم موضوع حذف تعهدات پیمان‌سپاری صادرکنندگان و بازگشت روند عادی صادرات براساس نص صریح قانون، همچنین تسهیل و تأمین مالی صادرات از طریق ابزارهای مالی موجود نظیر بانک توسعه صادرات که باید افزایش سرمایه برای آن در نظر گرفته شود در هیات دولت

مورد توافق قرار گرفته است. پیشتر در اصلاحیه بودجه ۹۲، وزارت صنعت، معدن و تجارت برای افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات از محل صندوق توسعه ملی پیشنهاد داده بود تا مشوق‌های صادراتی به صادرکنندگان قابل پرداخت باشد. اما تاکنون مشوق‌های صادراتی به طور مستقیم و غیرمستقیم اجرایی نشده و باید در ردیف بودجه خاص به آن پرداخته شود.

این حمایت‌ها در قالب مشوق‌های بازاریابی و حمل‌ونقل، بسته‌بندی کالای صادراتی، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و ایجاد زیرساخت‌های صادراتی مورد توجه و حمایت مالی دولت قرار می‌گیرند که اجرایی شدن این حمایت‌ها اقدام عملی در جهت بهبود بخشیدن به فضای کسب و کار خواهد بود. مطمئناً حمایت دولت از حفظ صادرات غیرنفتی که در شرایط موجود یکی از ارزشمندترین کارهایی بوده که بخش خصوصی در سطح ملی به انجام رسانیده است، ضریب رشد برای تسهیلات بیشتر را فراهم خواهد کرد. امید است با رفع محدودیت‌ها و مصونیت‌های صادراتی شاهد جهش در صادرات کالاهای غیرنفتی و جبران کاهش ۱۳ درصدی صادرات که ناشی از محدودیت‌های بین‌المللی و کمبود منابع مالی تولید و صادرات، و تصمیم‌های سخت‌گیرانه و محدودیت‌هایی که در یک سال و نیم گذشته در حوزه تجارت وجود داشته است باشیم.

شوکی اجرای مرحله دوم هدفمند کردن یارانه‌ها و افزایش حجم بودجه متوازن بیش از نرخ تورم و ارزش‌گذاری هر دلار کالاهای وارداتی در حدود ۲۶۵۰ تومان، احتمالاً به بروز کسری بودجه منجر خواهد شد.



هدفمندی یارانه‌ها، مصرف حامل‌های مختلف انرژی نه تنها کاهش نیافته که ایران در مصرف گاز و ژئیل، برق، گاز طبیعی و بنزین رکوردهای جدیدی را در بین کشورهای مختلف جهان با توجه به نسبت جمعیتی و مصرف فعلی به نام خود ثبت کرده است. هم‌اکنون ایران چهار برابر متوسط جهانی، ۱۸ برابر ژاپن و معادل کل صنایع ۱۸ کشور عضو اتحادیه اروپا گاز مصرف می‌کند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، دستیابی به توسعه با تقویت بنیان‌های فرهنگی، ارتقای فرهنگ عمومی و بازتعریف فرهنگ در گستره‌های مختلف اقتصاد امکان‌پذیر خواهد بود.

باید اذعان کرد که اقتصاد فعلی ایران در حالت اقتصاد گلدکوئستی قرار دارد و تا زمانی که معضلات ریشه‌ای اقتصاد کشور حل نشود، توازن میان هزینه‌ها و درآمدها و استقلال از درآمدهای نفتی چندان معنا نخواهد داشت. بنابراین چه بخواهیم و چه نخواهیم بودجه اعلام شده همچون سال‌های قبل تورم و بیکاری را به همراه خواهد داشت. در ایران هر دولتی سعی می‌کند نشان دهد همه مسائل کشور نه ذاتی و نهادی، بلکه ناشی از عملکرد دولت قبل است و این باعث می‌شود تا اصلاحات ساختاری از رادار فوری خارج شود. واقعیت این است که با سازمان‌های موجود و رویکردهای جزیره‌ای، هر بودجه‌ای که تنظیم شود جز تشدید عقب‌ماندگی و ناکارآمدی عاید کشور نمی‌کند چراکه منابع محدود دولتی، حتی اگر عادلانه و بهینه هم توزیع و تخصیص یابد، مشکل‌چندانی را حل نمی‌کند. در این مرحله نیازمند مدیرانی هستیم که بتوانند منابع جدیدی تجهیز و بسیج کنند. و البته به رغم انتقادات طرح شده توجه به این نکته نیز ضروری است که وقتی مشکلات ساختاری و نهادینه شده وجود دارد نمی‌توان انتظار داشت که دولت در زمانی کوتاه، بتواند مسائل و مشکلات را برطرف کند، و همین اندازه که تلاش شده لایحه بودجه در زمان مقرر به مجلس ارایه شود این امیدواری را ایجاد می‌کند تا در آینده نظام اداری نیز تا اندازه‌ای قانون‌مند شود.

نشانگرهای بودجه بیانگر آن هستند که سیاست بودجه‌ای دولت، انقباضی است و دلیل این مسئله آن است که دولت می‌خواهد در مواجهه با رکود تورمی، توزیع نقدینگی را کنترل کند. واقعیت آن است که بجای پرداختن صرف به چگونگی تخصیص درآمدها و منابع در کشور، که البته در جایگاه خود ضروری است، سیاست‌گذاران اقتصادی کشور باید بیش از گذشته جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را بر پایه اصلاح ساختاری اقتصاد استوار کنند. تجربه دولت‌هایی که برخی از آنها اتفاقاً در همسایگی کشورمان قرار دارند نشان می‌دهد در شرایطی که اقتصاد آنها از نرخ بیکاری بالا و تورم بالاتری نسبت به ما رنج می‌برده‌اند، با اصلاح ساختارهای خود و برنامه‌های میان‌مدت، توانسته‌اند در جایگاه مناسبی از لحاظ اقتصادی قرار گیرند. واقعیت این است که ساختار اداری و اجرایی کشور که برای عملیاتی کردن اهداف و سیاست‌های دولت توزیعی شکل گرفته‌اند، برای فائق آمدن بر مشکلات فعلی چون بیکاری، تورم، رکود، فساد و ویژه‌خواری و... ناکارآمد هستند.

کشور ما در بخش صنعتی از لحاظ بهره‌وری نیروی انسانی در سطح بسیار نازلی قرار دارد و رویکردهای آموزشی ما فقط در سطح آکادمی محض محدود شده و هیچ‌گونه ارتباط سیستمی میان بخش‌های آموزش و صنعت برای افزایش بهره‌وری وجود ندارد. در بخش دولتی هم هشت میلیون نفر اول با بهره‌وری روزانه متوسط ۳۵ دقیقه، هر ماه بدون توجه به بازده و کارایی خود از دولت حقوق می‌خواهند که این با صادرات دو میلیون بشکه نفت و انتقال سهل درآمدهای آن سازگار بود نه با شرایط فعلی فروش نفت. در بخش کشاورزی نیز به علت پراکندگی مالکین، عدم آموزش کشاورزان و در اختیار نداشتن سرمایه در گردش مناسب، همیشه با واردات عظیمی از کالاهای اساسی کشاورزی مواجه بوده‌ایم. فرهنگ نامتوازن مصرف نیز مزید بر علت شده و تنگناهای بودجه را تشدید نموده است. با ورود به چهارمین سال اجرای







# تکلیف یارانه‌ها روشن نیست

## در لایحه بودجه

## ابهام‌هایی درباره مسئله هدفمندی یارانه‌ها وجود دارد



غلامرضا تاجگردون

نایب‌رئیس

کمیسیون برنامه و

بودجه مجلس

این مسئله که پس از سال‌ها تاخیر چندماهه که دولت را وادار به دریافت تنخواه از مجلس می‌کرد، بودجه در موعد مقرر به خانه ملت آمده، جای امیدواری دارد. واقعیت این است که نباید با نگاهی ایده‌آل‌گرا به لایحه بودجه ۹۳ نگریست. در هر سندی نکات مثبت و منفی وجود دارد اما مسئله مهم این است که مجلس بتواند با رویکردی همدلانه در کنار دولت بایستد و بودجه ۹۳ را چکش کاری کرده و در نهایت در مسیر توسعه اقتصادی پیش ببرد. بودجه ۹۳ از منظر علمی، عملی و ارقامی قابل بررسی است. بررسی همه جانبه متن لایحه نشان از آن دارد که جهت‌گیری بودجه با فرصت کوتاهی که در اختیار دولت بوده، مناسب بوده است. اصولاً بودجه ۹۳ با اصول علمی همراه است و بر همین اساس از جهت پاسخ‌گویی، شفافیت، ثبات و عملکرد بودجه سال آینده مثبت است.

در بودجه ۹۳ جهت‌گیری درباره نرخ رشد اقتصادی، تورم و بیکاری مثبت است؛ نرخ تورم تا پایان سال آینده به ۲۵ درصد می‌رسد. این عدد چندان قابل دفاع نیست اما بدون شک بسیار بهتر از ۴۰ درصد کنونی است. بودجه غیرعلمی دولت دهم کار را خراب کرد و امیدواریم که بودجه ۹۳ بتواند تا حدودی در مدیریت آشفته وضعیت کنونی به کار دولت بیاید. از مزایای بودجه ۹۳ این است که به واقعیت نزدیک است، طرح جدید ندارد، رابطه دولت و نفت شفاف است، و برای اولین بار بودجه برنامه سالانه دارد. دولت در مورد پروژه‌های عمرانی اولویت‌بندی کرده که این کار ارزشمندی است، دولت می‌توانست در تخصیص‌ها غریبالگری کند اما در بودجه این کار را انجام داده است. همین مسئله که در پروژه‌های عمرانی اولویت‌بندی شده یعنی نگاه دولت در بودجه ۹۳ واقع‌گرایانه است و می‌دانند که این اعتبارات اندک نمی‌تواند به سادگی همه پروژه‌های عمرانی را سرساملان دهد. نکته دیگر اینکه برای رسیدن به اهداف اقتصادی و بودجه‌ای باید ظرفیت قانونی ایجاد شود. در حال حاضر برخی از قانون‌ها نقض جدی دارد و مواعی را در مقابل بهبود فضای کسب‌وکار ایجاد کرده است؛ مثل قانون تأمین اجتماعی و قانون کار که باید هرچه سریع‌تر اصلاح شود تا ثبات اقتصادی در کشور تحقق یابد.

یکی از نقدها بر بودجه ۹۳ انبساطی بودن آن است اما با وجود پذیرش این ایراد، باید تاکید کرد در بررسی بودجه به لحاظ ارقام مشخص می‌شود که در بخش مصارف، هزینه‌ها ۱۱٫۶ درصد رشد یافته، اما بررسی دقیق‌تر بیانگر آن خواهد بود که ۸۱ درصد این مصارف را حقوق، یارانه و رفاه اجتماعی شامل می‌شود که نمی‌توان آن را تغییر داد. بنابراین شاید بازخوانی این اعداد نگاه برخی منتقدان در انبساطی خواندن بودجه را تصحیح کند. آنچه در بودجه رخ داده انبساط نیست. و البته با توجه به این که این اولین لایحه بودجه ۹۲ است می‌توانست بسیار بدتر از این باشد چرا که دولت‌ها معمولاً در سال اول بودجه‌ریزی بلندپروازانه و بی‌پروا پول خرج می‌کنند. انتقاد دیگری که بر بودجه ۹۳ وارد است این نکته است که دولت با رویکردی خوش‌بینانه به نتایج مذاکرات هسته‌ای نگاه کرده، اما این رویکرد درست نیست و احتمال دارد منابع پیش‌بینی شده از طریق فاینانس تحقق کامل نداشته باشد. از طرف دیگر بودجه پیشنهادی دولت محافظه‌کارانه است، به‌طوری که در سال گذشته روزانه یک میلیون بشکه صادرات نفت و حدود ۳۰۰ هزار بشکه میعانات تعیین شد که تقریباً درآمد ناشی از آن حاصل شد. برای سال آینده نیز در مجموع به حدود یک میلیون و چهارصد هزار بشکه افزایش یافته که ۱۰۰ هزار تان آن مربوط به مابه‌التفاوت منابعی بوده که به پتروشیمی رفته و دوباره به منابع عمومی بازگشته است. پس از نظر مصرف نفت و میزان تولید و مقدار فروش به هیچ عنوان تغییری نسبت به سال گذشته ایجاد نشده است. در عین حال دولت که در اصلاحیه بودجه سال ۹۲ میزان واگذاری‌ها را از ۳۷ هزار میلیارد به ۲۵ هزار میلیارد تومان کاهش داده، اکنون در بودجه سال ۹۳ آن را به هشت هزار میلیارد تومان کاهش داده است. مسئله مهمی که در لایحه بودجه ابهام‌هایی درباره آن وجود دارد، هدفمندی یارانه‌ها است که مردم را بلا تکلیف کرده است. عدم پیش‌بینی نحوه اجرای هدفمندی یارانه‌ها یکی از ایرادهای جدی وارده به لایحه بودجه تقدیمی دولت یازدهم است. وقتی بخواهیم فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را شروع کنیم نمی‌توانیم اثر آن را در رشد اقتصادی و تورم نادیده بگیریم. دولت می‌گوید که می‌خواهد تورم را از ۴۰ به ۲۵ درصد کاهش دهد در حالی که اجرای فاز دوم یک شوک قیمتی به دنبال دارد. همچنین بنگاه‌های مربوطه مثل چهار شرکت اصلی آب، برق، گاز و پخش و پالایش نفت تحت تاثیر نحوه اجرای هدفمندی قرار می‌گیرند. خوشبختانه دولت نیز در این زمینه فعالیت‌هایی را در دستور کار قرار داده و کار کارشناسی فشرده‌ای شروع شده است و می‌توان در انتظار ماندن و به نتایج بررسی‌های دولت خوش‌بین بود. به هر شکل بودجه ۹۳ بدون تردید به دلیل وضعیت مالی خاص کشور با مسائل جدی مواجه خواهد بود اما نکته حائز اهمیت این است که نیروی انسانی همراه با دولت یازدهم، نیروی انسانی قابل‌اعتنایی است که توانسته با همین حداقل‌ها در اسرع وقت و نه با چند ماه تاخیر بودجه ۹۳ را به مجلس برساند. در بررسی لایحه بودجه ۹۳ نباید شرایطی که دولت گذشته ایجاد کرده و مسائل و مشکلات متناهی آن را فراموش کرد، مشکلاتی که ردپای آن در فقدان منابع مالی برای تأمین اعتبار پروژه‌های عمرانی در بودجه ۹۳ هم دیده می‌شود.

هیئت دولت کار سیاسی انجام می‌دهد و لذا عملیات مالی بانک مرکزی تابع کار سیاسی دولت قرار می‌گیرد و اقتصاد همیشه به شکل اقتصاد سیاسی اداره می‌شود. سازمان مستقل مالی باید تأسیس شود که هیئت امانه آن متشکل از نمایندگان نهاد مقام رهبری، نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی، نماینده وزارت صنایع و بازرگانی، نماینده ریاست قوه قضائیه، نماینده ریاست قوه مقننه و ریاست انتخابی سازمان مستقل مالی باشند که در نتیجه استقلال رای و قطعیت نهائی رای موجب شفافیت و سلامت عملکرد مالی کشور شود. نمایندگان محترم مجلس برای استقلال مالی کشور و جلوگیری از هرگونه انحرافات مالی لازم است بر تشکیل چنین نهاد یا سازمان مستقل مالی تأیید کنند.

در بودجه سال ۱۳۹۳ اتکاء به مالیات بیشتر شده و مسئولین انتظار دارند در سال ۹۲ تا مرز ۴۱۰ هزار میلیارد ریال مالیات وصول کنند که این رقم از ۸۰ درصد مالیات دهندگان وصول می‌شود و حدود ۲۰ درصد مالیات دهندگان آن را نمی‌پردازند. در بودجه پیش‌بینی درآمد مالیاتی در سال ۱۳۹۳ بالغ بر ۶۶۰ هزار میلیارد است که نسبت به ۴۱۰ هزار میلیارد ریال احتمالی سال ۹۲ رقمی حدود ۲۵۰ هزار میلیارد ریال یعنی بالای ۶۰ درصد باید وصول مالیات بیشتر شود. اگر در بهار و تابستان و پائیز ۲۵۰ هزار میلیارد مالیات وصول شده و یعنی هر فصلی ۸۲ هزار وصول شده پس در فصل زمستان هم که شب عید است بطور تئوریک همان ۸۲ هزار میلیارد ریال وصول می‌شود که جمعاً ۸۲ + ۲۵۰ مساوی ۳۳۲ هزار میلیارد است و اینکه مسئولین می‌گویند مالیات به ۴۱۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد چگونه خواهد بود؟ و سرانجام از ۳۳۳ به ۶۶۰ رسیدن در سال ۹۳ یعنی حدود صد درصد وصول مالیات بیشتر خواهد شد. مسئولین اعلام کرده‌اند با سازوکار مناسب این رقم محقق خواهد شد. تقاضای بخش خصوصی از نمایندگان این است که این ارقام را تأیید نکنند چون تمام واحدهای بخش خصوصی سلاخی خواهند شد و از دم تیغ سازمان مالیاتی خواهند گذشت و موجب کاهش فعالیت یا توقف فعالیت آنها خواهد شد که نتیجه آن از بین رفتن اشتغال است که تبعات آن بحران‌های اجتماعی سخت همانند یونان و اسپانیا خواهد بود.

خلاصه اینکه رویکرد لایحه بودجه تقدیمی ۹۳ کل کشور و نتایجی که در عین اجرا و یا پس از اجرا حاصل خواهد شد غیر عملیاتی به نظر می‌رسد و برنامه‌ها به طور نسبی محقق خواهند شد و موجب عدم تقویت تولید و صنعت می‌گردد و سرانجام اشتغال را تضعیف می‌کند و دور تسلسل بحران اجتماعی ادامه خواهد یافت. توصیه به نمایندگان محترم ملت در مجلس این است که به واقعیت‌ها بیشتر توجه داشته باشند و لایحه تقدیمی دولت را شفاف‌سازی و اصلاح کنند.



دولت با رویکردی

خوش‌بینانه به

نتایج مذاکرات

هسته‌ای نگاه

کرده، اما این

رویکرد درست

نیست و احتمال

دارد منابع

پیش‌بینی شده

از طریق فاینانس

تحقق کامل

نداشته باشد.



## بودجه ۹۳ جسور نیست

نخستین بودجه دولت یازدهم، بودجه‌ای محافظه کارانه است

البته دولت نگران افزایش نرخ تورم است و به همین دلیل چندان به مبحث تعرفه‌ها وارد نشده است. به هر شکل انتظار از بودجه ۹۳ و تیم اقتصادی دولت روحانی بیش از این‌ها بود. مسئله این است که جرات و جسارت لازم و تغییرات ساختاری در این بودجه مشاهده نمی‌شود. به این ترتیب لایحه بودجه ۹۳ از جسارت لازم برای برون رفت کشور از مشکلات پیش‌رو برخوردار نیست و به طور کلی لایحه‌ای محافظه کارانه است. یکی از نقدهای اساسی به لایحه این است که دولت برخلاف شعارها و وعده‌ها نگاه ویژه‌ای به بخش خصوصی نداشته و به مسئله پیمانکاران طلبکار از دولت بی‌توجهی شده است. البته تحویل به موقع بودجه به مجلس، شفافیت آن و اینکه چند دستگاه باید به سمت عملیاتی شدن بودجه حرکت کنند از جمله نکات مثبت آن به شمار می‌رود، به ویژه اینکه دولت تلاش کرده بودجه تا سرحد امکان،

درآمدهای نفتی و نامعتبر شدن درآمدها و عدم توجه به برخی درآمدها مثل صادرات گاز از نقاط ضعف بودجه ۹۳ است. مبتنی بر این است که می‌توان نخستین بودجه دولت یازدهم را بودجه‌ای محافظه کارانه تلقی کرد. محافظه کارانه از این منظر که دولت به برخی وعده‌های خود عمل نخواهد کرد. مگر نه اینکه در بحث هدفمند کردن یارانه‌ها مسئولان دولتی اعلام کردند موافق حذف دهک‌های پردرآمد جامعه هستند اما در عمل تردید می‌کنند. حتی به‌رغم تمایل مجلس برای انجام آن، دولت مخالفت کرد. در بحث افزایش قیمت‌ها نیز دولت عملاً برنامه‌ای در بودجه نیاورده است. در بحث واگذاری سهام هم این که گفته شود در طول سال‌های گذشته واگذاری‌ها به بخش خصوصی و تعاونی نبوده و به بخش دولتی بوده و باید کار را متوقف کرد، خیلی قابل پذیرش نیست.

بودجه ۹۳ به‌رغم پستی و بلندی‌هایی که همراه خود دارد اما لایحه بودجه‌ای قابل اعتنا است. معدل سواد و بهره اقتصادی کارشناسان همراه در کابینه یازدهم، سطح انتظار نمایندگان از برنامه پیشنهادی در بودجه را نیز افزایش داده و به همین خاطر نقد همه جانبه بودجه می‌تواند فرصتی برای حذف ایرادها و ترسیم افق مناسبی در پیش‌رو باشد. به طور کلی بودجه ۹۳ به بهبود وضع صادرات منجر خواهد شد. اگرچه در این بودجه شاخص بی‌توجهی به مطالبات پیمانکاران کماکان به چشم می‌خورد اما دولت این فرصت را در اختیار دارد تا از طریق فاینانس، راهی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی به زمین مانده، پیدا کند. در نقطه مقابل اما کم توجهی به عدالت اجتماعی مانند اعتبارات عمرانی، عدم توجه به ظرفیت‌های درآمدی همچون سهام عدالت، ریالی شدن بیشتر منابع صندوق توسعه ملی، وابستگی‌های بیشتر به



■ جعفر قادری  
عضو کمیسیون  
تلفیق مجلس نهم



## کیفیت فدای سرعت

لایحه بودجه ۹۳ گره کور زیاد دارد

احتمال عدم تحقق آن نیز چندان دور از انتظار نیست. از سوی دیگر دولت برای تامین هزینه‌ها به افزایش پایه‌های مالیاتی تکیه کرده و می‌خواهد از طریق افزایش پایه‌های مالیاتی، درآمد مالیاتی خود را افزایش دهد. البته در اجرایی شدن این بند اما و اگرها و تردیدهای جدی وجود دارد اما دست‌کم در تئوری حرفی از افزایش نرخ مالیات مطرح نشده و این موضوع یکی از نکات مثبت لایحه بودجه است. همچنین مساله پروژه‌های عمرانی یکی از دغدغه‌های اصلی پیش روی توسعه کشور به شمار می‌آید. در حال حاضر حدود ۲۸ هزار طرح نیمه تمام عمرانی در کل کشور وجود دارد که به شرط ثبات شرایط، مبلغی معادل ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به صورت

بودجه ارایه شده برای سال ۹۳ از جانب دولت، همچون همه لویح بودجه پیشین گره‌های کور دارد. گره‌های کور این بودجه یکی دو تا هم نیست، و چه بسا بخش عمده‌ای از این گره‌ها به دست برخی دیگر ایجاد شده باشد. واقعیت این است که همگان توقع دارند دولت تدبیر و امید حتی برای گره‌های کور هم چاره‌ای بیندیشد. به همین دلیل دولت یازدهم در شرایط اقتصادی ویژه امروز ایران برای جلوگیری از کسری بودجه فراگیر باید میزان خوش‌بینی‌اش به تحولات بین‌المللی را کاهش داده و به جای آن از ابزارهای عینی و عملیاتی‌تر استفاده کند، این در حالی است که برخی نکات بودجه پیشنهادی دولت فاقد این ویژگی‌ها است. تاکید دولت بر اعتبار فاینانس ریشه در خوش‌بینی دارد که



■ محمدرضا  
پور ابراهیمی  
نائب رئیس کمیسیون  
اقتصادی مجلس

بودجه‌ای عملیاتی باشد.

### تکرار وابستگی نفتی

در بودجه ۹۳ برای معضل همیشگی اقتصاد ایران یعنی وابستگی بودجه به نفت نه تنها فکری نشده که وابستگی بودجه ۹۳ به نفت در مقایسه با بودجه‌های قبلی به مراتب بیشتر شده است. سال گذشته از ۲۱۰ هزار میلیارد تومان سقف بودجه، ۶۳ هزار میلیارد تومان از محل درآمدهای نفتی حاصل شد، اما امسال از ۱۹۴ هزار میلیارد تومان سقف بودجه، حدود ۷۸ هزار میلیارد تومان از محل درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده که این امر نشان می‌دهد وابستگی بودجه به نفت بیشتر شده است. از سوی دیگر دولت در تدوین بودجه قیمت نفت را افزایش داده که درباره تحقق این قیمت تردیدهایی وجود دارد. دولت حجم صادرات نفت را یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه لحاظ کرده و اگر روال کارهای سیاسی و لغو تحریم‌ها به همین شکل ادامه یابد و مبادلات اقتصادی بهبود یابد، وضعیت صادرات بهبود می‌یابد؛ اما اگر اوضاع تغییر کند و محدودیت‌ها بیشتر شود ممکن است مشکلاتی برای کشور فراهم آورد.

### فاینانس راهگشا

دولت یازدهم باید به خوبی بتواند از پتانسیل «فاینانس»ها بهره‌مند شود چراکه در صورت بهره‌مندی از امکان فاینانس، زمینه تحقق هزینه‌ها به وجود می‌آید. فاینانس‌ها همان پول نفت است و در حال حاضر مستقیم به ما پرداخت نمی‌شود. اما هدف از این پیشنهاد آوردن پول حاصل از فاینانس در طرح‌های عمرانی است. این امر در شرایط تحریم خوب است، و اگر رشد اقتصادی ناشی از رشد فعالیت‌های بخش خصوصی باشد در این صورت رشد اقتصادی قابل قبول است. به همین دلیل باید به سمت ایجاد ظرفیت‌های جدیدی برای بخش خصوصی حرکت شود. باید ابهام قوانین برداشته شود و مشکلات و گره‌های اجرایی حل شود تا بخش خصوصی کارآمد شود.

اگر شاخص فضای کسب‌وکار توسعه پیدا کند می‌توان با اطمینان از تحقق رشد اقتصادی سخن گفت. این مسئله که در فاینانس دارای رشد متکی به بخش دولتی باشیم قابل دوام نیست و می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند.

### بهبود فضای کسب‌وکار

مسئله «بهبود فضای کسب‌وکار» باید بیش از این‌ها در بودجه ۹۳ دیده می‌شود. در بحث بهبود فضای کسب‌وکار تاکنون حرکت خاصی از دولت ندیده‌ایم. در حال حاضر براساس آمار، در صندوق توسعه ملی ۵۵ میلیارد دلار منابع وجود دارد. این در حالی که در طول سال‌های گذشته آنچه که تاکنون از این صندوق به بخش غیردولتی تسهیلات داده شده، حدود شش میلیارد دلار یعنی ۱۰ درصد منابع بوده است. این بدان معنی است که منابع را در صندوق گذاشته‌ایم و نتوانسته‌ایم از آن استفاده کنیم. از سوی دیگر فرآیندها در صندوق آن قدر پیچیده است که کسی نمی‌تواند از این منابع استفاده کند. پس در تدوین لایحه بودجه ۹۳ لازم بود تا منابع صندوق برای بهبود فضای کسب‌وکار در نظر گرفته می‌شود. با وجود این دولت عملاً سازوکاری در این ارتباط پیش‌بینی نکرده و این موضوع مهم و جدی باید مورد توجه قرار بگیرد. اگرچه دولت اعلام کرده میزان دیون پیمانکاران، ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است، ولی در بودجه ۹۳ به بازپرداخت آن توجه نشده است. این مسئله باعث می‌شود بخش‌هایی که از دولت طلبکار هستند با مشکلات جدی مواجه شوند. وقتی مطالبات پیمانکاران داده نمی‌شود، پیمانکاران توانی برای انجام کارهای جدید ندارند و مشکلات جدی نیز برای بدنه پیمانکاری کشور ایجاد می‌شود. همچنین مطالبات بانک‌ها هم از پیمانکاران وصول نمی‌شود و در نتیجه قدرت وام دهی بانک‌ها کمتر شده و نمی‌توانند عملیات طرح‌های فاینانس خارجی یا طرح‌های صندوق توسعه ملی را بپذیرند و تسهیلات جدید بدهند.

### اعتبارات عمرانی

اعتبارات عمرانی سال گذشته ۵۷ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود و امسال به ۳۷ هزار میلیارد تومان رسیده که میزان اعتبارات عمرانی ۲۰ هزار میلیارد تومان از رقم مصوب کاهش یافته است. دولت قبل، در عمل نتوانست بیشتر از ۱۱ هزار میلیارد تومان به اعتبارات عمرانی اختصاص دهد و این ۳۷ هزار میلیارد تومان مصوب در بودجه ۹۳ نسبت به عملکرد سال گذشته این گونه تداعی می‌کند که توزیع اعتبارات عمرانی سه برابر شده، اما واقعیت این است که این عدد در مقایسه با اعتبارات عمرانی مصوب سال گذشته کاهش یافته است. دولت در تدوین بودجه ۹۳ با توجه به کاهش اعتبارات مصوب عمرانی، مکانیسمی را پیش‌بینی کرده که طبق آن طرح‌هایی که پیشرفت فیزیکی آنها زیر ۲۰ درصد است، تنها می‌توانند ۵ درصد اعتبار دریافت کنند. همچنین طرح‌هایی که پیشرفت فیزیکی آنها بین ۲۰ تا ۸۰ درصد است ۴۵ درصد اعتبار و آنها که بالای ۸۰ درصد است تا ۱۰۰ درصد اعتبار می‌گیرند. چنین مکانیسمی برای برخی طرح‌ها مثل طرح‌های مربوط به بخش راه و خطوط ریلی توجیه ندارد، چراکه ممکن است طول یک راه صد کیلومتر باشد، اما وقتی ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر آن هم قابل بهره‌برداری می‌شود پیشرفت آن در همین حد هم قابل قبول است و مردم را راضی می‌کند. اما این مسئله در مورد همه طرح‌های عمرانی صدق نمی‌کند. فارغ از مسائلی طرح شده درباره بودجه ۹۳ مسائل ریز و درشت دیگری نیز قابل طرح است اما برای تحقق بودجه ۹۳ با تمام بیم‌ها و امیدهای پیش رو، امیدواریم میان دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط همکاری و همدلی لازم صورت گیرد تا دولت یازدهم به‌رغم موانع متعددی که در مسیر بهبود وضعیت اقتصادی کشور با آن روبه‌رو است بتواند با همدلی ملی بر مصایب فایق آید.

اگرچه در لایحه بودجه شاخص بی‌توجهی به مطالبات پیمانکاران کماکان به چشم می‌خورد اما دولت این فرصت را در اختیار دارد تا از طریق فاینانس، راهی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی به زمین مانده، پیدا کند.

دارد؛ یا اینکه با توجه به صنعت و ظرفیت بخش خصوصی و یا حتی شرکت‌های خارجی تولید نفت را افزایش دهیم و یا این که مصرف داخلی را مدیریت کنیم تا بتوانیم به موضوع حل معضل خام فروشی نیز برسیم. با این حال آنگونه که مشخص است در لایحه بودجه ۹۳ معضل خام فروشی نفت حل نمی‌شود. از دیگر مشکلات لایحه بودجه سال ۹۳ این است که مشخص نیست اعتبار سال ۹۳ را به چه شکل باید تخصیص دهیم، چراکه بیشتر از ۲ هزار طرح عمرانی در کشور آغاز شده و هر کدام با درصد متفاوت پیشرفت، نیاز به اعتبار دارد. در حال حاضر یکی از چالش‌ها اجرای طرح‌های عمرانی است که باید در دولت نهایی شود، باید غربال‌گری صورت گیرد و طرح‌هایی که درصد پیشرفت‌شان نهایی است، در اولویت قرار گیرند. نتیجه اینکه دولت در ارائه لایحه بودجه ۹۳ کیفیت و محتوا را فدای سرعت کرده است. البته اگر قرار باشد جانب انصاف رعایت شود، توجه به مواد قانونی صندوق توسعه ملی، ایجاد اولویت در طرح‌های عمرانی، گنجاندن موضوع خرید خدمت مخصوصا در حوزه وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش از نکات جدید و مثبت در بودجه ۹۳ است.

تقریبی برای اتمام این پروژه‌ها مورد نیاز است. این در حالی است که دولت در سال جاری حدود ۳۶ هزار میلیارد تومان برای اتمام برخی از پروژه‌های عمرانی در نظر گرفته که به نظر می‌رسد همین مبلغ هم قدری خوش‌بینانه باشد. در این شرایط شاید حدود ۲۰ سال زمان نیاز باشد تا همه پروژه‌های عمرانی به سامان برسد.

راهکاری که شاید بتوان از طریق آن به بهبود اوضاع در مورد طرح‌های عمرانی کمک کرد، این مسئله است که دولت امکان دسته‌بندی طرح‌های عمرانی را به صورت انتفاعی و غیرانتفاعی فراهم و برای این طرح‌ها به صورت مجزا برنامه‌ریزی کند. یعنی طرح‌هایی که امکان واگذاری آن به بخش خصوصی وجود دارد، مشخص و به سرعت شرایط واگذاری آن فراهم شود تا بخش خصوصی با ورود به این طرح‌ها دولت را برای اتمام پروژه‌ها باری کند. این مسئله اما در بودجه سال ۹۳ دیده نشده است. گذشته از این موارد آنچه امروز اقتصاد ایران را تهدید می‌کند افزایش مصرف داخلی در مقابل افزایش ظرفیت تولید است. در حال حاضر با حدود ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه مصرف داخلی روزانه مواجهیم. دو راهکار در این باره وجود



## ترک خوردن تحریم‌ها مهمترین دستاورد ژنو بود



تاثیر توافق ژنو بر اقتصاد ایران در میزگرد آینده نگر

با حضور موسی غنی‌نژاد، مسعود خوانساری و سیدحمید حسینی

**عظیم محمودآبادی:** موضوع میزگرد این شماره آینده‌نگر تاثیر توافق نامه ژنو بر اقتصاد کشور و نقش آن در میزان تعدیل و کاهش یافتن تحریم‌هاست. از قبل به صورت تلفنی محور این گفت‌وگورا با هر سه میهمان در میان گذاشته بودیم. با این وجود وقتی برای عکس گرفتن با میهمانان به پارکینگ می‌رفتیم، دکتر حسینی در آسانسور گفت: «کدام تحریم‌ها؟ تحریمی دیگر نیست. دوران تحریم گذشت.» سخنان حسینی مورد تایید دکتر غنی‌نژاد و همچنین دکتر خوانساری نیز قرار گرفت. گپ کوتاهی که در فاصله بین پارکینگ تا طبقه هفتم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران - محل برگزاری این میزگرد- داشتیم شاید خلاصه‌ای بود از آنچه در این میزگرد مطرح شد. هر سه میهمان ما درباره وضعیت پیش‌رو اظهار خوش بینی می‌کنند. وقتی به دکتر خوانساری گفتیم: «شما در میزگرد قبلی خیلی اظهار ناامیدی می‌کردید و...» گفت: «آن مربوط به یک سال پیش است و من هیچ تصور نمی‌کردم بعد از انتخابات شاهد روی کار آمدن چنین دولتی به ریاست جمهوری دکتر روحانی باشیم. مسائل عوض شده و نگاه دنیا به ما نیز تغییر یافته است.» متن پیش‌رو حاصل میزگردی است که «آینده‌نگر» با دعوت از موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان، مسعود خوانساری، رییس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران و همچنین سیدحمید حسینی فعال حوزه پتروشیمی و رییس کمیسیون اصل ۴۴ و محیط کسب و کار اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران برگزار شد.

## توافقات ژنو نقطه شروعی برای متوقف

کردن موج تحریم‌های اقتصادی بود. ابتدا بفرمایید که به لحاظ آینده‌نگرانه آیا این توافقات که بعد از چندین سال حاصل شد می‌تواند گره و بحران فعلی اقتصاد ما را باز کند؟

موسی غنی‌نژاد: واقعیت این است که ما در عصر جهانی شدن اقتصاد به سر می‌بریم. اقتصاد ایران به ویژه از نظر بحث تجارت خارجی و نفت به شکل غلبی با اقتصاد جهانی ادغام شده. از طرف دیگر واردات ما که بخش کوچکی از آن را کالاهای مصرفی و ۸۰ درصد آن را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهند نشان دیگری از وابسته بودن اقتصاد ما به اقتصاد جهانی است. بنابراین اقتصاد ما در اقتصاد جهانی ادغام شده است. تأثیر این تحریم‌ها این بود که در حال قطع کردن ارتباط ما با اقتصاد جهانی بود. بنابراین در چند سال اخیر لطمه بزرگی در همه ابعاد به اقتصاد ما وارد شد. بعضی‌ها شعار «اقتصاد خودکفا» سر می‌دادند که به نظرم این بحث‌ها دیگر کهنه شده و کسی در دنیا از اقتصاد خودکفا صحبت نمی‌کند. بهترین اقتصاد خودکفا کره شمالی و کوبا است.

## اراده‌ای که برای این توافق به وجود آمد

شاید نشان‌دهنده بی‌بردن به همین مساله بود؟

غنی‌نژاد: نشان‌دهنده این بود که دولت قبل تصویر درستی از اقتصاد جهانی نداشت. دولت قبل از یک طرف با شعار تهاجمی با دنیای غرب روبه‌رو می‌شد و از طرف دیگر واردات را به شدت زیاد کرده و اقتصاد را به اقتصاد جهانی وابسته کرده بود؛ این کار نشانه یک سیاست و استراتژی متناقض در عرصه کار سیاسی بود. اما توافقتامه ژنو اقتصاد ما را دوباره به اقتصاد جهانی برمی‌گرداند البته نه بلافاصله بلکه در میان‌مدت یا بلندمدت این اتفاق خواهد افتاد. توافق ژنو - گرچه یک توافق مقدماتی برای مدت شش ماه است و هنوز همه چیز قطعی نشده - اما تأثیر مثبت خود را گذاشته است. در وضعیت بعد از این توافق هم اروپایی‌ها کم‌کم خودشان را از سیاست‌های آمریکا جدا می‌کنند که این هم برای ما مثبت است. چون ما در گذشته ارتباط نزدیکی با اروپا و کشورهایمانند آلمان و ایتالیا داشتیم که در اقتصاد ما خیلی مهم بود چون تکنولوژی‌های پیشرفته داشتند اما در سال‌های گذشته ما فقط با شرق در ارتباط بودیم و اگر این توافق‌ها ما را به تعامل اقتصادی با کشورهای اروپایی سوق دهد قطعاً تأثیر مثبتی بر اقتصاد کشورمان خواهد گذاشت. بنابراین پیش‌بینی من این است که اگر این مذاکرات در شش ماه آینده هم مثبت پیش برود آثار مثبت آن بیش از پیش مشخص خواهد شد. من به روند متوقف شدن تحریم‌ها و توافقات ژنو خوشبین هستم. در داخل ایران درست است که صدهای مخالفی شنیده می‌شود و در مجلس هم تعدادی نمایندگان موافق نیستند اما اینها به خاطر محافظه‌کاری است. واقعیت این است که در ایران در سطوح بالاتر از دولت این تصمیم وجود دارد که

این مساله حل شود چون اگر آن توافق نبود آقای ظریف و روحانی نمی‌توانستند به این موفقیت برسند. به نظر من این پشتیبانی جدی وجود دارد به شرطی که از طرف دیگر تبلیغات منفی زیاد نشود تا در افکار عمومی دولت نتواند پاسخگو باشد. مورد دیگر اینکه در سطح بین‌المللی سوریه به شدت دچار مشکل است و غربی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اپوزیسیونی که در سوریه عمل می‌کند و می‌خواهد بشار اسد را ناتوان کند خیلی بدتر از بشار اسد عمل می‌کنند. لذا آنها به احتمال زیاد ترجیح می‌دهند بشار اسد به صورت مهار شده باقی بماند و اگر این گزینه را قبول کنند ایران را باید مشارکت دهند که ایران مساله را حل کند. چون روسیه و ایران در مساله سوریه بسیار تأثیرگذار هستند. به این خاطر غربی‌ها متمایلند که بازی را با ایران به هم نزنند.

در چند ماه گذشته که دولت یازدهم روی کار نیامده بود دغدغه‌های فراوانی در حوزه مباحث اقتصادی وجود داشت. آقای خوانساری هم در گفت‌وگویی با آینده‌نگر در سال پیش نسبت به حل مسائل خیلی ناامید بودید. در حال حاضر با توجه به بحث توافق ژنو بخشی از آن دغدغه‌ها برطرف شده یا همچنان معتقدید مشکلات ما بیشتر از اینهاست؟

مسعود خوانساری: واقعیت این است که قبل از انتخابات هیچ تصور نمی‌کردم آقای دکتر روحانی کاندیدا و بعد هم رئیس‌جمهور شوند. کاندیداهای مطرح در آن زمان هم عمدتاً معتقد بودند که ما باید مدیریت جهانی داشته و با جهان در تقابل باشیم تا بتوانیم منافعمان را حفظ کنیم. بعد از روی کار آمدن آقای روحانی مسائل بسیاری عوض شد. آمدن دولت آقای روحانی پیامی برای دنیا داشت که ما برای مقابله با کل دنیا در تهاجم نیستیم و به دنبال آشتی با اقتصاد و سیاست جهان هستیم و این پیام اثراتش را در اقتصاد داخل کشور و سیاست خارجی نشان داد. اگرچه تحریم‌ها به قوت خود باقی است اما با آمدن دولت جدید قیمت دلار کاهش پیدا کرد و خیلی از قیمت‌ها هم افزایش نیافت و تثبیت شد. در خارج از کشور هم ملاقات‌هایی که ایشان داشت و استقبالی که از دولت شد نشان داد صرفاً با یک گفتمان جدید می‌توان آثار مثبتی را برای جامعه به وجود آورد. همانطور که تحریم‌ها طی چند سال تا این حد رسید به نظرم برگشتن تحریم‌ها کار آسانی نیست و زمان‌بر است اما در یک جمله می‌توانم بگویم آمدن دولت جدید، شرایطی را که داشت ما را به یک مخمصه جدید سوق می‌داد از بین برد و من آینده را خیلی روشن می‌بینم و امیدوارم که با گفتمان جدید و دولت جدید این آینده روشن در سیاست خارجی و اقتصاد دیده شود.

البته باید نسبت به کارشکنی برخی لابی‌های امریکایی و صهیونیستی در این ماجرا هم حساس بود و نگاه آینده‌نگرانه‌ای نسبت به بحران‌هایی داشت که آنها در روند توافقات و

## کاهش تحریم‌ها می‌تواند ایجاد کند؟

خوانساری: به نظر من اگر افزایش‌های آمریکا هم بخواهند بیش از اندازه در این زمینه لجبازی کنند شکافی بین آمریکا و اروپا به وجود خواهد آمد. حال که ایران از غنی‌سازی کوتاه آمده اگر آمریکا بخواهد یکطرفه عمل کند این شکاف بین اروپا و آمریکا ایجاد خواهد شد. لذا به نظر من آمریکا به هر صورت نمی‌گذارد که این شکست را متحمل شود. اگر این شکاف ایجاد شود و ما بتوانیم علاوه بر چین و هند با کشورهای اروپایی در ارتباط باشیم بحث تحریم دیگر معنی ندارد و لغو شده است. به نظرم آمریکا متوجه این بحث است. اگر آقای اوباما با کنگره صحبت می‌کند دلیلش این است که توافقی انجام شده و اگر شکاف ایجاد شد همه مدعی خواهند شد که اروپا به خاطر آمریکا هشت سال منافعی را از دست داده و حال خودش از توافق جلوگیری می‌کند.

یکی از مهم‌ترین مواردی که در این تحریم‌ها متوقف شده تحریم‌های حوزه پتروشیمی است. ابتدا در مورد صنعت پتروشیمی و جایگاه آن در کشور توضیح دهید و بگویید آیا برداشتن تحریم‌ها از صنعت پتروشیمی، با توجه به اینکه بعد از نفت اولویت دوم را در اقتصاد ما دارد پیروزی بزرگی محسوب می‌شود؟

حمید حسینی: صنعت پتروشیمی جزو صنایع پیشرو و یکی از مهم‌ترین صنایع ما در سال‌های بعد از انقلاب بوده است. ما در این صنعت توانسته‌ایم بیش از ۶۰ میلیون ظرفیت‌سازی کنیم آنچنانکه ۲/۵ درصد ظرفیت پتروشیمی دنیا را در اختیار داریم. با توجه به این پتانسیل که دارنده اولین ذخایر گاز دنیا هستیم و نیروی انسانی کافی و دسترسی به آب داریم - چون صنعت پتروشیمی به آب نیاز دارد - بازار آسیا را در اختیار داریم و قاعدتاً این صنعت می‌توانست موتور محرک کشور باشد و با تولید ۱۰۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی کل نیازهای ارزی کشور می‌توانست از این طریق تأمین بشود. با این حال این صنعت در بحث تأمین مالی، دانش فنی، تجهیزات و بازار به خارج وابسته است و هنوز هم عمده‌ترین خریدار محصولات ما بازار خارجی است و در بازار داخلی بیش از ۷، ۸ میلیون تن کشتش فروش نداریم. لذا این صنعت از همه نظر به ارتباطات و روابط خارجی نیاز دارد. از سال‌های ۸۴، ۸۵ به بعد که ارتباط ما با دنیا دچار مشکل شد در توسعه صنعت هم مشکلاتی به وجود آمد، و نتوانستیم به این صنعت عمق دهیم. صنعت پتروشیمی در دنیا بیش از سه هزار محصول تولید می‌کند و ما حدود ۶۰، ۷۰ مورد از اقلام اولیه را تولید می‌کنیم. سال گذشته کل صادرات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی ما به ۱۲ میلیارد دلار رسید به این علت که بازارها به خاطر تحریم‌ها محدود و حمل‌ونقل ما دچار مشکل شد. و دیگر نیازهای داخلی که در گذشته وارد می‌کردیم به صنعت پتروشیمی‌مان تحمیل شد و در سال ۹۲



## خوانساری:

برگشتن تحریم‌ها کار آسانی نیست و زمان‌بر است اما در یک جمله می‌توانم بگویم آمدن دولت جدید، شرایطی را که داشت ما را به یک مخمصه جدید سوق می‌داد از بین برد.



### غنی‌نژاد:

اگر توافق نهایی صورت بگیرد بعد از شش ماه یا یک سال می‌توانیم به تعامل کلی با دنیا برسیم. ما بخشی از اقتصاد جهانی هستیم و اگر از پتانسیل‌هایی که تا به حال استفاده نکرده‌ایم استفاده کنیم جهش اقتصادی بزرگی در ۱۰ سال آینده خواهیم داشت.

صادرات ۲۰ میلیون تنی پتروشیمی را به ۱۶ میلیون تن محدود کردیم. نتیجه آنکه جایگاه مادر سال ۸۴، ۸۵ در دنیا رتبه ۳۹ بود و الان رتبه ۵۰ را داریم؛ یعنی با سرعتی که دیگران صنعت پتروشیمی را توسعه دادند نتوانستیم پیش برویم و در منطقه هم دچار مشکل شدیم. حالا طبیعتاً با حذف تحریم‌ها درآمد ارزی کشور افزایش پیدا می‌کند و بخشی از هزینه‌هایی که الان در حمل‌ونقل، نقل و انتقال ارز هزینه می‌شود احیا می‌شود. ما بازار اروپا را از دست داده بودیم چون قبلاً ۱۳ درصد از محصولات به بازار اروپا صادر می‌شد اما حالا دوباره به بازارهای قبل بر خواهیم گشت، و هزینه‌های صادرات کاهش پیدا می‌کند و ممکن است بعضی محصولات مانند میعانات را صادر کنیم. ایران یکی از تولیدکننده‌های بزرگ گاز مایع منطقه است. ما بیش از ۲ میلیون تن ظرفیت صادرات گاز مایع داریم که برای فروش آن، به علت تحریم‌ها در حمل‌ونقل، دچار مشکل شدیم. تحریم‌ها این مشکلات را ایجاد کرد و رفع آنها می‌تواند کمک کند این محصولات که از بازار صادرات خارج شده بود دوباره برگردند و درآمدها افزایش پیدا کند. اما در مرحله بعد امیدواریم بحث دانش فنی و تجهیزات و تامین مالی پتروشیمی هم به دست بیاید.

**II** با توجه به اینکه تحریم نفت همچنان ادامه دارد آیا می‌توان امید داشت که بحث خام‌فروشی که بدترین اتفاق برای نفت است محدود شود و بازار پتروشیمی ما بیشتر رونق بگیرد. به نظر تان باقی ماندن تحریم‌های نفتی به قوت خود از این جهت نمی‌تواند فرصتی برای صنعت پتروشیمی ما باشد؟

غنی‌نژاد: بله، به نظرم این فرصت خوبی برای پتروشیمی است که می‌تواند توسعه پیدا کند. در این صورت ارزش افزوده بیشتر تولید می‌شود و اشتغال بیشتری هم ایجاد خواهد شد. چون صنایعی مانند پتروشیمی سرمایه‌بر هستند اما در صورت عمق پیدا کردن حواشی آن که شامل جذب نیروی کارگراست افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرصت خوبی است که تحریم از روی پتروشیمی برداشته شود. اما هنوز در مورد تحریم است که در مورد گسترش هر صنعتی مشکل‌ساز می‌شود.

**II** آقای حسینی شما چه فکر می‌کنید؟ آیا با توجه به تداوم محدودیت فروش نفت صنعت پتروشیمی ما این امکان را دارد که با برداشته شدن تحریم‌های آن بتواند تبدیل به جایگزین نفت در اقتصاد ما شود؟

حسینی: ما در صنعت پتروشیمی از لحاظ عوامل بنیادین هیچ کمبودی نداریم و از نظر منابع گازی در دنیا اول هستیم. این در حالی است که ارزش ذاتی گاز در ایران ارزان است. بعضی‌ها فکر می‌کنند ما گاز ارزان به صنعت پتروشیمی می‌دهیم در صورتی که گاز اگر بخواهد از کشوری به کشور دیگر

منتقل شود بسیار هزینه دارد. گاز هفت سنتی اگر بخواید به ترکیه برود ۳۰ سنت خواهد شد. هر ۱۰۰ کیلومتر هم یک سنت به قیمت اضافه می‌شود چون هزینه نگهداری و پمپاژ و خط لوله دارد. لذا گاز مانند نفت نیست. نفت در بندرعباس ۱۰۰ دلار است اگر بخواید به ژاپن برود ۱۰۲ دلار خواهد شد. ما در صنعت پتروشیمی بیشتر از گاز متان استفاده می‌کنیم که ارزان‌ترین گاز است. بعضی از دوستان به اشتباه قیمت خوراک پتروشیمی را با گازی که به ترکیه صادر می‌شود مقایسه می‌کنند. این گاز صادراتی حاوی پروپان، متان و بوتان است. ما اینجا پروپان را جدا کرده و به مجتمع‌هایمان گاز متان می‌دهیم که دیگر قابل مقایسه با گاز صادراتی نیست. بعضی‌ها می‌گویند اگر ما صنعت پتروشیمی را نداشتیم و گاز صادر می‌کردیم درآمد بیشتری داشتیم. اما بازار صادراتی گاز مثل نفت آمده نیست و به کلی سرمایه‌گذاری و قرارداد و تعهد نیاز داریم. ۱۰ سال است که می‌خواهیم LNG تولید کنیم اما دانش آن را نداریم. لذا قطعاً اگر بتوانیم در توافقات بعدی با دنیا پیش برویم سرمایه‌گذار خارجی هم علاقه دارد وارد سرمایه‌گذاری شود و سرمایه‌گذار داخلی هم سود خواهد برد. صنعت پتروشیمی به نسبت بخش‌های دیگر بخش خصوصی فعال‌تری دارد و در دست بخش خصوصی واقعی است. در صنعت پتروشیمی بخش خصوصی داخلی و خارجی علاقه به سرمایه‌گذاری هستند و از همه نظر زمینه و پتانسیل هم داریم. لذا بستگی دارد که مذاکرات آینده چطور پیش برود. این صنعت می‌تواند دوباره به صنعت پیشرو و صادراتی تبدیل شود. ضمن اینکه ما می‌توانیم اشتغال ایجاد کنیم. مثلاً خط لوله اتان که خیلی‌ها معتقد هستند کار درستی نبود می‌تواند کلی مجتمع مکمل ایجاد کند. الان ما در زمینه پروپیلن در کشور کمبود داریم و جذب منابع مالی، می‌تواند به ظرفیت‌سازی در این بخش منجر شود. در حال حاضر فقط خط لوله غرب تکمیل شده و آماده بهره‌برداری است و کرمانشاه هم راه‌اندازی شده ولی دیگر خطوط هنوز راه‌اندازی نشده‌اند. حال آنکه ظرفیت و پتانسیلی که در صنعت پتروشیمی هست در بقیه صنایع ما نیست. در صنایع پالایشی هم حدود ۲/۵ درصد ظرفیت پالایشی دنیا را داریم. حال آنکه وقتی ۱۱ درصد ذخایر گاز دنیا و ۵ درصد صادرات نفت دنیا را داریم باید حداقل ۵ درصد هم ظرفیت پالایشگاهی داشته باشیم. باید حتماً بعد از پتروشیمی روی توسعه سرمایه‌گذاری پالایشگاهی و فرآورده‌های نفتی کشور اقدام کنیم و در کنار این دو مورد با تلفیق استراتژی معدن و انرژی با توجه به ذخایر معدن و انرژی ارزان گازی که داریم، گاز را به سنگ‌آهن بزنیم و آن را تبدیل به فولاد کنیم. یا گاز را به سیلیس بزنیم و آن را به شیشه تبدیل کنیم. یا آن را بزنیم به ژنراتور و برق تولید کنیم و خلاصه استراتژی تلفیق معدن و انرژی را پیش بگیریم و خودمان را تبدیل به کارخانه تولید خاورمیانه کنیم.

چینی‌ها می‌خواهند کارخانه تولید دنیا شوند ما به راحتی می‌توانیم کارخانه تولید خاورمیانه بشویم و در این محصولات بسیاری از بازارهای منطقه را جذب کنیم. هیچکدام از کشورهای همسایه قابل رقابت در عرصه فولاد، پتروشیمی، برق، آهنک و فولاد با ما نیستند. فقط کفایت که استراتژی درست و روابط مطلوب با دنیا را داشته باشیم.

**II** می‌گویید که نگاه اشتباهی به صنعت پتروشیمی وجود دارد. یعنی این نگاه در بین مقامات دولتی وجود دارد؟

حسینی: مشکل با این دیدگاه عمومی است که مرتب می‌گویند صادرات پتروشیمی چرا جزو صادرات غیرنفتی است و از مالیات معاف است و خوراک ارزان دریافت می‌کند. به نظر من صحبت‌ها اصلاً کارشناسی نیست. بله صنعت پتروشیمی سود کرده و بازار سهام و بورس را بالا برده و واحدهای هولدینگ از صنعت پتروشیمی توانستند کلی سهام تقسیم کنند و این سود به مردم و صندوق‌ها و سهامداران بورس برگشته است. الان هم به نظر من مهم‌ترین اتفاقی که در توافق ژنو افتاد این بود که دولت ما توانست اعتمادسازی کند و دنیا ما را به رسمیت شناخت. پارادایم بحث به طور کلی عوض شد. اما به نظر طرف آمریکایی بیشتر توانسته توافق ژنو را در داخل کشور خودش مدیریت و تندرورها را آرام کند. واقعیت این است که در کشور ما متأسفانه نهادهای دیگر به کمک وزارت خارجه و دولت نیامدند. یعنی با وجود دستیابی به موفقیتی به این بزرگی اما شاهد برپایی هیچ جشنی نبودیم. مثلاً آقای ظریف باید با یک روز تأخیر به کشور وارد می‌شد که تیمی از ایشان استقبال کند. پس از آن نویسندگان و مطبوعات هم آنطور که باید به موضوع نپرداختند. یا اینکه در مجلس صدای ده نفر مخالف بیشتر از صداهای موافق شنیده می‌شود. اگر بتوانیم این فشارها را پشت سر بگذاریم به نظر من مسائل ما با دنیا حل خواهد شد.

**II** آقای خوانساری، صحبت‌هایی در مورد برداشته شدن تحریم‌ها در بخش صنعت هوایی هم شده است. برداشته شدن این تحریم‌ها

چقدر در اقتصاد ملی ما اهمیت دارد؟

خوانساری: صنعت حمل‌ونقل حدود ۸ درصد تولید ناخالص کشور را تامین می‌کند. علاوه بر آن با توجه به رشدی که در صنعت داریم اعظم از فولاد و پتروشیمی و کلیه پیشرفت‌هایی که در زمینه کشاورزی و صنعتی خواهیم داشت حمل‌ونقل زیربنای آن است و اگر نتواند متناسب با دیگر صنایع پیشرفت کند اکثر صنایع دچار مشکل تولید خواهند شد و به ظرفیت اسمی نخواهند رسید. مثلاً تا سه سال آینده تولید فولاد ما دو برابر خواهد شد، در این صورت نیاز داریم که مواد معدنی این صنعت را فراهم کنیم. اگر پیش‌بینی خطوط ریلی و حمل‌ونقل جاده‌ای را نداشته باشیم صنایعی مانند فولاد به تولید اسمی‌شان نخواهند رسید. حمل‌ونقل

به عنوان اصلی‌ترین عامل توسعه کشور باید قلمداد شود. متأسفانه سوءمدیریت و تحریم‌ها در چند سال گذشته تأثیر بدی روی این حوزه گذاشته است. به نظر من مهم‌ترین اتفاق در بحث توافق ژنو ترکی بود که تحریم‌ها برداشت. اگرچه هنوز معتقدم گشایش آنچنانی در مورد لغو تحریم حمل‌ونقل صورت نگرفته اما شکافی که ایجاد شد خیلی موثر بود. پس از توافقات ژنو شاهد بودیم که شرکت‌های بزرگ تولید خودرو مانند پژو، رنو و فولکس به ایران آمدند که همین نشان‌دهنده این است که تحریم‌ها دچار ترک شده‌اند. در بحث دریایی و هوایی هم صحبت‌هایی صورت گرفته اما تا به امروز هیچ‌کدام عملی نشده است. به هر حال این توافقات، توافقاتی اولیه بوده و زمانی که گذاشته شده شش ماه تجربه است اما مهم‌ترین نکته این بود که دنیا باور کرد ایران به دنبال تعامل و حل مشکلاتش است. به نظر من جذب سرمایه‌گذاران خارجی علاوه بر حل مشکلات داخلی نکته مهمی بود. بنابراین آینده را خوب پیش‌بینی می‌کنم. از این جهت که سرمایه‌گذاری خارجی در کشور وارد می‌شود و امیدوارم در داخل هم صناعی که در طول چند سال گذشته تقریباً به سمت تعطیلی رفته بودند دوباره احیا شوند. از سال ۸۹ تقریباً تولید کامیون و اتوبوس در حد صفر بوده و الان هم تقریباً هیچ تولیدی در این حوزه نداریم. البته همه این موارد مربوط به تحریم نبوده هرچند بحث تحریم‌ها نیز قطعاً موثر بوده‌اند. در بحث کشتیرانی بیش از ۱۸ تا ۲۰ لاینر مستقیم به بندرعباس می‌آمد که همگی قطع شده‌اند. ۵۰ درصد کشتیرانی ایران خارجی بوده که کاملاً قطع شده است. الان فقط کشتیرانی ما به سمت آسیای جنوب شرقی امکان رفتن دارد و ارتباط ما به سمت اروپا کاملاً قطع است. ما در این مدت هزینه‌های بالایی را با توجه به قطع لاینرهایی که مستقیماً به بندرعباس یا بندر شهید رجایی می‌آمدند پرداخت کرده‌ایم. الان این لاینرها در بندر جبل‌علی در دویی تخلیه می‌کنند و ما توسط فیدر این محصولات را وارد می‌کنیم که همین امر باعث شده در خیلی از بنادرمان صف وجود داشته باشد. کشتی ۱۸ هزار کانتینری در بندر ابوظبی و دویی بار را تخلیه می‌کند و این بارها در کشتی‌های کوچک‌تر با ظرفیت ۲۰۰۰ کانتینری حمل می‌شوند و به ایران می‌آیند. یک کشتی بزرگ که در بندر ما بار تخلیه می‌کرد الان در مسافت دورتر با چندین کشتی به بندر ما وارد می‌شود. زمانی هم که برای باز و بسته کردن این بارها هدر می‌رود را نیز باید محاسبه کرد. عمده‌تأثیر ما در هزینه‌های بسیار بالایی را صرف می‌کنیم. بنابراین بحران کاملاً جدی بوده است و حالا با این توافقات می‌توان به تغییر شرایط امیدوار بود.

### قبل از توافق ژنو، تحریم کشتیرانی ایران

از سوی اتحادیه اروپا لغو شد؟

خوانسناری: دادگاه اروپا لغو کرد و قرار بود بحث تجدیدنظر مطرح شود اما این اتفاق نیفتاد و هنوز

کشتیرانی ما به سمت اروپا نمی‌تواند برود. مشکلی که ما داشتیم بحث تایدواتر بود که به نیروهای نظامی در بندر شهید رجایی وابسته بود و عامل اصلی قطع بودن لاینرها بود. در دولت جدید سازمان بنادر، بحث ترمینال دو را مجزا کرد و ارتباط تایدواتر را تقریباً قطع کردند. با آمدن اپراتور جدید در بندرعباس این تحریم برداشته می‌شود و لاینرها هم امکان رفت و آمد خواهند داشت. امیدوارم این اتفاق در ماه آینده بیفتد. کمالاتکه الان هیوندایی به بندر بوشهر می‌رود اما به بندر شهید رجایی به علت وجود تایدواتر نمی‌رود. بحث «خودرو»یی‌ها هم مرحله بعد خواهد بود. تحریم هواپیمایی هم چون عمدتاً به آمریکا وابسته است شاید با تاخیر از دو مورد دیگر اتفاق بیفتد.

### اما در تحریم هواپیمایی هم ظاهراً

هواپروگرا برقرار شده است دو فرزند هواپیما به ایران تحویل بدهد.

خوانسناری: در سال‌های گذشته هم بیش از صد فرزند هواپیما خریداری کردیم اما همگی آنها مستعمل بودند. ما به دنبال هواپیمای نو هستیم. مورد دیگر اینکه از ۲۵۰ فروند، ۱۳۰ فروند کار نمی‌کنند چون قطعه ندارند و شرکت‌های طرف قرارداد خدمات نمی‌دهند. ممکن است به ما هواپیما بفروشند اما هواپیمای نو نتوانستیم بخریم.

### آقای خوانسناری در خصوص ترانزیت چه

صدمه‌ای در این چند سال با تحریم‌ها به این بخش وارد شد و برداشته شدن تحریم‌ها چه اثری در بحث ترانزیت دارد؟

خوانسناری: ایران از نظر موقعیت سوق‌الجیشی با هشت کشور محصور در خشکی ارتباط دارد و بهترین راهی است که از طریق سواحل جنوبی می‌تواند بار به این هشت کشور برسد. این موقعیت را کشور دیگری ندارد. از طرف دیگر می‌دانیم که کشور ما شاهراهی بین غرب و شرق است و حداقل سه کریدور جهانی از ایران می‌گذرد. اما فاصله، زمان، قیمت و امنیت باید در نظر گرفته شود. کسی که ترانزیت می‌کند برایش مهم است که کالایش به سرعت برسد، قیمت و امنیت هم برایش مهم است. در بخش زیرساخت‌ها ۱۱ میلیون تن ترانزیت سوخت خشک و غیرخشک داریم. به راحتی می‌توانیم این میزان را با توجه به زیرساخت‌هایی که داریم تا حدود ۲۰، ۳۰ میلیون تن افزایش دهیم یعنی ظرفیت خالی داریم. از نظر امنیت مشکلی نداریم. بحث هزینه و زمان هم خیلی مهم است. لاینرها که وارد بندر نمی‌شوند و با فیدرها که کار می‌کنیم برای هر کانتینر هزار دلار گران‌تر می‌شود که طبیعتاً به صرفه نیست. بحث زمان هم به بروکراسی‌های داخلی خودمان برمی‌گردد مثل هماهنگ نبودن سازمان بنادر. در هر حال چندین ارگان در بحث ترانزیت مداخله دارند که یک مقدار زمان را بیشتر می‌کند. مورد دیگر اینکه در چند سال گذشته نتوانسته‌ایم ناوگان‌مان را نو کنیم. کشورهای هم‌جوار از این فرصت استفاده

کرده و همگی حداقل ناوگان جاده‌ای خودشان را با ماشین‌های دست دوم که از اروپا خریداری کرده‌اند بهبود بخشیده‌اند. متأسفانه با توجه به جهش قیمت ارز مثلاً قیمت کامیونی که قبلاً ۱۵۰ میلیون تومان بود الان به حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان رسیده است. در این چند سال گذشته لیزینگ‌ها به طور کلی تعطیل شده و لیزینگ‌های باقیمانده با بهره ۳۰ درصد، برای خرید کامیون یا اتوبوس وام می‌دهند که مقرون به صرفه نیست. در نتیجه چون خریدار وجود نداشت صنعت تعطیل شد یعنی کمتر کسی حاضر است که برای خرید یک کامیون ۵۰۰ میلیون تومان پول بدهد. سه سال قبل در قانون برنامه پنجساله پیشنهاد دادیم و تصویب هم شد که بتوانیم ماشین‌ها را از اروپا با سه سال کارکرد وارد کنیم. اما در بحث تنظیم آیین‌نامه آنقدر تعلل شد و گلوگاه گذاشتند که حدود ۲/۵ سال است که عملی نشده و الان دیگر نمی‌شود در اروپا ماشین‌های سه سال کارکرد پیدا شود و کشورهای دیگر آنها را خریداری کرده‌اند و ما الان در وضعیتی هستیم که باید خودرو را با قیمت ۵۰۰ میلیون تومان با وام ۳۰ درصد که در عرض ۵ سال حدود ۵۰ درصد به آن اضافه می‌شود خریداری کنیم. چون بحث رقابت با بقیه کشورها هم هست و طبیعتاً این قیمت بیشتر می‌شود. الان هم هم‌زمان مسیرهای جایگزین باز شده که ایران را دور می‌زنند. ارتفاع فرودگاه امام‌خمینی ۱۲۰۰ متر بالاتر از سطح دریا است در حالی که ارتفاع فرودگاه‌های دوی و استانبول صفر هستند. یعنی هر هواپیما باید ۱۲۰۰ متر بیشتر از فرودگاه ما پایین بیاید تا بنشیند یا بلند شود و این مزیت، از نظر سوخت و زمان مهم است و ما این مزیت را از دست دادیم و البته به نظرم به خاطر تحریم نیست. عمده کالایی که الان وارد خلیج فارس می‌شود چقدر است؟ بهترین بندر ما بندر شهید رجایی است اما الان جبل‌علی روی ۱۵ میلیون تن سرمایه‌گذاری کرده در حالی که کل سرمایه‌گذاری ما در بندر شهید رجایی ۶ میلیون تن است. سرمایه‌گذاری‌ای که کشورهای حاشیه خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ انجام داده‌اند حدود ۴۵ میلیارد دلار است. حداکثر سرمایه‌گذاری ما ۴۵۰ میلیون دلار است. واقعیت این است که آنها با سرعت زیادی پیش می‌روند و ما خیلی کند هستیم. عمدتاً صنعت کشتیرانی به سمت کشتی‌هایی می‌رود که ۱۵۰ هزار تن را جابه‌جا می‌کنند یا روی کانتینرهای ۱۸ و ۲۰ هزار تنی می‌روند. اگر ما نتوانیم تجهیزات و بنادرمان را با این سرعت توسعه دهیم ترانزیت را هم از دست می‌دهیم. یعنی از طرفی نمی‌توانیم به هاب منطقه دسترسی داشته باشیم و از طرف دیگر ترانزیت داخلی مان هم به مشکل برخورد خواهد خورد. چون یک کشتی که ۱۸ هزار کانتینر می‌آورد اگر نتواند به بندر شهید رجایی وارد شود به بندر جبل‌علی می‌رود و طبیعتاً ترانزیت به صرفه نیست. به هر حال باید امنیت، زمان و قیمت در بحث ترانزیت رعایت شود. در بحث قیمت اگر نتوانیم



### خوانسناری:

اگر پیش‌بینی

خطوط ریلی

و حمل‌ونقل

جاده‌ای را نداشته

باشیم صنایعی

مانند فولاد به

تولیداسمی‌شان

نخواهند رسید.

حمل‌ونقل به

عنوان اصلی‌ترین

عامل توسعه

کشور باید قلمداد

شود.



### حسینی:

تولید خیلی خوب است اما بالاخره ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی خدمات است و باید فکری کلی برای اثبات ظرفیت تجاری کشور و خدمات کشور داشته باشیم.

مورد دیگر در لغو تحریم‌ها وجود دارد دسترسی به بخشی از منابع مالی ماست. این منابع مالی در اختیار دولت است و می‌تواند از آن استفاده کند. تأثیر آن در اقتصاد کل کشور و برای بخش خصوصی چطور می‌تواند باشد؟ غنی‌نژاد: فعلا که خیلی زیاد نیست. چون یک مقدار منابع آزاد شده اما مکانیزم انتقال منابع هنوز آزاد نشده یعنی سیستم مالی و بانکی هنوز در تحریم است و تا وقتی که برداشته نشود مشکل هفت میلیارد دلار - که بعضی‌ها می‌گفتند ۴ میلیارد دلار - مانند قبل پابرجا خواهد بود. به هر صورت این دولت ظاهراً نمی‌خواهد همه فعالیت‌های اقتصادی را به مدیریت و تصدی‌گری دولت منحصر کند و می‌خواهد مشوق بخش خصوصی باشد و هرچه منابع بیشتری داشته باشد آن را به بخش خصوصی منتقل خواهد کرد. اما در کل باید امیدوار باشیم که مکانیزم‌های مالی که مثل شبکه عصبی سیستم اقتصادی است درست شود. اما واقع‌بینانه این است

سرمایه‌گذاری کنیم نمی‌توانیم کشتی‌های بزرگ را بیاوریم. در بحث زمان هم باید دخالت ارگان‌های مختلف را کم کنیم یعنی نرم‌افزارها را حاکم کنیم. اما به نظر دولت همانطور که دکتر حسینی در بحث پتروشیمی گفتند باید در این عرصه‌ها سرمایه‌گذاری کند. فرودگاه امام (ره) را بعد از ۴۰ سال با همان نقشه‌ها راه‌اندازی کردیم و الان هم اگر بخواهیم هاب هوایی داشته باشیم باید بخش خصوصی را وادار کنیم که سرمایه‌گذاری کنند.

حسینی: در تکمیل صحبت‌ها به نظر ما برنامه‌ای برای اثبات ظرفیت تجاری کشور نداریم. همه فکر می‌کنند مهم‌ترین مساله در کشور تولید است. قطعا تولید ارزشمند است اما دلیل بر این نیست که از ظرفیت ترانزیت کالا و تجارت، کالای خدماتی و... کشور غافل شویم. ما از معدود کشورهایی هستیم که از نظر استراتژیک بهترین موقعیت را داریم اما هیچ ایده و فکری برای استفاده از ظرفیت تجاری کشور نداریم. متأسفانه تحریم‌ها هم به این مشکلات دامن زده اند. یعنی تحریم‌ها ترانزیت کالا و فرآورده‌های نفتی را محدود کرده و خودمان هم تا حدی مقصر بوده‌ایم. دومی الان در جبل علی فرودگاه جدیدی را راه‌اندازی می‌کند که پیش‌بینی کرده روزانه ۷۰۰ هزار مسافر را جابه‌جا خواهد کرد. همه خطوط هواپیمایی را به جبل علی می‌خواهد بفرستد و فرودگاه جدید برای امارات گذاشته است. این کار دوری فرودگاه را از بین می‌برد و ظرفیت بزرگی ایجاد کرده است. باید فکر کلی داشته باشیم که همه چیز فقط تولید نیست. ارزش افزوده را بخش تجارت و خدمات در کشور می‌تواند ایجاد کند ولی ما هیچ ایده‌ای در این زمینه نداریم و خیلی‌ها به دنبال این هستند که با تولید، ارزش افزوده ایجاد شود. تولید خیلی خوب است اما بالاخره ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی خدمات است و باید فکری کلی برای اثبات ظرفیت تجاری کشور و خدمات کشور داشته باشیم.

مورد دیگر در لغو تحریم‌ها وجود دارد دسترسی به بخشی از منابع مالی ماست. این منابع مالی در اختیار دولت است و می‌تواند از آن استفاده کند. تأثیر آن در اقتصاد کل کشور

و برای بخش خصوصی چطور می‌تواند باشد؟ غنی‌نژاد: فعلا که خیلی زیاد نیست. چون یک مقدار منابع آزاد شده اما مکانیزم انتقال منابع هنوز آزاد نشده یعنی سیستم مالی و بانکی هنوز در تحریم است و تا وقتی که برداشته نشود مشکل هفت میلیارد دلار - که بعضی‌ها می‌گفتند ۴ میلیارد دلار - مانند قبل پابرجا خواهد بود. به هر صورت این دولت ظاهراً نمی‌خواهد همه فعالیت‌های اقتصادی را به مدیریت و تصدی‌گری دولت منحصر کند و می‌خواهد مشوق بخش خصوصی باشد و هرچه منابع بیشتری داشته باشد آن را به بخش خصوصی منتقل خواهد کرد. اما در کل باید امیدوار باشیم که مکانیزم‌های مالی که مثل شبکه عصبی سیستم اقتصادی است درست شود. اما واقع‌بینانه این است

که حداقل تا شش ماه نمی‌توانیم جایگاه خودمان را در اقتصاد جهانی به راحتی پیدا کنیم. البته ظاهراً وزیر خارجه سوئد صحبتی کرده مبنی بر اینکه از ژانویه به بعد کشورهای اروپایی باید به صورت مستقل تحریم‌های یکجانبه‌شان را کم کنند.

حسینی: نهایتاً من این را البته باید بگویم که لغو تحریم‌ها قطعاً به کاهش هزینه‌ها کمک می‌کند و رونق بازارهایمان هم بیشتر خواهد شد اما فعلاً تغییر چندانی در صنعت پتروشیمی ندارد. ما به اندازه کافی در بازار خارجی مشتری داریم چون کالای ما نهایی نیست و ماده اولیه واحدهای تولیدی در هند و چین و کره است و با وجود همه تحریم‌ها به ما نیاز دارند. پس نباید خیلی انتظار داشته باشیم که اتفاق خاصی در صنعت پتروشیمی از این نظر بیفتد. فقط نیازهای داخلی را که امکان پاسخگویی نداشتیم تامین خواهیم کرد و امکان صادرات هم افزایش پیدا می‌کند. مهم‌ترین کاری که توافق انجام می‌دهد بازگرداندن امید به جامعه است. مردم با امید به وضعیت آینده زندگی می‌کنند و واقعیت این است که کشور ما در تونلی گیر افتاده بود که از دنیای خارج از تونل اطلاعی نداشت. در این شرایط هیچکس به دنبال توسعه و سرمایه‌گذاری نبود. این فضای جدید در حال ایجاد امیدواری است و طرح‌های جدیدی در حال آغاز برای اجرا هستند که در حرکت اقتصادی جامعه مهم است. به نظر آثار این توافق در جنبه‌های روانی و خوشبینی به بازار، جنبه جذب سرمایه‌داری، بازگرداندن پول به بازار سهام که در سال گذشته ۱۱ هزار میلیارد دلار امکان جذب داشتیم موثر خواهد بود. ما امسال حدود ۵۰ هزار میلیارد سرمایه جذب کرده‌ایم که اتفاق مهمی در صنعت است و نشان می‌دهد مردم اگر امیدوار به آینده باشند می‌توانند وارد بازار سرمایه شوند. فکر نمی‌کردیم بازار بورس بتواند به اقتصاد کمک کند اما از این جنبه‌ها اتفاقات خوبی افتاد و شرایط سیاسی و اقتصادی و منطقه به سمتی می‌رود که جای برگشت نمی‌ماند. ما در زمان بوش هم تحریم شدیم ولی ایشان اول اقدام می‌کرد بعد به سمت اقناع و اجماع‌سازی می‌رفت. اما آقای اوباما اول اقناع و اجماع‌سازی و سپس برای اجرایی کردن آنها اقدام کرد. اگر کنگره بخواهد همان مسیر را ادامه دهد به نظرم دنیا همراهی نخواهد کرد. خود آمریکا اعلام کرده که تحریم‌های جدید را اعمال نخواهد کرد. توجه داشته باشید که هیچ تحریم جدیدی هم به تصویب نرسیده است. در واقع آن افراد و شرکت‌هایی که از قبل مورد تحریم آمریکا قرار گرفته بودند و حالا با تغییر نام‌شان دوباره وارد فعالیت شده بودند مورد تحریم مجدد آمریکا قرار گرفتند. در واقع این تحریم‌ها جدید نبود.

غنی‌نژاد: به نظر من هم نباید به دنبال نتایج بسیار مشخص در کوتاه‌مدت باشیم. اگر توافق نهایی صورت بگیرد بعد از شش ماه یا یک سال می‌توانیم به یک تعامل کلی با دنیا برسیم و این مساله تأثیر

بسیار مثبتی روی اقتصاد ایران خواهد داشت. چون ما بخشی از اقتصاد جهانی هستیم و اگر این راه باز شود پتانسیل‌های موجود در ایران خیلی زیاد است و اگر خوب عمل کنیم می‌توانیم جایگاه بهتری نسبت به قبل پیدا کنیم. دکتر حسینی در بحث گاز اشاره کردند که در دنیا رتبه اول را داریم و کمترین استفاده را از آن می‌بریم. اگر لغو تحریم‌ها به طور کلی مشکل ما با دنیای خارج را برطرف کند و اگر از پتانسیل‌هایی که تا به حال استفاده نکرده‌ایم استفاده کنیم جهش اقتصادی بزرگی در ۱۰ سال آینده خواهیم داشت.

حسینی: همانطور که می‌دانید نیروهای تندرو آمریکایی می‌خواستند صادرات ما را به ۵۰ هزار بشکه در سال جاری و سال آینده هم آن را به صفر برسانند. ۶۰ درصد بودجه ما به نفت متکی بوده و اگر درآمد نفت نباشد درآمدهای دیگر کشور شامل درآمدهای مالیاتی، ورود کالا، گمرک و... نیز محقق نمی‌شود. اگر در آمد نفت نباشد چرخه اقتصاد کشور فلج می‌شود و اصلاً نمی‌توان تصور کرد در صورت صفر شدن صادرات نفت چه چشم‌اندازی خواهیم داشت. اینکه فعلاً هیچ تحریم جدیدی اتخاذ نخواهد شد و حمل‌ونقل در حد مجاز و بیمه کشتی‌ها اجازه داده شده و تحریم‌های کشتیرانی و نفت خام در حد ۸۰۰ هزار بشکه راحت‌تر و آزادتر می‌شود و دست کشور هم بازتر شده و درآمدهای ارزی افزایش پیدا می‌کند و می‌توانیم در این وضعیت رکود جهانی بازار را حفظ کنیم خودش فی‌نفسه اتفاق مثبتی است. ضمن اینکه صادرات میعانات را افزایش خواهیم داد و سال آینده هم امیدوار هستیم که وضع درآمد کشور افزایش داشته باشد. اما اگر بخواهیم آثار کلی توافق را بر اقتصاد کشور بررسی کنیم این توافق اگر اجرایی و بعد از شش ماه نهایی شود در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی ما بسیار اثر دارد. در صحنه سیاسی به سرعت به قدرت منطقه تبدیل خواهیم شد یعنی آثار این توافقات نشان می‌دهد که نگاه کشورهای همسایه به ما تغییر کرده است. اتفاقات اخیر مثل برنامه‌ریزی سفر خلیفه امارات به ایران نشان می‌دهد وضعیت منطقه‌ای ما به سرعت تغییر خواهد کرد. دومین اتفاق در بحث اقتصادی خواهد بود. کشور دچار رکود تورمی است و دست دولت برای خروج از این رکود باز نیست و از نظر منابع خارجی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به سرعت اقتصاد کشور را از رکود خارج کند و بعد هم از رشد اقتصادی منفی خارج خواهیم شد. مهم‌ترین معضل آینده کشور بحران اشتغال است که روابط خارجی و جذب منابع فاینانس و سرمایه‌گذاری می‌تواند اقتصاد کشور را متحول کند. در زمینه اجتماعی هم وقتی شما با دنیا در ارتباط هستید مجبورید چارچوب‌هایی را اتخاذ کنید و حداقل‌هایی را قبول کنید. بنابراین اجرای توافقات می‌تواند در همه زمینه‌ها برای کشور تحول ایجاد کند و اثر شگرفی در زندگی مردم داشته باشد.





## نفت پس از ژنو

### توافقات ژنو و لغو تحریم‌ها

### چه تاثیری بر تولید نفت و صادرات نفت ایران و بازار و قیمت‌های جهانی خواهد داشت؟



■ سید غلامحسین

حسن‌تاش

کارشناس انرژی

چندان سهل و آسانی نخواهد بود و بخش‌های بازار یابی شرکت ملی نفت ایران از هم اکنون باید پیش‌بینی‌های لازم را بکنند و نیز نوعی همکاری و هماهنگی حداقل بین سه وزارتخانه نفت، تجارت و صنعت و امور خارجه برای بکارگیری اهرم‌های لازم جهت کمک به بازگشت ایران به جایگاه قبلی خود در بازار نفت، به‌عمل آید.

فروزی گرفتن عرضه از تقاضا می‌تواند موجب کاهش قیمت شود، اما شواهد زیادی نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی و به‌ویژه ایالات‌متحده امریکا، از حدود قیمت‌های فعلی جهانی نفت راضی هستند و تمایلی ندارند که قیمت‌ها سقوط کند چون بسیاری از برنامه‌هایشان به‌هم خواهد ریخت و خصوصا تولید نفت از شیل‌های نفتی و گاز شیل‌ها در امریکا که تحرک اقتصادی فراوانی ایجاد کرده‌است، غیر اقتصادی خواهد شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که کشور عربستان سعودی به‌عنوان متحد امریکا که در چند سال اخیر از تحریم ایران و خروج نفت لیبی و سوریه از بازار جهانی نفت بیشترین استفاده را برده است، مجبور خواهد بود تولیدش را کاهش بدهد. دیگر اعضای اوپک چندان افزایش تولیدی نداشته‌اند و عمدتاً بحث عربستان و عراق است. البته در سال ۲۰۱۳ امارات‌متحده عربی هم قدری تولیدش را افزایش داده است. ممکن است عربستان تلاش کند که کل اعضای اوپک تولیدشان را کم کنند اما نهایتاً خود این کشور باید بیشترین کاهش را بدهد. بنابراین احتمال سقوط شدید قیمت‌های جهانی نفت وجود نخواهد داشت اما با توجه به وضعیت عرضه و تقاضا، به‌نظر می‌رسد که قیمت ۱۰۰ دلاری هر بشکه نفت که در بودجه سال ۱۳۹۳ لحاظ شده است خوشبینانه و بالا است.

بسیار ناچیز بوده است که با کاهش فشار تحریم‌ها ممکن است قدری افزایش یابد. اما مسئله اصلی دوره بعد از شش ماه است که باید ببینیم اگر روند راستی آزمایی برای دو طرف به سمت و سوی مثبتی پیش برود و به تبع آن تحریم‌ها به سمت برداشته شدن حرکت کند و زمینه بازگشت ایران به سطوح گذشته صادرات و تولید نفت خود قبل از تحریم‌ها برداشته شود، اوضاع چگونه خواهد بود. در این رابطه ابتدا خوبست بدانیم که تقاضا برای نفت خام اوپک در سال ۲۰۱۳ میلادی نسبت به سال ۲۰۱۲، حدود ۹۲۰ هزار بشکه کاهش داشت و پیش‌بینی می‌شود که این تقاضا در طول سال ۲۰۱۴ نیز مجدداً همین حدود کاهش خواهد یافت که بدلیل محدودیت رشد اقتصاد جهانی و افزایش تولید غیر اوپک و افزایش تولید میعانات گازی در سطح جهان و کمتر بودن رشد تقاضای جهانی نفت نسبت به رشد عرضه آن است. این در حالی است که در درون سازمان اوپک نیز بعضی کشورهای و خصوصاً عراق افزایش ظرفیت تولید خواهند داشت. از سوی دیگر کشور لیبی همکنون بدلیل بحران‌های داخلی کمتر از یک سوم ظرفیت خود نفت خام تولید می‌کند که در صورت کاهش بحران‌های داخلی، تولید نفت خام این کشور می‌تواند تا حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. از این مطالب سه نکته زیر قابل استنباط است: توافق هسته‌ای در مقطع خوبی حاصل شده است چرا که اگر روند تحریم‌ها علیه ایران متوقف نمی‌شد و تداوم می‌یافت در سال ۲۰۱۴ امکان اینکه تولید نفت ایران بطور کامل از بازار خارج شود، فراهم می‌شد. باید دانست که حتی در صورت رفع تحریم‌ها بعد از شش‌ماه، بازگشت نفت ایران به بازار، کار

به‌دنبال توافقات ایران و پنج به‌علاوه یک در مورد پرونده هسته‌ای، این سؤال مطرح شده است که تاثیر این توافقات بر تولید نفت و صادرات نفت ایران و بازار و قیمت‌های جهانی نفت چه خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال باید دو مقطع شش‌ماهه مورد اشاره در توافقنامه ژنو و دوره پس از آن را از هم تفکیک کرد نمود. در مقطع شش‌ماهه که به نوعی مرحله راستی آزمایی برای طرفین است این مسئله در نظر گرفته شده که صادرات نفت ایران در سطح فعلی ادامه یابد. در این سطح نباید انتظار داشت که تولید و صادرات نفت افزایش چشمگیری پیدا کند. البته احتمال دارد که در این مقطع صادرات ایران قدری افزایش یابد و نیز صادرات، قدری روان‌تر شود. در حال حاضر عمدتاً کشورهای چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه به ترتیب خریدار نفت ایران هستند و برای خرید نفت ایران مجوز دارند یعنی امریکائی‌ها سهمیه یا مجوز مشخصی برای واردات نفت از ایران به آنها داده‌اند که اگر آن را رعایت کنند مشمول تحریم‌های امریکا نخواهند شد. اما تحت شرایط گذشته و در روند تشدید تحریم‌ها و با توجه به مشکلات جنبی آن، این کشورها سعی می‌کردند برداشت نفتشان از ایران را کاهش دهند، اما تحت شرایط جدید ممکن است آزادانه‌تر عمل کنند. متوسط برداشت نفت خام این کشورها از ایران در بین ماه‌های ژانویه تا اکتبر ۲۰۱۳ به ترتیب: چین ۴۰۹ هزار بشکه، هند ۱۸۶ هزار بشکه، ژاپن ۱۸۵ هزار بشکه، کره جنوبی ۱۳۴ هزار بشکه و ترکیه ۱۰۴ هزار بشکه در روز بوده است که همگی نسبت به سال قبل از آن کاهش برداشت داشته‌اند و احتمالاً برداشت آنها قدری بیشتر خواهد شد. علاوه بر این صادرات نفت ایران به خارج از این کشورها در همین دوره



حتی در صورت رفع تحریم‌ها باید نوعی همکاری و هماهنگی حداقل بین سه وزارتخانه نفت، تجارت و صنعت و امور خارجه برای بکارگیری اهرم‌های لازم جهت کمک به بازگشت ایران به جایگاه قبلی خود در بازار نفت، به‌عمل آید.

# روزنه در دیوار تحریم‌ها

## پاسخ به پرسش‌های آینده‌نگر

گاهی کشورهایی که با ما مثلا همکاری می‌کردند دچار سختگیری‌هایی می‌شدند. مثلا حجم سرمایه‌هایی که چین در آمریکا دارد رقم بزرگی است و حتی کشور چین در صورت مقابله با آمریکا می‌تواند دچار مشکل شود چه برسد به دیگر کشورها که در این قضیه اوضاع بدتری دارند. چینی‌ها هم به منافع خودشان نگاه می‌کنند و در صورت منع خرید نفت از ایران، هیچ بعید نبود که از مرحله‌ای نفت مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر تامین کنند. کما اینکه عربستان و عراق جایگاه نفت ما را در بازار گرفته‌اند. بنابراین هر چه بتوانیم در دیوار تحریم‌ها روزنه ایجاد کنیم قطعاً کار ما آسان‌تر خواهد شد و آثارش را در بخش‌های مختلف اقتصاد هم خواهیم دید. مسیری که در آن هستیم برگشت‌ناپذیر است و به نظرم امکان ندارد آمریکا و اتحادیه اروپا و ۱+۵ که تحریم‌ها را اعمال می‌کنند به گذشته برگردند. به لحاظ بین‌المللی و فضای جهانی و نیازهای آنها به ما، شرایط در جهت بهبود حرکت می‌کند و باید از این فرصت حداکثر استفاده را داشته باشیم.

۲

آیا توقف تحریم‌ها و برداشته شدن پاره‌ای از آنها در حوزه اکتشاف و میزان بهره‌وری بهینه از چاه‌های نفت هم تأثیر دارد؟ در صورت تداوم

به نظرم یک مسیر یکطرفه است و برگشت‌پذیر نیست و امیدوارم در این مسیر به توافقات نهایی دست پیدا کنیم - داده نمی‌شد ما در مسیر سابق در حال حرکت بودیم. حال آنکه امروز همه ما معنای تحریم‌ها و اینکه آنها کاغذ پاره نیستند را دیگر به خوبی درک کرده‌ایم. بدون این توافقات، تحریم‌های یک جانبه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا می‌توانست به احتمال قوی افزایش پیدا کند و این تحریم‌هایی تردید به فشارهای بیشتر بر کشور و مردم منجر می‌شد. به باور من چون تاکتیک غربی‌ها افزایش فشارها بود آنها به هیچ صراطی برای برداشتن این فشارها مستقیم نبودند. توافق ژنو به مهارت تیم دیپلماسی و مقامات عالی رتبه نظام برمی‌گردد و حکم یک معجزه برای کشور را داشت. اما این تحریم‌ها چه موقعیتی را پیش روی صنعت نفت ما قرار داده بود؟ در این مدت با توجه به مجموعه تحریم‌هایی که برای نفت ما وجود دارد و با توجه به تحریم بانکی اصولاً اگر فروشی هم داشتیم یکی از معضلاتمان به دست آوردن پول حاصل از این فروش‌ها بود. اگر چه به بعضی از کشورها مثل کره، ژاپن، چین، هند و... مجوز داده شد که از ما نفت بخرند اما ما برای وصول پول‌های مان به داخل کشور هم از همین کشورها به دلیل تحریم نظام بانکی مشکل داشته‌ایم. واقعیت این است که غربی‌ها می‌خواستند همین مقدار را هم محدودتر کنند. حتی

سیدمهدی حسینی در زمان وزارت بیژن نامدار زنگنه در دولت اصلاحات معاونت امور بین‌الملل وزارت نفت را بر عهده داشت. سال ۸۴ با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد از وزارت نفت خداحافظی کرد و به بخش خصوصی آمد. او بعد از انتخابات ۲۴ خرداد و به ریاست جمهوری رسیدن حسن روحانی به حکم وزیر نفت دولت یازدهم مجدداً همکاری خود را با این وزارتخانه آغاز کرد. حسینی طی حکمی که توسط زنگنه وزیر نفت صادر شده مسئول کمیته اصلاح قراردادهای نفتی شده است. او از روندی که به واسطه توافق ژنو در حوزه نفت آغاز شده بسیار اظهار خوش بینی و تأکید می‌کند که تحریم‌های نفتی می‌توانست از این هم بیشتر شود.



سیدمهدی حسینی  
مسئول کمیته اصلاح قراردادهای نفتی

۱

یکی از موارد توافق ژنو توقف تحریم‌های نفت ایران است. در صورتی که این توافق حاصل نمی‌شد چه چشم‌اندازی برای صنعت نفت ما در آینده نزدیک متصور بود؟

هر جامعه انسانی قبل از هر چیز به ثبات احتیاج دارد. براساس ضوابط اگر این توافق حاصل و تشدید تحریم‌های نفتی ما متوقف نمی‌شد، ممکن بود خیلی از اتفاقات بیفتد. اگر این شش ماه تنفس که داده شده - که

# دیپلماسی انرژی و انرژی دیپلماسی

## با لغو تحریم‌های اخیر نقش دیپلماسی انرژی پررنگ‌تر می‌شود

جدید داده است و به سوی قراردادهای مشارکتی رفته است و بدین ترتیب طرف خارجی با آگاهی و رعایت مسائل و قوانین تعریف شده در کشور در این قراردادها که به نوعی می‌توان آن را قرارداد برد-برد نامید، مشارکت می‌نماید.

۲

با توجه به توافقات اولیه صورت گرفته بین ایران و غرب پیش‌بینی می‌شود تحولات سیاسی اخیر و ابراز تمایل شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای حضور در پروژه‌های بالادستی به ویژه در زمینه‌های اکتشاف و استخراج بتواند زمینه ساز تکمیلی فرایند ساخت داخل باشد، این امر به مدد روی کار آمدن دولتی است که در سند چشم‌انداز برنامه‌های آن به تعامل سازنده با کشورهای دنیا به صراحت اشاره شده است. با این حال بعضی از کشورهای صادرکننده نفت از نشانه‌های نزدیک شدن غرب به ایران بر سر موضوع هسته‌ای در هراس هستند و این گفت‌وگوها موجبات نگرانی آنها را فراهم کرده است. در همین رابطه شواهد نشان از آن دارد که غول‌های بزرگ نفتی جهان نیز برای بازگشت به صنعت نفت کشورمان بسیار علاقه مندند و در این رابطه هوشمندانه روند مذاکرات را دنبال می‌کنند. اما در ورا دیدگاه‌های بدبینانه و هراسی که تعدادی از سازندگان وطنی نسبت به لغو

۱

بر اساس سیاست‌های دولت تدبیر و امید و پیروی از سیاست‌های حاکم بر اسناد بالادستی، مجموعه نفت به دنبال تعامل بیشتر با شرکت‌های بین‌المللی و ترغیب آنها به حضور فعال در پروژه‌های بالادستی است. جذب سرمایه شرکت‌های بین‌المللی می‌تواند موجب تقویت توان سازندگان داخلی و ارتقای توان فنی و مهندسی با هدف بالا بردن سطح تولید باشد. به گفته دولتمردان تکمیل و هماهنگی بین زنجیره اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و حتی امکان رقابت بیشتر پیمانکاران خارجی و بین‌المللی به منظور صادرات خدمات فنی و مهندسی از ویژگی‌های قراردادهای نفتی ایران در راستای لغو تحریم‌های بین‌المللی حوزه صنعت نفت خواهد بود. به گونه‌ای که در حال حاضر با آغاز اصلاح قراردادهای بیع متقابل به منظور افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و افزایش ضریب بازیافت مخازن با استخراج بیشتر نفت و گاز، پرداخت پاداش به پیمانکاران خارجی و بین‌المللی نیز در دستور کار قرار گرفته است. خوشبختانه امروز فرمول بیع متقابل و یا by back که در گذشته در قراردادهای نفتی اجرا می‌شد جای خود را به قراردادهای



رنا پدیدار  
رئیس هیات‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران

### تحریم‌ها چه خطری متوجه این حوزه بود؟

مسئله برداشته شدن تحریم‌ها افق‌های بسیار گسترده‌ای را به روی ما خواهد گشود از جمله امکان تأمین مالی پروژه‌های چندصدمیلیاردی. یعنی ما باید صدها میلیارد دلار در صنعت نفت و گاز سرمایه‌گذاری کنیم تا به اهدافمان برسیم که این رقم را نمی‌توان به راحتی از خزانه یا از درآمدهای دولت - با وجود هزاران اولویت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیگر - بر بودجه کشور تحمیل کرد. در کشورهای مختلف برای توسعه صنایع نفت و گاز اساساً سرمایه‌های خارجی استفاده می‌کنند و از هزینه خودشان خرج نمی‌کنند. بنابراین با راهی که در آغاز آن قرار گرفته‌ایم، میادین توسعه و وسعت پیدا می‌کنند و ظرفیت‌هایمان را می‌توانیم افزایش می‌دهیم. رقابت و حضور در سازمان‌هایی مثل اوپک، بازار تجارت و سرمایه مساله کوچکی برای کشور نیست. افق دیگر همکاری با صاحبان تکنولوژی و فناوری است. به هر حال در بخش‌هایی از صنایع نفت به تکنولوژی‌های پیشرفته نیاز داریم و اگر بتوانیم ذخایر نفتمان را با استفاده از تکنولوژی فقط یک درصد افزایش دهیم، در واقع می‌توانیم ۵ میلیارد بشکه نفت به منابع ملی مان اضافه کنیم که رقم آن ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد شد. باید تلاش کنیم تا در بازار رقابت کشورهای دیگر مشتری‌های ما را جذب نکنند و همه به سمت کشورهای عراق، قطر، حتی شمال آفریقا روند و چنین مطلوبی در شرایط تحریم‌ها عملیاتی نمی‌توانست بشود. ما پتانسیل قدرت منطقه‌ای شدن را بدون شعار داریم. بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز را در دنیا داریم و ۱۵ همسایه داریم که روابط نفتی و تجاری با این کشورها می‌تواند ما را به کشوری به عنوان مرکز انرژی

### ۳

در منطقه تبدیل کند. این اتفاقات در صورت برداشته شدن تحریم‌ها خواهد افتاد.

### چه راه آینده‌نگرانه‌ای برای کاهش تحریم‌ها در

#### حوزه نفت و انرژی پیشنهاد می‌کنید؟

شرکت‌های نفتی بین‌المللی از جمله آمریکایی و اروپایی بسیار علاقمندند که به ایران بیایند. این گفته دلایل کارشناسی دارد: به دلیل پتانسیل بالای کشور ما، ریسک کم در میادین نفت و گازمان، و هزینه‌های پایین شرکت‌های نفتی. کما اینکه اکنون دلارهای زیادی را در مناطق بسیار دشوارتری مثل سیبری و خلیج مکزیک هزینه می‌کنند که بتوانند نفت در اختیار داشته باشند. باید از این پتانسیل علیه تحریم‌ها استفاده کنیم. دیپلماسی ما باید به گونه‌ای عمل کند که خود این شرکت‌ها به تحریم نفت ما معترض شوند چون باعث متضرر شدن آنها هم می‌شود. تحریم‌ها شرکت‌های بزرگ نفتی دنیا را از بازاری مانند ایران محروم کرده است. بنابراین تحریم‌ها اقدامی است علیه منافع آنها. ما باید در زمان تحریم علاوه بر اقدامات روی میز مذاکره، دنیا را نسبت به این حرکت ظالمانه بیدار کنیم تا دیگران هم با لابی‌ها و فشارهایی که می‌توانند داشته باشند به نوعی به ما کمک کنند.

### ۴

آقای زنگنه اعلام کرده که می‌خواهند صادرات نفت را به چهار میلیون بشکه در روز برسانند و به نوعی به اوپک هم گفته‌اند که باید برای این مقدار نفت جا باز شود. فکر می‌کنید در شش

### ماه پیش‌رو چنین چیزی امکانپذیر است؟

این امکان به لحاظ تکنیکی و فنی بررسی شده و مطمئنم که امکانپذیر است. در فاصله‌ای که تحریم بودیم میزان زیادی از تولید و صادرات ما کاهش پیدا کرد و عده‌ای جایگاه ما را گرفته‌اند. طبیعی است که آقای زنگنه به این موضوع اعتراض کند. اینطور نیست که کسی را با زور از میدان خارج کنند و عده‌ای دیگر جایش را بگیرند. موضع ایشان تصمیم به ظرفیت بالا و صادرات است و تصمیم درستی است. امروز عربستان به دلیل ظرفیت بالایی که دارد نفر اول اوپک است. ما وقتی ظرفیت داریم یعنی حرف برای گفتن داریم و در صورت نگران شدن به ما امتیاز هم می‌دهد. پس ما باید ظرفیت تولیدمان را تحت هر شرایطی بالا ببریم. البته که وقتی نفت به سختی صادر می‌شود و پولش هم به سختی به دست می‌آید، وقتی قرار است هزینه‌های بیشتری برای این کار استفاده شود و پول مورد نیاز پروژه‌ها باید به صورت ارزی یا ریالی به موقع در دسترس شان قرار بگیرد، وقتی لوازم یدکی و ماشین‌آلات و تجهیزات گذشته به راحتی در دسترس نیست، صنعت نفت هم مانند صنایع دیگر آسیب می‌بیند. به هر حال اگر این مشکلات نبود طبق برنامه داخلی که در صنعت نفت ایران وجود داشت قرار بود در سال ۲۰۱۲ قطر در مورد تولید گاز در پارس جنوبی جلودار باشیم. قرار بود به این مرحله برسیم اما مشکلاتی ایجاد شد و بخشی از آنها به جز تحریم‌ها مشکلات مدیریتی و سلیقه‌های مختلف داخل کشور و در واقع فقدان تدبیر لازم هم بود. آنچنانکه امروز قطر ۷۰ درصد بیشتر از ما گاز برداشت می‌کند. برداشتن تحریم می‌تواند بخشی از این عقب‌ماندگی را جبران کند.

### شرکت‌های نفتی

#### بین‌المللی از

#### جمله آمریکایی

#### و اروپایی بسیار

#### علاقمندند که به

#### ایران بیایند. به

#### دلیل پتانسیل

#### بالای کشور

#### ما، ریسک کم

#### در میادین نفت

#### و گازمان، و

#### هزینه‌های پایین

#### شرکت‌های نفتی.

#### باید از این پتانسیل

#### علیه تحریم‌ها

#### استفاده کنیم.



در حالیکه قدم اول در سیاست‌های کلی هر کشوری باید حمایت و باور داشتن توانمندی‌های داخلی آن کشور باشد. که اگر دیدگاه غیر از این باشد نتیجه همین می‌شود که در حال حاضر تنها از ۳۰ درصد ظرفیت توان سازندگان داخلی استفاده می‌شود. کیفیت کالا را می‌توان با استانداردسازی، قیمت را با حمایت مالی دولت و زمان را نیز با در نظر گرفتن جریمه برای شرکت‌های متخلف برطرف ساخت.

مصدق نقش برقراری تعامل و تأثیرگذاری مفید سیاست خارجی را می‌توان در سخنان وزیر نفت دولت یازدهم در جلسه رای اعتماد به عنوان فردی با سابقه و متخصص یافت، زمانی که گفتند: «اگر ما سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت نداشته باشیم هرگونه توسعه صنعت نفت در درازمدت رویایی بیش نیست.» بر همین اساس ما باید بتوانیم از طریق یک دیپلماسی قوی از پتانسیل‌های موجود در کشور استفاده کنیم. بحث جذب سرمایه‌گذاری خارجی و در کنار آن حمایت از ساخت داخل تا اندازه‌ای حائز اهمیت است که بنده به‌عنوان رئیس هیأت مدیره در انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران با هم‌اندیشی و تعاملات خوبی که به طور مداوم با مدیران عامل بیش از ۶۰۰ عضو این انجمن داریم مکرراً در حال ارائه راهکارها و پیشنهادات خود به وزارت نفت در این خصوص هستیم.

خلاصه آنکه انسجام عملیاتی، استفاده از تعاملات اقتصادی برای معرفی کردن توانمندی‌های داخلی در سایر کشورها، استفاده و معرفی ظرفیت‌های خارجی به تولیدکنندگان داخلی و ایجاد مناسبات لازم، توسعه دیپلماسی از طریق توسعه ظرفیت‌های اقتصادی دور از دسترس نیست. و در این میان استفاده از توانمندی‌های بخش خصوصی و سپردن پرچم به بخش خصوصی در کشور، از جمله راهکارهای اثر بخش در این زمینه است.

تحریم‌ها و تهدیدهای در پی آن دارند، خوشبختانه بسیاری از سازندگان حوزه صنعت نفت در برابر این خواست ملی نگاهی مثبت داشته و بی‌صبرانه منتظر فرصت‌های حاصل از این تعاملات هستند. فرصت‌هایی که در یک نگاه کلی باعث افزایش سرمایه وزارت نفت و در نتیجه امکان خرید مواد اولیه مورد نیاز خارجی، فرصت انجام مبادلات خارجی بدون کشمکش‌های موجود در نقل و انتقالات ارزی، و زمینه‌های ایجاد محصولات مشترک را برای آنها فراهم می‌آورد. سازندگانی که در زیر سایه سنگین تحریم از دستیابی به دانش فنی روز دنیا در ساخت بی‌بهره بوده‌اند اکنون می‌توانند سطح دانش فنی خود را همسو با تحولات روزافزون جهانی ارتقا دهند. با لغو تحریم حضور در رویدادها و نمایشگاه‌های مهم حوزه صنعت نفت برای سازندگان آسان‌تر شده و دیپلماسی انرژی نقش پررنگ‌تری پیدا می‌کند. به گونه‌ای که طبق گزارشات اعلام شده بزرگ‌ترین نمایشگاه نفت گاز بالایش و پتروشیمی که هر ساله در اوایل بهار در کشورمان برگزار می‌شود امسال با هدف جلب هر چه بیشتر مشارکت‌های خارجی و داخلی، با شعار "دیپلماسی انرژی و توانمندی‌های داخلی" فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

### ۳

اما در این میان نباید در خواب خوش فرصت‌های حاصل از لغو تحریم‌ها فرو رفت. تهدیداتی چون از دست دادن سهم بازار تولیدکنندگان در مقایسه با خارجی‌ها به بهانه‌هایی همچون بالابودن کیفیت محصولات خارجی، قیمت بالای تجهیزات ساخت داخل و عدم تحویل به موقع کالای سازندگان داخلی در شرایطی که شرکت‌های خارجی تمامی این پارامترها را رعایت می‌کنند، می‌تواند دلیل خوبی برای کارفرمایان در واگذاری کار به رقبای خارجی باشد.

# گام‌هایی به سوی توسعه

## امیدواری وجود دارد که تحریم‌های داخلی خودرو برداشته شود

قطعا شرایط جدید کمک فراوانی به تحقق این امر خواهد کرد و از دستاوردهای مهم آن می باشد.

از دیگر ویژگی‌های شرایط جدید، امکان ورود و اتصال صنعت خودرو و قطعه‌سازی کشور به بازارهای صادراتی است. تجربه سال‌های اخیر نشان داد که رشد کمی صنعت خودرو تنها به اتکای بازار داخلی میسر نیست. مهمترین دلیل آن، مقیاس اقتصادی تولید می‌باشد که مقیاس آن در صنعت خودرو یک میلیون خودرو یا بیشتر است. تولید در این سطح نیازمند دسترسی به بازارهای متنوع است که ریسک شرایط اقتصادی و اجتماعی هر بازار، موقعیت سازندگان را به نسبت در معرض خطر قرار می‌دهد. ضمن اینکه صادرات، ارتقای کمی و کیفی را به دنبال داشته و قدرت رقابت سازندگان را افزایش خواهد داد.

از ویژگی‌های دیگر شرایط جدید، امکان ارتقای کیفی محصولات داخلی است که در سایه تحقق بخشی از بندهای فوق بدست خواهد آمد. بطور کلی کیفیت تنها معطوف به امر سرمایه‌گذاری نیست، بلکه نیازمند رشد فرهنگی اجتماعی است که به دنبال ارتقای سطح توقعات جامعه، تولیدکنندگان را ملزم به تولید محصولات باکیفیت خواهد نمود.

قطعا شرایط جدید به بهبود فضای کسب‌وکار کمک خواهد کرد و شرایط برای فعالیت‌های اقتصادی مناسب خواهد شد. مهمترین مولفه بهبود فضای کسب‌وکار ثبات و آرامش است که به تحقق آن در شرایط جدید می‌شود امیدوار بود. بهبود فضای کسب‌وکار بستر مناسبی در جهت تحقق کلیه زمینه‌های رشد و توسعه صنعت است.

از دیگر اثرات شرایط جدید می‌توان به ثبات نرخ ارز در کشور اشاره کرد که این امر اطمینان سرمایه‌گذاران صنعتی را بیشتر می‌کند و آرامش را به تولید کنندگان بازخواهد گرداند. افزایش قیمت ارز طی مدت محدود شوک بزرگی به

چنانچه توافقات مذاکرات ژنو در خصوص برنامه هسته‌ای ایران به سرانجام و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی کشور به پایان برسد، می‌توان گفت که فصل جدیدی در حیات سیاسی و اقتصادی کشور رقم خواهد خورد که تاکنون سابقه نداشته و منشا تحولات عظیمی در کلیه عرصه‌ها خواهد شد.

با تحقق توافقات ژنو اهداف توسعه اقتصادی و صنعتی کشور موقول به ارتباط فعال با جهان پیشرفته صنعتی می‌شود. در سایه این توافقات ارتباط کشور با جهان پیشرفته بیشتر خواهد شد و اتکای دستیابی به دانش و تکنولوژی روز آسان‌تر می‌گردد. در شرایط جدید، امکان نقدینگی شرکت‌های خودروسازی، که یکی از معضلات مهم آنهاست میسر می‌شود. تأمین نیازهای سرمایه در گردش و هزینه پروژه‌های توسعه شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی از طرف شرکت‌های خارجی و موسسات مالی و اعتباری خارجی بسیار راهگشا بوده و چاره بحران نقدینگی شرکت‌هاست.

امکان واگذاری سهام شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی فراهم می‌گردد که این نیز یک گام بسیار مهم در فرآیند توسعه شرکت‌های فعال در صنعت خودروسازی و واگذاری سهام شرکت‌های صنعت خودرو و بیمه سرمایه‌گذاران خارجی دارای ویژگی‌ها و اثرات بسیار مهمی خواهد بود و در مجموع چنانچه زمینه واگذاری سهام کارخانجات خودرو و قطعه‌سازی محقق شود، شاهد رشد کمی و کیفی این صنعت در عرصه داخلی و جهانی خواهیم بود.

از تبعات دیگر شرایط جدید در صنعت خودرو کشور، امکان تحقق ساخت داخل و تقویت توان طراحی و ساخت محصولات صنعت خودرو و قطعه‌سازی کشور می‌باشد. افزایش تعداد قراردادهای لیسانس و انتقال تکنولوژی با توجه به دیدگاه‌های کلی نظام، یک ضرورت است. از جمله سیاست‌های صنعتی کشور در دهه ۷۰، توسعه صنعت خودرو و خودروساز شدن بوده است. به این معنی است که ما دانش از ابتدای طراحی محصول تا فروش محصولات را در کلاس جهانی کسب و خود را تجهیز نماییم.



محمد رضا نجفی‌منش

عضو هیات

نمایندگان اتاق

تهران و عضو انجمن

قطعه‌سازان خودرو



## نگاه صنعتی جایگزین نگاه سوداگرانه

### عبور از تحریم‌ها، آرام شدن بازار طلا و نتیجه‌اش در رشد این صنعت

قیمت سکه در بازار ما حباب منفی پیدا کرد و حتی گاهی با قیمتی پایین‌تر از قیمت میزان طلایی که در آن به کار رفته بود به فروش می‌رسید. در این شرایط سوداگران به دنبال سودهای مالی هستند. طلافروش‌ها زمانی که طلاشان را می‌فروشند سریع آن را جایگزین می‌کنند و به فکر گران یا ارزان شدن طلا نیستند. بنابراین طلافروش‌ها از دادوستدها منتفع می‌شوند نه از افزایش و کاهش قیمت طلا. اما دلایل و کسانانی که در بازار طلا به واسطه‌گری می‌پردازند در صورت تغییر قیمت ممکن است سود کنند یا متضرر شوند. در واقع افراد غیرصنعتی که تخصصی در این صنف ندارند ممکن است از بالا و پایین رفتن قیمت طلا در کشور سودهای کلان کنند یا زیان‌های بزرگی را متحمل شوند.

### ۲

بحث تحریم یا لغو تحریم طلا توسط سازمان ملل مربوط به بخش مالی کشور است و ربطی به صنف طلا ندارد. مثلا اینکه نتوانستیم از ترکیه طلا وارد کنیم به صنف مربوط نمی‌شود. مصارف طلا در داخل کشور تامین می‌شود. طلا در کشور موجود است و ما نیازی نداشته‌ایم که بخواهیم برای تامین طلای مورد نیاز بازارهای داخلی به بازارهای خارجی مراجعه کنیم. برای همین هم مسدود بودن

### ۲

طلا و ارز جزو کالاهای استراتژیک و منافع مالی یک کشور طبقه‌بندی می‌شوند. طلا تنها کالایی است که تاثیرات اقتصادی و سیاسی جهان، بلافاصله بر بازار آن تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل توافق ژنو در واقع نوعی پیروزی و پشتوانه سیاسی را برای کشور به ارمغان آورد. وقتی پشتوانه سیاسی یک کشور بالا برود طبیعتا ارزش پول آن کشور هم افزایش می‌یابد که این اتفاق را ما بلافاصله بعد از اینکه کشورمان با غرب به یک توافق هر چند موقت دست پیدا کرد مشاهده کردیم. اثر مثبت و آنی توافق ژنو امید می‌بود به بهبود وضعیت معیشتی و شرایط اقتصادی کشور در جامعه که منجر به بالا رفتن ارزش پول ملی ما شد. در چنین شرایطی معمولا یک شوک به اقتصاد وارد می‌شود؛ جالب اینجاست که درست همزمان با این شوک بالا رفتن ارزش پول ملی ما و کاهش قیمت ارزها، قیمت جهانی طلا همزمان کاهش پیدا کرد. در اثر شوکی که وارد شد و ترس ناشی از کاهش بیشتر قیمت‌ها، هجوم یک باره فروشنده‌گان طلا و سکه و حتی ارز به بازار زیاد شد. در چنین مواقعی حتی ممکن است قیمت طلا، ارز و سکه کمتر از قیمت واقعی خودش به فروش برسد. به همین سان بلافاصله بعد از توافق ژنو



محمد کشتی‌آرای

رئیس اتحادیه طلا و

جواهر

تولید کنندگان وارد کرد و بعضاً ضایعات جبران ناپذیری به بار آورد. از جمله توقف تولید بسیاری از واحدهای تولیدی را به دنبال داشت و در نهایت وابستگی به واردات را افزایش داد.

در شرایط جدید، صنعت خودرو، امکان ارتباط با برندهای درجه اول جهانی را به دست خواهد آورد. همچنانکه در گذشته بهترین برندهای جهان محصولات و ارتباطات خود را به تولید کنندگان ایرانی عرضه می کردند، اما به دلیل شرایط سیاسی تحمیلی این امکان سلب شده بود و با تشدید تحریمها صرفاً برندهای درجه ۲ و ۳ در کشور حضور پیدا می کردند و بازار گرانبهای ما را مورد هجوم و تاخت و تاز خود قرار داده بودند. ۱۰-۱ سهم صنعت خودرو در تولید ناخالص ملی معادل ۳/۶ درصد است و در ارزش افزوده بخش صنعت معادل ۲۰ درصد که رقم ناچیزی نیست و اهمیت دارد. لذا واگذاری این بخش به تولید کنندگان خارجی جفا به مردم خوب کشورمان بود. یکی از مهمترین دستاوردهای شرایط جدید می تواند دستیابی به تکنولوژی تولید محصولات جدید از جمله خودروهای هیبریدی باشد که به سرعت در جهان پیشرفته جایگاه خود را پیدا کرده است و ما نباید از غافله جهانی عقب بمانیم.



اما همه آنچه ذکرش رفت، موقوف به تدوین استراتژی و برنامه های ادامه و توسعه صنعت کشور خصوصاً صنعت خودرو است. و لازم است که سازمان های مرتبط، اقدامات سریع و همه جانبه ای را به این منظور آغاز کنند. در غیر این صورت تمامی این دستاوردها با باز شدن درهای واردات و ورود فروشندگان خارجی نقش بر آب شده و مثل زمان های گذشته تولید کنندگان داخلی با خطر توقف فعالیت و نابودی روبرو خواهند شد و مجدداً به شکلی دیگر بازار خوب ما در اختیار خارجی ها قرار خواهد گرفت. ما باید برای شرایط جدید استراتژی و برنامه داشته باشیم. بدانیم که چه می خواهیم و از کجا به کجا می خواهیم برسیم؟ راه و چاه چیست؟ و صدها سوال دیگر که اگر پاسخ نگوئیم، پاسخگوی نسل های آینده نخواهیم بود. لازم است یکبار هم که شده، در این فضای جدید، به دور از همه حب و بغض ها و اقدام نسبت به نفی یکدیگر، نسبت به تدوین استراتژی توسعه صنعت خودرو اقدام کنیم و گام بزرگ دستیابی به تکنولوژی اول تا آخر صنعت خودرو را برداریم. امید است به موازات حذف تحریم های خارجی، تحریم های داخلی هم از پیش روی صنعت ما، خصوصاً صنعت خودرو، برداشته شود تا بتوانیم به آنچه گفته ایم عمل کنیم.



راه های نقل و انتقال مالی چندان تأثیری بر روی فعالیت های اقتصادی ما نداشته است. ورود مصنوعات طلا به داخل کشور هم کلاً ممنوع است. اما توجه داشته باشید که یکی از خواص فیزیکی طلا بازیافت دوباره آن است. ممکن است اگر مثلاً روغن وارد نشود با مشکل مواجه شویم چون قابل بازیافت نیست اما در مورد طلا مساله فرق می کند. حدود ۸۰ درصد طلایی که امروز به فروش می رسد در آینده دوباره به چرخه تولید برمی گردد و در نتیجه مشکلی برای تأمین مواد اولیه هم نداریم. بعد هم طلاهایی که از طریق بانک مرکزی به صورت سکه به فروش می رسد وارد بازار طلا می شود.

به همان میزانی که بازار طلا و سکه را کد شود به سمت صنعت طلا و جواهر خواهیم رفت نه اینکه خواهیم در این حوزه سرمایه گذاری کنیم. ضمن اینکه واسطه هایی هم که وارد این حوزه شده اند خارج خواهند شد و کسانی که تخصصی در این زمینه دارند ماندگار خواهند ماند. واقعیت این است که پدیده شوم دلالی سکه و طلا بسیاری از واحدهای ما را به تعطیلی کشاند. متأسفانه شرایط تحریم و نوسان بازار ارز نگرش فرهنگی مردم را حتی تغییر داده بود. در گذشته طلا و جواهر به عنوان اندوخته و زیور استفاده می شد ولی نگاه مردم آنچنان تغییر کرد که طلا را به صورت سکه خریداری می کردند. با عبور از تحریم ها و آرام شدن شرایط، دوباره در حال بازگشت به وضعیت اولیه کشور هستیم که از طلا به عنوان زیورات استفاده کنیم و نگاهها به بازار طلا و جواهر صنعتی و نه دلالانه و سوداگرانه خواهد شد. ما امیدواریم که با رشد اقتصادی و بهتر شدن فضای کسب و کار و تولید رونق بازار طلا افزایش یابد.

## تغییر؛ از فضای روانی تا فضای واقعی



■ فریال مستوفی  
عضو هیات  
نمایندگان اتاق  
تهران

اگر به اهداف تحریم کنندگان ایران توجه کنیم مشخص است که در تنگنا قرار دادن هر گونه فعالیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، مدنظر بوده به نحوی که ایران مجبور به تسلیم در برابر خواسته آنان شود. مجموع این تحریمها بالطبع باعث می شود که ارتباط بین کشورها با ایران محدود و به جای داشتن اقتصادی پویا و ردوبدل کردن کالاهای تجاری بین کشورها که خود عامل شکوفایی اقتصادی هر کشوری می باشد، اقتصاد کشور مورد تحریم، به رکود برسد. علیرغم تمام تلاش های به عمل آمده در سال های اخیر جهت دور زدن تحریم های اعمال شده، طبیعی است که شرایط با وضعیت عادی تفاوت عمده دارد و این محدودیتها باعث اتخاذ تصمیماتی در تدوین قوانین و آئین نامه های اجرایی در امور کسب و کار گردد. صدور آئین نامه های مختلف در زمینه های گمرکی، ارزی، بانکی و اعمال سلیقه های جناحی در امور تجارت خود باعث پیچیدگی بیشتر اثرات تحریم شد و از طرفی سوء استفاده افرادی در بهره گیری از وجود تحریم در اقتصاد اثرات تحریم را دو چندان کرد. شاهد بودیم افرادی از نقل و انتقال پول (ارز) در زمانی که مبادلات ارزی کشور محدود شده بود، توانستند با دریافت کارمزدهای غیر قانونی که در برخی از موارد حتی تا ۹ درصد نیز می رسید، به سودهای کلان دست یابند. از طرفی دیگر کشورهای رقیب هم از اعمال تحریمها علیه ایران، بی بهره نبودند و با جذب سرمایه گذاران خارجی که می توانستند در ایران سرمایه گذاری کنند، اقتصاد کشور خود را رونق دادند.

اثر گذاری تصمیمات ژنو و توافقاتی که قرار است در آینده صورت گیرد در کسب و کار و تجارت را در مرحله اول می توان به دو بخش اثرات آنی و اثرات دراز مدت تقسیم کرد. آنچه که مربوط به اثرات آنی است مجموعه برداشتهای هیجانی و احساسی است که بیشتر جنبه روانی داشته و بالطبع به محض انتشار توافق نامه اثرات خود را نشان داد و عبارت بود از کاهش نرخ ارز که البته ساعاتی بیشتر دوام نیاورد و برطرف شدن جو تشنج و شبح جنگ که شادابی حتی موقتی را برای جامعه و بالطبع دست اندر کاران اقتصاد به وجود آورد. از دیگر اثرات آن، تغییراتی در روند بازار سرمایه بود که به مرور با روشن تر شدن توافقات حاصله تغییرات مثبتی در افزایش فعالیت بورس و رونق آن را در پی داشت. اما به مرور که اشراف بیشتری به توافقات حاصله پیدا شد و اما و اگرهای آن مشخص شد، خوش بینی تا حدودی رنگ باخت و واقعیات خود را نشان داد. کمالاتی که طی چند روز گذشته شاهد نقض پیمان از ناحیه کشورهای ۱+۵ در ایجاد تحریم جدید بودیم که این خود می تواند به بدبینی بیشتر به این توافق دامن زند. به واقع تا امروز می توان مدعی شد که تحریم های لغوشده از نظر اقتصادی اثر ملموسی بر وضعیت تجاری ایران نداشتند به جز اثر روانی آن که مثبت بود. باید پرسید که آیا با لغو تحریم های اشاره شده در قرارداد ژنو، می توان به ۴،۲ میلیارد دلار سرمایه متعلق به ایران در ۶ ماه آینده دسترسی پیدا کرد. آیا با آزاد شدن صادرات محصولات پتروشیمی و فولادی، منفعت و آینده دست اندر کاران این صنایع تضمین خواهد شد، چرا که در این صنایع خریداران به دنبال قراردادهای طولانی مدت می باشند و در پی منفعت چند قرارداد خرید و فروش نیستند؟ در پی تحریم های اعمال شده، در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی های خارجی ایران غیر قابل دسترسی است. آزاد کردن ۶ یا ۷ میلیارد از دارایی های مسدود شده ایران در خارج، در مقایسه با میزان دارایی مورد نیاز برای اقتصاد نابسامان ایران ناچیز است. هم اکنون ایران در رکود عمیقی به سر می برد و با رشد اقتصادی منفی و تورم بالای ۴۰ درصد، پول ملی بیش از ۶۰ درصد ارزش خود را از دست داده است. حتی با برداشتن تحریم هایی که کلیات آن ها در متن قرارداد ژنو ذکر شده، اقتصاد ایران همچنان آسیب پذیر خواهد بود چرا که تحریم های نفتی و بانکی همچنان به طور کامل اجرا می شوند. نظریه اینکه مجموع تحریم های اعمال شده علیه ایران مربوط به فقط چند سال اخیر نبوده بلکه سابقه بیش از ۳۵ سال دارد بالطبع پیش بینی اینکه چنین تحریم هایی طی شش ماه آینده به طور اساسی برداشته شود یا تغییرات عمده در آن ها پیش آید بسیار خوشبینانه است و نمی باید انتظار معجزه های را داشت. آنچه در شرایط موجود جهانی می توان انتظار داشت و بستگی صدرصد به برخورد منطقی و هوشمندانه دو طرف دارد، این سناریو است که قدم به قدم با تشنج دایمی شرایط به سمت توافق برد-برد پیش رود.

تا امروز می توان  
مدعی شد که  
تحریم های  
لغوشده از نظر  
اقتصادی اثر  
ملموسی بر  
وضعیت تجاری  
ایران نداشتند  
به جز اثر روانی  
آن که مثبت بوده  
است.

# در اضطرابِ حباب‌های دارایی

## نظرسنجی بلومبرگ درباره روند حباب‌های اقتصادی در جهان

که می‌گویند این اقتصاد در حال فروپاشی است، که در مقایسه با ۳۹ درصد ماه می وضعیت بهتری است، و نیز ۴۴ درصدی که می‌گویند این اقتصاد باثبات است. ۴۳ درصد شرکت‌کنندگان هم گفته‌اند که اقتصاد برزیل رو به زوال می‌رود، که تأییدی دوباره است بر نگرانی سال جاری درباره کشورهای در حال توسعه.

### فرصت بزرگ

تقریباً یک سوم از شرکت‌کنندگان می‌گویند فرصتی بزرگ از سودآوری را در اتحادیه اروپا می‌بینند، که در ماه سپتامبر هم تقریباً همین میزان بود. برزیل را ۲۷ درصد از شرکت‌کنندگان یکی از بازارهایی می‌دانند که باید در سال آینده از آن‌ها حاضر کرد.

وقتی از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که در شش ماه آینده پول‌شان را کجا سرمایه‌گذاری خواهند کرد، ۴۱ درصدشان می‌گویند سهم سرمایه‌گذاری‌های سهام‌شان را افزایش خواهند داد. این کم‌ترین سهم شرکت‌کنندگان از سپتامبر ۲۰۱۳ تا کنون است و از ۵۲ درصد نظرسنجی گذشته هم کم‌تر است. براساس آخرین نظرسنجی، سی و پنج درصد دلار آمریکا را ترجیح می‌دهند و ۳۰ درصد املاک را هم‌زمان، ۵۶ درصد میزان سرمایه‌گذاری‌های‌شان در اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا را کاهش می‌دهند و حدود ۴۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های‌شان در این ژاپن و اوراق قرضه دولتی این کشور می‌کاهند. حدود یک سوم شرکت‌کنندگان از بدهی‌های دولتی اروپایی‌ها گریزان هستند، که از زمان آغاز نظرسنجی بلومبرگ در دسامبر ۲۰۱۱ تا کنون کم‌ترین میزان بوده است.

### احتیاط نقدینگی

بیش از یک چهارم کسانی که در نظرسنجی شرکت کرده‌اند می‌گویند میزان نگهداری پول نقدشان را افزایش خواهند داد، که نشانه‌ای از احتیاط سرمایه‌گذاری است، و از سپتامبر سال گذشته تا کنون بیش‌ترین تعداد بوده است. سرمایه‌گذاران همچنین افسار پیش‌بینی‌ها و چشم‌اندازهای‌شان از چندین شاخص سهام را کشیده‌اند. نیمی از آن‌ها می‌گویند شاخص ۵۰۰ شرکت استاندارد اند پورز تا ماه می بالاتر خواهد بود، ۴۸ درصد انتظار دارند که شاخص ۵۰ یورو استاکس بالاتر رود و ۴۹ درصد برای متوسط شاخص ۲۲۵ نیکی پیش‌بینی سود می‌کنند. در ماه سپتامبر، اکثر شرکت‌کنندگان پیش‌بینی کرده بودند که هر یک از این شاخص‌ها در شش ماه آینده رشد داشته باشند. اما هنوز ۴۴ درصد شرکت‌کنندگان انتظار دارند که از ارزش طلا کاسته شود. آن‌طور که ۳۵ درصد از شرکت‌کنندگان می‌گویند، بن‌بست سیاسی در واشنگتن بر سر سیاست پولی بزرگ‌ترین ریسک اقتصاد جهان است، که در مقایسه با ۲۶ درصد ماه سپتامبر تعدادشان بیش‌تر شده. بیست و شش درصد می‌گویند که آفت سرعت رشد اقتصاد چین اصلی‌ترین تهدید است و ۱۹ درصد بحران بدهی اروپا را تهدید بزرگ می‌دانند.

اقتصادی ایجاد کنند، اظهار نظرهایی درباره حباب‌های احتمالی به گوش می‌رسید. احیاء و بازیابی کند رشد اقتصاد به این تصورات راه داد که پول ارزان در عوض دارد راه خود را به قیمت‌های دارایی‌ها می‌زند. دایره تحقیقات بنیاد مک‌کینزی و شرکا در گزارشی که اخیراً منتشر کرده محاسبه کرده است که بانک‌های مرکزی بزرگ جهان حدود ۵ تریلیون دلار نقدینگی را در اقتصاد تزریق کرده‌اند تا با بحران مالی و عواقب آن مبارزه کنند. جدای از این ترس‌ها و نگرانی‌ها که این تصور دارد در برخی جاها از کنترل خارج می‌شود، شرکت‌کنندگان در نظرسنجی بلومبرگ محتاطانه از اعتمادشان به عملکرد اقتصادهای بزرگ جهان و بازارهای سهام در سال آینده کاسته‌اند.

### اقتصاد جهان

هفده درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی (بیش‌ترین تعداد از ماه می بدین سو) گفته‌اند که اقتصاد جهان رو به زوال می‌رود، اگر چه حدود نیمی از تحلیل‌گران به بلومبرگ گفته‌اند که هنوز معتقد هستند اقتصاد جهان باثبات است. سرمایه‌گذاران امریکایی بدبین‌ترین‌ها بوده‌اند: بیش از یک پنجم آن‌ها می‌گویند وضعیت اقتصاد جهان دارد بدتر می‌شود، در مقایسه با ۱۵ درصد از اروپایی‌ها و ۱۳ درصد آسیایی‌ها.

هم‌زمان که اقتصادهای بازارهای نوظهور جهان آرام می‌گیرند، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اخیراً از چشم‌انداز رشد جهانی خود برای سال جاری و پیش‌بینی رشد جهانی سال آینده کاسته است. اقتصاد جهان احتمالاً در سال جاری ۲،۷ درصد رشد خواهد داشت و در سال ۲۰۱۴ هم ۳،۶ درصد، به‌جای پیش‌بینی قبلی این بنیاد جهانی مستقر در پاریس در ماه می که ۳،۱ درصد برای سال جاری و ۴ درصد برای سال آینده بود. جیک رابینز، مدیر ارشد سرمایه‌گذاری در موسسه پرمیر است منیجمنت در گیلدفورد، نزدیک لندن، می‌گوید: «از دیدگاه جهانی ما با ماجرای تقریباً مشابهی روبرو هستیم، خیزش ملایمی در رشد جهانی به تحریک اقتصاد آمریکا که به احیاء نسبی‌اش ادامه می‌دهد، و ایجاد ثبات در نرخ‌های رشد بازارهای نوظهور.»

### خوش‌بین‌تر

بیست و هفت درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی می‌گویند اقتصاد حوزه یورو، در همین گام‌های نخست‌گریز از رکود، دارد آفت می‌کند و از سرعت رشد اقتصادی این حوزه کاسته می‌شود، که در مقایسه با ۶۱ درصد نظرسنجی ماه می نشان از بدبینی کم‌تر دارد. در مقابل، ۴۴ درصدی که می‌گویند اقتصاد ژاپن در حال بهبود است کم‌تر از ۵۹ درصدی هستند که در ماه می چنین گفته بودند، که نشانه‌ای از آفت اعتماد و شور و اشتیاق همگانی نسبت به تلاش‌های احیاء اقتصادی شینزو آبه، نخست‌وزیر جدید این کشور، دارد. اعتماد به اقتصاد چین در ۳۵ درصدی از شرکت‌کنندگان نمایان است.

تازه‌ترین نظرسنجی اقتصاد جهانی بلومبرگ از ۷۵۰ تحلیل‌گر اقتصادی بین‌المللی نشان می‌دهد که حباب‌های دارایی در اینترنت و سهام شبکه‌های اجتماعی و نیز بازارهای مسکن لندن و چین در حال شکل گرفتن هستند. هشتاد و دو درصد از سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و بازرگانانی که در نظرسنجی بلومبرگ شرکت کرده‌اند می‌گویند سهام شرکت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی یا در سطح ناپایداری هستند یا نزدیک به چنین سطحی. هفتاد و سه درصد این کارشناسان درباره قیمت‌های مسکن در چین چنین پیش‌بینی‌ای دارند و ۶۹ درصد خانه‌های لندن را سوار بر موج ناآرامی یا در آستانه آن می‌دانند. کنت بروکس، استراتژیست بنیاد سوسپه‌ته جنرال اس‌ای در لندن و یکی از کارشناسانی که در این نظرسنجی شرکت کرده است، می‌گوید: «نقدینگی هم‌چنان فراوان است و بانک‌های مرکزی دارند از تورم می‌کاهند و اقتصاد را به تحرک و می‌دارند. دارایی‌ها به‌وضوح یکی از نامزدهای تشکیل حباب است.»

این پیمایش زنگ هشدار است از این که پنج سال پس از بحرانی که ریشه در اعتبار داشته است، سرمایه‌گذاران شاهد افزایش تأمل‌برانگیز در چالش‌های بالقوه‌های هستند که پور تقوها و سیاست‌گذاران را تهدید می‌کنند. هم‌زمان که کارشناسانی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند نسبت به نظرسنجی پیشین در ماه سپتامبر از خوش‌بینی خود نسبت به اقتصاد جهان، بازارهای سهام و دارایی‌های ایالات متحد می‌کاهند، دیگر کم‌تر کسی در جای دیگر از فراوانی و وفور حرف می‌زند.

### قیمت‌های املاک

در زمینه قیمت‌های املاک، املاک چین را ۴۶ درصد از کارشناسان ناپایدار خوانده‌اند و ۲۷ درصد دیگر هم گفته‌اند که املاک در چین در آستانه ناپایداری است. در بازار مسکن لندن، شرایط حباب از سوی ۴۱ درصد کارشناسان مشاهده شده است و ۲۸ درصد می‌گویند شاهد نزدیک شدن آن هستند. در حالی که فقط ۲۰ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گفته‌اند که سهام در جهان در محدوده حباب است، ۴۵ درصد دیگر گفته‌اند که این بخش از اقتصاد جهان نزدیک به رسیدن به چنین محدوده‌ای است. شاخص جهانی قیمت سهام ام‌اس‌سی‌آی از یک سال پیش ۲۶ درصد افزایش یافته است و اخیراً به بالاترین میزان خود از سال ۲۰۰۷ تا کنون رسیده بود.

### بازارهای نوظهور

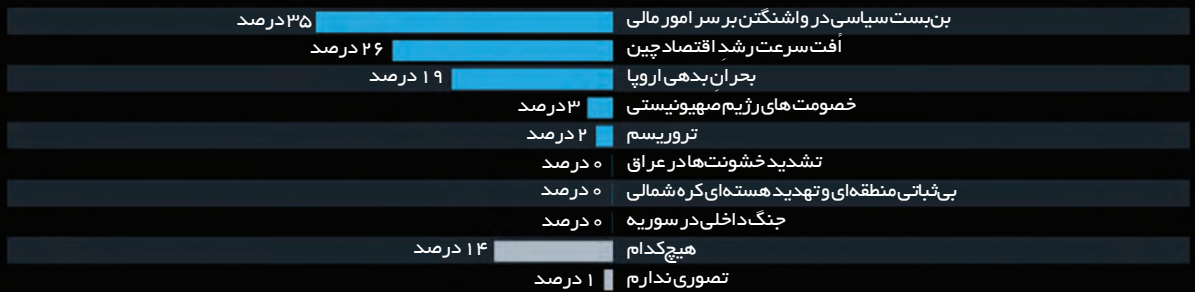
نگرانی‌ها از بازارهای نوظهور کم‌تر بوده است، و تنها ۱۱ درصد از شرکت‌کنندگان از ارزش‌گذاری‌های غیرواقعی گفته‌اند و ۵۸ درصد گفته‌اند که هیچ حبابی در حال شکل گرفتن نیست. پس از آن که سیاست‌گذاران مالی موجهی از نقدینگی را به اقتصاد جهان تزریق کردند تا با رکود سال ۲۰۰۹ مقابله کنند و بعد محرکی برای احیاء



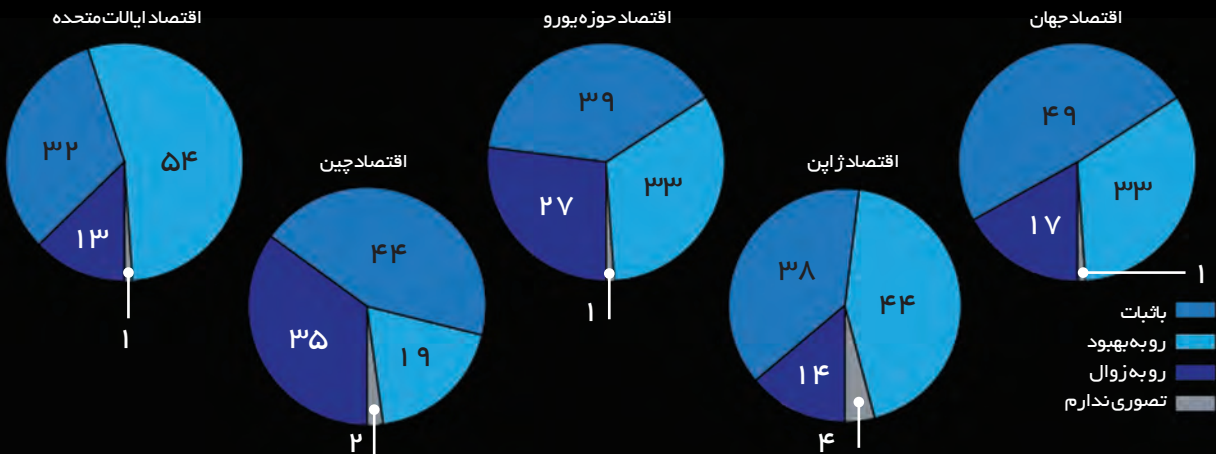
به عقیده شما هر یک از دسته‌های دارایی زیر به سطوح ناپایدار، حباب‌گونه در بازارهای جهانی رسیده است یا نه.



به عقیده شما کدام یک از موارد زیر بزرگ‌ترین تهدید پیش روی اقتصاد جهان در سال آینده خواهد بود؟



دیدگاه شما در مورد موارد زیر چیست؟ (اعداد به درصد است)



از موارد زیر کدام یک یاد مورد بدترین فرصت‌ها در سال آینده پیش روی سرمایه‌گذاران خواهند گذاشت؟ (پاسخ‌های متعدد قابل قبول است)



کدام دسته از دارایی‌ها بهترین عایدی را در سال آینده خواهند داشت؟



از موارد زیر کدام یک یاد مورد بهترین فرصت‌ها در سال آینده پیش روی سرمایه‌گذاران خواهند گذاشت؟ (پاسخ‌های متعدد قابل قبول است)



کدام دسته از دارایی‌ها بهترین عایدی را در سال آینده خواهند داشت؟



## تفرقه در یورو به کجا می‌رسد؟

مارسل فرانتزشر و هانس ورنر سین در میزگرد اشپیگل درباره استراتژی بحث‌برانگیز بانک مرکزی در مقابله با بحران یورو و سناریوهای آینده‌نگرانه برای نجات از بحران بحث کردند

در مونیخ را در دست دارد. او در دادگاه فدرال قانون اساسی آلمان حاضر شد تا در حمایت از شکایتی علیه صندوق دائم کمک‌های اقتصادی، شهادت دهد. فرانتزشر ۴۲ ساله، اقتصاددان دیگر آلمان از سال ۲۰۱۲ تا کنون در بانک مرکزی اروپا مشغول به کار است. او از ابتدای آن سال ریاست‌اندیشکده اقتصاد دی‌آی‌دبلیو را برعهده داشته و چند هفته پیش در کنار اقتصاددانان و مشاوران دیگر به حمایت از اتحاد سیاسی نزدیک‌تر در اروپا برخاست.



مارسل فرانتزشر و هانس ورنر سین، دو اقتصاددان ارشد و روسای دو اندیشکده برتر آلمان، در مصاحبه‌های مشترک درباره سیاست کاهش نرخ بهره بانک مرکزی اروپا و استراتژی نجات حوزه یورو به گفت‌وگو نشستند، و به دو نتیجه به‌کل متفاوت از هم می‌رسند. فرانتزشر استراتژی بانک مرکزی را به چشم راه‌حل می‌نگرد. سین آن را به‌خودی‌خود یک مسأله و مشکل می‌بیند. سین ۶۵ ساله حدود ۱۵ سال است که هدایت‌اندیشکده اقتصاد آیفو



سین: من هیچ نوری نمی‌بینم. فرانتزشر: بدون نرخ‌های بهره کاهنده، اقتصاد سقوط بسیار بدتری را تجربه می‌کند. بگذارید این سناریو را مرور کنیم: نرخ‌های بهره بالاتر به معنای وام‌های کم‌تر است؛ وام‌های کم‌تر به نوبه خود به معنای رشد کم‌تر؛ رشد کم‌تر هم به اشتغال کم‌تر، ورشکستگی‌های بیشتر و رکودی عمیق‌تر می‌انجامد. این اتفاق دولت‌ها را از لحاظ مالی تحت فشار می‌گذارد و بانک‌ها را تضعیف می‌کند، که این هم به نوبه خودش به معنای وام‌های حتی کم‌تر از پیش خواهد بود. این‌طور است که یک بحران نقدینگی به بحران پرداخت دیون تبدیل می‌شود. در واقع، سناریوی شما، آقای سین، هیچ نفعی برای ما در پی نخواهد داشت، و فقط زبان‌های هنگفت بر ما تحمیل خواهد کرد. سین: یورو در جنوب اروپا یک حباب اعتباری توری ساخته است، و وقتی این حباب بترکد، سیاست‌های بانک مرکزی جلوی بهبود و پیشرفت رقابت در کشورهای بحران‌زده را گرفته است. جنوب اروپا دارد از بین می‌رود. بیکاری در اسپانیا و یونان دارد به ۳۰ درصد می‌رسد، و ۶۰ درصد جوانان این منطقه دنبال کار می‌گردند. صنعت در حال فروپاشی است.

فرانتزشر: اگر بخواهیم یورو را مقصر این بحران بدانیم، به این می‌ماند که به وقت دزدی از فروشگاه‌های مأموران پلیس را مقصر بدانیم. اما عکس این صادق است: از سال ۱۹۹۹ به این سو، یورو تمام کشورهای عضو را قادر ساخته که با شرایط مطلوب‌تر و بهتری وام بگیرند، بیشتر سرمایه‌گذاری کنند، و از این رو به پیشرفت و ترقی بیش‌تری دست یابند. این فرصت گهگاه از دست رفته، اما این تقصیر یورو نیست. اشپیگل: بحران اروپا پس از آن که ماریو دراگی، رئیس بانک مرکزی اروپا، بیش از یک سال پیش اعلام کرد که اگر لازم باشد بانک مرکزی مقدار نامحدودی از اوراق قرضه را از کشورهای بحران‌زده اروپا می‌خرد، کمی آرام گرفت. آیا این اقدام خوبی بود؟ سین: برای سرمایه‌گذاران بله، برای مالیات‌دهندگان نه. سرمایه‌گذاری‌های بد مقادیر بسیار عظیمی از سرمایه‌های پس‌انداز را در جنوب اروپا از بین برده است. به همین خاطر است که سرمایه‌گذاران دیگر نمی‌خواهند به آن جا بروند. اما بانک مرکزی می‌خواهد شاهد تداوم جریان سرمایه به سمت جنوب باشد، همین است که دستگاه‌های چاپ اسکناسش را به جنوب اروپا برده است. علاوه بر این، بانک مرکزی به هزینه مالیات مالیات‌دهندگان به خریداران اوراق قرضه کشورهای جنوب اروپا بیمه و ضمانت رایگان می‌دهد. این مداخله‌ای در سرمایه‌گذاری است که دیگر ربطی به اقتصاد بازار آزاد ندارد.

فرانتزشر: بانک مرکزی اروپا جریان سرمایه را هدایت نمی‌کند. ما آلمان‌ها بودیم که ابتدا پول‌مان را در سراسر جهان سرمایه‌گذاری کردیم و بخشی از آن را از دست دادیم و بعد از جنوب اروپا بیرون آمدیم. حالا یک شکاف عظیم نقدینگی در آن جا وجود دارد، و بانک مرکزی اروپا آن چه را وعده داده بود اجرا می‌کند: به بانک‌های

اشپیگل: آقای فرانتزشر، آقای سین، بانک مرکزی اروپا نرخ پایه وام‌های خود را به ۰٫۲۵ درصد کاهش داده و پول واحد اروپایی هرگز تا این حد ارزان و کم‌ارزش نبوده است. آیا باید از این وضعیت راضی باشیم؟

سین: مشکل، حجم و گستره وام‌های بانک مرکزی است. بانک مرکزی اروپا بیش از ۷۰۰ میلیون یورو را در قالب وام‌های ویژه کم‌هزینه به کشورهای جنوب اروپا داده است. این نهاد هم‌چنان یک ماشین عظیم نجات مالی است. بانک از این طریق اختیار و کنترل خود را بسط داده است.

فرانتزشر: من نگاهی کاملاً متفاوت به این مسأله دارم. بانک مرکزی باید نقدینگی را در بازار تزریق کند تا به مصرف‌کنندگان اجازه دهد که خرید کنند و شرکت‌ها بتوانند سرمایه‌گذاری نمایند. باین‌همه این اتفاق در حال حاضر در مقیاسی که باید و کافی است رخ نمی‌دهد، چون وام‌ها در بسیاری از کشورهای حوزه یورو بسیار پرهزینه و خیلی نادر و کم‌یاب هستند. این دقیقاً چیزی است که بانک مرکزی اروپا می‌خواهد تغییرش دهد، لذا کاهش نرخ‌های بهره تصمیمی درست است.

اشپیگل: نرخ‌های بهره در آلمان امروزه آن‌قدر پایین هستند که دیگر نمی‌توانند با قیمت‌های فزاینده ما تراز شوند. این مسأله موجب از دست رفتن ارزش حساب‌های پس‌انداز می‌شود. آیا با سلب مالکیتی تدریجی و آرام روبه‌رو نیستیم؟

فرانتزشر: درست است که سرمایه‌گذاران امروز فقط عایدی‌های حداقلی دریافت می‌کنند. اما alternativesی وجود دارد. مثلاً با استفاده از سهام و املاک و مستغلات می‌توان امروز پول خوبی در آلمان درآورد. و وقتی اقتصاد در کشورهای جنوب اروپا احیا شود، پس‌اندازکنندگان آلمانی هم منتفع خواهند شد، چون رشد و درآمد در آلمان هم اوج خواهد گرفت.

سین: بدهکاران از آفت نرخ‌های بهره خوشحال هستند. اما آلمان در برابر کشورهای دیگر وام‌دهنده و اعتباردهنده خالص است. در فاصله سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، طرح‌های نجات مالی برای آلمان به‌بهای ۲۰۰ میلیارد یورو زبان بهره تمام شده است. فرانتزشر: ببخشید؟ چطور به این رقم رسیدید؟

سین: مازاد صادرات ما اساساً دیگر پس‌انداز نمی‌شده است. در عوض، سه چهارم این پول با یوروهای پرداخت شده است که دیگر کشورها از بانک‌های مرکزی خودشان وام گرفته‌اند. این مرز سلب مالکیت است. اگر می‌توانستیم مازاد صادرات خود را در نرخ‌های بهره ۲۰۰۷ پس‌انداز کنیم، امروز ۲۰۰ میلیارد یورو پولدارتر بودیم.

فرانتزشر: نرخ‌های بهره به‌صورت دستوری و مصنوعی در سایه سیاست‌های نجات مالی کاهش نیافته‌اند، بلکه به‌خاطر این آفت کرده‌اند که ما در سال ۲۰۰۷ در اوجی از رشد اقتصادی بودیم، و حالا تمام اروپا گرفتار بحرانی جدی است. بانک مرکزی توانست اقتصاد را از لبه پرتگاهی عقب بکشد. به لطف بانک مرکزی است که حالا کورسوی نوری در انتهای تونل رشد اقتصادی جنوب اروپا دیده می‌شود.



### فرانتزشر:

اگر بخواهیم یورو را مقصر بحران بدانیم، به این می‌ماند که به وقت دزدی مأموران پلیس را مقصر بدانیم. اما عکس این صادق است: از سال ۱۹۹۹ به این سو، یورو تمام کشورهای عضو را قادر ساخته که با شرایط مطلوب‌تری وام بگیرند، بیشتر سرمایه‌گذاری کنند، و از این رو به پیشرفت بیشتری دست یابند.



جنوب اروپا پول می‌دهد و از تبدیل شدن بحران نقدینگی به بحران پرداخت دیون جلوگیری می‌کند.

سین: خطر این کار را مالیات‌دهندگان، صاحبان بانک مرکزی، بر دوش می‌کشند. فراتزشر: بانک مرکزی ریسک را در اروپا بالا نبرده است. در واقع، آن را کاهش هم داده. بانک مرکزی این ریسک را که اقتصاد اروپا در رکودی عمیق تر بلغزد از بین برده است. متعاقباً، بخش مالی دیگر خطر آن چنان گرانی نیست. حالا ریسک کاهیده‌ای وجود دارد که دارایی‌هایی که تریلیون‌ها دلار می‌ارزند - از جمله دارایی‌های شهروندان آلمان - ممکن است در سقوط یورو از بین بروند. در واقع، سرمایه به آرامی به اروپا برمی‌گردد. می‌شود به وضوح دید که جلوگیری از وضعیت عدم توانایی پرداخت دیون بهتر از تسریع فروپاشی است.

سین: کش دادن و به تأخیر انداختن وضعیت عدم پرداخت دیون از آن هم بدتر است. فراتزشر: کدام عدم پرداخت دیون منظور تان است؟

سین: من از مسأله عدم پرداخت دیون تک تک کشورها و بسیاری از بانک‌های جنوب اروپا حرف می‌زنم. هر چه زودتر بحران پرداخت دیون را شناسایی کنید، بار و فشاری که بر مالیات‌دهندگان تحمیل خواهد شد کم‌تر خواهد بود، و امکان از نو آغاز کردن زودتر پدیدار می‌شود.

فراتزشر: از نو؟ در این صورت با سناریوی روبه‌رو خواهیم بود که با رکود بزرگ اواخر دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ قابل مقایسه است. اتفاق فرخنده‌ای است که توانستیم جلوی رخ دادن چنین اتفاقی را بگیریم.

اشپیگل: آقای سین، فکر می‌کنید تصمیم درستی برای بعضی کشورهاست که یورو را رها کنند و به پول خودشان برگردند؟

سین: بله، یونان، اسپانیا و پرتغال در حال حاضر رقابتی نیستند و باید ۳۰ درصد گران‌تر شوند. اما تا زمانی که در حوزه یورو هستند، این کار بدون تحمل ضربه‌ها و آسیب‌های سنگینی بر قامت نظام اجتماعی‌شان امکان‌پذیر نیست. خروج از حوزه یورو - در کنار کاستن از بدهی‌های بانک‌ها و دولت‌ها - به این کشورها فرصتی برای رقابتی شدن و بازپرداخت بدهی‌های خارجی‌شان خواهد داد.

فراتزشر: من با تحلیل شما موافق نیستم و بازارها هم همین‌طور. کشورهای جنوب اروپا ورشکسته نیستند - نه اسپانیا و نه پرتغال و نه ایتالیا - اگر چه همه‌شان بی‌شک از رکودی رنج می‌برند و باید اصلاحاتی را در بدنه اقتصادشان اجرا کنند. لذا به عقیده من بانک مرکزی اروپا با سیاست پولی‌اش دارد کار درستی انجام می‌دهد: یعنی که به کشورها زمان می‌دهد تا بتوانند اصلاحات ضروری را پیاده سازند. می‌توان به‌وضوح دید که کشورهای بحران‌زده نمی‌خواهند حوزه یورو را ترک کنند. حتی یونانی‌ها هم می‌خواهند در جمع کشورهای پول واحد اروپایی بمانند.

سین: چون نمی‌خواهند دسترسی به ماشین‌های چاپ یورو را از دست بدهند.

فراتزشر: یونان مورد ویژه‌ای است، اما کشورهای دیگر در مسیر درست هستند. مورد ایرلند نشان داده است که می‌توان بدون ترک یورو اصلاحات سخت‌گیرانه‌تری به اجرا گذاشت و توان رقابت را بهبود بخشید. اسپانیا و پرتغال به زمان نیاز دارند، اما موفق خواهند شد. نباید فراموش کنیم که ۱۰ سال پیش آلمان را کشور بیمار اروپا می‌خواندند. برای ما هم پنج، شش سال طول کشید تا در مسیر بهبود وضعیت اقتصادی‌مان سرعت بگیریم. برای اروپا مهم است که نشان دهد آماده کمک است.

سین: ما تا همین جا کمک زیادی کرده‌ایم و حالا داریم زمان را از دست می‌دهیم. کمک‌ها بسیار گران هستند و

آن روزی را که کشورها امورشان را خود در دست بگیرند به تعویق و تأخیر می‌اندازند. ایرلند اصلاح شد چون زودتر وارد بحران شد و کمکی دریافت نکرد.

اشپیگل: پیشنهاد شما چیست؟

سین: ما به محدودیت‌های بیش‌تری در مورد بودجه خصوصی و عمومی نیاز داریم. کشورهایی که نمی‌توانند از پس این محدودیت‌ها برآیند، باید به‌شان کمک کرد تا از حوزه یورو خارج شوند. باید حوزه یورو را در قالب اتحادیه

پولی‌ای زنده بسازیم، با قواعد و قوانین ساختاری و معین برای ورود و خروج - قواعدی برای وارد شدن به این اتحادیه و خروج از آن. البته که خروج از حوزه یورو آخر دنیا نیست. می‌توان به محض احیا و بهبود اوضاع دوباره به حوزه یورو وارد شد. فراتزشر: به بیکاران در کشورهای بحران‌زده این حرف را بزنید که این که افراد بیش‌تری کار و زندگی‌شان را از دست بدهند آخر دنیا نیست. در دیدگاه من، پیشنهاد شما فقط معایب دارد. در این صورت به بحران ارز خارجی در اروپا باز خواهیم گشت. هزینه‌ها بسیار بالا خواهند بود. به‌ویژه ما آلمان‌ها باید خوشحال باشیم که ریسک نرخ ارز به‌سبب ظهور یورو از بین رفته است.

اشپیگل: پیشنهاد شما در مقابل این پیشنهاد چیست؟

فراتزشر: در این مورد حق با آقای سین است که به قواعد و قوانین شفاف در برخورد با بانک‌های ورشکسته، و نظم و انضباط بیش‌تر بوجه در میان کشورهای عضو، نیاز داریم. به همین خاطر است که از نهادهای قوی‌تر اروپایی، همچون مکانیزم خودمختارتر ثبات اروپا (ESM)، که می‌تواند کشورهایی را که به قواعد و اصول پایبند نیستند تنبیه کند و به نظم درآورند، حمایت می‌کنیم. و به یک دولت واحد اروپایی نیاز داریم که این قواعد مشترک را اجرا کند.

اشپیگل: آیا آلمان از یورو منتفع شده است؟

فراتزشر: بله. ما نفع زیادی برده‌ایم. به‌لطف یورو، تجارت و بازار داخلی در کنار هم رشد بیش‌تری داشته‌اند، و همین مسأله نفع زیادی به شرکت‌های آلمانی رسانده است. وضع امروز ما از تمام دیگر اروپایی بهتر است، چون از پذیرش یورو و گشودن درب‌های اقتصادمان بیش‌تر از هر کشور دیگری سود برده‌ایم.

سین: آلمان دیگر از یورو سود نمی‌برد. در سال ۱۹۹۵، وقتی تصمیم قطعی درباره پذیرش یورو گرفته شد، اقتصاد ما در میان کشورهایی که امروز عضو یورو هستند مقام دوم را به‌لحاظ قدرت سرانه داشت. امروز ما در مقام هفتم هستیم، علی‌رغم رشد انفجاری اقتصادی‌ای که در سه سال گذشته داشته‌ایم. ما مدت‌ها از جریان سرمایه به خارج از آلمان به سمت کشورهای جنوب اروپا رنج برده‌ایم. ما بیکاری گسترده داریم و باید اصلاحات سخت‌گیرانه‌ای پیاده سازیم.

اشپیگل: بهتر نبود اگر آلمان از حوزه یورو خارج می‌شد؟

سین: نه. این‌طور نیست که هر رابطه ناشیوی بدی باید به طلاق بیانجامد. اگر از یورو خارج شویم تمام وام‌های عمومی و خصوصی‌مان را به خطر می‌اندازیم و حتی ممکن است آن‌ها را از دست بدهیم. ما باید یورو را مرمت کنیم، نه این که ترکش کنیم.

فراتزشر: ترجیح می‌دهم اروپایی‌ها را به چشم برادران و خواهران یکدیگر ببینم. همسران می‌توانند همدیگر را انتخاب کنند، اما برادران و خواهران نه. ما اروپایی‌ها باید در کنار هم آینده‌مان را بسازیم، و نمی‌توانیم به خودمان اجازه فراموش کردن گذشته را بدهیم. ما همیشه نزدیک‌ترین شرکای تجاری یکدیگر خواهیم ماند. یورو نقص‌های مادرزادی داشت، در این شکی نیست. اما نباید آن را ترک کنیم. در عوض، باید در پی علاج این نقصان‌ها برآییم.

سین: اتحادیه اروپا ثابت کرده است که منطقه آزاد تجاری کارآمدی است و نیز نیرویی برای اشباع صلح. اما یورو این دست‌آوردها را به خطر انداخته است. نمی‌توانم تصور کنم که لهستان یا جمهوری چک یا سوئد یا بریتانیا در آینده نزدیک به کلوب کشورهای حوزه یورو بپیوندند. شیوه ساخت و بنای امروز یورو، صرفاً تفرقه‌افکن است.

اشپیگل: می‌شود مرمتش کرد؟

سین: بله، اما زیاد خوش‌بین نیستم که آگاهی کافی در میان سیاستمداران وجود داشته باشد.

فراتزشر: من خوش‌بین هستم. ده سال بعد از این، ما کشورهای بیش‌تر در حوزه یورو خواهیم داشت. یورو باثبات‌تر از امروز خواهد بود. ما درس‌های مهمی از بحران خواهیم آموخت. ده سال پس از این، دنیا به ما نگاه خواهد کرد و خواهد گفت: تبریک می‌گوییم، شما از پیش برآمدید.



## سین:

### خروج از حوزه

یورو - در

کنار کاستن از

بدهی‌های بانک‌ها

و دولت‌ها - به

یونان، اسپانیا و

پرتغال فرصتی

برای رقابتی شدن

و بازپرداخت

بدهی‌های

خارجی‌شان

خواهد داد.

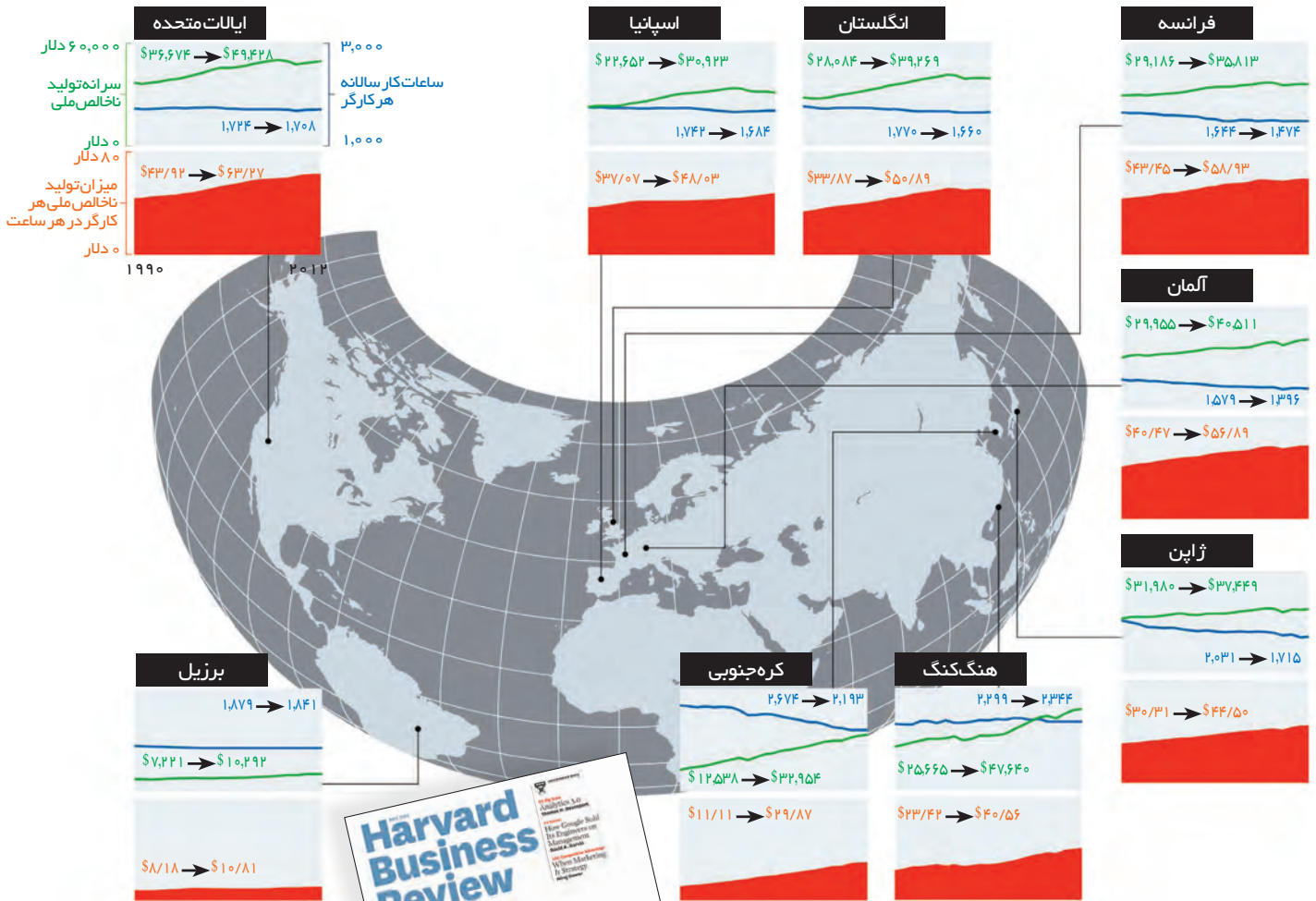


# آیا کار بیشتر منجر به اقتصاد سالم‌تر می‌شود؟

موسسه تحقیقاتی هاروارد بیزنس ریویو بررسی کرد

کنید با فرانسه، که کارگران یک سوم ساعت کمتر کار می‌کنند ولی در هر ساعت دو برابر تولید ناخالص ملی ایجاد می‌کنند. همچنین در حالی که مقدار کل تولید ناخالص ملی کره جنوبی رو به رشد است، تولید ناخالص ملی فرانسه ثابت مانده است. همه ما می‌دانیم که اسپانیا، انگلیستان، ژاپن، و اقتصادهای توسعه یافته دیگر به دوران کساد خورده‌اند. اما حتی برزیل، که یکی از داغ‌ترین بازارهای نوظهور شمرده می‌شود، از سال ۱۹۹۰ تا کنون رشد ناچیزی داشته است. حتی اگر بازار کار سریع‌تر از آنچه پیش‌بینی شده بهبود یابد، بنابر پژوهش‌ها افزایش اندکی برای رشد تولید ناخالص ملی متصور است چرا که افزایش اشتغال با کاهش رشد بهره‌وری نیروی کار خنثی می‌شود.

آیا کار بیشتر منجر به اقتصاد سالم‌تر می‌شود؟ احتمالاً اینگونه نیست. ما می‌دانیم که در حال حاضر سخت‌تر کار می‌کنیم، اما داده‌های متعلق به دو دهه گذشته نشان می‌دهد که این موضوع لزوماً با بهبود سلامت اقتصاد ملی در ارتباط نیست. تمرکز بر روی رشد بهره‌وری، به ویژه در مورد اقتصاد کشورهای توسعه یافته، به افزایش میزان سهم در تولید ناخالص ملی که هر کارگر در هر ساعت ایجاد می‌کند منجر شده است (نمودارهای نارنجی رنگ) اما این روند لزوماً در جهت افزایش مقدار کل تولید ناخالص ملی نیست (خطوط سبز رنگ). برای مثال، در کره جنوبی، هر کارگر، به طور میانگین، حدود ۲،۲۰۰ ساعت در سال کار می‌کند (خطوط آبی رنگ)، و در هر ساعت ۳۰ دلار به ارزش تولید ناخالص ملی کشورش اضافه می‌کند. حال مقایسه



# چشم‌انداز اقتصاد جهان در ۲۰۱۴

به روایت مجمع جهانی اقتصاد داووس

ترجمه: بابک واحدی

از آن چه پیش‌روست در ذهن آورند. برای پیش‌گویی تغییراتی که در سال ۲۰۱۴ انتظارمان را می‌کشند از اعضای شبکه عظیم «شوراهای برنامه جهانی» خواسته‌ایم مسائلی را که در ۱۲ تا ۱۸ ماه آینده بیش‌ترین تأثیر را در جهان خواهند گذاشت تشخیص دهند و اولویت‌بندی کنند. با استفاده از ابزار انتخابی پیمایش، به ۱۰ روند برتر جهانی رسیدیم.

این‌که بدانیم باید مراقب کدام روندها باشیم، نخستین گام است. گامی در این مسیر که بدانیم آماده رویارویی شدن را باید از کجا آغاز کنیم؟

تنش‌ها در خاورمیانه؛ بالا رفتن سطح رفاه؛ انطباق با تغییرات آب‌وهوایی؛ دولت‌های فلج‌شده؛ شهرهای نوآور؛ جهان سریع‌تر از هر زمان دیگری در حال تغییر است. ما به روش‌هایی با یک‌دیگر مرتبط هستیم که تا یک نسل پیش از ما غیرممکن تلقی می‌شد، و حالا این ارتباط پتانسیل عظیمی را آزاد کرده است اما هم‌زمان نهادهای مان را دچار فرسایشی شدید کرده. اگر بخواهیم به‌طور کارآمد با چالش‌هایی که پیش‌روی کره زمین هستند روبه‌رو شویم، تصمیم‌گیرندگان باید با سرعت این تغییر همراه باشند و تصویری

# روندهای ۲۰۱۴

## به ترتیب اهمیت جهانی

۴,۰۷	افزایش تنش‌های اجتماعی در خاور میانه و شمال آفریقا	۱
۴,۰۲	تعمیق شکاف نابرابری درآمدی	۲
۳,۹۷	بیکاری ساختاری پایدار	۳
۳,۹۳	تشدید تهدیدهای سایبری	۴
۳,۸۱	عدم اقدام در مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی	۵
۳,۷۹	محوشدن اعتماد به سیاست‌های اقتصادی	۶
۳,۷۶	فقدان ارزش‌های رهبری	۷
۳,۷۵	بسط طبقه متوسط در آسیا	۸
۳,۴۸	اهمیت فزاینده کلان‌شهرها	۹
۳,۳۵	گسترش سریع اطلاعات نادرست در فضای آن‌لاین	۱۰

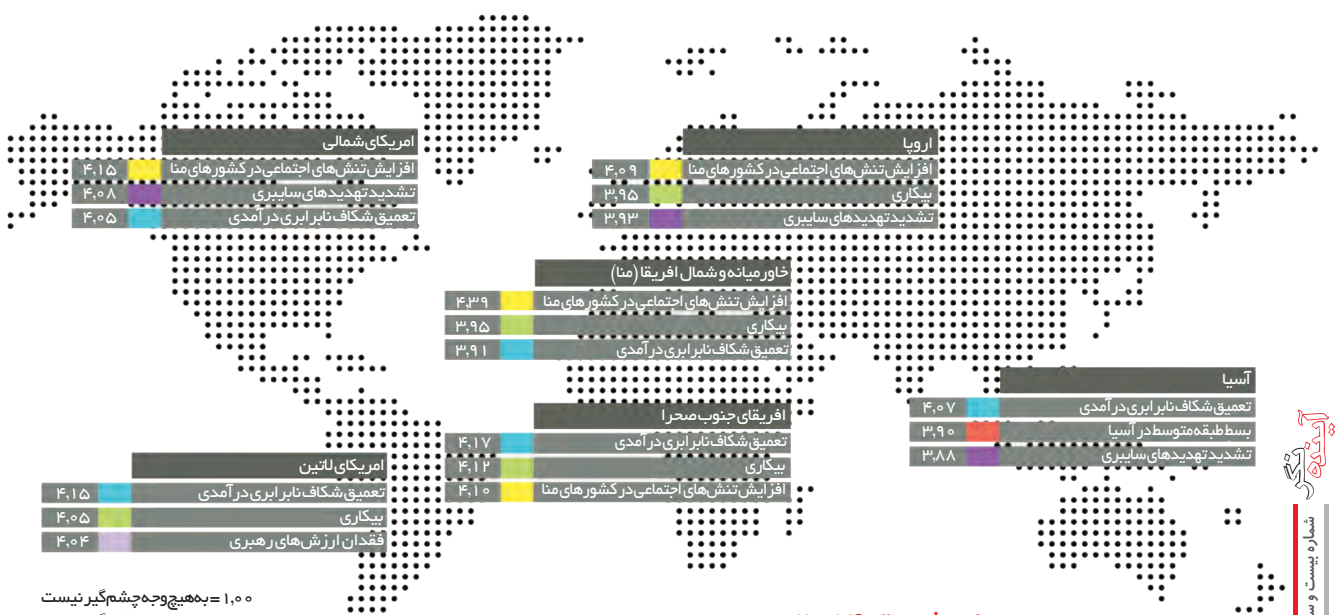
# آینده دنیای پیچیده

در زمانه تغییرات بی‌سابقه  
چطور می‌توان برای سال پیش‌رو آماده شد؟

مادر دنیایی پیچیده زندگی می‌کنیم که به سرعت در حال تغییر است و به شدت در هم پیچیده. تکنولوژی‌های نو، دگرگونی‌های جمعیتی و جوامع در حال دگر دینی چهره‌های دیگر به دنیا می‌دهند و آثار و نتایج گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر جای می‌گذارند. رهبران جهان امروزه، بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، برای هدایت موفق کشورها، سازمان‌ها و جوامع به اطلاعات و درک بهتر نیاز دارند. شبکه شوراهای برنامه جهانی برای پرورش درک و همکاری بیشتر تر پیرامون مسائل زمانه مایجاد شده است. هدایت هر یک از ۸۶ کشور را برترین کارشناسان و اندیشمندان بین رهبران از سراسر جهان بر عهده دارند، کسانی که نه تنها به دست آوردهای فکری منحصر به فردشان شهرت دارند، بلکه با تعهدشان به همکاری در جست‌وجوی راه‌حل‌های نو شناخته می‌شوند. گزارش اصلی این شبکه، چشم‌انداز برنامه جهانی ۲۰۱۴، چشم‌انداز کارشناسی و برتر شوراهای برنامه جهانی را درباره چالش‌ها و فرصت‌های ۱۲ تا ۱۸ سال آینده ارائه می‌کند. گزارشی اجمالی از دنیا که پیش‌روترین شبکه اندیشمندان جهان و قوای ذهنی جمعی‌شان را به کار می‌بندد تا مهم‌ترین مسائلی را که در یک سال آینده پیش روی ما مردم جهان خواهند بود بررسی کنند. برای درک بهتر پیچیدگی این مسائل، گزارش چشم‌انداز دیدگاه‌ها و تحلیل‌هایی از برخی چالش‌های خاص منطقه‌ای ارائه می‌کند، که دیدگاه و اندیشه مختلف طرف‌های متفاوت حائز منافع و نسل آینده را نشان می‌دهند. این گزارش پرده از ارتباطات میان مسائل برمی‌دارد و بعضی از پرسش‌های ویژه و مهمی را که کارشناسان ما با آن‌ها دست‌به‌گریبان می‌شوند به بحث و بررسی می‌گذارد، و سرآخر، مسائل و تکنولوژی‌های نوظهور یا در حال ظهوری را که دنیای آینده را شکل خواهند داد از نظر می‌گذرانند. انتشار گزارش چشم‌انداز بسیار زمان‌بر است، زیرا که داده‌های اولیه اجلاس برنامه جهانی را، که از ۱۸ تا ۲۰ نوامبر ۲۰۱۳ در ابوظبی برگزار شد، فراهم می‌آورد. اجلاسی که اعضای شبکه شوراهای برنامه جهانی را گرد هم آورد تا درباره یافته‌های شان به بحث بنشینند و در کنار هم پیشنهادهایی برای اجلاس سالانه مجمع جهانی اقتصاد در داووس و دیگر فعالیت‌های مرتبط مجمع ارائه کنند. ما معتقدیم که گزارش چشم‌انداز برای مدیران و رهبرانی که می‌خواهند در درک مسائل مهم جهان از دیگران پیشی بگیرند بسیار مفید خواهد بود.



کلاوس شواب  
مدیر اجرایی  
داووس



۱,۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست  
 ۲,۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
 ۳,۰۰ = تا حدی چشم‌گیر  
 ۴,۰۰ = بسیار چشم‌گیر  
 ۵,۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
 منبع: بیمایش گزارش برنامه جهانی ۲۰۱۳

روندهای برتر ۲۰۱۴  
به تفکیک منطقه

## پیش بینی از چهار گوشه جهان



■ مارتینا گومر  
رئیس شبکه  
شوراهای برنامه  
جهتی

ما آراء و اندیشه‌های شبکه شوراهای برنامه جهانی مان را گرد آورده‌ایم تا ببینیم ۱۲ ماه آینده برای مان چه در آستین دارد؛ اما صرفاً از کارشناسان خود نخواهیم که در گوی‌های آینده بین‌شان نگاه اندازند و از آینده خبر بدهند. در عوض، با مشارکت دانشکده کسبو کار سعید در دانشگاه آکسفورد پیمایش خود در گزارش برنامه جهانی را از نو طراحی کرده‌ایم، و با همکاری مرکز تحقیقات پیومهم‌ترین و عاجل‌ترین مسائل سال پیش رو را شناسایی کرده‌ایم. با استفاده از این روش، ما دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بیش از ۱۵۰۰ کارشناس جهان در حوزه‌های حکومت‌داری،

کسبو کار، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی گرد آورده‌ایم. اکثریت پاسخ‌دهندگان به پیمایش ما از اعضای شبکه بوده‌اند، اما می‌خواستیم دیدگاه و چشم‌اندازی را که جوانان جهان از آینده دارند هم به بررسی مان افزوده شود، این بود که برای نخستین بار از گروه «شکل‌دهندگان جهان» و «رهبران جوان جهان» (جوانانی که دنیای فردا را در گون می‌سازند) دعوت به هم‌کاری کردیم.

پس از آن از میان داده‌هایی که جمع کردیم، مهم‌ترین و جالب‌ترین مضمون‌ها و روندها را برگزیدیم، و آن‌ها را در بستر تحقیقات مان در کنار یادداشت‌هایی از بعضی از زیرک‌ترین و خردمندترین اندیشمندان جامعه مان قرار دادیم. در این گزارش، ما ۱۰ روند بزرگ سال پیش رو را از نظر گذرانده‌ایم (آن‌چه می‌خوانید خلاصه‌ای از این گزارش و گزیده‌ای از این ده روند است - آینده‌نگر، سیر این روندها را در جهان و منطقه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار داده‌ایم، تحولات نوبی را که در اقتصاد آینده جهان جایگاهی مهم می‌یابند بررسی کرده‌ایم، و نگاهی به پیشرفت‌های تکنولوژی یک ده دنیا را تغییر خواهند داد انداخته‌ایم. امیدواریم نتایج تحقیقات ما برای تان قانع‌کننده و تأمل‌برانگیز باشد. چشم‌انداز سال ۲۰۱۴ بسیار پیچیده است. قریب به اتفاق کارشناسان ما معتقد هستند که تنش‌های فزاینده اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) روند تحول جهان در ۲۰۱۴ را تعریف و تعیین خواهند کرد، در کنار افزایش نابرابری و بیکاری. کارشناسانی که به پرسش‌های ما پاسخ داده‌اند از وضعیت همکاری جهانیان در رویارویی با چالش‌های بزرگی چون تغییرات آب‌وهوایی، بیکاری جوانان و فقر نیز ابراز نارضایتی کرده‌اند. اما در نیمه پر لیوان، درباره آینده خوش بین هستند و از توانایی انسان در پرداختن به مسائل نوظهور در بیوتکنولوژی، جاسوسی، امنیت انرژی و بسیاری مسائل دیگر، گزارش چشم‌انداز موفقیت خود را مدیون توانایی‌های شگرف و خلاقیت بی‌مثال اعضای شوراهای برنامه جهانی است، و نهایت قدرت‌دانی ما متوجه آن‌هاست.

## آینده چراغ راه آینده



■ درو گیلپین  
فائوست  
رئیس‌دانشگاه  
هاروارد

مورخان بیش تر عادت دارند که به گذشته نگاه کنند تا آینده را پیش‌بینی کنند. اما در چالش‌های پیش روی دنیا که در صفحات بعدی نمایان شده‌اند نگاه که می‌کنم، الگویی می‌بینم که تمرکز اصلی کار من در سال‌های اخیر در مقام رئیس یک دانشگاه تحقیقاتی بر آن بوده است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که دانش اهمیت زیادی در پرداختن به اصلی‌ترین مشکلات جهان دارد، حال که تکنولوژی هم‌زمان فرصت‌هایی حیرت‌آور و چله‌جایی‌های چشم‌گیر به ارمغان می‌آورد، حال که نیروهای جهانی بیش از پیش زندگی و کار ما را در گون می‌سازند. در هاروارد و

دیگر دانشگاه‌های تحقیقاتی سراسر جهان، محیط دانشگاه بیش از پیش مملو از همکاری است، زیرا که بهترین پاسخ‌ها به پرسش‌های پیچیده معمولاً مستلزم جمع چشم‌اندازهای کارشناسانی از حوزه‌های متفاوت اما مکمل هم است.

چیزی که حیرت‌رادر خواندن موضوعات بررسی شده در این گزارش برانگیخت، میزان ارتباط و درهم‌پیچیدگی بسیاری از این چالش‌ها به طریقی بسیار پیچیده بود که در نظر اول نمی‌شد به آن پی برد. برای نمونه، کم‌تر کسانی شک دارند که تغییرات آب‌وهوایی در سال ۲۰۱۴ نگرانی بزرگی خواهد بود، و نیز تنش‌های فزاینده سیاسی اجتماعی در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا. اما انگشت‌شمارند کسانی که درمی‌یابند یکی از عواملی و خامت روزافزون اوضاع در سوریه خشک‌سالی است که از تغییر الگوهای آب‌وهوایی در منطقه حاصل شده. به‌طریق مشابه، بسط و گسترش کلان شهرها تحت تأثیر بالا رفتن سطح آب دریاها و دیگر چالش‌های آب‌وهوایی است. و مسأله استقلال انرژی و تأثیری که استخراج گاز طبیعی در ایالات متحد می‌تواند بر تصمیمات سیاسی در خاور میانه بگذارد.

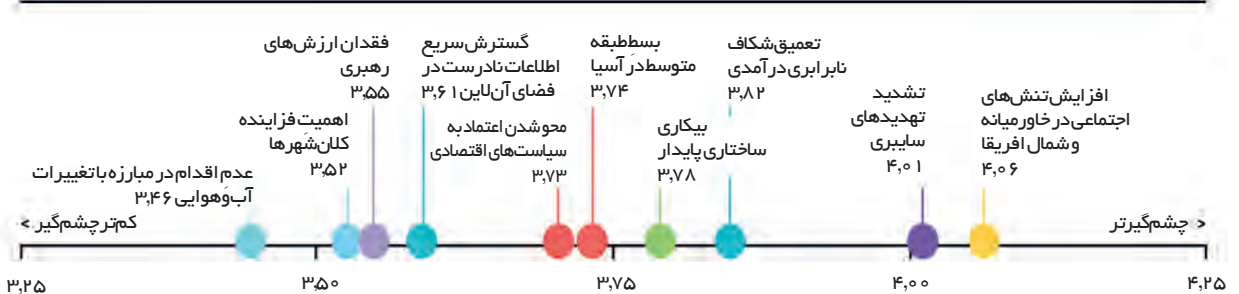
ماهیت روز به روز درهم‌پیچیده‌تر مهم‌ترین مشکلات دنیا نیاز به رویکردهایی نو در یافتن راه‌حل‌های این مشکلات را نشان می‌دهد. حوزه‌های سنتی اندیشه در حال تغییر و نزدیک شدن به هم هستند تا به پرسش‌های پیچیده‌ای که پیش روی جامعه جهانی شده ما هستند پاسخ دهند، هم‌زمان که سازمان‌هایی چون مجمع جهانی اقتصاد و شوراهای برنامه جهانی‌اش پیشروان و رهبران فکر و اندیشه را از طیف وسیعی از حوزه‌ها گرد هم می‌آورند تا چشم‌اندازهای تازه‌ای به بزرگ‌ترین فرصت‌های آینده ارائه دهند.

به آینده که نگاه می‌کنیم، باید خوش بین باشیم که این روحیه فزاینده از همکاری میان حوزه‌های مختلف و فراسوی مرزها ما را قادر خواهد ساخت که با چالش‌های ۲۰۱۴ روبه‌رو شویم، و از پس آن‌ها برآییم.



ماهیت درهم پیچیده‌مهم‌ترین مشکلات دنیا نیاز به رویکردهایی نو در یافتن راه‌حل‌های این مشکلات را نشان می‌دهد. حوزه‌های سنتی اندیشه در حال تغییر و نزدیک شدن به هم هستند تا به پرسش‌های پیچیده‌ای که پیش روی جامعه جهانی شده ما هستند پاسخ دهند.

### روندهای جهان در ۱۸ ماه آینده تا چه حد اهمیت و رشد خواهند یافت؟



۱۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست  
۲۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
۳۰۰ = تا حدی چشم‌گیر  
۴۰۰ = بسیار چشم‌گیر  
۵۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
منبع: پیمایش گزارش برنامه جهانی ۲۰۱۳

# تعمیق شکاف نابرابری در آمدی

ضروری و حیاتی است که راه‌حل‌های تازه‌ای برای رویارویی با دلایل و نتایج نابرابری روبه‌رشد جهان بیابیم



**هelen دی. گیل**  
عضو شورای فقر و توسعه پایدار برنامه جهانی

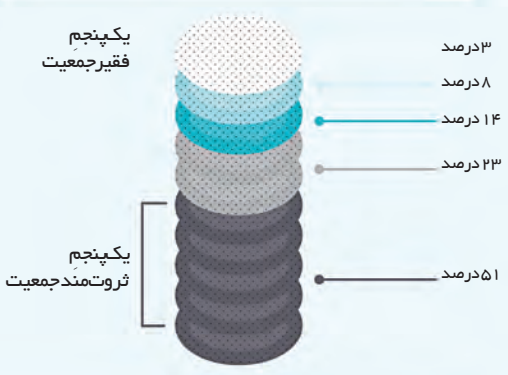
## از نگاه آمار

### نابرابری در امریکا

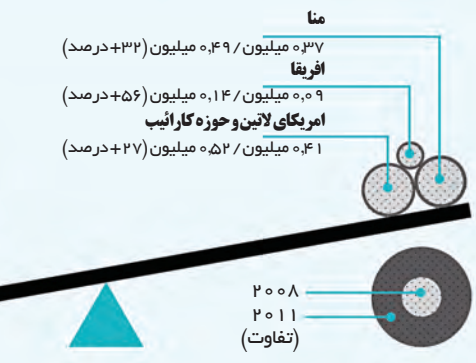
## افزایش نابرابری در نظر مردم امریکای شمالی مهم‌ترین چالش پیش‌روی منطقه‌شان است

منبع: پیمایش برنامه جهانی ۲۰۱۳

### در صد کل در آمد امریکا به تفکیک خانوار



منبع: سرشماری ایالات متحده



منبع: گزارش ثروت جهانی کیپ‌کینی، ۲۰۱۳

تلویزیون تان را که روشن کنید شاهد اعتراضات بی‌سابقه، قیام‌های تاریخی، و شورش در خیابان‌هایی خواهید بود که زمانی آرام و بی‌سروصدا بودند؛ شکی نیست که رشد نابرابری در درآمدها مسأله‌ای مهم است. و دنیا می‌خواهد از آن بیش‌تر بداند؛ پیمایش امسال برنامه جهانی نشان داده است که از بین ۱۰ روند برتر، پاسخ‌دهندگان بیش‌تر از هر چیز نگران و ناراضی از پوشش خبری‌ای بوده‌اند که رسانه‌ها در زمینه نابرابری در آمدی ارائه کرده‌اند. تعمیق شکاف نابرابری ثروت بر تمام ابعاد زندگی ما تأثیر می‌گذارد. این مسأله به ثبات اجتماعی در داخل کشورها آسیب می‌زند و امنیت را در سطح جهانی تهدید می‌کند، و با نگاه به سال ۲۰۱۴، ضروری و حیاتی می‌نماید که راه‌حل‌های نوبی برای رویارویی با دلایل و عواقب نابرابر شدن جهان بیابیم. زمانی ما تمرکزمان را بر کشورهای گذاشته بودیم که در پایین‌ترین پله‌های ترقی اقتصادی بودند؛ کشورهایی که بیش‌تر مردمان‌شان در فقر شدید روزگار می‌گذرانند. اما حالا شاهد رشد تعداد فقرا در کشورهای هستیم که در ده در آمد متوسط قرار دارند. علی‌رغم رشد کلان اقتصاد، اقشار بزرگی از شهروندان این کشورها پشت‌سر رها شده‌اند. نابرابری در آمدی ماهیت کار ما را تغییر داده است، و حالا به فقر در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور، که بخش کوچکی از جمعیت‌شان از مزایا و منافع بی‌سابقه اقتصادی بهره‌مند شده‌اند، در حالی که بسیاری از طبقه متوسط به جمع فقرا بیرون افتاده‌اند، هم می‌پردازیم.

اثرات رشد نابرابری در آمدی در کشورهای بزرگ در صحنه جهانی هم دیده می‌شود، از بازارهای نوظهور عظیمی چون چین و هند گرفته تا کشورهای توسعه یافته غرب؛ طبق یافته‌های پیمایش حاضر، افزایش نابرابری مهم‌ترین چالشی است که امریکای شمالی را تهدید می‌کند. ثروت باورنکردنی‌ای که در دهه گذشته در ایالات متحده پدید آمد به جیب بخش‌های کوچک و کوچک‌تری از جمعیت سرازیر شده است، و ریشه این نابرابری در این کشورها مشابه سرچشمه آن در کشورهای در حال توسعه است. نخستین این علت‌ها فقدان دسترسی به تحصیلات سطح بالای ابتدایی و راهنمایی برای تمام بخش‌های جامعه است. افزون بر این، تحصیل در کالج‌های ایالات متحده آن قدر گران شده است که طبقه متوسط دیگر توان فرستادن فرزندان خود به کالج را ندارد؛ تحصیلات عالی هم، که زمانی ابزار مهمی در ایجاد برابری تصور می‌شد و محرک‌های برای تحرک



ثروت باورنکردنی‌ای که در دهه گذشته در ایالات متحده پدید آمد به جیب بخش‌های کوچک و کوچک‌تری از جمعیت سرازیر شده است، و ریشه این نابرابری در این کشورها مشابه سرچشمه آن در کشورهای در حال توسعه است.





### درصد کسانی که می‌گویند نظام اقتصادی کشورشان به‌نفع ثروت‌مندان است



### میزان رضایت از توجه رسانه‌ها و کسب‌وکارها به ۱۰۰ روندتر

کسب‌وکار	رسانه
۳,۱۴	افزایش تنش‌های اجتماعی در منا (MENA)
۲,۷۱	بسط طبقه متوسط در آسیا
۲,۶۰	تشدید تهدیدهای سایبری
۲,۴۷	اهمیت فزاینده کلان‌شهرها
۲,۴۵	محو شدن اعتماد به سیاست‌های اقتصادی
۲,۳۷	عدم اقدام در مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی
۲,۲۶	بیکاری ساختاری پایدار
۲,۲۳	گسترش سریع اطلاعات نادرست در فضای آنلاین
۲,۰۹	فقدان ارزش‌های رهبری
۱,۹۶	تعمیق شکاف نابرابری درآمدی

### رشد تعداد افرادی که ارزش‌های بالایی دارند

آسیا و اقیانوسیه
۲,۴ میلیون / ۳,۶۸ میلیون (+۵۳ درصد)
آمریکای شمالی
۲,۶۷ میلیون / ۳,۳۷ میلیون (+۲۶ درصد)
اروپا
۲,۶۲ میلیون / ۳,۴۱ میلیون (+۳۰ درصد)

اقتصادی، دیگر از استطاعت بسیاری خارج شده است. بیماری‌های مزمن، همچون بیماری‌های قلب و دیابت، که با رژیم غذایی نامناسب و فقدان ورزش مرتبط هستند، عوامل اصلی مرگ و میر و بیماری در ایالات متحده محسوب می‌شوند. باین حال، «بیابان‌های غذایی» ای ایجاد شده‌اند که یافتن میوه و سبزیجات تازه به‌قیمت مناسب در آن‌ها غیرممکن است و مردم چاره‌ای جز مصرف غذای پرکالری عاری از ارزش غذایی ندارند. در بسیاری از این جوامع خیابان‌ها چراغ ندارند، و امنیت لازم برای ورزش بیرون از خانه وجود ندارد، و پی برده‌ایم که حل مشکل نابرابری‌های اجتماعی در میان محله‌های مختلف همان قدر اهمیت دارد که دسترسی به خدمات درمان. حال که مردم سراسر جهان روز به روز تحصیلات، درآمد و سلامت‌شان را بیش‌تر و بیش‌تر در خطر می‌بینند، جنبشی پیرامون مسأله تعمیق نابرابری درآمدی شکل می‌گیرد. ناآرامی‌هایی که با شوق تغییر از رهبری سیاسی به رهبری دیگر در گرفته‌اند نمایشی از نگرانی‌های مردم درباره نیازهای اولیه‌شان هستند. و این جوان‌ها هستند که بیش‌ترین تمایل را به آشوب در خیابان‌ها نشان می‌دهند، چون گمان می‌کنند هیچ چیز برای از دست دادن ندارند. بسیاری از جوانانی که مدرک دانشگاهی دارند از یافتن کار عاجزند و در برخی کشورها بیش از ۵۰ درصد جوانان بی‌کار هستند. در یک دهه آینده، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که بیش‌تر جمعیت‌شان بالای ۳۰ سال دارند، نبود دسترسی به شغل خطر ناآرامی و نزاع‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش خواهد داد.

برای مبارزه با نابرابری درآمدی، ضروری است که فقر را به شیوه‌ای جمعی و همگانی که تأثیرات بلندمدت دارد از بین ببریم. باید این ظرفیت و توانایی را به مردم بدهیم که به استقبال چالش‌ها بروند و مهارت‌هایی را که برای ساختن آینده پررونق‌تر لازم دارند بیاموزند.

برای مبارزه با نابرابری درآمدی، ضروری است که فقر را به شیوه‌ای جمعی و همگانی که تأثیرات بلندمدت دارد از بین ببریم. باید این ظرفیت و توانایی را به مردم بدهیم که انعطاف‌پذیر بشوند، که به استقبال چالش‌ها بروند و مهارت‌هایی را که برای ساختن آینده پررونق‌تر لازم دارند بیاموزند. همچنین باید دیدمان را وسعت بیشتر دهیم و به نابرابری‌های اجتماعی همچون تبعیض جنسیتی هم بپردازیم، به زنان و دخترانی که به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر فقر قرار گرفته‌اند. زنان و دخترانی که بزرگ‌ترین تغییرات را برای جوامع به‌ارمغان خواهند آورد. به‌مدد ابتکار عمل استراتژیک و اراده سیاسی، باید بیش‌تر و بیش‌تر جلوی غلتیدن همسایگان مان در مغاک فقر را بگیریم و در عوض به نسل‌های آینده فرصتی را که برای بهره‌گیری از نهایت ظرفیت و استعدادشان نیاز دارند بدهیم.

۱,۰۰ = به‌هیچ‌وجه چشم‌گیر نیست = ۲,۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
 ۳,۰۰ = تاحدی چشم‌گیر = ۴,۰۰ = بسیار چشم‌گیر = ۵,۰۰ = بشدت چشم‌گیر  
 منبع: پیمایش گزارش بر نامه جهانی ۲۰۱۳

# بیکاری ساختاری پایدار

آموزش مدام در جهانی که مدام در حال تغییر است، تنها راه مبارزه با بیکاری است



■ اس. دی. شیبولال

مدیرعامل  
اینفوسیس  
و عضو شورای  
چندملیتی‌های  
نوظهور برنامه جهانی



جهانی‌سازی تا  
همین جای کار  
منافع بسیاری  
نصیب ما کرده  
است. فقط در  
هند، میلیون‌ها  
شغل ایجاد شده و  
طبقه متوسط از  
۳۰ میلیون نفر به  
۳۰۰ میلیون نفر  
افزایش یافته است.

جهان سرانجام از خوابی دیرین برخاسته و چشمش را به روی مشکل بیکاری ساختاری و پایدار گشوده است. اتفاق نظر در این باره که، اگر به بیکاری مزمن نپردازیم، ناآرامی‌های اجتماعی بیش از پیش تشدید خواهد شد، روز به روز بیش تر و همه گیر تر می شود. مردم، به ویژه جوانان، باید مشاغل خلاق داشته باشند و بهره‌ور شوند، وگرنه شاهد افزایش نرخ جرم، رکود اقتصادی و از هم گسیختگی شالوده اجتماعی مان خواهیم بود.

این حقیقت که دولت‌ها و کسب و کارها بر این نگرانی‌ها مهر تأیید می‌گذارند دلیل خوبی برای خوش‌بینی است، به ویژه در غرب. تازه‌ترین داده‌های مرکز تحقیقات پیو نشان از این دارد که وقتی از مردم امریکای شمالی و اروپا پرسیده می‌شود که دولت‌های‌شان باید چه مسائلی را در اولویت قرار دهند، فقدان فرصت‌های شغلی مرتباً در رده نخست فهرست قرار می‌گیرد. اما برای ایجاد تغییر باید نوآوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مناسبی را دنبال این پذیرش و آگاهی از مشکل ایجاد کنیم، و وراثت‌ها در سراسر جهان برای حل آن بکوشیم. این مشکلی ملی نیست، پس ضروری است که دولت‌ها و بخش خصوصی دیدگاهی جهانی از بیکاری به دست آورند و در برابر تمایلات معطوف به سیاست‌های حمایت از تولید داخل مقاومت کنند.

در این معنا، جهانی‌سازی تا همین جای کار منافع بسیاری نصیب ما کرده است. فقط در هند، میلیون‌ها شغل ایجاد شده و طبقه متوسط در طول عمر من از ۳۰ میلیون نفر به ۳۰۰ میلیون نفر افزایش یافته است. بخش فن‌آوری اطلاعات، که من در آن مشغول به کار هستم، به ۲،۲ میلیون نفر به‌طور مستقیم و ۸ میلیون نفر به‌طور غیر مستقیم کار داده است. این شروع خوبی است، اما در کشوری با ۱،۲ میلیارد جمعیت که حدود ۱۱ میلیون بیکار دارد، قطره‌ای در اقیانوس محسوب می‌شود.

دولت‌ها باید ساختارهایی قانونی ایجاد کنند که اشتغال را تشویق و ثبات اقتصادی را تضمین می‌کنند، و نخست شرکت‌ها را تشویق به ایجاد اشتغال و پس از آن سرمایه‌گذاری در پرورش کارکنان‌شان کنند. این سرمایه‌گذاری حیاتی و اساسی است، زیرا مردم دیگر انتظار ندارند که تمام عمر شاغل باشند؛ کسی که امروز می‌توان برای کاری به‌خدمت‌گرفت، شاید چهار سال دیگر برای آن کار صلاحیت نداشته باشد، مگر این که کارفرما خودش در آموزش و پرورش او سرمایه‌گذاری کند. کارگران امروز در محیطی جهانی در رقابت هستند

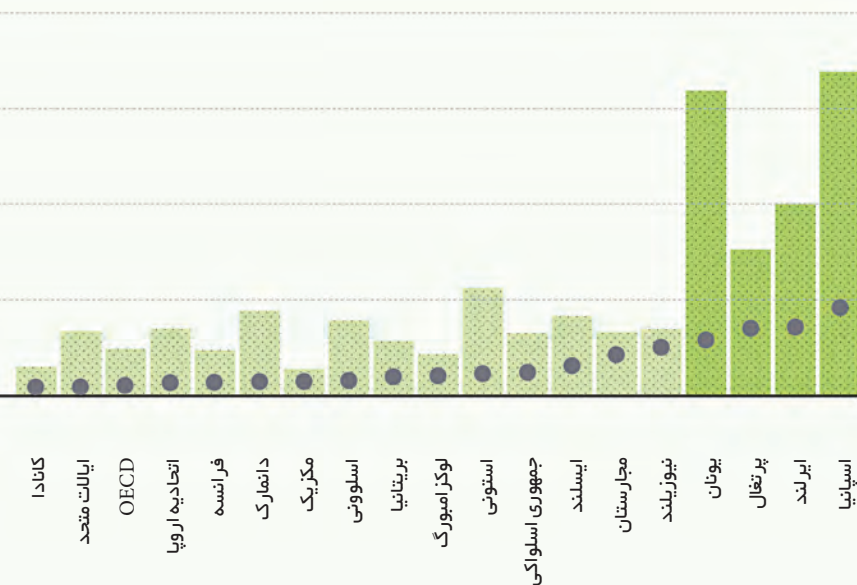
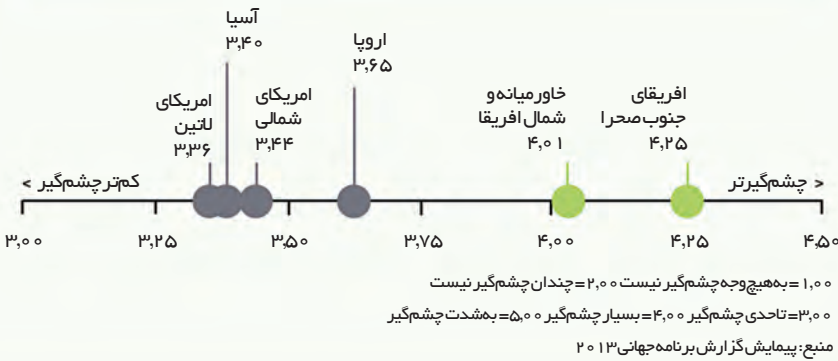
## از نگاه آمار

بیکاری:  
مسأله‌ای جهانی

## بیکاری، و به‌ویژه بیکاری جوانان، دومین مسأله مهم جهان در نظر عموم است

منبع:  
پیمایش برنامه جهانی ۲۰۱۳

به‌نظر شما  
بیکاری ساختاری در منطقه شما چه قدر چشم‌گیر و مهم است؟





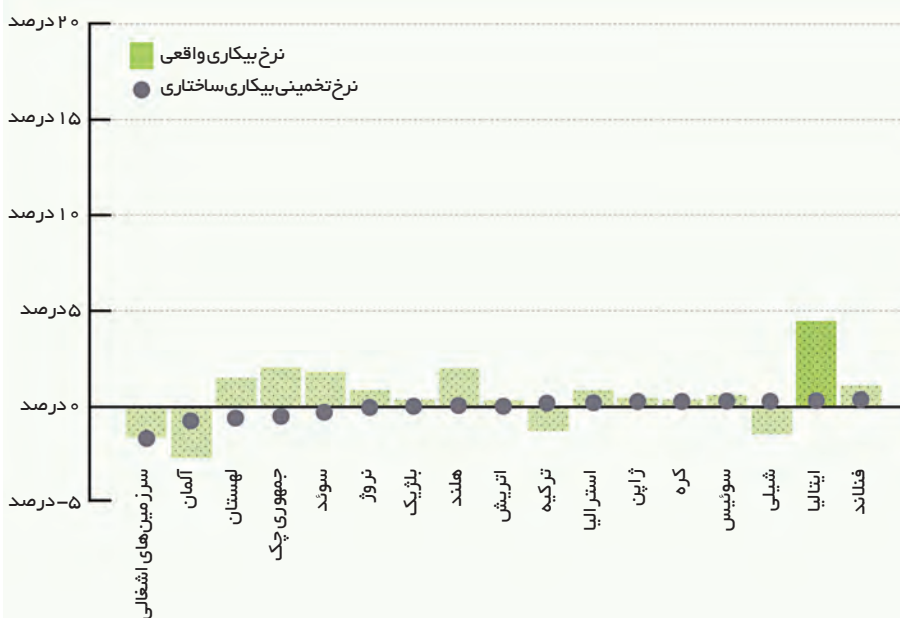


### در صد کسانی که می‌گویند بیکاری ساختاری باید اولویت نخست دولت‌هایشان باشد



منبع: پیمایش برنامه جهانی ۲۰۱۳؛ پاسخ دهندگان از میان نبود فرصت‌های شغلی؛ بدهی دولتی؛ افزایش قیمت‌ها و شکاف میان غنی و فقیر، دست به انتخاب زدند. این پیمایش با همکاری مرکز تحقیقات پیو انجام شد.

### تغییرات در بیکاری ساختاری جهان (سه ماهه چهارم ۲۰۰۷ - سه ماهه دوم ۲۰۱۲)



و این یعنی که نیاز به تحصیلات مناسب، آموختن مهارت‌های جدید و فرصت‌های آموزش مجدد دارند. راه‌حل‌های مقابله با این مسأله از منطقه‌ای به منطقه دیگر در جهان متفاوت هستند. امریکا از بیکاری ۸ و نیم درصد می‌گوید، اما در بخش تکنولوژی بیکاری فقط ۳ و نیم درصد است، پس در این بخش فرصت‌هایی برای ایجاد شغل‌های بیش‌تر و آموزش افراد بیش‌تر وجود دارد. در سوی دیگر، اروپا با کمبود شدید استعداد و نبوغ در حوزه خدمات در مان مواجه است، بخشی که همیشه ضروری و مورد نیاز خواهد ماند.

چالش منحصربه‌فرد هند در این زمینه بر این اساس استوار است که با در نظر گرفتن جمعیت این کشور، هر راه‌حلی باید در مقیاسی وسیع و عظیم اجرا شود. شاید هر سال ۳ میلیون فارغ‌التحصیل داشته باشیم، که یک میلیون نفرشان مهندس هستند، اما فقط ۲۵ درصد از این افراد را شایسته استخدام می‌دانند. دیگران به آموزش‌های بیش‌تر نیاز دارند تا آماده ورود به صنعت شوند. در عین حال، حدود ۱۶ میلیون کودک هندی اصلاً مدرسه نمی‌روند. هند سخت در تقلاي حل این مشکلات است، اما نتایج در بلندمدت آشکار خواهند شد.

در این جاست که من پتانسیلی از نوآوری می‌بینم. کسب‌کارها و شرکت‌ها باید، با آموزش و نظارت بر جوانان در نقش‌هایی که فرصت‌های شغلی به ارمان می‌آورند و در نهایت استخدام آن‌ها در نقش‌های دائم، یا دست‌کم کمک به آن‌ها برای یافتن جایگاهی در شرکتی دیگر، در مبارزه علیه بیکاری جوانان وارد شوند. به عقیده من این مسئولیت بر گردن ماست که فرصت‌هایی این چنین را پدید آوریم. عموماً انگشت اتهام را در بیکاری سوی تکنولوژی و کارایی‌ای که پدید می‌آورد می‌گیرند، اما شغل‌ها از بین نمی‌روند. بلکه تحول و تکامل می‌یابند. زیان در یک بخش عموماً به معنای عایدی در بخشی دیگر است؛ برای نمونه در فرودگاه‌ها دیگر کیوسک‌های خودکار مدارک مسافران را چک می‌کنند. این شاید از دست رفتن شغل یک مأمور کنترل فرودگاه باشد، اما هزاران نفر برای ساختن آن نرم‌افزار کنترل کار کرده‌اند.

ما همه پاسداران ثروت اجتماعی هستیم. هیچ موسسه یا سازمانی نمی‌تواند این کار را به تنهایی انجام دهد. این جاست که سازمان‌هایی چون مجمع جهانی اقتصاد می‌تواند به کمک آید، با ایجاد بستری جهانی برای به اشتراک گذاشتن آراء و نوآوری‌ها. این سفری طولانی خواهد بود، اما اگر در کنار هم باشیم در چشم‌انداز جز پیشرفت چیزی دیده نمی‌شود.

عموماً انگشت اتهام را در بیکاری سوی تکنولوژی و کارایی‌ای که پدید می‌آورد می‌گیرند، اما شغل‌ها از بین نمی‌روند، بلکه تحول و تکامل می‌یابند. زیان در یک بخش عموماً به معنای عایدی در بخشی دیگر است.



# از بین رفتن اعتماد به سیاست‌های اقتصادی

باید از تمام پتانسیل سازمان‌ها و بیمن‌های بین‌المللی بهره‌گیری کنیم تا چون گذشته از بروز بحران شکست‌زده نشویم



**جان لیبسکی**  
رئیس‌شورای  
نظام‌های پولی  
بین‌المللی برنامہ  
جهانی



عجیب نیست  
که ۱۰ درصد  
از کسانی که به  
پیمایش برنامہ  
جهانی پاسخ  
داده‌اند مشکلات  
اقتصادی یا  
مسائل مالی را  
مهم‌ترین مسأله  
در حال ظهور سال  
۲۰۱۴ دانسته‌اند.  
درواقع، عجیب این  
است که درصد  
بیش‌تری بر این  
عقیده نبودند.

کاملاً واضح است که مردم اعتمادشان را به سیاست‌های اقتصادی امروز از دست داده‌اند؛ فقط کافی است نگاهی به کمبود سرمایه‌گذاری‌های تازه و نرخ‌های پایین بازاشتغالی در اقتصادهای پس از بحران تمام کشورهای توسعه‌یافته جهان ببیند؛ این واقعیت شوم است. لذا عجیب نیست که ۱۰ درصد از کسانی که به پیمایش برنامہ جهانی پاسخ داده‌اند مشکلات اقتصادی یا مسائل مالی را مهم‌ترین مسأله در حال ظهور سال ۲۰۱۴ دانسته‌اند. در واقع، عجیب این است که درصد بیش‌تری بر این عقیده نبودند. به گمان من این افت و محو شدن اعتماد سه دلیل داشته است: گستره و شدت بحران؛ سرعت کند احیا از آن زمان تا کنون؛ و انتظارات غیرواقعی که از سیاست‌های اقتصادی وجود داشته است.

از علت نخست که آغاز کنیم، مهم است که به یاد داشته باشیم اندک کسانی پیش‌بینی بحران را می‌کردند. کسبوکار مردمان آسیا در سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۰۸ در سراسر آسیا سقوط افتاده بود و آنها هیچ تصویری از این که برادران لمان چه کسانی بودند و چه کردند نداشتند. و فقط آدم‌های عادی نبودند که حیرت‌زده شدند؛ بیش‌تر کارشناسان هم پیش‌بینی بحران را نمی‌کردند زیرا که در آن زمان بخش مالی به‌ویژه بسیار نوآور و پررونق به نظر می‌رسید. سخت می‌توان تصورش کرد، اما افزایش سطح مالکیت خانه در ایالات متحد تا سطوح بی‌سابقه‌ای در تاریخ این کشور و رشد بازارهای در جده و نشانه‌هایی از پیشرفتی شگرف در نظر گرفته شدند. اما همه چیز یک شبه معکوس شد، و به ناگهان این سمبل‌های پیشرفت و فرصت به نمادهای عدم مسئولیت و تهدید تبدیل شدند.

این تغییر به شدت آسیب‌رسان بود و با سرعت کند احیا از زمان بحران همراه شده است. مردم دیگر مطمئن نیستند که کدام سیاست‌ها برای بازگشت به رشد قدرتمندتر ضروری هستند و این در تمایل به بهره‌گیری از نیروهای عموماً غیرواقع‌بینانه در سیاست‌های عمومی اوج گرفته است. شک دارم که باور عمومی در اثر سودمندی و اثرگذاری کوتاه‌مدتی از سیاست‌ها رشد کرده باشد، زیرا که این گمان می‌رفت که ابزارهای پیش‌گیری‌ای وجود دارد که می‌توانند

## از نگاه آمار

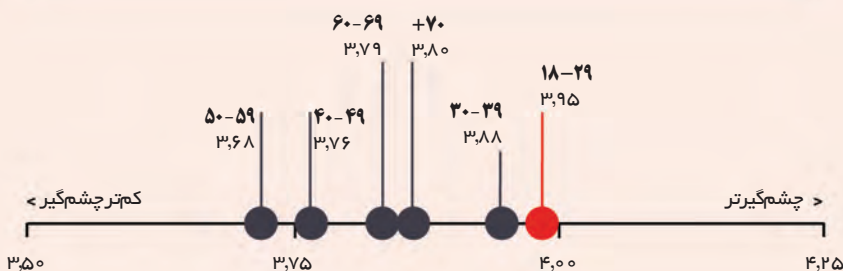
مسائل اقتصادی:  
خیلی‌ها احساس‌شان می‌کنند

حدود ۱۰ درصد  
از پاسخ‌دهندگان  
مشکلات اقتصادی  
و مسائل مالی را  
مهم‌ترین مسأله‌شان  
دانسته‌اند

منبع:  
پیمایش برنامہ جهانی ۲۰۱۳



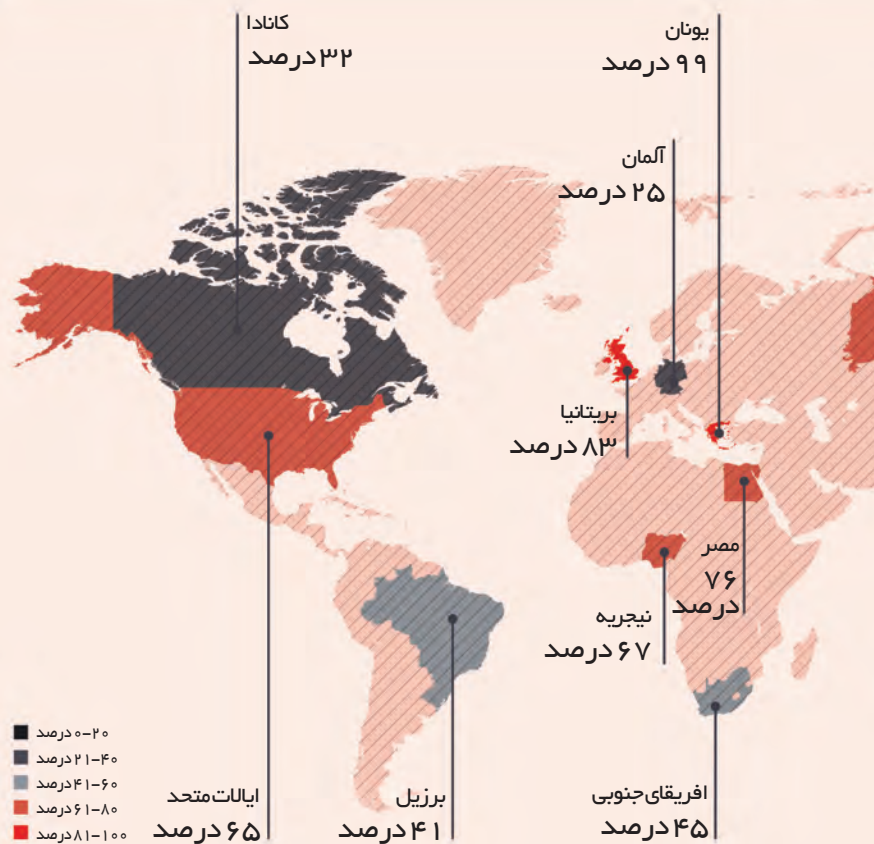
اهمیت از بین رفتن اعتماد به سیاست‌های اقتصادی، به تفکیک گروه سنی



۱،۰۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست = ۲،۰۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
۳،۰۰۰ = تا حدی چشم‌گیر = ۴،۰۰۰ = بسیار چشم‌گیر = ۵،۰۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
منبع: پیمایش گزارش برنامہ جهانی ۲۰۱۳

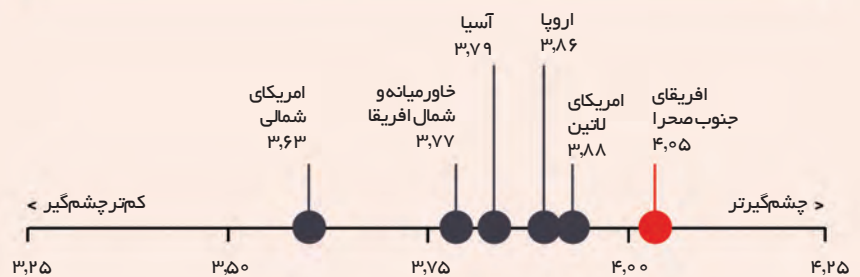


در صد کسانی که می گویند وضعیت اقتصادی در کشورشان بد است



منبع: پروژه رفتارهای جهانی مرکز تحقیقات پیو ۲۰۱۳

اهمیت از بین رفتن اعتماد به سیاست‌های اقتصادی، به تفکیک منطقه



۱۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست  
 ۳۰۰ = تاحدی چشم‌گیر  
 ۴۰۰ = بسیار چشم‌گیر  
 ۵۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
 منبع: پیمایش گزارش بر نامه جهانی ۲۰۱۳

هر مشکلی را چاره کنند. به همین منوال، فروپاشی و ناکارآمدی نظامی مالی که بازتابی از ناکارآمدی فضای قانونی و ضعف احیای اقتصادی تلقی شد، نشان داد که سیاست‌گذاران یابی تفاوت هستند یا ناتوان.

جوانان گرایش بیش‌تری به انتقاد از سیاست‌های اقتصادی امروز دارند؛ پیمایش ما نشان داده است که پاسخ‌دهندگان زیر ۵۰ سال بیش‌تر از پاسخ‌دهندگان بالای ۵۰ سال به اهمیت این مسأله اعتقاد دارند و این گروه ۱۸ تا ۲۹ ساله‌ها است که آن را چشم‌گیرترین مسأله پیش‌رو می‌دانند. منطقی است که نسل به‌جامانده از دوران رشد انفجاری اقتصاد نگرانی‌های چندانی نداشته باشند؛ آن‌ها هنوز از همان مستمری‌ها و منافع دولتی بهره‌مند هستند و قطعاً نسبت به نسل پیش از خودشان از لحاظ خدمات درمان عمومی و دیگر تدابیر رفاه عمومی بهره‌بیش‌تری برده‌اند و عملکرد بهتری داشته‌اند. حدس من این است که آن‌ها گمان نمی‌کنند این چیزها در خطر باشد، در حالی که بسیاری از جوان‌ترها در جاهایی چون ایالات متحده از خود می‌پرسند که این نظام تا کی دست‌نخورده باقی خواهد ماند.

اگر قرار است وضعیت را تغییر دهیم و اعتماد از دست‌رفته را احیا کنیم، لازم است از درس‌های بحران کنونی بیاموزیم، و نخستین این درس‌ها این است که اقتصاد جهان تا چه میزان درهم‌تنیده است. گروه جی ۲۰ بهترین پاسخ به بحران و این وابستگی داخلی متقابل اقتصاد جهانی بوده است، اما پتانسیل آن به شدت دست‌کم گرفته شده است.

جی ۲۰ پیش‌تر در سطح وزرای دارایی و اقتصاد وجود داشت، لذا از جهتی ارتقاء آن به سطح سران کشورها چندان تغییر فاحشی نبود. اما ملاقات مرتب رهبران دولت‌هایی که دو سوم از جمعیت جهان و ۸۵ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را در اختیار دارند در تاریخ سابقه‌ای نداشته است. طرح اولیه نهادی بسیار کارآمد بود، اما باز هم اجازه داده‌اند که به هدر برود. تلاش‌های آن‌ها در جهت همکاری بهترین راه مقابله با مشکلات درهم‌پیچیده جهان است و اگر بتوانیم این مسأله را در خاطرمان نگه داریم و موفقیت‌های اولیه رهبران جی ۲۰ را بنیانی برای راهمان قرار دهیم، گمان می‌کنم بتوانیم تغییری ایجاد کنیم.



اگر قرار است وضعیت را تغییر دهیم و اعتماد از دست‌رفته را احیا کنیم، لازم است از درس‌های بحران کنونی بیاموزیم، و نخستین این درس‌ها این است که اقتصاد جهان تا چه میزان درهم‌تنیده است.

# بسط طبقه متوسط در آسیا

وقت آن است که در کنار رشد اقتصادی آسیا فکری هم برای حفظ محیط‌زیست کنیم



**کیشور محبوبانی**  
رئیس‌دانشکده سیاست‌عمومی لی‌کوآن بیودر دانشگاه ملی سنگاپور و عضو شورای چین برنامه جهانی

انفجار طبقه متوسط آسیا خیره‌کننده است. بزرگی این گروه در حال حاضر ۵۰۰ میلیون نفر است و تا سال ۲۰۲۰ به ۱,۷۵ میلیارد نفر خواهد رسید؛ افزایش بیش از سه برابری در فقط هفت سال. دنیا هرگز پیش از این چنین چیزی را به خود ندیده است؛ این احتمالاً یکی از بزرگ‌ترین تغییرات ناگهانی در تاریخ است. چندان جای شگفتی نیست که مردم در سراسر آسیا آینده‌ای درخشان را برای فرزندان خود انتظار دارند؛ طبق داده‌های مرکز تحقیقات پیو ۸۲ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی انتظار دارند کودکانی که امروز در دوران رشدشان هستند وضعیت مالی بهتری نسبت به والدین خود داشته باشند.

دلیل این موفقیت جوامع آسیایی در این است که سرانجام شروع کرده‌اند به درک، تحلیل و اجرای اصلاحات مهم: اقتصاد بازار آزاد؛ کسب مهارت در تکنولوژی و علم؛ فرهنگی پراگماتیک؛ حکومت نخبگان؛ و البته، آموزش.

در سراسر آسیا شاهد رشد حیرت‌انگیز سطح زندگی و رفاه هستیم، و هر جا که بنگرید فقر در حال محو شدن است. برای مثال، در چین از زمان آغاز اصلاحات در بازار، بیش از ۶۰۰ میلیون نفر از فقر مطلق نجات یافته‌اند. شاهد بهبود بسیار بیش‌تری در سطح رفاه این منطقه خواهیم بود، نسبت به آن چه در قرن‌های گذشته دیده‌ایم. و همه این‌ها منافع بسیاری به ارمغان خواهند آورد.

برای نمونه، یک نتیجه مهم این تغییرات کاهش مناقشه در منطقه است. آسیا هنوز راه زیادی تا رسیدن به سطح تلاطمی زندگی اروپای غربی، که فاقد هرگونه احتمال در گرفتن جنگ میان کشورهای همسایه است، دارد اما به خاطر توسعه و بسط طبقه متوسط (جمعیتی که عموماً در تاریخ احتمال جنگ را پایین آورده است) این مقصدی است که ما به سمتش گام برمی‌داریم.

با این همه، همه اخبار آسیا هم مسرت‌بخش نیستند. بزرگ‌ترین چالشی که پیش روی ماست تأثیری است که این همه بر محیط‌زیست می‌گذارد؛ اگر طبقه متوسط در حال رشد آسیا همه رویای سطح زندگی غربی را از طریق الگوی غرب در سر داشته

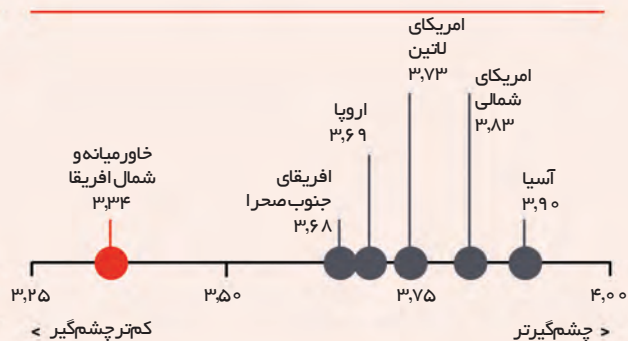


**دلیل موفقیت جوامع آسیایی در این است که سرانجام شروع کرده‌اند به درک، تحلیل و اجرای اصلاحات مهم: اقتصاد بازار آزاد؛ کسب مهارت در تکنولوژی و علم؛ فرهنگی پراگماتیک؛ و البته، آموزش.**

## از نگاه آمار

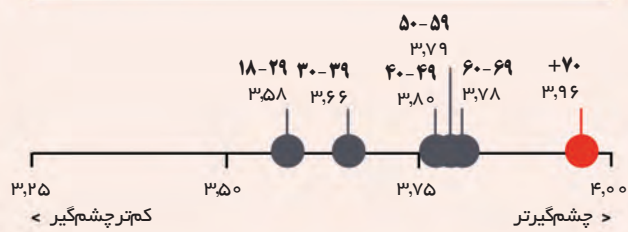


اهمیت بسط طبقه متوسط در آسیا، به تفکیک منطقه



۱,۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست = ۲,۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
۳,۰۰ = تاحدی چشم‌گیر = ۴,۰۰ = بسیار چشم‌گیر = ۵,۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
منبع: پیمایش گزارش برنامۀ جهانی ۲۰۱۳

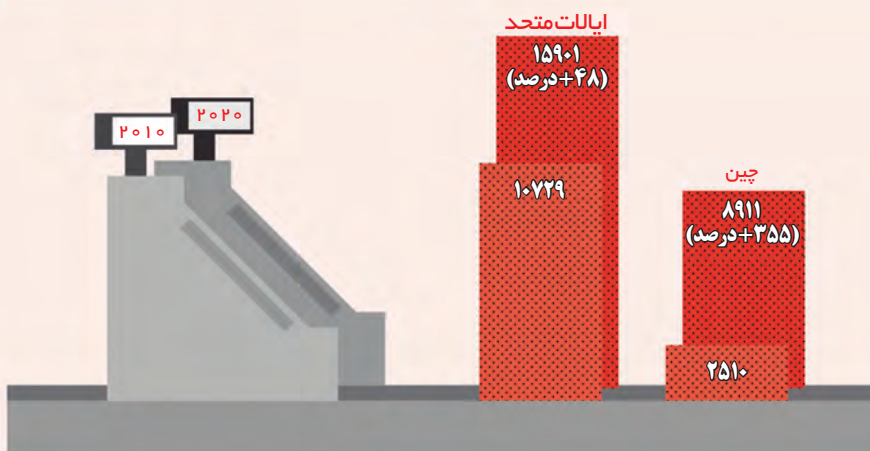
اهمیت بسط طبقه متوسط در آسیا، به تفکیک گروه سنی



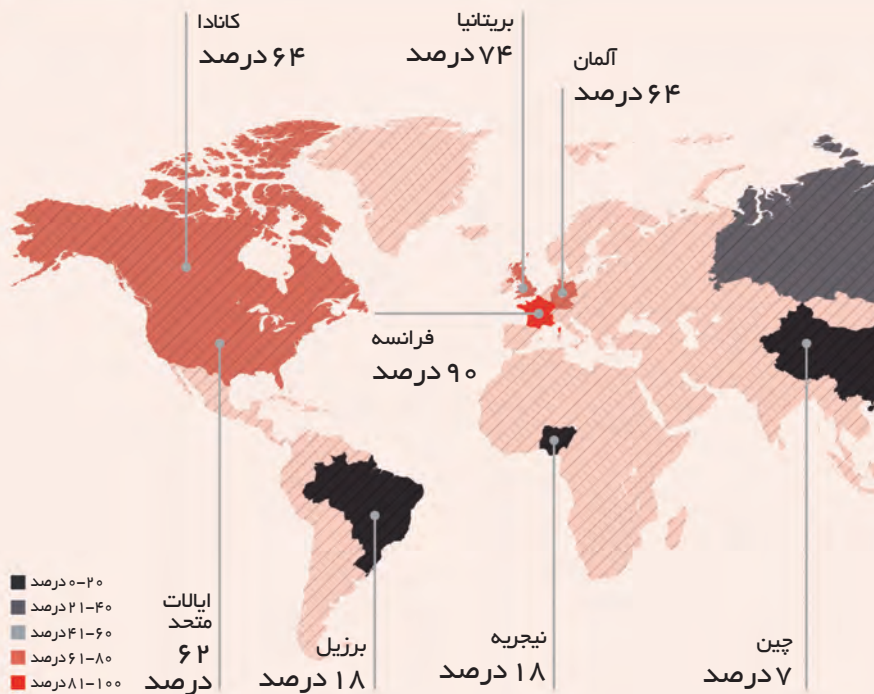
۱,۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست = ۲,۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
۳,۰۰ = تاحدی چشم‌گیر = ۴,۰۰ = بسیار چشم‌گیر = ۵,۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
منبع: پیمایش گزارش برنامۀ جهانی ۲۰۱۳



### بزرگترین مصرف‌کنندگان جهان چمکشورهایی هستند؟



درصد افرادیک کشور که معتقد هستند نسل بعد به لحاظ مالی وضعیت بدتری نسبت به والدین خود خواهند داشت



منبع:  
پروژه رفتار جهانی مرکز تحقیقات پيو ۲۰۱۳

باشند، باری که بر دوش محیط‌زیست جهان تحمیل خواهد شد می‌تواند فاجعه‌بار باشد. مصرف سرانه برق در ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ رقم وحشتناک ۱۳۹۳۵ کیلووات بر ساعت بود، اما در مقابل در چین و هند این میزان به ترتیب فقط ۲۹۹۴ کیلووات بر ساعت و ۶۲۶ کیلووات بر ساعت بوده است. این یعنی که چین و هند هر کدام سه برابر جمعیت ایالات متحده را در خود جای داده‌اند اما فقط جزئی از مصرف سرانه برق این کشور را دارند. واضح است که ما نمی‌توانیم جلوی بسط طبقه متوسط آسیا را برداریم، لذا فقط باید امیدوار باشیم که این جوامع مسئولیت‌بیش‌تری درباره تأثیرشان بر محیط‌زیست بر عهده بگیرند.

رهبران آسیا می‌دانند که باید در این کارزار کاری کنند. اما در جست‌وجوی راه حل مهم است که کشورهای توسعه‌یافته‌الگویی برای آن‌ها بسازند. این چالش بزرگی برای متفکران سیاست‌های کشورها در بلندمدت است؛ اگر می‌خواهید چین به شریکی مسئول تبدیل شود و کشوری که به محیط‌زیست جهانی اهمیت می‌دهد، باید از طریق عمل راه را نشانش بدهید، نه حرف.

یک روش مشارکت و همکاری طبقه متوسط در این زمینه از طریق میزان سرمایه انسانی و قدرت جمعی ذهنی‌ای است که به انباره تکنولوژی و علم خواهد افزود. میزان بهیمنگی مصرف انرژی در ژاپن ده برابر بهتر از چین است. لذا اگر چین از ژاپن درس بگیرد و طبقه متوسط روبه‌رشد این کشور در زمینه‌هایی چون تکنولوژی‌های سبز وارد شود، شاید بتوان رشد اقتصادی بیش‌تری را توأم با کاهش استفاده از منابع به‌ارمغان آورد.

بدین ترتیب توصیه من بسیار ساده است. روند جهانی بسط طبقه متوسط، به‌ویژه در آسیا، را باید پذیرفت و از آن استقبال کرد. مردم در سراسر قاره می‌توانند ببینند که زندگی‌های‌شان در یک دهه گذشته بهبود یافته است و این جوامع آسیایی سطحی از صلح و رونق را تجربه می‌کنند که قرن‌ها بهره‌ای از آن نبرده بودند. اگر چالش‌هایی چون مسأله محیط‌زیست را بتوان حل کرد، دلیلی وجود ندارد که این وضعیت در سال‌های آینده ادامه نیابد.

روند جهانی بسط طبقه متوسط، به‌ویژه در آسیا، را باید پذیرفت و از آن استقبال کرد. مردم در سراسر قاره می‌توانند ببینند که زندگی‌های‌شان در یک دهه گذشته بهبود یافته است و این جوامع آسیایی سطحی از صلح و رونق را تجربه می‌کنند که قرن‌ها بهره‌ای از آن نبرده بودند.



# اهمیت فزاینده کلان‌شهرها

عدم توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی کلان‌شهرها می‌تواند فاجعه‌بار باشد



■ جفری وست  
استاد موسسه  
ساتتافه، ورنیس  
شورای نظام‌های  
پیچیده بر نامه‌جهانی

## از نگاه آمار

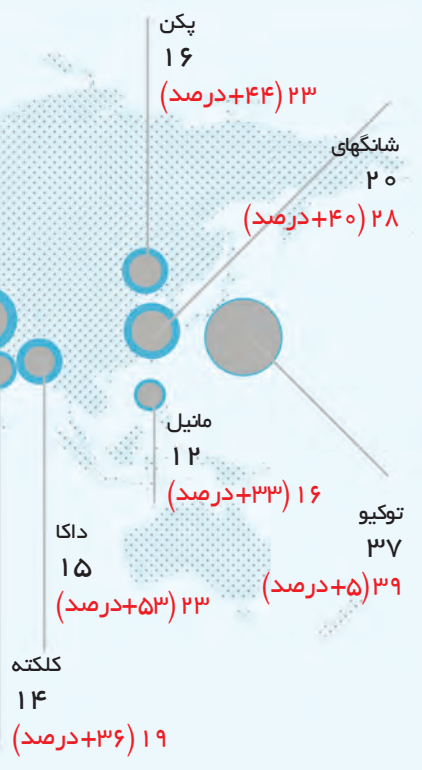
رشد سریع کلان‌شهرها

**اگر توکیو را یک کشور در نظر بگیریم، تا سال ۲۰۲۵ سی و یکمین کشور بزرگ جهان خواهد بود.**

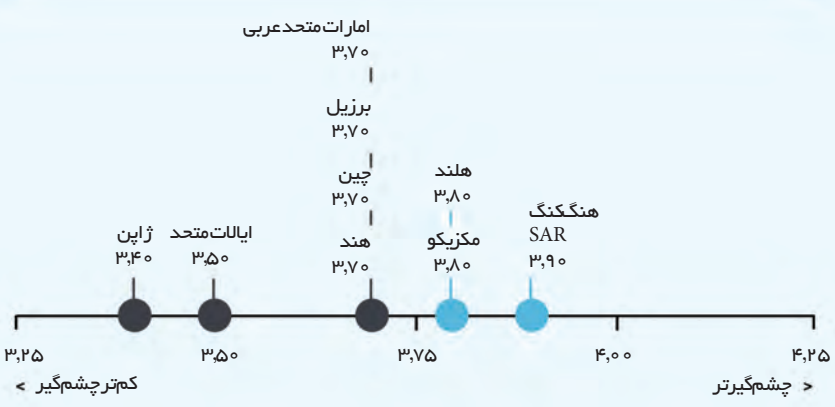
بیش از هر زمان دیگری در تاریخ

**تا سال ۲۰۲۵ ۳۵ کلان‌شهر در دنیا وجود خواهد داشت، در مقایسه با ۲۲ کلان‌شهر در سال ۲۰۱۱**

منبع: مرکز انتشارات سازمان ملل متحد، چشم‌انداز شهری‌سازی جهان ۲۰۱۱؛ ارقام ۲۰۲۵ پیش‌بینی هستند



اهمیت رشد فزاینده کلان‌شهرها، به‌تفکیک کشور



۱,۰۰ = به‌هیچ‌وجه چشم‌گیر نیست ۲,۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست  
۳,۰۰ = تاحدی چشم‌گیر ۴,۰۰ = بسیار چشم‌گیر ۵,۰۰ = بمشددت چشم‌گیر  
منبع: پیمایش گزارش برنامه‌جهانی ۲۰۱۳

از گرمایش زمین تا معضل بی‌خانمانی، از بحران‌های بدهی تا کمبود انرژی، از فقدان منابع کافی آب تا شیوع بیماری‌ها، هر مشکلی که به ذهن تان برسد و انسان را تهدید بکند، شهر جایی است که آن مشکل در آن حضور دارد. اما شهرها بهترین امید ما برای یافتن راه‌حل‌های این چالش‌های عظیم نیز هستند، زیرا که مهد نوآوری، تفکر و خلق ثروتند. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین چالش‌های قرن بیست و یکم در کلان‌شهرها است، و کلان‌شهرها نواحی شهری‌ای که جمعیت‌شان از ۱۵ میلیون نفر تجاوز می‌کند. اگر بیش از ۱۵۰ سال پیش را بنگریم، به کلان‌شهرهای گذشته همچون لندن و نیویورک، درمی‌یابیم که از همان تصویر منفی‌ای در رنج بودند که کلان‌شهرهای امروز. تصویر دیکنز از لندن را به یاد آورید: شهری پر از جرم و جنایت، آلودگی، بیماری و فقر. با این وجود، این شهرها به‌شدت در تحرک، تکامل و تحول هستند و جوامع متنوعی دارند، که فرصت‌های بزرگی ایجاد می‌کنند که در نهایت به تجسم مدرن‌شان در محرکه‌های اقتصاد جهان می‌رساندشان. در کلان‌شهرهایی که امروزه در آفریقا، آسیا و دیگر نقاط جهان ظهور می‌کنند هم وضعیت بسیار مشابهی را می‌توان دید. اخیراً، من و همکارانم مشغول توسعه «دانش شهر» بوده‌ایم تا به دیدمقداری پویایی اجتماعی اقتصادی و زیرساختی از شهر برسیم و کارکردنهادهای آن‌ها را در یابیم. به نتایج حیرت‌انگیزی دست یافتیم. با تحلیل داده‌هایی که نماینده طیف وسیعی از معیارهای شهری شهرهای سراسر جهان است، پی بردیم که این داده‌ها در قالبی بسیار مشابه قرار می‌گیرند. این یعنی که اگر جمعیت شهری را در یک نظام شهرنشینی در هر کجای جهان بدانید، می‌توانید با تخمینی ۸۰ تا ۹۰ درصدی در آمد متوسط، تعداد مبتلایان به ایدز، موارد ثبت اختراع، نرخ جرم، تعداد پمپ‌های بنزین، طول جاده‌ها و غیره‌شان را پیش‌بینی کنید. لذا، صرف‌نظر از تاریخ، جغرافیا و فرهنگ، قواعد و موانع سیستماتیک خارق‌العاده‌ای وجود دارند که می‌توانند فردیت شهرها را از تقاء بخشند.

چرا این طور است؟ ما معتقدیم که این «قوانین» بازتاب شباهت و نزدیکی مردم و شبکه‌های اجتماعی دنیا هستند؛ ما ارتباط هستیم. گویی تمام شهرها «دی‌ان‌ای» کارآمد یکسانی دارند زیرا برای مردم بنا شده‌اند؛ شهرها اساساً شبکه‌های اجتماعی هستند، نظام‌های تطبیق‌پذیر پیچیده‌ای که صرف‌نظر از



از گرمایش زمین تا معضل بی‌خانمانی، از بحران‌های بدهی تا کمبود انرژی، از فقدان منابع کافی آب تا شیوع بیماری‌ها، هر مشکلی که به ذهن تان برسد و انسان را تهدید بکند، شهر جایی است که آن مشکل در آن حضور دارد.





جغرافیا، سیستم سیاسی و الگوی اقتصادی‌شان رفتار مشابهی دارند.

کلان‌شهرها چطور هستند؟ پیمایش برنامه جهانی نشان داده است که در سراسر جهان مردم اهمیت آن‌ها را درک می‌کنند، اما قضاوتی در مورد آینده آن‌ها وجود ندارد. آیا همین‌طور تا بی‌نهایت رشد خواهند کرد، بدون بهبود چشم‌گیری در شرایط اجتماعی‌شان، یا از مسیری که لندن و نیویورک طی کرده‌اند خواهند رفت و به موتورهای عظیم محرک اقتصاد و متروپولیس‌های مدرن تبدیل خواهند شد؟ دهه‌ها زمان می‌برد که شهرها تغییر کنند، اما در سراسر جهان که دقیق می‌شویم درس‌هایی برای آموختن هست که بر اهمیت درک واقعی کارکرد آن‌ها تأکید می‌گذارند.

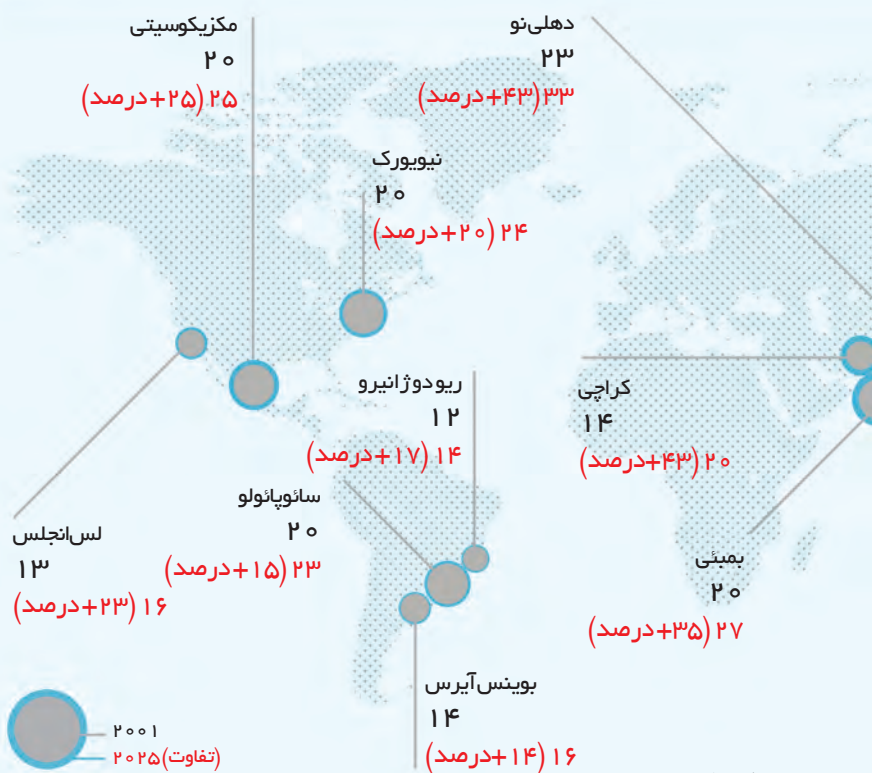
برای نمونه چین قدم در مسیر شگفت‌انگیز ساخت شهرهای نو گذاشته است تا ۲۵۰ میلیون روستانشین خود را در آن‌ها جای دهد. شاید شتاب‌زده، این شهرها بدون درک عمیقی از پیچیدگی شهرها و ارتباط آن با موفقیت اجتماعی اقتصادی بنا می‌شوند. در واقع، به ما گفته می‌شود که این شهرهای جدید، همچون حومه‌های کلاسیک، شهرهای ارواح بی‌روحي هستند که حس چندانی از جامعه به ساکنان خود نمی‌دهند. شهرها کیفیتی ارگانیک و زنده دارند؛ از تراکنش‌های میان افراد تکامل می‌یابند و به لحاظ فیزیکی رشد می‌کنند.

کلان‌شهرهای عظیم دنیا تراکنش میان انسان‌ها را، که آن روح و شور غیر قابل تعریف شهر را می‌سازند، تسهیل می‌کنند؛ آن سرچشمه نوآوری و هیجان که کمک بزرگی به جهش و موفقیت اقتصادی و اجتماعی می‌کند.

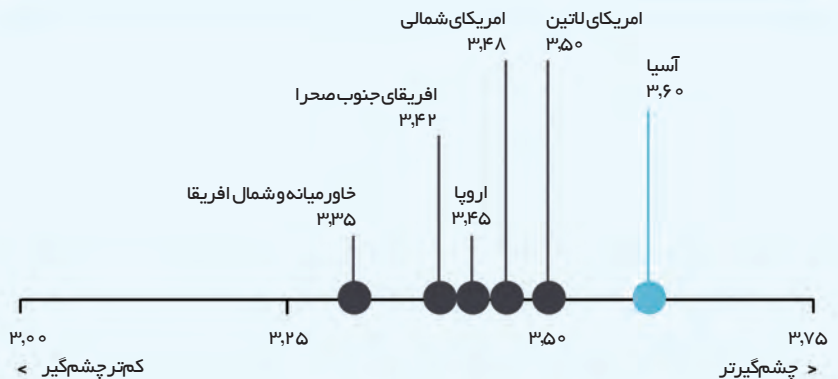
در ایالات متحد، دیترویت نشان مان داد که چطور نادیده گرفتن تنوع می‌تواند به از دست رفتن این شور و سرزندگی بیانجامد. دیترویت کوته‌بینانه بر صنعت خودرو متمرکز شده بود، که صنایع مرتبط اما به شدت وابسته دیگر را گرد خود جمع کرد، و این به رشد انفجاری کوتاه و موقتی انجامید. اما به سبب فقدان تنوع کسب‌وکار، وقتی صنعت خودروسازی وارد دوران دشوار خودش شد شهر نتوانست با وضعیت جدید تطبیق پیدا کند. شهرها نظام‌های تطبیق‌پذیر پیچیده‌ای هستند، تحت تأثیر شبکه‌های بنیادین اجتماعی و زیرساختی. تنوع برای جهش و انعطاف‌پذیری آن‌ها حیاتی است، زیرا که تمام منافع، موفقیت‌ها و مشکلات‌شان به شدت در هم پیچیده، در تقابل با یکدیگر و مدام در حال تغییر هستند.

### رشد جمعیت در ۱۵ کلان‌شهر برتر جهان

(به میلیون نفر، ۲۰۲۵-۲۰۰۱)



اهمیت رشد فزاینده کلان‌شهرها، به تفکیک منطقه



۱,۰۰ = به هیچ وجه چشم‌گیر نیست، ۲,۰۰ = چندان چشم‌گیر نیست، ۳,۰۰ = تا حدی چشم‌گیر، ۴,۰۰ = بسیار چشم‌گیر، ۵,۰۰ = به شدت چشم‌گیر  
منبع: پیمایش گزارش برنامه جهانی ۲۰۱۳

کلان‌شهرها چطور هستند؟ پیمایش برنامه جهانی نشان داده است که در سراسر جهان مردم اهمیت آن‌ها را درک می‌کنند، اما قضاوتی در مورد آینده آن‌ها وجود ندارد.



■ **فاضل لاریجانی**  
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آیت الله آملی



نگرانی دهه‌های آینده «آب» خواهد بود. ممکن است روزی برسد که جنگ‌ها بر سر در اختیار گرفتن منابع آب به جای نفت و انرژی اتفاق بیفتد. تغییر مسیر فناوری‌ها به سوی فناوری‌های سبز به دلیل هراس انسان از عواقب ندانم کاری‌های خود و میراثی است که برای آیندگان برجای می‌گذارد.



پنج روند کلی در جهان دیده می‌شود که جوامع را تغییر شکل خواهند داد. این روندها را می‌توان به شکل زیر طبقه بندی کرد:

### جهانی شدن

جهانی شدن و جهانی سازی به یک موضوع با دو نگاه متناقض اشاره می‌کنند. جهانی شدن به یک روند تغییر دایمی در همه جوانب زندگی جهانی اشاره می‌کند که از درون سیستم کلی جهان برخاسته است و مرزهای میان جوامع را برهم می‌ریزد، اقتدار داخلی دولت‌ها را کاهش می‌دهد و آنها را وامی دارد در یک هارمونی متناسب با تحولات جهان زندگی کنند. اقتصاد، فرهنگ و شرایط اجتماعی دیگر در انحصار سیاست‌گذاری‌های داخلی نخواهد بود بلکه نوعی تبعیت از رفتار جمعی جامعه جهانی را بر همه جوامع دیکته می‌کند. این اقدامات نه یک توطئه حساب شده از سوی کشورهای جهان اولی علیه سایر جوامع، بلکه یک روند برخاسته از درون سیستم جهانی است که همه جوامع می‌توانند در شکل آینده آن نقش داشته باشند و آینده را بر اساس نیازهای خود در آینده تا حد امکان شکل بخشند. اما جهانی سازی اشاره به این دارد که همه این تحولات نوعی استعمار جدید است که جوامع برخوردار بر علیه جوامع ضعیف‌تر به کار گرفته‌اند و هدف آن غارت منابع و امکانات و نیروی انسانی ارزان‌تر آنها به نفع خود است. بدیهی است که این نگاه بیش از حد منفی است، هر چند که نمی‌توان نقش نیروهای قوی‌تر را در موازنه نیروهای آینده نادیده گرفت. اما جهانی شدن جنبه‌های ناشایستی نیز دارد. از بین رفتن حریم خصوصی، تعقیب افراد با دوربین‌هایی که در همه جا نصب شده‌اند، ردیابی افراد از طریق GPS و سیستم‌های RFID که در کتابخانه‌ها و فروشگاه‌ها برای ردیابی محصولات و عدم سرقت آنها به کار می‌رود) و همچنین آرشو کردن همه مکاتبات و تلفن‌های افراد که امروزه در حال اجراست و اخیرا با افشای ادوار دانسون که با آژانس امنیت ملی آمریکا همکاری داشت، موجب نگرانی جهانی از تعدی به حریم خصوصی شده است.

### محلی شدن

این روندی است که مثل نیرویی در مقابل جهانی شدن ظاهر می‌شود. به این معنی که روند جهانی شدن با همه جوامع و انسان‌ها سازگاری ندارد. لذا ممکن است برخی از رشته‌هایی که روند جهانی شدن یافته است توسط روند محلی سازی پنبه شود. مثلا بعد از سال‌ها تلاش اتحادیه اروپا برای یگانگی جوامع عضو، داشتن سیستم



# آینده‌شناسی وروندهای آینده

## بخش دوم و پایانی

همانطور که در بخش پیشین این مقاله اشاره کردیم روندهای آینده به سبک‌های متعدد و بنا به نیازهای متفاوت تهیه شده‌اند و واقعا نمی‌توان گفت که کدامیک از این مطالعات نسبت به دیگری ارجح است. لذا باید یکی از این مطالعات را به عنوان محور در نظر گرفت و سایر بحث‌ها را در کنار آن به پیش برد. یکی از کتابهای خوب در این زمینه کتاب «پرونده‌های آینده: ۵ روند که به ۵۰ سال آینده شکل می‌دهند» اثر ریچارد واتسون است. در ادامه برای آگاهی خواننده به تعدادی از روندهای پیش بینی شده آینده از کتاب واتسون اشاره می‌کنیم و در انتها نتایجی را از موضوع این مقاله استخراج خواهیم کرد.

مالی و سیستم سیاسی مشترک، تدارک یک سیستم آموزشی و دانشگاهی همسان و غیره، دیده می‌شود که بحران‌های مالی این اتحادیه موجب شده است که برخی از آنها این روند یگانه شدن را نادرست تلقی کنند. کشورهای برخوردارتر مانند آلمان و فرانسه باید بار ضرر و زیان‌های کشورهای ضعیف‌تری مانند یونان و ایتالیا و قبرس و غیره را به دوش بکشند و این عدم توازن موجب ایجاد نارضایتی‌های متعدد در جوامع داخلی آنها شده است. لذا هم‌اکنون اتحادیه اروپا به تفکیک مجدد جوامع به عنوان یک گزینه بسیار قوی در انتخاب‌های آینده می‌اندیشد: «قبیله‌گرایی جدید، حکومت‌های محلی را قوی‌تر و محصولات محلی و اقتصاد را سازگار می‌کند. محلی سازی به دلیل کمبود منابع (بخصوص نفت) اتفاق می‌افتد و به این معنی که محصولات اقتصادی به دلیل

هزینه حمل و نقل مجبور به محلی شدن هستند.» (واتسون)

### قطبی شدن

این اصلاح در زبان فارسی ممکن است گویا نباشد. پولاریزه شدن در اصطلاح فیزیک امواج (اعم از نور، صوت و سایر امواج الکترو مغناطیسی) به معنی یکسو کردن امواج است. امواجی که در صفحه‌های مختلف به شکل سه بعدی در حرکت هستند توسط فیلترهایی تنها در یک بعد اجازه عبور می‌یابند و سایر ابعاد آنها حذف می‌شود. این خصوصیت جهان آینده به معنی آن است که مردم با انتخاب‌های متعددی روبه‌رو هستند که بسته به جهت‌گیری زندگی آنها باید فقط یکی از آنها را انتخاب کنند. این تناقضی است که در زندگی انسان‌ها و جوامع ایجاد می‌شود. در واقع تمام تلاش انسان طی قرون گذشته تا امروز این بوده که بتواند به انتخاب‌ها و فرصت‌های بیشتری در هر لحظه دست یابد ولی انبوهی اطلاعات و فرصت‌ها همیشه به سود انسان نیست. مثلا در نظریه اطلاعات یک قضیه مهم وجود دارد که عنوان می‌کند «اطلاعات وقتی از حد یک نقطه بحرانی عبور کنند، تبدیل به اطلاعات مزاحم می‌شوند (در زبان فنی این رشته یعنی از سیگنال به نویز تبدیل می‌شوند). همین اتفاق در جوامع انباشته شده از اطلاعات نیز در حال رخ دادن است. مثلا «برخی از مردم فناوری‌های جدید را می‌پذیرند و برخی آن را طرد می‌کنند، بازارهای صنعتی بین کالاهای لوکس و کم ارزش در گردش‌اند. وجود خدمات متعددی مانند بهداشت و تحصیلات، حمل و نقل و امنیت، قطبی شدن از طریق توانایی پرداخت هزینه‌های این خدمات وارد عمل می‌شود. دوگانگی در تصمیم‌گیری‌های کلان نیز وجود دارد و در کشورهای توسعه یافته به مردمی روبه‌رو خواهیم بود که یا مدبرانه به سوی دنیای جدید حرکت می‌کنند و یا آنکه مجبورند برده‌وار تسلیم آن شوند.» (واتسون)

### اضطراب

اضطراب از نتایج فوری سرعت تغییرات و عدم امکان انطباق یا سازش با این سرعت است. مدها سریعاً تغییر می‌کنند. دستگاه‌های جدیدی که می‌خریم به سرعت از رده خارج می‌شوند و دیگر خدمات پس از فروش آنها بی‌فایده خواهد بود. رشته‌های تحصیلی جدید جایگزین رشته‌های تحصیلی ما می‌شوند و اگر از کار فعلی خود کناره‌گیری کنیم احتمال آنکه با همان رشته و تجربیات بتوانیم به شغلی با قدر و تناسب خود دست یابیم کاهش می‌یابد. این تحولات و هزاران تحول دیگر هیچ‌یک



خوشایند ما نخواهند بود و اضطراب نتیجه فوری این جهانی است که در مقابل ما تغییر چهره می‌دهد. لذا «بسیاری از افراد آرزوی بازگشت به گذشته را می‌کنند. این حس ناامنی تاحدی مربوط به نسل است ولی شما چه ۱۸ ساله و چه ۸۰ ساله باشید، حس ناتوانی و اضطراب دایمی در شمارش می‌کند و باعث دل‌تنگی برای گذشته و گریز گریبی و یا برعکس موجب خودشیفتگی می‌شود.» (واتسون)

### در جستجوی معنا

از دست دادن معنی زندگی یکی از مهمترین نتایج سرعت تغییرات است. احساس ناامنی با خود، بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت خود یا دیدن گران‌رأبه همراه می‌آورد. افراد بی‌گانه نسبت به یکدیگر، احساسات هم‌رأنا دیده می‌گیرند. برای رشد و تعالی خود اصول اخلاقی را نادیده می‌گیرند. حقوق زنان و کودکان بیشتر پایمال می‌شود و داشتن اندام عضلانی و هیبت ترسناک مجدداً به دوره بدویت انسان‌ها گرایش می‌یابد. مادر حال حاضر به شدت با این مظاهر زندگی اجتماعی روبه‌رو هستیم. آرایش موهای جوانان به آرایش موهای اقوام شکارچی ما نزدیک شده است. مسایل ساده از طریق گفت‌وگو حل نمی‌شوند، بلکه زور بازوی بیشتر، هیبت ترسناک‌تر و پر خاشگیری بیشتر برای ترساندن دیگران راه حل‌های ساده‌تری برای حل مسایل به نظر می‌رسند. بی‌معنایی در زندگی فقط در جنبه مذهبی آن نهفته نیست بلکه همه ارکان زندگی انسان را در برمی‌گیرد. عدم اعتقاد قلبی و نداشتن ایمان از مظاهری است که بسیاری انسان‌ها نگران وقوع آن در آینده هستند. اما برعکس جریان‌هایی در درون همین جوامع در حال رشد هستند که از منشاء معناجویی و معناگرایی جوامع برخاسته و تلاش می‌شود در انبوهی رفتارهای ناهنجار، امید به اعتقاد انسان‌ها به اصول اساسی زندگی و اخلاق و معرفت، گسترش یابد. مطالعات متعددی که پس از جنگ جهانی دوم در مورد زندگی در اردوگاه‌های مرگ آلمانها انجام شدند و بخصوص مطالعات ویکتور فرانکل روانشناس برجسته‌ای که خود سال‌های زیادی را در اردوگاه آشویتس سپری کرد، نشان می‌دهند که اگر انسان معنایی در زندگی خود بیابد، قدرت لازم برای تحمل همه رنج‌های برخاسته از نظام ناعادلانه زندگی و فایق شدن بر دشواری‌های آن را خواهد یافت. فرانکل عنوان روانشناسی خود را «معناجویی» گذاشت و روش درمانی خود را نیز «معنادرمانی» نامید. در هر حال اینکه علوم جایگزین مذهب خواهند شد یا خیر، موضوعی است که میان متفکرین مختلف بحث‌های متعددی را برانگیخته است. برای ما که دیدگاه‌های ایمانی را بر دیدگاه‌های علمی محض ترجیح می‌دهیم، روشن است که دین در شرایط دشوار جهان، به‌عنوانی یک کشتی امن است که همچنان از زمان حضرت نوح (ع) در حال عبور دادن ایمان آوردندگان از طوفان حوادث است. به نظر می‌رسد که گرایش به معناجویی و به‌خصوص معناجویی در قالب دین باوری و اعتقاد به قدرت و توانایی خداوند، در جهان در حال رشد است. لذا رشد اضطراب جهانی موجب رشد دین باوری و معنا جویی خواهد شد. فرانکل در کتاب معروف خود «انسان در جستجوی معنی» عنوان

می‌کند: «اگر زندگی معنایی داشته باشد، رنج کشیدن نیز معنا خواهد یافت. رنج چون مرگ و سرنوشت، بخشی ناگسستی از زندگی است. بدون رنج و بدون مرگ، زندگی کامل نخواهد بود.»

### سخن آخر

فهرست روندهای آینده را می‌توان ادامه داد. همانطور که قبلاً نیز گفتیم این فهرست‌ها به دلایل و مقصودهای مختلف تهیه می‌شوند و اندیشمندان تلاش می‌کنند تا از طریق شناسایی این روندها مردم و برنامه‌ریزان رانست به حوادث آینده هشدار کنند. روندهایی که در کنار روندهای پنجگانه بالا می‌توان عنوان کرد به صورت زیر هستند. این روندها طی ۵۰ سال آینده تغییرات مهمی را در جوامع ایجاد خواهند کرد:

۱- پیری: جوامع در حال پیر شدن هستند. دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد که فقط به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم. افزایش سطح بهداشت جوامع، کاهش ازدواج‌ها و تعداد فرزندان از آن جمله‌اند: «هر ۸ ثانیه در آمریکا تولد ۵۰ سالگی یک نفر است اما شرکت‌ها هنوز به شکل وسواس گونه‌ای بر جوانان تمرکز می‌کنند. افراد بالای ۷۵ سال در ژاپن بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ به ۳۶ درصد می‌رسد.» (واتسون) شرکت‌ها باید بتوانند سن بازنشستگی را افزایش دهند تا بتوانند از نیروی کار خود استفاده کنند. تعداد زادوولد برای تامین نیروی کار با درآمد کارکنان رابطه‌ای مستقیم دارد ولی فقط این نیست. میل به زندگی آزادانه، دوری جستن از تعهدات خانوادگی و برعکس میل به حفظ شغل، باعث می‌شود که جوامع به نغم کسب درآمد بالاتر از علاقه کمتری به حفظ نسل‌های انسانی آینده بر خوردار شوند. هم‌اکنون رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی و به‌خصوص مناطق سردسیر و قطبی منفی است و این جوامع برای تولید فرزندان جدید جایزه تعیین می‌کنند ولی روز به روز سن جامعه افزایش می‌یابد: «نوع بیماری‌ها و جراحی‌هایی که در آینده با آنها مواجه می‌شویم نیز تغییر می‌کند. هم‌اکنون نیز شاهد جراحی‌های زیبایی هستیم و انتظار می‌رود پول بیشتری برای بهبود حافظه و جوان‌سازی صورت گیرد. در حالت عادی انتظار می‌رود که انفجاری در صنایعی مانند جهانگردی روی دهد و شرکت‌ها مسافری بیشتری را برای افراد مسن تر سامان دهند.» (واتسون)

۲- تغییر جهت قدرت رو به شرق: «مرکز اقتصادی، سیاسی و نظامی از غرب به شرق در حال تغییر هستند. مثلاً پیش‌بینی می‌شود که درآمد چین تا سال ۲۰۱۵ به ۲/۲ تریلیون دلار بالغ شود. در ضمن عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، قطر و عمان یک تریلیون دلار سرمایه‌گذاری اصلی در خطوط لوله دارند و می‌توانند در ده سال آینده آن را به دو یا سه برابر افزایش دهند. نکته اصلی این است که بازارهای چین و هند فقط به دلیل منابع ارزان عرضه و تقاضا پر رونق نیستند، بلکه به این دلیل است که این کشورها بیش از پیش به کانون‌های اصلی و مراکز مهم نوآوری تبدیل شده‌اند. هم زمان دیده می‌شود که شرکت‌های چینی، هندی و برخی از کشورهای خاورمیانه، شرکت‌های بزرگ غربی را با ساختمان‌های آنها می‌خرند. این موضوع می‌تواند

در مورد شرکت‌هایی از روسیه، برزیل و شرکت‌هایی که ۱۱ نامیده می‌شوند (شامل بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، کره جنوبی، مکزیک، نیجریه، پاکستان، فیلیپین، ترکیه و ویتنام) اتفاق افتد. نتیجه بعدی رشد تقاضا برای منابع طبیعی در این مناطق و بالا رفتن عرضه است. البته مشروط بر اینکه این ملت‌ها دچار سقوط اقتصادی به دلایل سیاسی و اجتماعی نشوند.» (واتسون). بحران‌های اقتصادی و مالی و همچنین جنبش‌های اجتماعی در کشورهای مختلف موجب می‌شود که بنا بر پیش‌بینی ساموئل هانتینگتون برخی از تمدن‌ها به یکدیگر نزدیک و برخی دیگر از هم دور شوند و بسیاری از درگیری‌های آینده در خطوط گسل میان این تمدن‌ها و کشورها صورت گیرد.

۳- پیوستگی جهانی: تسهیلاتی که جهان برای تماس و ارتباط میان ملت‌ها فراهم کرده است مانند «فناوری، قانون‌زدایی، جهانی‌شدن، سفرهای کم‌هزینه و مهاجرت» موجب شده است که روش زندگی، کار و تفکر مردم تغییر کند: «مثلاً به طور هم‌زمان یک میلیارد نفر از اینترنت استفاده می‌کنند و انتظار می‌رود این تعداد طی ده سال آینده به دو برابر برسد. ۲/۵ میلیارد نفر به طور هم‌زمان از تلفن همراه استفاده می‌کنند و ۱۳ درصد جمعیت جهان در مکانی غیر از زادگاه خود زندگی می‌کنند.» (واتسون) این وسعت عظیم در ارتباطات انسانی در طول تاریخ بشر پدیده‌ای جدید است که سابقه‌ای ندارد و مشخص نیست که اثرات مثبت و منفی آن در آینده چگونه ظاهر خواهند شد.

۴- فناوری GRIN: نگرانی از غالب شدن ماشین‌ها بر انسان‌ها یک نگرانی دائمی است. افزایش قدرت انسان در خلق فناوری‌های جدید می‌تواند موجب قدرتمند شدن هم‌زمان ماشین‌ها گردد. اکنون ربات‌هایی در حال کار کردن در صنایع هستند که قطعات مختلف یک سازه را به هم متصل می‌کنند. اگر ماشین‌ها بتوانند مسیر رشد خود را به دست گیرند، آنگاه می‌توانند موجوداتی هوشمندتر از خود را بسازند و این سلسله را تا جایی ادامه دهند که هوش ماشین‌ها از سازندگان انسانی آنها بیشتر شود. کلمه GRIN که ترکیب Genetics, Robotics, و Internet است به نوعی از فناوری اشاره دارد که می‌تواند با به کارگیری هم‌زمان رباتیک و نانو تکنولوژی موجب خودآزمایی و در نتیجه هوشمندتر شدن رایانه‌ها و ماشین‌ها شود.

۵- محیط: محیط زیست ما به طور دایمی در حال تغییر و تحول است و سرعت رشد فناوری‌ها، کوچ انسان‌ها به سرزمین‌های دیگر، تغییرات اقلیمی، گرم شدن جهان و تبعات آنها مانند خشکسالی، کویری شدن و غیره بر زندگی ما اثر می‌گذارند. نگرانی‌های آینده «آب» خواهد بود. ممکن است روزی برسد که جنگ‌ها بر سر در اختیار گرفتن منابع آب به جای نفت و انرژی اتفاق بیفتد. تغییر مسیر فناوری‌ها به سوی فناوری‌های سبز به دلیل هراس انسان از عواقب ناندانم کاری‌های خود و میراثی است که برای آیندگان بر جای می‌گذارد. ایجاد علوم جدیدی که می‌توانند آنچه را انسان خراب کرده یا می‌کند، بازمی‌کنند، از علوم پر طرفدار آینده خواهند بود.

ممکن است برخی از رشته‌هایی که روند جهانی شدن یافته است توسط روند محلی‌سازی پنبه شود. مثلاً بعد از سال‌ها تلاش اتحادیه اروپا برای یگانگی جوامع عضو، دیده می‌شود که بحران‌های مالی این اتحادیه موجب شده است که برخی از آنها این روند یگانه شدن را نادرست تلقی کنند.

# اولین خمس در آمدم را در ۹ سالگی دادم

علی محمد رجالی  
بنیانگذار گروه تولیدی صنعتی  
ظریف مصور

■ مهسا جزینی

پیرمرد خوش مشرب اصفهانی در آستانه ۷۰ سالگی می گوید که از خدا هیچ چیز نمی خواهد چون از همه چیز بهترین ها را نصیبش کرده است؛ از مال و منال دنیا تا همسر و فرزند. علی محمد رجالی کار آفرین برتر اصفهانی، کسب و کار را از کودکی شروع کرده، از همان زمان که مدرسه می رفته کار کرده تا الان که صاحب چندین کارخانه و بزرگترین تولیدکننده موکت در خاورمیانه است. با اودر باره تجربه اش در کسب کار و کار آفرینی و راه درازی که طی کرده تا به امروز رسیده است گفت و گو کرده ایم.

■ از چه زمانی کار را شروع کردید و چگونه به موقعیت کار آفرینی امروز رسیدید؟

۶۰ سال است خودم را کاسب می دانم. از ۹ سالگی هم کار می کنم. تمام زندگی من تجربه کسب و کار است. من نرفتم درس بخوانم و دکتری بگیرم. همه عمرم کار کرده ام. در شش سالگی به مدرسه جامعه تعلیمات اسلامی جعفری رفتم و در ۹ سالگی بوفه مدرسه را از حاج آقا فیروزیان مدیر مدرسه اجاره کردم. الان ایشان ۹۴ سالشان است و ماهی یکبار در اصفهان ایشان را می بینم.

■ کسی شما را برای اجاره بوفه مدرسه ترغیب کرد یا خودتان به ذهنتان رسید که این کار را بکنید؟

من فکر کردم همان طور که درسم را می خوانم فروشگاه مدرسه را هم در زنگ های تفریح اداره کنم. آن زمان که پفک و چیپس و این چیزها نبود. کشمش و پرهلو و ترشاله و انجیر و نخودچی بود که از بیرون می خریدم و در مدرسه می فروختم. مبلغ

خیلی جزئی روی خریدهایم می کشیدم. کتابچه یاهمان دفترچه راهم درست می کردیم و می فروختم. بر گهای کتابچه را از صحافی جدا جدا می خریدیم و جلدش را هم از جایی دیگر می خریدیم و بامنگنه به هم وصل می کردیم. هنوز آن منگنه قدیمی آلمانی را دارم. روی هر دفترچه ده شاهی سود می کردیم. دفترچه ها را ۴۰ برگ، ۶۰ برگ و ۱۰۰ برگ درست می کردیم. آن روزگار برای خودش دوران عجیبی بود. پول خیلی کم بود ولی درآمدی که از همین کارها به دست می آمد درآمدی حلال بود و ارزشمند. حتی در همان سال پدرم می خواستند برون قم نزد آیت الله بروجردی که حساب و کتاب کنند و من هم با او رفتم قم و ۳۳ تومان ودو قران خمس دادم. پس در همان سن ۹ سالگی من خمس درآمدم را دادم. نهایتاً اینکه از سال ۳۳ تا ۳۶ من سه سال فروشگاه مدرسه ای که در آن درس می خواندم را اداره کردم.

■ شغل پدرتان چه بود؟

ایشان پارچه فروشی داشتند.

■ بعد از تمام شدن مدرسه به چه کاری مشغول شدید؟

از آن مدرسه رفتم مدرسه دیگری و سیکل گرفتم. چند ماه مانده به دیپلم درس را رها کردم چون علاقه ای به درس خواندن نداشتم. بیشتر علاقه به کار کردن داشتم. حتی روزهایی که مدرسه می رفتم بعد از ظهرها نزد پدر در بازار کاسبی می کردم. در دوران خدمت سربازی یک اتفاق باعث شد که با کفش ملی آشنا شوم. در مراجعه به یکی از شعبه های کفش ملی برای خرید کفش با مسئولین فروش آنجا آشنا شدم و به دلیل سابقه و شهرت خوبی که به رغم سن کم در بازار اصفهان به دست آورده بودم، توانستم با خرید امانی از کفش ملی و فروش در بازار اصفهان در دو ماه، پانصد هزار تومان از محصولات کفش ملی را در بازار اصفهان بفروشم. در آن زمان این شرکت برای عمده فروشی ۵ درصد و برای خرده فروشی ۳ درصد به فروشندگان پرداخت می کرد و در آن سال و تنها در ۲ ماه ۲۳۷ هزار تومان طلب کار شدم که متأسفانه

حتی یک ریال هم به من ندادند. اگر چه مسئولین فروش این شرکت به تعهدات خود بابت فروش من عمل نکردند اما با هم بدون هیچ چشمداشتی فقط به خاطر اینکه تجربه خوبی به دست آورده بودم از حق و حقوق خود گذشتم. علاقه داشتیم که مستقل شوم و سه دهنه مغازه در طبقه بالای مغازه پدرم در تیمچه ملک اصفهان اجاره کردم و پتو فروشی را شروع کردم.

**II هزینه اولیه اجاره این سه دهنه مغازه و شروع کسب و کار را از کجا تامین کردید؟**

پدرم به همه بچه‌هایش وقتی می‌خواستند کسب و کاری را شروع کنند ۱۰ هزار تومان سرمایه می‌دادند و به من هم دادند و با همان سرمایه من شروع کردم. فکر می‌کنم سال ۱۳۴۱ بود که شروع کردم. تا چندین سال همان کار را ادامه دادم. به دلیل تجربه زیادی که در کار فروش و پخش پیدا کرده بودم و قیمت بسیار ارزانی که به دلیل کاهش سود خود از فروش به خرده فروش‌ها ارائه می‌دادم، سرمایه من پس از دو سال بیشتر از سرمایه پدرم طی سی سال کسب و کارش در بازار شد. یعنی من در سن بیست سالگی سرمایه‌ای بیشتر از پدرم در بازار کسب کرده بودم و بعد از مدت کوتاهی به یکی از بزرگترین عمده

فروشان پتو در بازار اصفهان و حتی تهران تبدیل شدم و بخش اعظم بازار پتو در ایران به من تعلق داشت. پس از این مدت به کار تجارت بین‌المللی روی آوردم و چندین سال مشغول صادرات و واردات کالا بودم. با اینکه از محل کسب تجارت درآمد خوبی داشتیم اما پول تنها مرا ارضانی کرد، دلم می‌خواست به غیر از این کار، خدمتی هم به جامعه کنم لذا تصمیم گرفتم وارد عرصه تولید شوم. بعد از انقلاب وقتی شرایط کار دوباره مهیا شد تولید موکت را در اولین واحد با تولید یک میلیون و ۲۵۰ هزار متر مربع شروع کردم و هم اکنون به تولید ۵۵ میلیون متر مربع رسیده‌ام و محصولاتمان به ۷ کشور دنیا صادر می‌شود. سال ۶۴ که نخستین واحد تولید موکت را در بروجرد راه‌اندازی کردیم،

تعداد واحدهای تولیدی زیاد نبود. به دلیل سابقه خوبی که در کار فروش موکت داشتیم به سرعت کار گسترش پیدا کرد و تقریباً هر سال دو واحد به واحدهای مان اضافه می‌کردیم. هر آنچه هم برای تولید موکت لازم بود را خودمان تولید کردیم و بعد از خودکفایی در بخش‌های مختلف متوجه شدیم تنها چیزی که کم داریم، پتروشیمی است. از این رو در سال ۱۳۷۹ ساخت اولین پتروشیمی خصوصی کشور را استارت زدیم که در سال ۸۵ به

بهره برداری رسید.

**II در تمام این سال‌ها که فعالیت می‌کردید آیا پیش آمده که زمانی فکر کرده باشید چرا وارد حوزه دیگری نشدید؟ حوزه‌ای که مثلاً سودآوری بیشتری داشته باشد؟**

از لحاظ مادی چندین بار پشیمان شدم اما همان طور که گفتم فقط پول برایم مساله نبود. از لحاظ مالی تولید اصلاً در ایران مقرون به صرفه نیست و منافع اقتصادی چندانی هم ندارد، برعکس تجارت که چندین برابر تولید، منافع مالی به همراه می‌آورد.

**II و همچنان کسب و کارتان موفق است و شما هم راضی هستید؟**

واقعیت این است که هنوز فرهنگ تولید در کشور نهادینه نشده است. قوانین به نفع تولید نیست و به نفع واردات است. آنقدر که سرراه تولیدکننده دیوارهای بتونی وجود دارد، برای واردکننده وجود ندارد. مهمترین مساله پیش پای تولیدکننده ایرانی قانون کار و مشکلات آن است. با اینکه اصلاحات جزئی روی آن صورت گرفته اما هنوز کارفرما بر کار حاکم نیست. بازدهی کارگران ایرانی نسبت به کشورهای همسایه کمتر است. ما با اینکه از بزرگترین تولیدکنندگان

## قلکی که در دبستان جایزه گرفتیم را هنوز داریم

مثل همه بچه‌ها در سن شش سالگی وارد دبستان شدم. در سال اول ابتدایی معلم سختگیری داشتیم که بچه‌ها را زیاد تنبیه می‌کرد اما توجه ویژه‌ای به من داشت، چون پدرم همان اول سال هدیه‌ای شامل عبا و عمامه و قبا به ایشان داده بود و از طرفی او به دلیل اینکه مادرم فوت کرده بود، کمتر به من سختی می‌گرفت و بیشتر با من مدارا می‌کرد. کلاس دوم که بودم برای نوشتن انشایی با موضوع «تونیکی می‌کن و در دجله انداز» از مدبر و ناظم مدرسه جایزه‌ای گرفتم که شامل یک توپ، یک مسواک و یک قلک بود. با اینکه سال‌ها از آن روز گذشته است اما هنوز آنها را نگه داشته‌ام. حتی گرفتن لوح‌های تقدیر از دست روسای جمهور کشور نتوانسته‌ام است از زیبایی و ارزش آنها بکاهد؛ این جایزه سال‌ها به من انگیزه و انرژی داده است. با اینهمه علاقه چندانی به درس خواندن نداشتم اما با تمام وجود عاشق کار کردن بودم. همیشه ده‌ها ایده در ذهن داشتم که از راه آنها بتوانم کسب در آمد کنم.

موکت هستیم، متأسفانه خودمان مقدار زیادی موکت از عربستان سعودی وارد می‌کنیم و این برای من به عنوان تولیدکننده درد است. به چه کسی باید دردم را بگویم؟ به چه مرجعی باید بگویم تولیدکننده موکت هستیم اما مجبورم موکت از عربستان وارد کنم. پس معتقدم ایران کشوری تولیدی نیست بلکه صرفاً بازار فروش خوبی دارد. شرکت بازرگانی پتروشیمی سهمیه مواد اولیه را در اختیارمان قرار می‌دهد اما این میزان فقط یک دهم مصرف ما را به خود اختصاص می‌دهد. وزارت صنایع پروانه تولید را بدون انجام مطالعات کارشناسی به برخی از افراد ارائه می‌کند. مثلاً اگر جمع پروانه تولیدی هادر بازرگانی پتروشیمی یک میلیون تن مصرف کشور را نشان دهد اما مصرف حقیقی همان کالا در ایران یکصد هزار تن است! جالب اینجاست که این یکصد هزار تن در اختیار اشخاص حقیقی قرار نمی‌گیرد بلکه اشخاص مجازی آن دریافت می‌کنند و در بازار سیاه تا دو برابر نرخ رسمی به ما عرضه می‌کنند و تولیدکننده برای تامین الباقی مواد اولیه خود مجبور است کسری آن را وارد کند. یکسری قوانین برای حمایت از تولیدکننده وضع می‌شود اما بعدها مشخص می‌شود که این قوانین ضد تولید عمل کرده‌اند و بر این اساس است که سیستم‌های مافیایی شکل می‌گیرد و همه چیز بر ضد تولید پیش می‌رود.

**III روزهای اول فعالیت در صورت**

مواجهه با مشکلات، چه عکس‌العملی نشان می‌دادید؟

مشکلات را تا جایی که می‌توانستیم حل می‌کردم. در واقع مشکلی نیست که آسان نشود. در ابتدا با قوانین تولید آشنایی چندانی نداشتم و هر اندازه کار توسعه یافت بیشتر با تولید آشنا شدم. در زمان تصدی دکتر عادل - رئیس سابق بانک مرکزی - به ما تولیدکنندگان ارز تعلق نمی‌گرفت مدتی بعد اعلام شد به هر صاحب شناسنامه ۵ هزار دلار داده می‌شود من هم کارگران را به بانک ملی اصفهان می‌بردم و موفق شدم توسط

شناسنامه‌های آنان به خرید ماشین‌آلات و مواد اولیه بپردازم. بدین ترتیب حدود یک سال و نیم توانستم کارخانه را اداره کنم. واقعا روزهای سختی بود که پشت سر گذاشتیم اما تمام این مسائل باعث نشد تولید را رها کنم. شیرینی کار به سختی آن است. هیچ کار آسانی شیرین نیست، زیرا یادآورده را باد می‌برد. در کار و تجارت خصوصیت بارزی که با دیگران متمایز باشد،



**پدرم می‌خواستند بروند قم نزد آیت‌الله بروجردی که حساب و کتاب کنند و من هم با او رفتم قم و ۳۳ تومان ودو قران خمس دادم. یعنی در همان سن ۹ سالگی من اولین خمس در آمدم را دادم.**

ندارم، اما کمی جسارت در کار، توکل به خداوند و راسخ بودن در تصمیم گیری‌ها از ویژگی‌های من است که در تولید موثر و سرنوشت‌ساز است.

■ شما یکبار گفته بودید که نیازی به وزارت بازرگانی نیست و بهتر است کار به غیر دولتی‌ها و اتاق بازرگانی سپرده شود. تجربه کسب و کار شما را به این نتیجه گیری رسانده است؟

حقیقت تلخ است اما معتقدم دولت را هم باید به بخش خصوصی بسپاریم. در حال حاضر اداره تمام امور دولتی در اختیار دولت است در حالی که هر قانونی که دولت وضع می‌کند نمی‌تواند موثر واقع شود، زیرا نگاه دولت از بالا به پایین است. کار را باید به

انجمن‌ها و تشکل‌های تخصصی هر رشته صنعتی سپرد. دولت باید فقط به نظارت بپردازد و دخالتی در امر تولید نداشته باشد. دولت باید NGOها و اتاق بازرگانی را تقویت کند. اصلاً نیازی به وزارت بازرگانی نداریم. دولت بهتر است وزارت بازرگانی را منحل کند و اتاق بازرگانی (که مردمی است) را تقویت نماید. تصمیمات اتاق بازرگانی باید مهم‌تر و موثرتر از تصمیمات وزارت بازرگانی باشند در صورتی که تاکنون چنین نبوده است. اعضای اتاق بازرگانی منتخبین و خبرگان مردم هستند که باید مشکلات توسط آنها رفع شود. در حال حاضر بخش خصوصی آنقدر توان مالی ندارد که اقدام به خرید واحدهای بزرگ دولتی کند. تا چند سال قبل کسب ثروت امری مذموم و ناپسند شمرده می‌شد اما از زمانی که مقام معظم رهبری کسب ثروت را عبادت عنوان کردند، وضعیت تولیدکنندگان تغییرات اساسی پیدا کرد. در حال حاضر جامعه از نظر فرهنگی به یک فرد متمول به عنوان زالوصف نگاه نمی‌کند. انقلاب دوم ما باید انقلاب تولید باشد. اگر بخش خصوصی بخواهد در این رشته موفق باشد باید به اتاق‌های بازرگانی متوسل شود.

■ با توجه به سابقه‌های طولانی که در عرصه کسب و کار و کار آفرینی داشته‌اید توصیه شما برای آنهایی که امروز می‌خواهند به وادی تولید و کار آفرینی گام بگذارند و یا تولید خود را گسترش دهند چیست؟

اگر کسی فکر می‌کند که با داشتن ۱۰ میلیارد می‌تواند بهترین کارخانه را داشته باشد اشتباه کرده است. کسی که فکر می‌کند تنها پول ایجاد ثروت می‌کند سخت در اشتباه است. توصیه من به کسانی که می‌خواهند کسب و کاری برای خودشان آغاز کنند این است که باید از کم شروع کرد و پله پله حرکت نمود. اگر کسی به جایی

رسیده است با رزان فروشی بوده که موفق شده و یکی دیگر از رموز کار و موفقیت هم صداقت است. آنها که می‌خواهند وارد عرصه کار آفرینی شوند مراقب باشند بی‌گدار به آب نزنند و حتماً سراغ کسی بروند که در آن رشته یا صنعت تجربه دارد و از او مشاوره بگیرند.

■ و در پایان به عنوان یک تولیدکننده چه پیشنهادهای آینده‌نگرانه‌ای برای بهبود فضای کسب و کار کشور دارید؟

الان واقعا امیدواریم. ماره‌ای نداریم جز اینکه با دنیا تعامل کنیم که این اتفاق در حال رخ دادن است. ۸۰ درصد مشکلات کشور تولید زمانی حل

## کار سه نفر را خودم انجام می‌دادم

از ۹ سالگی وقتی که هنوز در دبستان تحصیل می‌کردم، کسب و کار خاص خودم را شروع کردم. آن زمان با اجاره کردن بوفه مدرسه و فروش تنقلات و اغذیه به دانش‌آموزان مدرسه اولین تجربه خود را در زمینه کسب و کار آموختم. یادم هست در سال اول فروش خوبی داشتم به طوری که ۲۰۰ تومان کسب در آمد خالص کردم. رموز کسب و کار را از همان ابتدا از پدرم آموختم. پس از پایان تحصیلات به دلیل علاقه‌ای که به کسب و کار داشتم و از آنجا که هیچ وقت کار کردن را برای خود دور از شأن نمی‌دانستم، با اینکه از لحاظ مالی هم وضع متوسطی داشتیم به شاگردی در حجره پارچه فروشی در بازار اصفهان ادامه دادم. در چند ماهی که آنجا کار می‌کردم سعی کردم با کار شبانه‌روزی با رموز کسب در دانشگاه بازار آشنا شوم و در این کار به قدری پشتکار و کوشش داشتم که وقتی به دلیل گرفتن نمایندگی از کفش ملی در حال ترک آنجا بودم، صاحب حجره از رفتن من بسیار ناراحت بود و می‌گفت با رفتن من مجبور است سه نفر را استخدام کند تا کار مرا انجام دهند. من به تنهایی در حالیکه حقوق اضافه‌ای هم نمی‌گرفتم و حتی انتظار حقوق بالایی هم نداشتم تمام امور مغازه را به تنهایی انجام می‌دادم.



می‌شود که روابط ما با دنیا و حداقل با غرب همتای روابط ما با روس‌ها باشد. ما از دولت توقع داریم که به ما اعتماد کند. تولیدکننده‌های داخلی به راحتی می‌توانند تحریم‌ها را دور بزنند. متأسفانه دور زدن تحریم‌های خارجی بسیار راحت‌تر از تحریم‌های داخلی است. دولت هیچ وقت نیامده از ما سوال کند که برای رفع مشکلات باید چه کرد. اگر به ما اعتماد کند ما می‌توانیم همه تحریم‌ها را دور بزنیم. یکی از درخواست‌های ما از دولت کمک به بهبود حمل و نقل به ویژه حمل و نقل ریلی است. به نظر من دولت باید ۱۰ درصد از کل درآمد خود را به راه‌اندازی خطوط ریلی اختصاص دهد. تولیدکننده

نیازمند حمایت واقعی است. حمایت واقعی دولت هم این است که فقط به نظارت بپردازد. دولت‌های گذشته نسبت به تولید چندان مهربان نبوده‌اند. باید روابطمان با دنیا تقویت شود تا تولیدکننده بتواند محصولات خود را صادر کند. دولت اگر می‌خواهد به تولیدکننده خدمت کند، راه رسیدن به صادرات موفق را هموار سازد؛ این راه هموار نمی‌شود مگر اینکه روابط سیاسی ما با دنیا هموار شود. نکته دیگر اینکه پیشنهاد ما به بانک مرکزی این است که پرداخت ۱۰ درصد سود را خودش متقبل شود و بین ۱۰ تا ۱۲ درصد بر عهده تولیدکننده بگذارد. اگر این اتفاق بیفتد هم تورم کاهش می‌یابد و هم تولید پایمی‌گیرد. دوم اینکه تا زمانی که ۱۰۰ میلیارد دلار در خزانه دولت ذخیره نشده است سراغ کاهش نرخ دستوری ارز نروند. در غیر این صورت می‌شود جیب خالی و پز عالی. اگر سود یک تولیدکننده کمتر از تورم باشد، تولیدکننده دائم در خسران است و سرمایه به تدریج از بین می‌رود. این اتفاقی است که در ۸ سال گذشته افتاد و به رغم آمارهای غلطی که به مردم داده شد، صنعت در حال اضمحلال و از بین رفتن بود. از طرف دیگر سود سپرده گذار طبق قانون باید مطابق نرخ تورم باشد. من اعتقاد ندارم که سود سپرده گذار کم شود. چون همین سه شاهی پولی هم که هست از بانک‌ها بیرون کشیده می‌شود. بعد ما می‌رویم بانک وام بگیریم که می‌گوید از کجا؟ مرحله دوم اینکه دولت تفاوت بهره را به بانک‌های عامل که ما طرف حسابش هستیم فقط برای تولید بدهد. یارانه را باید به تولید و صنعت داد تا تولید زیاد شود. هر چه کفه ترازوی تولید بالا بیاید تورم پایین می‌آید. این اصلی است که همه قبول دارند. نرخ بهره نه تنها نباید کم شود بلکه باید افزایش یابد و نرخ بهره صنعت را هم دولت باید جبران کند.



افراد نیکوکاری که در دوران رونق کسب و کار خود تعهدات بزرگ می‌دهند، هنگامی که بازار رو به وخامت می‌گذارد پیمان شکنی می‌کنند؛ اما اکثریت بزرگی از افراد خیر به قول خود عمل می‌کنند، مگر برخی افراد پرمدها، که به پرداخت تدریجی مبالغ هنگفت متعهد می‌شوند.

کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۵۴۹ میلیون دلار**  
مدیرعامل فیسبوک که ۴۹۹ میلیون دلار از سهام شبکه اجتماعی‌اش را به بنیاد جامعه سیلکون ولی اهداء کرد. به علاوه، حدود ۲۰ میلیون دلار از ۱۰۰ میلیون دلاری که به مدارس نیوآرک، واقع در نیوجرسی، قول داده بود را پرداخت.

**۵. خانواده والتون**  
دارایی خالص: ۱۴۴/۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۴۳۲ میلیون دلار** (۰/۳ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۴/۶ میلیارد دلار**  
وارثین الومارت ۱۶۰ میلیون دلار بابت اصلاح آموزش و پرورش در ایالات متحده آمریکا پرداختند. همچنین ۹۲ میلیون دلار صرف برنامه‌های حفاظت از محیط زیست کردند.

**۶. الی و ادیت برود**  
دارایی خالص: ۶/۹ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۳۷۶ میلیون دلار** (۵/۵ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۳/۵ میلیارد دلار**  
مؤسس شرکت خانه‌سازی کی‌بی. هوم به منظور اصلاح مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه آموزش و پرورش آمریکا، پژوهش‌های علمی و پزشکی و نیز فنون دیگر مبالغی را اهداء کرد.

**۷. مایکل بلومبرگ**  
دارایی خالص: ۳۱ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۳۷۰ میلیون دلار** (۱/۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۲/۴ میلیارد دلار**  
دانشگاه جان هاپکینز، یعنی همان دانشگاهی که مایکل بلومبرگ در آن درس خوانده است، مهم‌ترین دریافت

**۱. بیل و ملیندا گیتس**  
دارایی خالص: ۷۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۱/۹ میلیارد دلار** (۲/۶ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۲۸ میلیارد دلار**  
رئیس مایکروسافت که مشغول کمک به از بین بردن فلج اطفال و مبارزه با مالاریاست. هدیه‌ای بزرگ به سازمان خیریه یونایتد نگرو کالج فاند داده است.

**۲. وارن بافت**  
دارایی خالص: ۵۸/۷ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۱/۸۷ میلیارد دلار** (۳/۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۲۵ میلیارد دلار**  
مدیرعامل برکشایر هاتاوی که بخش عظیمی از ثروت خود را به بنیاد بیل گیتس بخشید و باقی دارایی‌اش را برای فرزندان و آخرین همسرش به جای می‌گذارد.

**۳. مورتیمر زاگرن**  
دارایی خالص: ۲/۳ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۶۴ میلیون دلار** (۲/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: **۳۵۰ میلیون دلار**  
از مؤسسین نگاه املاک بوستون که ۵۰ میلیون دلار از ۲۰۰ میلیون دلار تعهد داده شده به انجمن تحقیقات کارکرد مغز در دانشگاه کلمبیا اهداء کرد. همچنین ۱۲ میلیون دلار به مرکز سرطان مِموریل اسلون-کترینگ در نیویورک بخشید.

**۴. مارک زاگربک**  
دارایی خالص: ۲۳/۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: **۵۱۹ میلیون دلار** (۲/۲ درصد از دارایی خالص)

# نیکوکار برتر

## کارآفرینانی که واقعاً بیشترین مقدار پول خود را صرف کارهای پسندیده کرده‌اند

وقتی سنتر کالج، واقع در کنتاکی، رسماً در ماه جولای اعلام کرد که طی این ماه از عضو پیشین هیئت امنای خود، یعنی اربرت بروکمن، کارآفرین هیوستون، ۲۵۰ میلیون دلار کمک مالی دریافت کرده، تیرت نخست اخبار بین‌المللی را به خود اختصاص داد. این کمک مالی، به عنوان یکی از بزرگترین کمک‌های بلاعوض به آموزش عالی، تقریباً می‌توانست پشتوانه مالی این دانشکده کوچک را تا دو برابر افزایش دهد. اما این خبر در ماه سپتامبر کمتر شنیده شد: کمک مالی مذکور، که از سهام شرکت بدست آمده بود، پس گرفته شد. در حالی که مثال دانشکده سنتر کالج غیرعادی است، اما غیر معمول نیست. افراد نیکوکاری که در دوران رونق کسب و کار خود تعهدات بزرگ می‌دهند، هنگامی که بازار رو به وخامت می‌گذارد پیمان شکنی می‌کنند؛ اما اکثریت بزرگی از افراد خیر به قول خود عمل می‌کنند، مگر برخی افراد پرمدها، که به پرداخت تدریجی مبالغ هنگفت متعهد می‌شوند، کمک‌هایی که پرداخت‌شان می‌تواند از مرز یک دهه نیز فراتر رود. برای جدا کردن حرف‌ها از کارهای واقعاً انجام شده، مجله فوربس، تصمیم گرفت نیکوکاران آمریکایی که در سال گذشته بزرگترین کمک‌های مالی را اهداء کرده‌اند دسته‌بندی کند. البته نه بر اساس مبلغ وعده داده شده، که بر اساس آنچه واقعاً پرداخت شده است. آر. جی. شوک، مؤسس پی. آر. آی، از کارآفرینان سابق وال استریت می‌گوید: «مروزه افراد خیر می‌خواهند تا وقتی زنده هستند شاهد تأثیر کمک‌های‌شان باشند.» چهل نفر از این پنجاه نفر در فهرست میلیاردهای مجله فوربس حضور دارند، فهرستی که بیل و ملیندا گیتس و وارن بافت در رأس آن‌ها قرار دارند. بیل و ملیندا گیتس مؤسسین بنیاد گیوینگ پلیج هستند و جایگاه نخست این فهرست را به خود اختصاص داده‌اند. هر یک تقریباً ۲ میلیارد دلار طی سال ۲۰۱۲ اهداء کردند، که تنها کمک کنندگان ۱۰ رقمی سال بودند. گیتس با اهدای ۳۵ میلیون دلار بیشتر، از بافت پیشی گرفت. در حالی که بیل و ملیندا گیتس و بافت، هر یک تا پایان سال گذشته دست کم ۲۵ میلیارد دلار بخشیده‌اند. بافت متعهد شده تا همه سهام املاک برکشایر هاتاوی که ۵۸ میلیارد دلار ارزش دارد، را هنگام مرگ یا پیش از آن اهداء کند. با این شرط که طی ده سال از آن استفاده شود. بدین ترتیب جای هیچگونه تردیدی باقی نماند تا وارن بافت به عنوان برترین ثروتمند نیکوکار سال، جایزه یک عمر دستاورد بشردوستانه فوربس را از آن خود کند. بافت در حضور بیش از ۱۵۰ میلیارد رو افرادی که در شرف میلیاردر شدن بودند اظهار داشت: «بسیار بابت این جایزه متشکرم. مایلم که این جایزه را نه تنها به خاطر خودم، بلکه به خاطر میلیون‌ها نفری ببذیرم که پول خود را می‌بخشند چون فکر می‌کنند این پول در جای دیگری مفیدتر خواهد بود.» بافت سخنانش را با پیامی خطاب به کسانی پایان داد که هنوز برای بخشیدن نمی‌از ثروت خود در زمان حیات یا پس از مرگ تصمیم نگرفته‌اند: «اگر ادامه زندگی با ۵۰۰ میلیون دلار برایتان مشکل است، به زودی کتابی منتشر خواهیم کرد تحت عنوان «چگونه با ۵۰۰ میلیون دلار زندگی کنیم». فکر کنید با ۵۰۰ میلیون دلار دیگر چه کارهایی ممکن است برای انسان‌ها و انسانیت انجام دهید.» راهی که ممکن است اکثر ۵۰ نیکوکار برتر مادر آن گام بردارند.



کننده کمک‌های خیرخواهانه او، به عنوان شهردار شهر نیویورک، بوده است. به علاوه کمپین‌های ضد تنباکو و ضد اسلحه نیز از کمک‌های وی بهره‌مند شده‌اند.

**۸. پل آلن**

دارایی خالص: ۱۵/۹ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۳۲۷/۷ میلیون دلار (۲/۱ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۲ میلیارد دلار

از مؤسسين شرکت مایکروسافت که مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار در جهت پیشرفت علوم شناخت مغز به مؤسسه آلن اهداء کرد. همچنین مبلغی را صرف پروژه‌های هنری و تأثیر سیاتل و کتابخانه‌ها کرد.

**۹. چاک فینی**



دارایی خالص: ۲ میلیون دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۳۱۳ میلیون دلار (۱۵،۶۵۰ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۶/۳ میلیارد دلار

از مؤسسين دوتی فری شاپرز که بی‌سر و صدا تمام آنچه را که بدست می‌آورد در راه سلامت و بهداشت، حقوق بشر، و بالا بردن کیفیت زندگی افراد سالمند خرج می‌کند.

**۱۰. گوردون و پتی مور**

دارایی خالص: ۴/۹ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۵۰ میلیون دلار (۵/۱ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۲/۳ میلیارد دلار

از مؤسسين اینتل که برای کمک‌های مالی به پژوهش‌های علمی، حفاظت از محیط زیست، و مراقبت از بیماران هزینه کرده است.

**۱۱. جیمز و مرلین سیمونز**

دارایی خالص: ۱۲ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۰۱۲

۲۱۳ میلیون دلار (۱/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: در دسترس نیست

میلیاردر صندوق سرمایه‌گذاری که ۱۵۰ میلیون دلار به دانشگاه استونی بروک بخشید. او زمانی در همین دانشگاه رئیس دپارتمان ریاضی بود.

**۱۲. جان و لارا آرنولد**

دارایی خالص: ۲/۸ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۰۴ میلیون دلار (۷/۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۴۰/۱ میلیون دلار

میلیاردر صندوق سرمایه‌گذاری که از مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه آموزش و پرورش آمریکا، یکپارچگی پژوهش، و همچنین عدالت کیفری، و مسئولیت‌پذیری عمومی پشتیبانی می‌کند.

**۱۳. کارل ایکن**

دارایی خالص: ۲۰/۳ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۰۰ میلیون دلار (۱ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: در دسترس نیست

دانشکده پزشکی ایکن، واقع در نیویورک، پس از کمک ۱۵۰ میلیون دلاری کارل ایکن به نام این سرمایه‌گذار فعال و نیکوکار تغییر نام داد.

**۱۴. دیوید گُخ**

دارایی خالص: ۳۶ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۱۶۹ میلیون دلار (۰/۵ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱/۲ میلیارد دلار

ثروتمندترین مرد نیویورکی که ۶۰ میلیون دلار به موزه متروپولیتن شهر نیویورک و ۳۵ میلیون دلار به نمایشگاه‌های دایناسور موزه تاریخ طبیعت آمریکا اهداء کرد.

**۱۵. جولین رابرتسون جی آر**

دارایی خالص: ۳/۱ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۰۱۲

۱۴۵/۸ میلیون دلار (۴/۷ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱ میلیارد دلار

غول سرمایه‌گذاری که در جهت پیشرفت پژوهش‌های پزشکی، اصلاح مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه آموزش و پرورش آمریکا، و پرداخت بورس‌های تحصیلی مقطع کارشناسی دانشگاه مبالغی را اهداء کرد. بنیاد تاینگر او در زمینه کاهش فقر در شهر نیویورک فعالیت می‌کند.

**۱۶. شلدون و دکتر میریام آدلسون**

دارایی خالص: ۳۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۱۴۴/۸ میلیون دلار (۰/۴ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۶۹/۵ میلیون دلار

مدیرعامل لاس‌وگاس سندز که برای آموزش و پرورش، سوء مصرف مواد مخدر، و مسائل گوناگون کمک کرد.

**۱۷. استفان بچتل جی آر**

دارایی خالص: ۳/۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۱۰۲/۵ میلیون دلار (۳ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۱۶/۶ میلیون دلار

غول ساخت‌وساز که از پروژه‌های آموزشی و حفظ محیط زیست، به خصوص در زادگاهش کالیفرنیا، پشتیبانی می‌کند.

**۱۸. مایکل و سوزان دل**

دارایی خالص: ۱۵/۹ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۱۰۰ میلیون دلار (۰/۶ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۹۱۴/۴ میلیون دلار

تمرکز عمده این سازندگان کامپیوتر بر سلامت و بهداشت کودکان در ایالات متحده آمریکا، هند، و آفریقای جنوبی است.

**۱۹. هنز جارگ ویس**

دارایی خالص: ۱۰ میلیارد دلار

کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۹۳ میلیون دلار (۰/۹ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۷۰ میلیون دلار

این غول تجهیزات پزشکی در تلاش است تا با کمک‌های خود مشکلات پزشکی و معضلات محیط زیست را حل و فصل کند.

**۲۰. جی. وین و دلورس بار وپور**

دارایی خالص: در دسترس نیست  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۹۱ میلیون دلار  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱۴۵ میلیون دلار

مالک سابق تیم فوتبال آمریکایی جکسونویل جگوارز که مبالغی در جهت کمک به مرکز شبیه‌سازی‌های پزشکی، پیشگیری از بارداری نوجوانان، و برنامه‌های بازگرداندن اسلحه صرف کرد.

**۲۱. ویلیام بارون هیلتون**



دارایی خالص: ۸۰۰ میلیون دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۸۳ میلیون دلار (۱۰/۴ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱ میلیارد دلار

وارث هتل هیلتون که از برنامه‌های کمک به کودکان آلوده به اچ‌آی‌وی، تأمین آب آشامیدنی سالم، و همچنین پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر پشتیبانی می‌کند.

**۲۲. جان اس آر. و کارن هانتسمن**

دارایی خالص: ۱/۱ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۷۶/۸ میلیون دلار (۷ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱/۳ میلیارد دلار

بنیانگذار گروه تولید مواد شیمیایی هانتسمن که معتقد به کلیسای مورمون هاست، مبالغی را به بنیاد سلطان یوتا، دانشکده بازرگانی، مرکز زنان آزار دیده، و کودکان اهداء کرد.

### ۲۳. استیو و الکساندرا کوهن



دارایی خالص: ۹/۳ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۷۶/۲ میلیون دلار  
(۰/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۱۲/۹ میلیون دلار

مدیر صندوق سرمایه‌گذاری که میلیون‌ها دلار برای پژوهش در زمینه اختلال استرس پس از ضربه دیدن سر با زا به دانشگاه نیویورک کمک کرد.

### ۲۴. جورج کیسر

دارایی خالص: ۱۰ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۷۲ میلیون دلار  
(۰/۷ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۵۲۵ میلیون دلار

سلطان نفت که از تحصیلات ابتدایی کودکان و تجدید حیات بخش هنری توسلا حمایت می‌کند.

### ۲۵. پیر و پاملا امیدیار



دارایی خالص: ۸/۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۶۹ میلیون دلار  
(۰/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱ میلیارد دلار

بنیانگذار ای‌بی‌بی و همسرش از طریق شبکه امیدیار در حال گسترش دادن دولت باز، شفافیت، و پاسخگویی، و همچنین مبارزه با قاچاق انسان هستند.

### ۲۶. سوروس

دارایی خالص: ۲۰ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۷۶۳ میلیون دلار  
(۳/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱۰ میلیارد دلار  
رئیس صندوق سرمایه‌گذاری که ۲۵۰

میلیون دلار صرف گسترش حقوق بشر و برنامه‌های عدالت خواهانه می‌کند.

### ۲۷. ویلیام کانوی جی آر

دارایی خالص: ۲/۸ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۵۵ میلیون دلار  
(۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۲۵۰ میلیون دلار

از مؤسسين کارليل گروپ، غول سهام اوراق بهادار، که برای دانشجویان دانشکده کاتولیک یا آن‌ها که در پی کسب مدرک پرستاری هستند بورس تحصیلی و کمک هزینه پرداخت شهریه فراهم می‌کند.

### ۲۸. جفری اسکول

دارایی خالص: ۳/۸ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۵۰/۴ میلیون دلار  
(۱/۳ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۵۱ میلیون دلار

نخستین کارمندی‌بی‌بی‌سی برای کار آفرین‌های اجتماعی تأمین بودجه کرد، از جمله برای آن‌ها که در پی ارتقاء کیفیت و بهداشت آب، ایجاد بازارهای پایدار و گسترش آموزش و پرورش هستند. همچنین در جهت از میان بردن بیماری‌های واگیردار به کمک آخرین یافته‌ها توسط صندوق مقابله با تهدیدات جهانی اسکول کمک می‌کند.

### ۲۹. رابرت و جانیس مک نیر

دارایی خالص: ۲ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۵۰/۳ میلیون دلار  
(۲/۵ درصد از دارایی خالص)

کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۲۵۷/۲ میلیون دلار

مالک هوستون تکرنس که در طی سال ۲۰۱۲، برای ۱۰۰ دانشمند دانشگاه کارولینای جنوبی و کلمبیا کالج تأمین بودجه کرد؛ که شماری از این دانشمندان مشغول پژوهش در زمینه سرطان لوزالمعده و سرطان سینه هستند.

### ۳۰. هربرت سندلر

دارایی خالص: در دسترس نیست  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۵۰/۳ میلیون دلار  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۶۰۰ میلیون دلار

مؤسس گلدن وست فاینانشیال که ۵۰ میلیون دلار به شرکت غیرانتفاعی پروپابلیکا بخشید. شرکت مذکور، اتاق خبر مستقلى است که در جهت منافع مردمی به روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌پردازد. او همانقدر که به افشاکنندگان فساد، کمک مالی می‌کند به پیشبرد تحقیقات در زمینه آسم نیز یاری می‌رساند.

### ۳۱. برنارد و بیلی مارکوس

دارایی خالص: ۳/۵ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۵۰ میلیون دلار  
(۱/۴ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۸۵۰ میلیون دلار

از مؤسسين فرشگاه لوازم خانگی هوم دیپت که ۲۵ میلیون دلار به بیمارستانی در فلوریدا و ۲۰ میلیون دلار به یک مرکز قلب در آتلانتا اهداء کرد.

### ۳۲. دیوید رابنشتین



دارایی خالص: ۲/۸ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۹/۳ میلیون دلار  
(۱/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۲۵۰ میلیون دلار

از مؤسسين شرکت کارليل گروپ که هزینه بازسازی بنای یادبود واشنگتن را بر عهده گرفت و به نشنال آرشیو، دانشگاه دوک، و مرکز سرطان یادبود اسلون کترینگ کمک‌های مالی کرد.

### ۳۳. تی. دنی سافورد

دارایی خالص: ۹۰۰ میلیون دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۹/۲ میلیون دلار  
(۵/۵ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۸۵۰ میلیون دلار

پس از درگذشت والدینش، بزرگترین نیکوکاری او اهداء کمک‌های مالی در زمینه بهداشت و سلامت، کمک‌های ضروری به کودکان بیمار، محروم، آسیب دیده، و نادیده گرفته شده است.

### ۳۴. سامن ردستون

دارایی خالص: ۶/۳ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۷/۹ میلیون دلار  
(۰/۸ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱۵۰ میلیون دلار

رئیس شرکت چند رسانه‌ای ویا کام که ۱۸ میلیون دلار به دانشکده حقوق دانشگاه بوستون بخشید. جایی که روزگاری عضو هیئت علمی اش بود. ۷۰۰،۰۰۰ دلار نیز به صندوق کودکان کامبوج اهداء کرد.

### ۳۵. سرگی برین و آنی وجیسکی

دارایی خالص: ۲۷/۹ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۶/۹ میلیون دلار  
(۰/۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: در دسترس نیست  
یکی از مؤسسين گوگل و همسرش



که از هم جدا شده اند اما هنوز به همراه یکدیگر کارهای خیر انجام می دهند. بیشتر به گروه‌های سیلکون ولی و همچنین در جهت پیشبرد پژوهش پیرامون پارکینسون به بنیاد مایکل جی. فاکس کمک مالی می کند.

### ۳۶. لاری ایسون

دارایی خالص: ۴۳/۱ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۶/۵ میلیون دلار  
(۰/۱ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۲۰ میلیون دلار  
مدیرعامل شرکت اوراکل که توسط بنیاد پزشکی ایسون برای پژوهش در زمینه پیری و عوارض ناشی از بالا رفتن سن بودجهای را اختصاص داد.

### ۳۷. کری و مارگریت نیس

دارایی خالص: ۵۰۰ میلیون دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۴/۵ میلیون دلار  
(۰/۱ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱/۲ میلیارد دلار  
مالک پیشین شرکت تلویزیون کابلی سواریان که ۱۲ میلیون دلار به مؤسسه موسیقی فیلادلفیا بخشید. او دانشگاه کلمبیا و مرکز انقلاب آمریکا را پشتیبانی می کند.

### ۳۸. استنلی و فیونا در اگنیلر



دارایی خالص: ۲/۹ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۲/۲ میلیون دلار  
(۱/۵ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۸۴۲/۹ میلیون دلار  
مدیر صندوق سرمایه گذاری که ۱۵ میلیون دلار به کودکان محله هارلم و ۱۲ میلیون دلار به دانشگاه استنفورد اهداء کرد.

### ۳۹. جان ای. سبراتو و خانواده

دارایی خالص: ۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۱/۴ میلیون دلار  
(۱ درصد از دارایی خالص)

کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۲۳۸/۳ میلیون دلار  
غول املاک و مستغلات سیلکون ولی و همسرش، سوزان، که در سال ۲۰۱۲ به کمپین نیکوکاری گیوینگ پلج پیوستند و ۱۸ میلیون دلار برای حفظ سلامت و بهداشت کودکان به بنیاد لوسی پکارد اهداء کردند.

### ۴۰. جک تیلور و خانواده

دارایی خالص: ۱۱/۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۰/۸ میلیون دلار  
(۰/۴ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۴۰ میلیون دلار  
مؤسس شرکت کرایه خودرو اینترپرایز رنتای کار که به ارکسترها، دانشگاهها، و باغهای گیاهشناسی شهر زادگاهش، سنت لوئیس، کمکهای مالی کرد.

### ۴۱. جورج رابرتز

دارایی خالص: ۴/۷ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۰/۳ میلیون دلار  
(۰/۹ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۰۰ میلیون دلار  
او به کلارمونت مک کنا کالج، جایی که در آن درس خوانده، یاری رساند. همچنین توسط صندوق توسعه سازمانی رابرتز، به منظور سرمایه گذاری در کارهای بشر دوستانه در سانفرانسیسکو تأمین بودجه می کند، که با استراتژی سرمایه گذاری بلندمدت بر ایجاد اشتغال تمرکز دارد.

### ۴۲. دیوید گفن



دارایی خالص: ۶ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۴۰ میلیون دلار  
(۰/۷ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۴۰۰ میلیون دلار  
غول صنعت موسیقی که برای گروههایی که با ایدز مبارزه می کنند بودجهای را اختصاص داد. او از هنر و بهداشت و درمان پشتیبانی می کند.

### ۴۳. جورج و سنتیا میجل

دارایی خالص: ۲ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۳۹/۵ میلیون دلار  
(۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۶۸ میلیون دلار

پیشگام شکستن لایه‌های سنگی زمین به روش هیدرولیک برای استخراج گاز، که در ماه جولای در گذشت. او بزرگترین اهداء کننده کمکهای بلاعوض به تگزاس ای اندام بود؛ یعنی جایی که در آن درس خوانده بود.

### ۴۴. مایکل موریتز و هریت هیمن

دارایی خالص: ۲/۶ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۳۸/۹ میلیون دلار  
(۱/۵ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۸۰ میلیون دلار

در دسترس نیست  
سرمایه گذاری که ۳۸ میلیون دلار به دانشگاه محل تحصیل خود، یعنی دانشگاه آکسفورد، برای صندوق بورس آموزشی دانشجویان کم درآمد اهداء کرد، که این مبلغ در واقع بخشی از ۱۱۵ میلیون دلاری است که قول پرداختش را داده است. این زوج همچنین مبلغی را به دانشکده جولیارد نیویورک بخشیدند.

### ۴۵. بروس کاونر

دارایی خالص: ۷/۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۳۰ میلیون دلار  
(۰/۶ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۰۰ میلیون دلار

در دسترس نیست  
میلیارد صندوق سرمایه گذاری که برنامه‌ای در سطح کارشناسی ارشد به همراه ۲۰ میلیون دلار به دانشکده جولیارد اعطا کرد، که واپسین کمک او به هنرستان مشهور هنرهای نمایشی ست.

### ۴۶. ارنست جی آر. و رابرتا شلر

دارایی خالص: در دسترس نیست  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۳۰ میلیون دلار  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۰۰ میلیون دلار  
رئیس بازنشسته شرکت سیلبرلاین منیوفکتورینگ بزرگترین اهداء کننده

کمکهای مالی به دانشگاه محل تحصیل خود، یعنی جورجیا تک، می باشد؛ جایی که دانشکده بازرگانی را به نام او کرده اند.

### ۴۷. شلبی وایت

دارایی خالص: در دسترس نیست  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۸/۲۸ میلیون دلار  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۳۳۰/۴ میلیون دلار

بیوه لئون لوی، بنیانگذار صندوق اوپنهایمر، ۲۰ میلیون دلار به منطقه بروکلین اهداء کرده است، که از جمله آکادمی موسیقی بروکلین، باغهای گیاهشناسی، و پارک پراسپکت را شامل می شود.

### ۴۸. رونالد پرنن

دارایی خالص: ۱۴ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۷/۷ میلیون دلار  
(۰/۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۵۲۵/۹ میلیون دلار

از جمله سرمایه گذاری در اهداف بزرگ: تحقیقات سرطان سینه، انجمن ملی پیشرفت رنگین پوستان، و بنیاد جنگل‌های استوایی.

### ۴۹. بیل و سوگراس

دارایی خالص: ۲/۲ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۵ میلیون دلار  
(۱/۱ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱۰۱ میلیون دلار

بزرگترین نیکوکار در میان پزشکان بدون مرز، از مؤسسين پیمکو، به سهم خود ۲۰ میلیون دلار به مرکز پزشکی سدار سینا در لس آنجلس کمک کرد.

### ۵۰. ریچارد و نانسی کیدنر

دارایی خالص: ۹/۸ میلیارد دلار  
کل مبلغ اهداء شده طی سال ۲۰۱۲: ۲۳/۶ میلیون دلار  
(۰/۲ درصد از دارایی خالص)  
کل مبلغ بخشیده شده در طول زندگی: ۱۵۱ میلیون دلار

مدیرعامل کیدنر مورگان مالی را به مدرسه کاتولیک بخش فقیرنشین شهر و دانشگاه رایس اهدا کرده است.



# توصیه‌هایی که سرسری نیستند

## توصیه‌ای که پس می‌زنید شاید بهترین توصیه باشد



■ اریک پالی

کارآفرین و مدیر  
شرکت مندوق  
تأمین سرمایه‌فاندر  
کلکتیو

در رابطه با میزان تلاش‌های شماست. در این مورد، سرمایه‌گذار تلاش می‌کند تا به شما گوشزد کند که همواره باید بیش از پیش روابط با مشتریان را توسعه دهید.

وقتی کتاب «تحویل دادن شادی» اثر «تونی سیه» مدیرعامل شرکت «زاپوز» را خواندم، کتاب را هم خردمندانه و هم خیلی بدیهی دیدم. این کتاب فرمول موفقیت زاپوز را شرح می‌دهد: یعنی قرار دادن مشتری در اولویت اول و ارائه خدمات بسیار خوشایند به مشتری. بیشتر آنچه سیه نوشته است بسیار به گفته‌های اکثر صاحبان کسب‌وکار نزدیک است. تفاوت موجود میان زاپوز و بسیاری از شرکت‌های دیگر، میزان انجام این کار است. زاپوز موفق می‌شود این کار را در سطح کاملاً متفاوتی در مقایسه با شرکت‌های دیگر انجام دهد.

به عنوان یک مدیر عامل، هرگز نباید کور کورانه به توصیه‌ها و پیشنهادهای افراد جامه عمل بپوشانید. حال چه آن فرد عضوی از تیم کاری شما باشد، چه عضوی از هیئت مدیره، و چه مشاور. دست آخر نتیجه هر چه باشد کاملاً به شخص شما برمی‌گردد. اما به طور قطع باید در پی بهترین توصیه‌ها باشید تا راه درست را پیدا کنید. برخی مواقع پاسخ مسئله را از شخصی می‌شنوید که گفته‌اش به طرز عجیبی کلیشه‌ای به نظر می‌رسد. اما به یاد داشته باشید که بدیهی بودن هر سخن، به معنای نادرست بودن آن نیست.

بدیهی هستند. و حرف آخر هم این است که «اگر کسب و کار آنقدر آسان بود، نیازمند ما نبودید.» اما بدون اهمیت دادن به اینکه این‌گونه پیشنهادها تا چه اندازه می‌توانند بدیهی باشند، یک دقیقه واقعاً به میزان اهمیت تلاش‌های خود ببینید. تا جایی که به مسائل اجرایی مربوط است، به طور معمول، پیروزی یا شکست شما در آغاز کار بازمی‌گردد به میزان اهمیتی که برای همین پیشنهادها به ظاهر بدیهی قائل هستید. توصیه‌ها ممکن است آنچنان مهم و تکان‌دهنده نباشند، اما در اکثر اوقات شرکت‌هایی موفق هستند که همان توصیه‌ها را می‌پذیرند و به طور جدی پیگیری می‌کنند.

برای مثال، یک دادوستد میان موسس شرکت و سرمایه‌گذار را در نظر بگیرید. سرمایه‌گذار نگران کیفیت گسترش مشتری‌های شماست و توصیه می‌کند زمان بیشتری را با مشتریان صرف کنید. این سخن برای ما کاملاً بدیهی به نظر می‌آید، و جوابتان این است که: «این کار را انجام داده‌ایم و ادامه هم خواهیم داد.» اما آیا با این حساب این بخش در چک لیست تیک زده شد و مسئله برطرف شد، نه؟ به هیچ وجه!

بله، واقعاً با مشتریان در ارتباط هستید، ولی آیا به اندازه کافی؟ چون از پیش در حال گفت‌وگو با مشتریان هستید، بسیار آسان است که توصیه‌ها را از سر باز کنید و ادامه دهید. به هر حال، توصیه‌ای که مثال زدیم به طور عادی بازتاب‌نگرانی سرمایه‌گذار

قبل از آنکه توصیه‌ای «بدیهی» را از سر خود باز کنید، با دقت بیشتری گوش کنید. گاهی وقت‌ها درست انجام دادن کار به جزئیات خیلی ریز بستگی دارد. به عنوان مدیرعاملی تازه‌کار، اکثر توصیه‌های تجاری که دریافت می‌کنید بدیهی به نظر می‌رسند. در واقع، به ندرت پیش می‌آید که سرمایه‌گذار یا مشاورتان پیشنهادی ارائه دهد که شما هرگز تا به حال در نظر نداشته‌اید. در بیشتر اوقات، پیشنهادها در یافتی، احتمالاً از قبل تا حدودی در حال اجرایی شدن هستند. فرض کنید شرکت شما با آن سرعتی که طبق برنامه پیش‌بینی شده بود پیشرفت نمی‌کند، و یکی از اعضای هیئت‌مدیره می‌گوید: «باید بخش فروش را تقویت کنید». شما هم به گونه‌ای کنایه‌آمیز با خود می‌گویید: «نه بابا؟! ممنون که به ما گفتی!» حتی پیشنهادهای ملموس‌تر مشاوران با تجربه نیز طبق معمول به طرز دردناکی بدیهی به نظر می‌رسند یا فقط مواردی هستند که شرکت از پیش آزموده است یا از قبل در حال انجام دادن آن‌هاست. این مسئله می‌تواند از دید شما زیاده‌خواهانه به نظر برسد، چون این نکته را القاء می‌کند که کار شما آنچنان ساده و آسان است که افراد فکر می‌کنند تنها با ارائه دادن پیشنهادها کلی‌قادر به انجامش هستند. گاهی وقت‌ها، وضعیت می‌تواند همانند یک آگهی تلویزیونی به نظر برسد. که در آن تعدادی تاجر شیک پوش و اتو کشیده در یک اتاق کنفرانس گرد آمده‌اند و در حال ارائه دادن پیشنهادهایی بسیار

# شبیه‌سازی در کنار مصاحبه

## تنها به مصاحبه استخدام وابسته نباشیم



■ اندی دان

از مؤسسين و مدير  
عامل شرکت پوشاک  
مردانه بنونوبس

با افراد دستچین شده‌ای است که همگی می‌گویند: «من فوق‌العاده‌ام». خنده دار است! علاوه بر گفت‌وگو با خود متقاضی، باید برای پیدا کردن افراد دیگری که با او کار کرده‌اند وقت بگذارید. و نکته مهم این است: تلاش برای برقراری ارتباط با آن افراد از طریق شبکه ارتباطی خود خودتان، چون در این صورت آن‌ها تا اندازه‌ای احساس مسئولیت خواهند کرد و صادق‌تر خواهند بود. ما برای استخدام معاونین، به یک منبع خارج از فهرست رسیدگی می‌کنیم. برای استخدام مدیران، دو منبع را بررسی می‌کنیم. و برای استخدام قائم مقام‌ها و مدیران ارشد دست‌کم به پنج منبع نیاز پیدا می‌کنیم. در اکثر اوقات غیر از این نیست، مادر مورد استخدام متقاضیان به خاطر منابع خارج از لیست آن‌ها هیچ‌جا زده‌تر می‌شویم. شما هم در استخدام این روش را امتحان کنید تا نتیجه حیرت‌انگیزش را ببینید.

به رو می‌شویم. جلسه‌ای برگزار می‌کنیم تا بفهمیم چه کار کنیم. در بیشتر موارد سطح بالا، به افراد می‌گوییم، اگر بخواهیم شما را استخدام کنیم، حدود ۴۰ ساعت از وقتتان را برای کار آزمایشی صرف می‌کنیم. شاید احتمالاً به نظر برسد، اما به طور ایده‌آل می‌خواهیم رابطه کاری ما دست‌کم تا چهار، پنج سال دوام بیاورد؛ که این مدت ۲۰ تا ۲۵ هفته کاری است. چرا برای شناخت درست افراد و توانایی آن‌ها یک هفته سرمایه‌گذاری نکنیم؟ و بدین ترتیب، اگر دست آخر به این نتیجه رسیدید که نمی‌خواهید با ما کار کنید، نتیجه بسیار خوبی است. دومین ابزار منابع خارج از فهرست است. یعنی منابعی غیر از آنچه که در فرم استخدام از متقاضی خواسته شده است. تمام افراد منابع داخل فهرست را ارائه می‌دهند، اما این کار مانند پر کردن پرسش‌های چندگزینه‌ای است. شبیه به صحبت کردن

مصاحبه ابزار مناسبی برای شناخت افراد نیست. در استخدام مانند خواستگاری کردن برخورد نکنید. قضاوت انسان در دوره احساسی در هر رابطه‌ای واقعاً بد است، چون هر دو طرف بهترین روی سکه خود را نشان می‌دهند. اما آنچه شما واقعاً می‌خواهید بشناسید، آن روی دیگر اشخاص و شرکت‌هاست. مادر شرکت‌مان به طور گسترده مصاحبه انجام داده‌ایم، اما گمان می‌کنم این کار سومین ابزار مناسب برای استخدام است. نخستین ابزار شبیه‌سازی واقعی کار برای فرد استخدام‌شونده است. ما در طی روند استخدام، برای مدتی با داوطلب‌ها کار می‌دهیم. برای مثال، در بخش خدمات مشتریان، و وظیفه پاسخگویی به ایمیل‌های مشتریان را به آن‌ها محول می‌کنیم. در مورد متقاضی قائم مقام، ممکن است او را برای مشاوره در زمینه تصمیم‌گیری معرفی کنیم. در این مرحله با نتایج رو



# ثروتمندترین‌های آفریقا

حالا که آفریقا در سربالایی اقتصادی قرار دارد  
مهره‌های آینده اقتصاد این کشور را بشناسید

مجله فوربس در سومین فهرست سالانه ثروتمندترین اشخاص آفریقا، به ترتیب ۵۰ سرمایه‌دار برتر از ده کشور آفریقایی را رتبه‌بندی می‌کند، که از قرار، برای نخستین بار، نامی از کشور الجزایر نیز در این فهرست به چشم می‌خورد. در اینجا ۱۰ نفر اول فهرست را از نظر می‌گذرانیم.



**۱- آلیکو دانگوت: ۲۰/۸ میلیارد دلار**  
منبع: سیمان. کشور: نیجریه  
شرکت سیمان دانگوت در ۸ کشور فعالیت کرده است و برای احداث کارخانه‌های جدید در کنیا و نیجر برنامه‌ریزی می‌کند. طی ماه می او اعلام کرد که یک پالایشگاه نفت ۹ میلیارد دلاری و تأسیسات پتروشیمی در نیجریه احداث خواهد کرد. این پالایشگاه و تأسیسات، اولین در نیجریه و بزرگترین در آفریقا خواهد بود.



**۲- ژوهان روبرت: ۷/۹ میلیارد دلار**  
منبع: کالی لوکس. کشور: آفریقای جنوبی  
دارایی اصلی او ۹ درصد از سهم شرکت سوئیسی ریشمون است، که مالکیت چندین نشان تجاری لوکس از جمله کارتیه، ون کلیف اند آرپلز، جیگر لوکولتر، و مونبلان را در دست دارد.



**۳- نیکی اوینهایمر: ۶/۶ میلیارد دلار**  
منبع: الماس. کشور: آفریقای جنوبی  
او در سال ۲۰۱۲، به منظور سرمایه‌گذاری در استخراج عظیم شرکت انگلو امریکن، ۴۰ درصد از سهامش را در شرکت دوپیز، که یک کسب و کار خانوادگی الماس است، به مبلغ ۵/۱ میلیارد دلار فروخت.



**۴- ناصف ساویرس: ۵/۹ میلیارد دلار**  
منبع: ساخت و ساز. کشور: مصر  
مدیر اجرایی صنایع ساخت و ساز اور اسکامدر ژانویه بیل گیتس را به عنوان سرمایه‌گذار به شرکت اضافه کرد. در ماه آوریل، این شرکت با پرداخت ۱ میلیارد دلار به مصر برای پایان دادن به دعوی مالیاتی موافقت کرد.



**۵- مایک ادنوکا: ۴/۴ میلیارد دلار**  
منبع: مخابرات، نفت. کشور: نیجریه  
شرکت او تحت نام گلوباکام، ۲۵ میلیون مشترک تلفن همراه در نیجریه و بنین دارد. او همچنین مالک یک شرکت اکتشاف نفت به نام کان ایل است.



**۶- کرستوفل ویز: ۳/۸ میلیارد دلار**  
منبع: خرده فروشی. کشور: آفریقای جنوبی  
او از یک سوتوسط‌شاپر ایت هولدینگز (بزرگترین خرده فروش مواد غذایی آفریقا) مواد غذایی عرضه می‌کند و از سوی دیگر به وسیله شرکت پیکور، که صاحب ۷ برند ارزان قیمت در صنعت پوشاک است، به تجارت پوشاک می‌پردازد.



**۷- ایزابل داز سانتوس: ۳/۵ میلیارد دلار**  
منبع: مخابرات، منابع متنوع. کشور: آنگولا  
دختر بزرگ رئیس جمهور آنگولا که مالک ۲۵ درصد از شرکت مخابراتی آنگولا به نام یونیتلاست است. این سهم توسط پدرش به او منتقل شده است، و همچنین سهامدار چندین شرکت پرتغالی است.



**۸- یسدر براه: ۳/۲ میلیارد دلار**  
منبع: مواد غذایی. کشور: الجزایر  
یک حسابدار تعلیم دیده، که در سال ۱۹۹۸ شرکت تولیدکننده مواد غذایی سویتال را تأسیس کرد. این شرکت در سال ۲۰۱۲، ۳/۵ میلیارد دلار درآمد داشت. ۵ فرزند او همگی در این شرکت مشغول به کار هستند.



**۹- محمد منصور: ۳/۱ میلیارد دلار**  
منبع: منابع مختلف. کشور: مصر  
شرکت خانوادگی او به نام منصور گروپ با وجود آشفتگی اوضاع در مصر، به لطف مالکیت نمادین‌های مجاز کاتر پیلار در ۸ کشور، همچنان از رونق برخوردار است. ناگفته نماند که این شرکت، همچنین صاحب سوپرمارکت مترو در مصر است.



**۱۰- عثمان بن جونن: ۲/۸ میلیارد دلار**  
منبع: منابع مختلف. کشور: مراکش  
شرکت مالی او، فاینانس کام، صاحب سهام بانکداری، بیمه، و مخابرات در مراکش است. بانک بی.ام.سی.ای، که او خود مدیریتش را بر عهده دارد، در ۱۸ کشور، به ویژه در آفریقا، فعالیت می‌کند.

## آمار ثروتمندان آفریقا

کل دارایی خالص ۵۰ ثروتمند
<b>۱۰۳/۸ میلیارد دلار</b>
میانگین دارایی خالص ۵۰ ثروتمند
<b>۲/۱ میلیارد دلار</b>

شمار زنان	۲ نفر
شمار تازه واردها	۸ نفر

بیشترین تعداد در میان ۵۰ ثروتمند نخست، متعلق به کدام کشور است؟

**آفریقای جنوبی**

۱۴ نفر

مسن‌ترین

**۱۷- میلود الشعی، ۸۴ ساله**  
۱/۹ میلیارد دلار  
منبع: منابع مختلف  
کشور: مراکش

جوان‌ترین

**۳۸- محمد دوجی، ۳۸ ساله**  
۵۰۰ میلیون دلار  
منبع: منابع مختلف  
کشور: تانزانیا

مهم‌ترین منابع درآمد	منابع مختلف ۱۲ منابع مالی ۷ املاک و مستغلات ۴ مخابرات ۴
رکوردار کسب ثروت بر حسب دلار و در صدر سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳	آلیکو دانگوت <b>۸۰۸ میلیون دلار</b> ایزابل داز سانتوس <b>۶۰۰ درصد</b>



# با آینده‌نگری واقعیت را تغییر دهید

دیدگاه‌ها و نظرات خود را با ما در میان بگذارید

[researchcenter@tccim.ir](mailto:researchcenter@tccim.ir)

